



# درنامه مهدویت

آینده جهان و جهانی شدن

رحیم کارگر

# درسنامه مہدویت، آئندہ جہان و جہانے شدن

رحیم کارگر

عضو هیأت علمی پژوهشگاہ علوم و فرہنگ اسلامی

سرشناسه	کارگر، رحیم، ۱۳۴۹ - Kargar, Rahim
عنوان و نام پدیدآور	درسنامه مهدویت، آینده جهان و جهانی شدن / رحیم کارگر.
مشخصات نشر	قم: حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۲۹۵ ص.
شابک	978-600-8372-43-1
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق -
موضوع	مهدویت
موضوع	Mahdism:
موضوع	مهدویت-- احادیث
موضوع	Mahdism-- Hadiths:
موضوع	اسلام -- آینده نگری
موضوع	Islam -- Forecasting:
موضوع	جهانی شدن -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	Globalization -- Religious aspects -- Islam:
شناسه افزوده	حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت
رده بندی کنگره	۲۲۲BP:
رده بندی دیویی	۲۹۷/۴۶۲:
شماره کتابشناسی ملی	۵۹۴۳۹۴۰:



#### درسنامه مهدویت، آینده جهان و جهانی شدن

- مؤلف: رحیم کارگر
- ناشر: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت
- ویراستار: ابوالفضل علیدوست
- صفحه‌آرا: رضا فریدی
- طراح جلد: عباس فریدی
- نوبت چاپ: اول / پاییز ۱۳۹۸
- مجری چاپ: گروه فرهنگی آثار غدیر
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۲-۴۳-۱
- شمارگان: هزار نسخه
- قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

○ قم: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهلا / کوچه امار (۲۲) / بین بست شهید علیان، پ ۲۴ /  
ص.پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ / تلفن: ۳۷۸۴۱۴۴۰ / ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۳۳) / فاکس: ۰۲۵-۳۷۳۷۱۶۰

- [www.mahdi313.ir](http://www.mahdi313.ir)
- [entesharatmarkaz@chmail.ir](mailto:entesharatmarkaz@chmail.ir)

کد فایل 0290113-3.doc

دفاتر بنیاد حضرت مهدی موعود (عج) در استان‌ها پاسخگوی درخواست‌های متقاضیان کتاب و محصولات فرهنگی بنیاد و مرکز تخصصی مهدویت می‌باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فهرست مطالب

۲۰	فصل اول: مفاهیم و کلیات
۲۱	مقدمه
۲۳	درس اول: اهمیت بحث آینده‌پژوهی و جهانی شدن
۲۴	یک. اسلام و آینده‌نگری
۲۴	مقدمه
۲۵	آینده‌نگری دینی
۲۹	ویژگی‌های آینده‌پژوهی اسلامی
۳۲	دو. جهانی شدن
۳۶	سه. پیشینه آینده‌پژوهی
۳۹	معرفی منابع آینده‌پژوهی
۴۲	پرسش‌های این درس
۴۳	درس دوم: مفهوم شناسی
۴۴	یک. آینده و آینده‌پژوهی
۴۴	مقدمه
۴۵	چیستی آینده‌پژوهی
۴۶	الف) پیش‌بینی (Forecasting)
۴۶	ب) آینده‌نگاری (Foresight)
۴۶	ج) آینده‌اندیشی (Futures)
۴۷	د) حوزه آینده‌اندیشی (Futures Field)
۴۷	ه) پیش‌گویی (Prediction)
۴۷	دو. جهانی شدن

الف) آزادسازی اقتصادی	۴۸
ب) گسترش روابط متقابل	۴۸
ج) برجسته شدن مرزهای جغرافیایی	۴۹
د) مدرنیته	۴۹
ه) گسترش فرهنگ لیبرال دموکراسی غربی	۵۰
و) فشرده شدن زمان و مکان و افزایش ارتباطات	۵۰
سه. مهدویت	۵۱
پرسش های این درس	۵۴
<b>فصل دوم: آینده و رویکردهای آینده شناسی</b>	<b>۵۵</b>
<b>درس اول: رویکردها و اهداف مطالعات آینده</b>	<b>۵۷</b>
رویکردهای مطالعات آینده	۵۸
۱. آینده شناسی به وسیله علوم غریبه، سحر و رمزگرایی	۵۸
۲. فلسفه تاریخ (محرک، فرآیند و فرجام تاریخ)	۵۹
۳. آینده شناسی از منظر ادیان و علوم نقلی	۵۹
۴. رویکرد تجربی در آینده پژوهی	۶۱
اهداف آینده پژوهی	۶۲
پرسش های این درس	۶۷
<b>درس دوم: آینده نگری در ادیان و مکاتب</b>	<b>۶۹</b>
انواع آینده نگری در ادیان	۷۰
۱. آینده نگری منفی	۷۰
۲. آینده نگری مثبت	۷۱
نقش ادیان در شکوفایی اندیشه آینده نگر	۷۲
مشترکات آینده نگری ادیان ابراهیمی	۷۴
الف) آینده نگری مثبت در منابع زرتشتیان	۷۵
ب) آینده نگری در بودا	۷۵
ج) آینده نگری مثبت در منابع یهود	۷۶
د) آینده نگری مثبت در منابع مسیحیت	۷۷
ه) آینده نگری مثبت در کتاب های مقدس هندیان	۷۷

۷۸	..... (و آینده نگری مثبت در منابع اسلامی)
۸۲	..... پرسش های این درس
۸۳	..... درس سوم: تئوری های معطوف به آینده
۸۴	..... مقدمه
۸۵	..... تئوری های خطی و تکاملی
۸۵	..... ۱. آگوست کنت (۱۷۹۸-۱۸۵۷ م)
۸۶	..... ۲. تالکوت پارسونز
۸۷	..... تئوری های ادواری (چرخه ای)
۸۸	..... ۱. ابن خلدون (۷۳۲-۸۰۸ ق / ۱۳۳۲-۱۴۰۶ م)
۹۱	..... ۲. توین بی (۱۸۸۹-۱۹۷۵ م)
۹۳	..... ۳. اسوالد اشپینگلر
۹۵	..... تئوری های تضاد (ستیز)
۹۵	..... ۱. کانت و نزاع خیر و شر
۹۸	..... ۲. آگوستین و نزاع شهر خدا و شهر زمین
۹۸	..... ۳. هانتینگتون و نزاع تمدن ها
۹۹	..... ۴. هگل (۱۷۷۰-۱۸۳۱ م)
۱۰۱	..... ۵. مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳ م)
۱۰۳	..... نقد دیدگاه های مذکور
۱۰۶	..... پرسش های این درس
۱۰۷	..... فصل سوم: آینده پژوهی و مهدویت
۱۰۹	..... درس اول: رویکردهای آینده پژوهی
۱۱۰	..... مقدمه
۱۱۱	..... ۱. رویکرد اکتشافی
۱۱۲	..... ۲. رویکرد هنجاری
۱۱۴	..... ۳. رویکرد تصویرپرداز
۱۱۸	..... پرسش های این درس
۱۱۹	..... درس دوم: روش های آینده پژوهی
۱۲۰	..... مقدمه

۱۲۱	..... روش‌های آینده‌پژوهی
۱۲۴	..... ۱. روش دیده بان
۱۲۵	..... ۲. تحلیل روند
۱۲۶	..... ۳. پوش محیطی
۱۲۷	..... ۴. چشم انداز سازی
۱۲۹	..... ۵. سناریو نویسی
۱۳۰	..... ۶. دلفی
۱۳۲	..... ۷. طوفان فکری
۱۳۳	..... ۸. تحلیل تاریخی
۱۳۳	..... ۹. مدل سازی
۱۳۴	..... ۱۰. شبیه سازی
۱۳۶	..... ۱۱. پس نگری
۱۳۶	..... ۱۲. تجزیه و تحلیل پیشران‌ها
۱۳۷	..... ۱۳. نقشه راه
۱۳۸	..... ۱۴. تحلیل لایه‌ای علت‌ها
۱۴۱	..... نقد روش شناس‌های آینده‌پژوهی
۱۴۳	..... پرسش‌های این درس
۱۴۵	..... <b>درس سوم: پیوندهای مهدویت و آینده‌پژوهی</b>
۱۴۶	..... مقدمه
۱۴۹	..... وجوه تشابه و تمایز آینده‌پژوهی و مهدویت
۱۵۰	..... الف) تشابه و اشتراکات
۱۵۰	..... ۱. توجه جدی به هر دو حوزه مطالعاتی
۱۵۰	..... ۲. ماهیت چندبعدی دو رشته
۱۵۱	..... ۳. جایگاه مهم تمدنی هر دو رشته
۱۵۲	..... ۴. رویکرد خوش بینانه و مطلوب به آینده
۱۵۳	..... ۵. اشتراک در رویکردها
۱۵۳	..... ۶. پس نگری از آینده به حال
۱۵۴	..... ۷. مؤلفه‌های آینده‌ساز
۱۵۵	..... ۸. تمرکز بر پیشران‌های آینده و علایم ضعیف تغییر

۹. تداخل موضوعی آینده‌پژوهی و مهدویت‌پژوهی ..... ۱۵۶
۱۰. آینده‌پژوهی؛ زمینه‌ساز طرح عملیاتی آموزه مهدویت ..... ۱۵۸
- ب) وجوه تمایز و تفاوت ..... ۱۵۹
۱. مهدویت؛ قلمرو واقعیت و حقیقت ..... ۱۵۹
۲. وحدت و تعدد سناریوها ..... ۱۵۹
۳. نوع توجه به آینده ..... ۱۵۹
۴. رهیافت‌های متفاوت: (دیدگاه‌شناسی دین به آینده در مقابل مطالعه مستقیم آینده) ..... ۱۶۰
۵. غایات مختلف دو حوزه مطالعاتی ..... ۱۶۰
۶. بنیان‌های معرفتی ..... ۱۶۰
۷. روش‌شناسی و ابزار شناخت ..... ۱۶۱
۸. حاکمیت تکنیک در آینده‌پژوهی و حاکمیت اراده الهی در مهدویت ..... ۱۶۳
- پرسش‌های این درس ..... ۱۶۵
- درس چهارم: کارکردهای آینده‌پژوهی در مهدویت‌پژوهی ..... ۱۶۷**
- مقدمه ..... ۱۶۸
- ضرورت توجه به آینده‌پژوهی دینی ..... ۱۷۱
- چشم‌اندازسازی و تصویر جامعه مطلوب ..... ۱۷۴
- تحلیل درست و آینده پژوهانه از روایات مهدویت ..... ۱۷۸
- الف) رویکرد اکتشافی ..... ۱۷۹
- ب) رویکرد تصویرپردازانه ..... ۱۸۰
- تنظیم و تدوین کارکردهای معرفتی آینده‌پژوهی ..... ۱۸۲
- الف) هستی‌شناختی ..... ۱۸۲
- ب) کارکرد ارزش‌شناختی ..... ۱۸۴
- ج) کارکرد نشانه‌شناختی آینده‌پژوهی ..... ۱۸۵
- شکل‌گیری دانش آینده‌پژوهی اسلامی (با محوریت مهدویت) ..... ۱۸۶
- الف) شکل دهی به آینده‌پژوهی دینی ..... ۱۸۶
- ب) آینده‌پژوهی، ابزار مهم مهدویت‌پژوهی ..... ۱۸۷
- ج) تعلق درونی آینده‌پژوهی، به مطالعات دینی (مهدوی) ..... ۱۸۷
- د) آموزه‌سازی مهدویت برای آینده‌پژوهی ..... ۱۸۸

۱۸۹	ه) تغییر جهت دادن به آینده پژوهی
۱۸۹	درون مایه های آینده پژوهانه اندیشه مهدویت
۱۹۱	پرسش های این درس
۱۹۳	<b>فصل چهارم: جهانی شدن و جهانی سازی</b>
۱۹۵	<b>درس اول: پیشینه و عوامل جهانی شدن</b>
۱۹۶	مقدمه
۱۹۷	پیشینه تاریخی جهانی شدن
۲۰۱	عوامل مؤثر بر جهانی شدن
۲۰۲	۱. به وجود آمدن شرکت های چندملیتی
۲۰۳	۲. شکل گیری سازمان های بین المللی
۲۰۳	۳. پیدایش بازار مشترک اروپا
۲۰۴	۴. تجربه اقتصادی چین
۲۰۴	۵. قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا)
۲۰۴	۶. پیدایش جامعه اروپا
۲۰۷	پرسش های این درس
۲۰۹	<b>درس دوم: دیدگاه ها و رویکردها در جهانی شدن</b>
۲۱۰	مقدمه
۲۱۱	دیدگاه های جهانی شدن
۲۱۱	الف) پروسه نگری
۲۱۲	ب) پروژه نگری
۲۱۲	ج) پدیده انگاری
۲۱۴	آثار منفی جهانی شدن
۲۱۶	موافقان و مخالفان جهانی شدن
۲۱۷	۱. موافقان جهانی شدن
۲۱۸	۲. مخالفان جهانی شدن
۲۱۹	پرسش های این درس
۲۲۱	<b>درس سوم: ابعاد و ویژگی های جهانی شدن</b>
۲۲۲	مقدمه

۲۲۲	ابعاد جهانی شدن.....
۲۲۲	۱. بعد اقتصادی و تکنولوژیک جهانی شدن.....
۲۲۳	۲. بعد فرهنگی.....
۲۲۴	۳. بعد سیاسی.....
۲۲۶	ویژگی‌های جهانی شدن.....
۲۲۸	۱. فرهنگ جهانی واحد.....
۲۲۹	۲. ایدئولوژی واحد جهانی.....
۲۳۰	۳. ارتباطات جهانی.....
۲۳۱	۴. اقتصاد و سرمایه داری جهانی.....
۲۳۲	۵. سیاست و تضعیف دولت‌های ملی.....
۲۳۳	۶. جهانی شدن مذهب.....
۲۳۵	پرسش‌های این درس.....
۲۳۷	<b>فصل پنجم: مهدویت و جهانی شدن.....</b>
۲۳۹	<b>درس اول: جهانی شدن در اندیشه مهدویت.....</b>
۲۴۰	مقدمه.....
۲۴۱	عناصر جهانی شدن مهدویت.....
۲۴۵	ویژگی‌های حکومت جهانی مهدوی.....
۲۴۵	۱. حاکمیت خداوند سبحان.....
۲۴۵	۲. امامت و رهبری.....
۲۴۶	۳. قانون واحد و دین واحد.....
۲۴۷	۴. حکومت واحد و فراگیر جهانی.....
۲۴۸	۵. امامت واحد جهانی.....
۲۴۹	۶. تحقق رفاه، علم و پیشرفت جهانی.....
۲۵۰	۷. سرنوشت مشترک بشر و غایت تاریخ.....
۲۵۱	پرسش‌های این درس.....
۲۵۳	<b>درس دوم: سیمای حکومت جهانی حضرت مهدی (عج).....</b>
۲۵۴	مقدمه.....
۲۵۷	حکومت جهانی مهدوی در آینه روایات.....

۲۵۸	سیمای حکومت جهانی مهدوی
۲۶۱	پرسش‌های این درس
۲۶۳	درس سوم: مقایسه حکومت جهانی مهدوی و جهانی سازی
۲۶۴	مقدمه
۲۶۴	برتری های حکومت جهانی مهدوی
۲۶۷	آموزه مهدویت، پایان بخش مشکلات
۲۶۹	پرسش‌های این درس:
۲۷۱	درس چهارم: جهانی شدن و زمینه‌های حکومت جهانی
۲۷۲	مقدمه
۲۷۳	زمینه سازی ظهور در قرآن کریم
۲۷۵	تغییر و آینده‌سازی با اراده‌های انسانی
۲۷۷	قانون مندی دگرگونی‌ها و تحولات بشر
۲۷۸	عوامل و زمینه‌های ظهور امام زمان
۲۷۸	۱. عامل انسانی انقلاب جهانی
۲۸۰	۲. عامل فرهنگی و دینی ظهور
۲۸۲	۳. عامل نظامی و امنیتی انقلاب جهانی مهدوی
۲۸۵	۴. عامل سیاسی انقلاب جهانی مهدوی
۲۸۵	جهانی شدن و زمینه‌سازی ظهور
۲۸۷	الف) زمینه سازی مثبت جهانی شدن
۲۸۸	ب) زمینه سازی منفی جهانی شدن
۲۹۱	جهانی شدن و فرصت سازی برای ظهور
۲۹۱	مهمترین ویژگی‌ها و مشترکات جهانی عصر جهانی شدن
۲۹۳	پرسش‌های این درس
۲۹۵	فصل ششم: مهدویت و سرانجام جهان
۲۹۷	درس اول: فرجام باوری در دین
۲۹۸	مقدمه
۳۰۱	ضرورت تاریخی تحقق جامعه مهدوی در فرجام جهان
۳۰۱	۱. جایگاه انسان در نظام آفرینش

۲۰۱	۲. اصل فطرت.....
۳۰۱	۳. رابطه فرد و جامعه.....
۳۰۲	۴. رابطه دنیا و آخرت.....
۳۰۳	۵. انواع کمال انسانی.....
۳۰۴	۶. واقعی بودن آرمان‌های اسلام.....
۳۰۵	۷. تقابل حق و باطل و غلبه نهایی حق.....
۳۰۶	اصول فرجام شناسی قرآن.....
۳۰۷	۱. توحیدی بودن تحولات آینده.....
۳۰۹	۲. نقش انسان و اراده او در شکل‌گیری آینده.....
۳۱۱	۳. جهت‌داری و هدف‌مندی تحولات آینده.....
۳۱۴	پرسش‌های این درس.....
۳۱۵	درس دوم: فلسفه تاریخ از دیدگاه شیعه.....
۳۱۶	مقدمه.....
۳۱۷	فلسفه تاریخ از دیدگاه شیعه.....
۳۱۸	یک. هدف و سرمنزل تاریخ (کمال و تکامل).....
۳۱۹	دو. مسیر و مکانیسم حرکت.....
۳۲۱	سه. سرانجام تاریخ.....
۳۲۲	آینده تاریخ از دیدگاه قرآن.....
۳۲۸	پرسش‌های این درس:.....
۳۲۹	درس سوم: آخرالزمان (جهان قبل از ظهور).....
۳۳۰	مقدمه.....
۳۳۴	یک. نشانه‌های آخرالزمان.....
۳۳۴	۱. گسترش ترس و ناامنی.....
۳۳۵	۲. تهی شدن مساجد از هدایت.....
۳۳۵	۳. جنگ و کشتار.....
۳۳۵	۴. بحران معنویت.....
۳۳۵	۵. وقوع اختلاف‌ها و درگیری‌های بسیار.....
۳۳۵	۶. سردی عواطف انسانی.....
۳۳۶	۷. گسترش فساد اخلاقی.....

۸. آرزوی کمی فرزند ..... ۳۳۶
۹. مرگ‌های ناگهانی ..... ۳۳۶
۱۰. پدید آمدن گرفتاری‌ها و مشکلات ..... ۳۳۷
- دو. نشانه‌های ظهور امام زمان ..... ۳۳۷
- الف) نشانه‌های عام و خاص ..... ۳۴۰
۱. نشانه‌های عام ..... ۳۴۰
۲. نشانه‌های خاص ..... ۳۴۱
- ب) نشانه‌های حتمی و غیر حتمی ..... ۳۴۲
- ج) علایم با فاصله و بی فاصله ..... ۳۴۵
۱. نشانه‌های نزدیک وقت ظهور ..... ۳۴۵
۲. علایمی که با ظهور فاصله زمانی دارد ..... ۳۴۵
- د) علایم زمینی و آسمانی ..... ۳۴۶
۱. علایم طبیعی و زمینی ..... ۳۴۶
۲. علایم آسمانی ..... ۳۴۶
- پرسش‌های این درس ..... ۳۴۸
- درس چهارم: عصر ظهور (جهان در دوران ظهور) ..... ۳۴۹**
- مقدمه ..... ۳۵۰
- مهم‌ترین برنامه‌ها و خواسته‌های دولت مهدوی: ..... ۳۵۲
- ویژگی‌های عصر ظهور ..... ۳۵۳
۱. تسلط بر همه عالم ..... ۳۵۳
۲. دین و آیین واحد جهانی ..... ۳۵۴
۳. عدالت فراگیر جهانی ..... ۳۵۶
۴. امنیت و صلح جهانی ..... ۳۵۶
۵. ملت واحد جهانی ..... ۳۵۷
۶. پیشرفت و رفاه جهانی ..... ۳۵۸
۷. کمال علم و عقل ..... ۳۵۹
۸. نوسازی و احیاگری ..... ۳۶۰
۹. رضایت و خشنودی جهانی ..... ۳۶۰
- پرسش‌های این درس: ..... ۳۶۲

۳۶۳	درس پنجم: جهان پس از حکومت جهانی
۳۶۴	مقدمه
۳۶۴	۱. رجعت
۳۶۹	۲. برپایی قیامت
۳۷۶	زمان قیامت
۳۷۸	پرسش‌های این درس
۳۷۹	درس ششم: پایان دنیا
۳۸۰	مقدمه
۳۸۱	نظریه‌های علمی در مورد پایان جهان
۳۸۴	نشانه‌های پایان دنیا در قرآن
۳۸۴	۱. متلاشی شدن کوه‌ها
۳۸۵	۲. انفجار دریاها
۳۸۶	۳. زلزله‌های عظیم و ویرانگر
۳۸۷	۴. تاریک شدن خورشید و ماه و ستارگان!
۳۸۸	۵. شکافتن کرات آسمانی
۳۹۲	پرسش‌های این درس
۳۹۳	الف) کتابها

آینده واقعی است اجتناب ناپذیر که انسان و جوامع به سوی آن حرکت می‌کنند و سرانجام به آن خواهند رسید. طبیعت و سرشت بشری بر آن است که پایان خوشی را به دست آورد؛ پایانی که نتیجه همه آرزوها و تلاش‌هایش است. بر این اساس آشنایی نسبت به آینده و احتمال تغییر آن در جهت خواسته‌های بشر از جایگاه ممتازی در مباحث علوم انسانی برخوردار است.

در هم تنیدگی روابط اجتماعی که در زندگی فعلی و سرانجام زندگی انسان‌ها تأثیر مستقیم دارد از یک سو، و سرشت استخدام و استفاده از توان دیگران برای رسیدن به خواسته‌ها از سوی دیگر، بحث آینده جهان و جهانی‌شدن را دارای اهمیت ویژه‌ای کرده است. آموزه‌های وحیانی به عنوان شریان حیاتی زندگی حقیقی انسان‌ها به ابعاد مختلف زندگی بشری پرداخته است که در این میان پرداختن به آینده حرکت بشری و سرانجام آن، جایگاه والایی به خود اختصاص داده است. موعود نهایی جهان و مهدویت از اصلی‌ترین حقایقی است که فراروی زندگی بشری قرار گرفته و معارف مربوط به آن نیز از اصالت و اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

نوشتار پیش رو با عنوان «درسنامه مهدویت، آینده جهان و جهانی‌شدن» حاصل تلاش محقق ارجمند جناب حجت الاسلام و المسلمین رحیم کارگر، محقق و عضو هیئت علمی پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی است که با درخواست مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم و همکاری ایشان به رشته تحریر در آمده است تا به عنوان یکی از منابع و متون آموزشی این مرکز حوزوی مورد استفاده قرار گیرد. لازم است از همه کسانی که در تدوین و طبع این اثر ارزشمند همکاری نموده‌اند سپاس و مراتب قدردانی خود را تقدیم نمایم و توفیق روزافزون را برای همه ارادتمندان مکتب اهل البیت علیهم‌السلام از خداوند متعال خواهانم.

معاونت پژوهش مرکز تخصصی مهدویت

مهدی یوسفیان

## مقدمه

«مهدویت»، نقل اساسی آینده‌شناسی دینی و محور اصلی آینده‌نگری الهی است که بیشتر مسائل و موضوعات حال و آینده جامعه بشری را در بر می‌گیرد و امری خارج از زندگی بشری و تحولات جهانی نیست. به همین جهت هر نوع تحول و دانش مربوط به آینده و جامعه جهانی، به نوعی با مهدویت و انتظار جهانی موعود و حکومت جهانی مهدوی در ارتباط است. در این راستا دو مساله و پدیده مهم در جهان معاصر شکل گرفته که هر یک، از جنبه‌های مختلف حائز اهمیت است: ۱. دانش آینده‌پژوهی و آموزه‌ها و مؤلفه‌های مختلف آن؛ ۲. جهانی‌شدن و ابعاد و عرصه‌های مختلف آن.

آینده‌پژوهی، دانش، هنر، فن و یا رویکرد خاصی در مطالعه، شناخت، تدبیر و هدایت آینده جهت تحقق اهداف، خواسته‌ها، برنامه‌ها و ایده‌های مطلوب است و یکی از کارآمدترین و به روزترین و دلنشین‌ترین دانش‌های بشری به حساب می‌آید که می‌تواند نقش بسزایی در اصلاح و بهبود اوضاع بشر و رهنمونی جوامع به سمت وضعیت مطلوب و متعالی داشته باشد. آینده‌پژوهی، دانش اخذ تصمیم‌ها و سیاست‌های مطلوب و کارآمد در زمان حال است که می‌تواند انقلابی در آینده ایجاد کند و رابطه درستی بین گذشته و حال و آینده برقرار سازد. آینده‌پژوهی با بالا بردن سطح درک و فهم افراد و کشورها از تحولات حال و آینده و فراهم ساختن امکان انتخاب بهترین و زیباترین آینده - از میان انواع آینده‌ها - می‌تواند دگرگونی‌های اساسی در نگرش‌ها، رویکردها، برنامه‌ریزی‌ها، اقدامات، سیاست‌ها و راهبردها ایجاد کند و جلوی خمودگی، اهمال و سستی، بی‌تفاوتی، ضعف، وادادگی و بی‌ارادگی افراد و گروه‌ها و دولت‌ها را بگیرد و آنان را وارد کارزار

آینده‌نگری و آینده‌سازی نماید. به همین جهت این دانش، از ابعاد و زوایای مختلف با مهدویت و آرمان‌شهر مهدوی و فرهنگ انتظار ارتباط وثیق و سازنده‌ای دارد و لازم است مهدویت‌پژوهان، ضمن مطالعه و شناخت عمومی آینده (مبتنی بر آیات و روایات)، با دانش روش‌مند و نظام‌مند آینده‌پژوهی آشنا شده و بتوانند از ظرفیت‌ها و توانایی‌های این دانش جهت تحقق اهداف و ایده‌های منتظرانه و ترسیم آینده مطلوب بهره ببرند. مهدویت رکن اصلی آینده‌پژوهی اسلامی است و به همین جهت اتخاذ هر رویکردی در مطالعه و تدبیر آینده، بدون توجه به مهدویت و فرهنگ انتظار، ناقص و ناکارآمد خواهد بود.

جهانی‌شدن نیز به عنوان پدیده‌ای که جامعه جهانی را در یک جامعه واحد و فراگیر گرد هم می‌آورد و باعث افزایش ارتباطات جهانی و گسترش تعاملات جمعی و نشر اطلاعات عمومی می‌شود، یکی از موضوعات مهم چند دهه اخیر است که طلیعه‌های شکل‌گیری جامعه واحد جهانی را به ارمان آورده و انسان‌ها را از جنبه‌های مختلف به هم نزدیک ساخته است. چنین چیزی به طور کامل در عصر ظهور و حکومت جهانی محقق خواهد شد؛ به همین جهت مطالعه و نقد و بررسی جهانی‌شدن و جهانی‌سازی و تبیین ارتباط آن با جامعه موعود الهی و... ضرورت زیادی دارد و فرصت مناسبی برای نقد دیدگاه‌های جهانی‌سازی غربی و اثبات و شناساندن آرمان‌شهر مهدوی می‌باشد. جهانی‌شدن سیاست و فرهنگ و اقتصاد و تکنولوژی و... برای موعود باوران، امری بیگانه و غریب نیست؛ بلکه یک تحول آشنایی است که در صورت اتخاذ سیاست مناسب در برخورد با آن، می‌تواند تبدیل به بهترین فرصت تشکیل حکومت جهانی مهدوی گردد و انسان‌ها را به سمت آینده مطلوب و جامعه مطلوب و وضعیت مطلوب جهانی سوق دهد. بر این اساس بایسته است در مطالعات مهدوی، نگاه جامع و کاملی به جهانی‌شدن و ابعاد مختلف آن شده و تأثیرگذاری‌های مثبت یا منفی آن در شکل‌گیری جامعه واحد قرآنی بررسی گردد که پژوهش حاضر، عهده‌دار تبیین بخشی از این مباحث است. امید آنکه پژوهش‌گران و دانش‌پژوهان با مطالعه و تدبیر در آن، زمینه‌های شکوفایی و بالندگی تمام مباحث مربوط به مهدویت و آینده‌پژوهی و جهانی‌شدن را فراهم سازند.

پژوهش حاضر با همکاری و همیاری خوب مراکز علمی - پژوهشی مرکز تخصصی

مهدویت حوزه علمیه قم و پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی صورت گرفته که جا دارد از مسوولان و دست اندرکاران هر دو مرکز تقدیر و تشکر قلبی خود را ابراز کنم. همچنین بر خود لازم می دانم تشکر ویژه‌ای داشته باشم از عالم فرهیخته جناب حجت الاسلام و المسلمین مهدی یوسفیان که با عنایت خود و نقطه نظرات سازنده، باعث به ثمر نشستن این کتاب شدند. نیز تشکر ویژه‌ای دارم از مهدویت‌پژوه گرانمایه، حجت الاسلام سعید توسلی‌خواه که با تلاش‌های فراوان و پیگیری‌های مداوم خود، نقش مهمی در تکمیل و به مقصود رسیدن این اثر داشته اند. در نهایت از همکاری‌ها و تلاش‌های مجدانه حجج اسلام علی مصلحی، علی حیدری، سید حامد شاهرخی و ... در به ثمر نشستن این کتاب، کمال تقدیر و سپاس را دارم.

رحیم کارگر

## فصل اول:

### مفاهيم و کلیات

## مقدمه

درسنامه پیش رو، حاوی مطالبی درباره «مهدویت»، «آینده‌نگری دینی»، «آینده‌پژوهی» و «آینده جهان» و «جهانی شدن» و «انقلاب جهانی مهدوی» است. مهم‌ترین بعد آن، توجه روش‌مند و فراگیر به آینده‌نگری است. «آینده» برای ادیان، مکتب‌ها، فرهنگ‌ها، ملت‌ها، نهادها و حتی افراد با اهمیت بوده و در اتخاذ برنامه‌ها، اقدامات و سیاست‌گذاری‌ها تأثیری بسزا دارد. آینده سرمایه معنوی و مادی و ثروت نرم است. لذا هر جامعه و نهادی که خواستار تحولات بنیادی است، ضرورتاً باید با استفاده از روش‌های مختلف، به کشف و طراحی ناشناخته‌ها و جهان آینده بپردازد؛ به خصوص این که آینده جهان - براساس پیش‌بینی‌های فراوان - دانش محور و بر فرهنگ سالاری مبتنی است. در واقع، جهان، در حال گذر از عصر صنعت و تولید محوری، به سوی عصر اطلاعات و دانایی و دانش محوری است و جامعه جهانی، جامعه‌ای فرهنگی خواهد بود. در این سو، شناخت دیدگاه دین در مورد آینده‌شناسی اهمیت بسزایی دارد و می‌تواند افق‌های روشن و دقیق‌تری فرا روی ما بگشاید و از طرفی بر نقش اراده‌های انسانی تحت مشیت قاهر الهی تأکید کند؛ ضمن آن که دین اسلام، چشم‌اندازی روشن و الگویی کامل و مطلوب از آینده ارائه کرده است.

آموزه‌های وحیانی اسلام، از ذخایر و دستمایه‌های ضروری برای مطالعه نظام آینده سرشار است که در قالب آینده‌پژوهی قابل ارائه است. از دیدگاه دینی، «آینده» دین مدار، حق‌گرا و اخلاق محور خواهد بود که انسان‌ها در آن، به کمال عقلی و اخلاقی و اجتماعی و مقام عبودیت و بندگی می‌رسند. بر این اساس، شناخت و بررسی آینده جهان و هدف تاریخ با توجه به آموزه مهدویت، بررسی ویژگی‌های جهانی شدن و جهانی‌سازی و ارتباط

آن با حکومت جهانی امام عصر علیه السلام و تبیین نقاط افتراق جهانی‌سازی مهدوی با دیگر جهانی‌سازی‌ها و ارائه راهکارهای بهره‌وری از فرصت‌ها و ظرفیت‌های به وجود آمده، برای زمینه‌سازی ظهور و انقلاب جهانی مهدوی؛ از اهداف مهمی است که باید به آنها توجه خاصی داشت.

این مسئله در کنار شناخت و مطالعه پدیده‌ای چون جهانی‌شدن و جهانی‌سازی، اهمیت دوچندانی دارد. جهانی‌شدن و به عبارت روشن‌تر، «شکل‌گیری دهکده جهانی» از ویژگی‌های اساسی جهان معاصر است که باید به دقت ابعاد آن مورد بررسی قرار گیرد و اشتراک‌ها و تمایزهای آن با حکومت جهانی تبیین گردد.

امام خمینی علیه السلام درباره اتخاذ رویکرد درست به آینده می‌فرماید: «کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته‌اند؛ پس باید خامی نکنیم و [نباید] از کنار اهانت کنندگان به مقام مقدس پیامبر و اسلام و مکتب بگذریم! خلاصه کلام این که ما باید بدون توجه به غرب حيله‌گر و شرق متجاوز و فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان، در صدد تحقق فقه عملی اسلام برآییم؛ و آلا مادامی که فقه در کتاب‌ها و سینه علما مستور بماند، ضرری متوجه جهان‌خواران نیست و روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی‌تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست. حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهبای عکس‌العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علمای بزرگوار اسلام از هم اکنون باید برای این موضوع فکری کنند»<sup>۱</sup>.

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۹۲.



## اهمیت بحث آینده‌پژوهی و جهانی شدن

### آموزه‌های این درس

۱. جایگاه و اهمیت آینده‌نگری در اسلام؛
۲. اهمیت بحث از آینده‌پژوهی و جهانی شدن؛
۳. تاریخچه شکل‌گیری آینده‌پژوهی؛
۴. آشنایی با منابع آینده‌پژوهی.

## یک. اسلام و آینده‌نگری

### مقدمه

شناخت آینده، همیشه مورد توجه مردم و دانشمندان بوده و رویکردها و شیوه‌های مختلفی نیز در این زمینه ارائه شده است. در این میان قرآن به «آینده» دقیق‌ترین و عمیق‌ترین نگاه‌ها را دارد و رویکردها و اصول مشخص و روشنی در این مورد اتخاذ کرده است. «آینده» کلید واژه اصلی در قرآن، به منظور ایجاد آگاهی و آمادگی برای داشتن آینده‌ای روشن و متعالی است. این آینده هرچند برای انسان‌ها مبهم و ناشناخته است؛ قابل مطالعه و اندیشیدن و تأمل است؛ یعنی امری است که همه باید به آن متوجه شده و خود را از هر لحاظ برای شکوهمندی و تعالی آینده آماده سازند. این آینده، هم می‌تواند فرجام نهایی انسان در عالم آخرت باشد و هم آتیه زندگی او در دنیا. بر این اساس، آینده‌پژوهی اسلامی، به این معطوف است که انسان درباره اعمال و رفتار خود بیندیشد و با دانایی و توانایی‌های خود متوجه آینده باشد و برای رشد و بالندگی آن بکوشد. قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ...»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید و هر انسانی منتظر رسیدن به اعمالی که از پیش فرستاده است، باشد...». امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «برای دنیای خود چنان کار کنید که گویی تا

ابد در آن زنده اید و برای آخرت خود چنان کار کنید که گویی فردا خواهید مرد».<sup>۱</sup>

بر اساس آیات قرآن، شناخت آینده و اطلاع بر غیب، دارای منفعت و خیر فراوانی برای انسان است؛ زیرا وی را متوجه «خیر» و «شر» خود و گزینش خیر می‌کند؛ اما علم قطعی و یقینی به آن، تنها در دست خداست: «قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَأَسْتَكْثِرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَ مَا مَسْنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَ بَشِيرٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»؛<sup>۲</sup> بگو: من مالک سود و زیان خویش نیستم؛ مگر آن‌چه را خدا بخواهد [و از غیب و اسرار نهان نیز خبر ندارم، مگر آن‌چه خداوند اراده کند] و اگر از غیب با خبر بودم، سود فراوانی برای خودم فراهم می‌کردم و هیچ بدی [و زیانی] به من نمی‌رسید...». بر اساس این آیه، هر کس بتواند به غیب دسترسی پیدا کند و بر آینده قطعی دانا شود، به یقین خیر و منافع فراوانی به دست خواهد آورد؛ اما علم غیب و شناخت آینده قطعی، به خدا اختصاص دارد و غیر او هرچه باشد، وجودش محدود است و ممکن نیست که مخلوقی از حدش بیرون شده و به آن‌چه خارج و غایب از اوست آگاه گردد و معلوم است که هیچ موجودی، غیر محدود و غیر متناهی و به تمام اشیا محیط نیست، مگر خدای تعالی. ولی این حقیقت که انسان‌ها به شناخت آینده قطعی قادر نیستند، سبب نمی‌شود نسبت به شناخت آن بی تفاوت باشیم.

### آینده‌نگری دینی

یکی از پایه‌های اصلی شناخت «آینده»، شناسایی روندهایی است که از گذشته وجود داشته و احتمالاً تا آینده امتداد خواهد یافت. این مسئله می‌تواند بر شناسایی مولفه‌های فراوانی از تاریخ و... مبتنی باشد که از منظر قرآن به بخشی از آنها «سنت‌های تاریخی» گفته می‌شود. «گذشته»، همواره کلید شناخت آینده به حساب می‌آمده و پند و عبرت گرفتن از حوادث و رویدادهای پیشین، به تغییر روش‌ها و منش‌ها و عدم گرفتار آمدن به وضعیت گذشتگان منجر خواهد شد. قرآن می‌فرماید: «وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ

۱. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۶، ح ۳۵۶۹.

۲. اعراف: ۱۸۸.

أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ<sup>۱</sup> و چه بسیار اقوامی را که پیش از آنها هلاک کردیم؛ اقوامی که از آنان قوی‌تر بودند و شهرها و [کشورها] را گشودند. آیا راه فراری [از عذاب الهی] وجود دارد؟ در این تذکری است برای آن کس که عقل دارد، یا گوش دل فرا می‌دهد؛ در حالی که حاضر باشد. براساس این آیه، هر آن، نابودی و هلاکت عده‌ای از مردم به دلیل دوری از حق و حقیقت محتمل است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

کلمه قلب، به معنای نیرویی است که آدمی به وسیله آن تعقل می‌کند و حق را از باطل تمیز می‌دهد. خیر را از شر جدا و نافع را از مضر فرق می‌گذارد و اگر تعقل نکند و چنین تشخیص و جداسازی نداشته باشد، در حقیقت وجود او مثل عدم او خواهد بود؛ چون چیزی که اثر ندارد، وجود و عدمش برابر است و معنای القای سمع، همان گوش دادن است؛ چرا که انسان هنگام گوش دادن به سخن کسی، گوش خود را در اختیار او می‌گذارد تا هر چه خواست به او بفهماند و کلمه شهید، به معنای حاضر و مشاهده کننده است.<sup>۲</sup>

در واقع، در این جا عبرت‌گیری از تاریخ و شناسایی مسیر روندهای گذشته که در منابع دینی هم مورد اشاره قرار گرفته است؛ می‌تواند در شناخت آینده راهگشا باشد.

از طرفی «پیشگویی و حیانی» و خبر دادن غیبی از آینده، یکی از رویکردهای اصلی قرآن در شناخت آینده است. «غیب‌گویی»، به معنای خبر دادن از امور پنهانی و نامعلوم است. قرآن به چیزهایی که از قلمرو حس بشر بیرون است (مثل علم به آینده)، «غائبه» می‌گوید: «وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ؛ و هیچ موجود پنهانی در آسمان و زمین نیست، مگر این که در کتاب مبین ثبت است».<sup>۳</sup> قرآن در آیات متعددی، خدا را با صفت «عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ»<sup>۴</sup> وصف می‌کند. مقصود این است که علم او بر آنچه از قلمرو حواس بشر خارج است، یا در قلمرو حواس او قرار دارد، محیط و مسلط و او

۱. ق: ۲۶ و ۳۷.

۲. طباطبایی، المیزان، ج ۳، ص ۲۴۹.

۳. نمل: ۷۵.

۴. انعام: ۷۳؛ توبه: ۹۴؛ رعد: ۹؛ مؤمنون: ۹۲ و ...

بر همه چیز آگاه است. آگاهی از غیب باید از تمام قراین و شواهد تجربی، پیراسته باشد و از طریق اسباب عادی و مجاری علمی به دست نیاید. از باب نمونه، پیامبر اسلام از طریق وحی قرآنی، از پیروزی مجدد رومیان بر پارسیان، در مدت محدودی به طور قطع و یقین گزارش داد و فرمود: «... فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ فِي بَضْعِ سِنِينَ؛ رومیان مغلوب شدند و [این شکست] در سرزمین نزدیکی روی داد؛ اما آنان پس از این مغلوب شدن، به زودی غلبه خواهند کرد در چند سال...»<sup>۱</sup> برای گزارش پیامبر ﷺ مستندی جز وحی الاهی نبود و هرگز این آگاهی را از مجاری و اسباب عادی، مانند موازنه قدرت‌های نظامی دو ملت، بررسی روحیه سربازان و افسران و... به دست نیاورده بود. وی در محیط حجاز بریده با خارج، نبودن وسایل ارتباط جمعی و یا تبادل اطلاعات نظامی و سیاسی، چنین گزارشی در اختیار جامعه نهاد و به همین دلیل، این‌گونه خبرهای غیبی، یکی از مصادیق اعجاز این کتاب جاویدان به شمار می‌رود.<sup>۲</sup> این نوع آینده‌شناسی به خدای متعال اختصاص دارد؛ هر چند بسیاری از پیشگویی‌های غیبی و وحیانی می‌تواند در شناخت آینده مفید و پرثمر باشد و مسیر و جهت آینده را نشان دهد. به همین دلیل، آینده‌پژوهی دینی، تنها با استفاده از آموزه‌های غیبی و وحیانی که در منابع دینی ذکر شده است، می‌تواند در شناخت آینده مسیر مطمئن‌تر و روشن‌تری طی کند.

در نهایت، انسان با داشتن آرمان‌های بلند و آرزوهای متعالی و یا شناخت این آرمان‌ها و اهداف والا، رو به آینده‌ای زیبا و با شکوه دارد و به همین دلیل، تصویرپردازی روشن و واقعی از آینده، مسیر زندگی او را تغییر داده و او را در مسیری درست و تاثیرگذار قرار می‌دهد. قرآن با تصویر جامعه‌ای آرمانی و مطلوب، بر اراده و خواست انسان‌ها تاثیر می‌گذارد و حرکت و رشد جوامع را باعث می‌شود. آرمان‌گرایی قرآنی، افکار و اندیشه مسلمانان را همواره متوجه آینده و آنان را برای رسیدن به آن جامعه کامل تشویق کرده است. این امر به اندازه‌ای مهم، قطعی و بایسته توجه است که خدای متعال، خود، تحقق جامعه آرمانی اسلامی را بر روی زمین وعده داده است: ﴿وَوَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ

۱. روم: ۴ و ۳.

۲. سبحانی، منشور جاوید، ج ۸، ص ۲۸۹ و ۲۹۰.

عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...<sup>۱</sup> این جامعه آرمانی، دارای ابعاد و ویژگی هایی است که در مباحث آتی به آنها اشاره خواهد شد. مهم ترین هدف و برنامه این جامعه، رسیدن به سعادت و کمال واقعی است که در پرتو دوراندیشی و خرد ورزی به دست می آید. جامعه آرمان گرای قدسی، با نگاهی جامع و دقیق به آینده، برای اعلاهی «کلمة الله» و حاکمیت عقلانیت، معنویت و عدالت می کوشد. بر اساس آرمان گرایی قرآنی، شرط رسیدن به این جامعه مطلوب، اراده های توانمند و پر تلاش انسان ها است. بر این اساس، آینده پژوهی، به طور کامل از آرمان گرایی قرآن بهره می برد و تصویر جامع و روشن آن را به عنوان چشم انداز قدسی، برای جامعه بشری ارائه می کند.

از منظر قرآن، جهان و هر آن چه در آن هست، به سمت و جهتی مشخص و معین در حرکت است. این حرکت و پویش کلان، طوری برنامه ریزی شده که همه تحولات و دگرگونی ها را تحت تاثیر قرار می دهد و چیزی خارج از آن رخ نمی دهد. آری، بر اساس آیات قرآن، جهان هستی بر اساس «حق» آفریده شده، بنابراین، هدفی شکوهمند و متعالی دنبال می کند و آفرینش، باطل و بیهوده و بازیچه نیست. این آینده روشن، رسیدن انسان به رشد و تکامل است. در واقع، عالم هستی، به منزله میدان بزرگی است که انسان باید در آن مسابقه بدهد و تحت آزمایش و امتحان قرار گیرد؛ چنان که در قرآن آمده است: ﴿وَوَخَّلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ لِيُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ؛<sup>۲</sup> و خداوند آسمان ها و زمین را به حق آفریده است تا هر کس در برابر اعمالی که انجام داده است، جزا داده شود...﴾.

آینده پژوهی، با توجه به این نکته مهم، می تواند سمت و سوی رویدادها و حوادث را شناسایی و در تحلیل های خود، به این غایت مندی و هدف اساسی توجه کند. البته مؤلفه های متعددی برای آینده پژوهی در قرآن وجود دارد و غیر از ورود به غیب (که این ورود در حیطه علم الاهی است)، انسان می تواند از منظرهای مختلف وارد این حوزه شود.

۱. نور: ۵۵.

۲. جائیه: ۲۲.

## ویژگی‌های آینده‌پژوهی اسلامی

بر اساس ادبیات آینده‌پژوهی و گزاره‌های مرتبط از دین مبین اسلام، می‌توان ویژگی‌های آینده‌پژوهی اسلامی را - که در بعضی موارد با آینده‌پژوهی عرفی مشترک است - چنین بر شمرد:

۱. از آن جا که خاستگاه اصلی انسان برای آینده‌پژوهی، دو عامل «عقل» و «وحی» (قرآن و روایات اهل بیت عصمت) می‌باشد؛ ساخت آینده نیز با این دو عامل امکان‌پذیر است؛ با این تفاوت که محصول عقل تجربی، علم و فناوری است و وحی، جهت دهنده و تکامل بخش آن، به سوی حقایقی فراتر از عالم حس و تجربه است.

۲. از نگاه اسلام، حوزه بحث و اثر آینده‌پژوهی - چه به مفهوم علم و چه به مفهوم فناوری - آینده انسانی است که دارای دو بعد جسم و روح و در شأن خلیفه الهی آفریده شده است تا با پاسداری از امانت الهی در عرصه خاک به نقش آفرینی مشغول شده و به مراتب عالی حیات مادی و دریافته‌های معنوی نایل گردد. انسان، در جهان بینی اسلامی، دارای جایگاه و ویژگی‌های مشخصی در ابعاد فردی و اجتماعی در صحنه عالم است، لذا آینده‌پژوهی در فضای مفهومی اسلام، با چالش علم تجربی و فلسفی برای تعریف رابطه انسان، طبیعت و خدا، مواجه نیست.

۳. در آینده‌پژوهی از نگاه اسلام، با تکمیل دیدگاه بعضی از دانشمندان، خاستگاه نگاه انسان به آینده، پس از نیاز انسان به حفظ بقای مادی، به حس کمال‌جویی و تأمین سعادت ابدی تعریف می‌شود.

۴. آینده‌پژوهی از نگاه اسلام، با حوزه‌هایی از مطالعه آینده ارتباط برقرار می‌کند که به نوعی با آینده انسان و جامعه رابطه داشته باشد و اسلام برای این مطالعه نیز به مطالعه بین رشته‌ای، اعم از علوم تجربی، فلسفی و اسلامی قائل است.

۵. آینده‌پژوهی دارای دو وجه «اکتشافی» و «تجویزی» است که در اسلام هم مورد توجه است. از طرفی با وجهه اکتشافی خود، هم در واکاوی محیط محسوس در مورد انسان و جامعه (علوم طبیعی و فناوری‌های سخت) برای تسلط بر طبیعت سعی داشته و هم در واکاوی ظرفیت‌های روحی و روانی انسان و جامعه (علوم انسانی و فناوری نرم)

برای تدبیر بهتر امور فردی و اجتماعی اهتمام دارد. از طرف دیگر، بر اساس وجه تجویزی متخذ از منابع قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام، آینده مطلوب را ترسیم می‌کند. حتی برای رسیدن به آینده امن و پایدار به آن تکاپوی اکتشافی - به ویژه در بعد نرم‌افزاری - جهت می‌دهد. نگاه اسلام به آینده‌پژوهی از سطح (روش و ابزار بررسی آینده) فراتر بوده و در خصوص (چرایی، محتوا و فلسفه بررسی آینده) و در حقیقت در زمینه سوددهی به روش‌ها، ابزارها و فرایندها بحث می‌کند؛ اما هم در جنبه اکتشافی آینده و هم در جنبه تجویزی آن، بر روش‌شناسی‌های منطقی تأکید دارد.

۶. آینده‌پژوهی، انسان و جامعه انسانی را دور از تشویش تجربه‌های ناقص بشری، در مسیر کلی منتج به سعادت فرا می‌خواند و این، بر اساس نظام فلسفی تاریخی اسلام است. ۷. آینده‌پژوهی از نگاه اسلام، جدا از این که فهم چیستی آینده را از ظرفیت عقلی و معرفتی بشر فراتر می‌داند، انسان را به بهره‌گیری از عقل تجربی و عقل فلسفی و فراسوی آن‌ها، خرد جمعی، برای طراحی آینده تشویق می‌کند. جالب توجه این که گزاره‌های اسلام در باب آینده، بیش از آن که بر «شناختن» تأکید داشته باشد، بر «ساختن» و «برنامه‌ریزی» برای آن دلالت دارد.

۸. با توجه به آموزه‌های اسلام، شکل‌گیری آینده در بستر اراده الهی قابل بررسی است، لذا آرمان‌ها و اقدامات ما به انضمام پیش‌بینی و بررسی حوادث و روندهای جاری سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و طبیعی، می‌تواند به ساخت آینده‌ای امن و پایدار بینجامد که بر بررسی و مطالعه اراده الهی در جریان آفرینش مبتنی باشد. به عبارتی، در اسلام، از آن‌چه دانشمندان غربی به عنوان عوامل شکل‌دهنده آینده مطرح می‌کنند، گزاره‌ای مهم تر طرح می‌شود و آن، «اراده الهی» است. اگر تلاش‌های بشر برای تحقق امری در آینده بسیج شود، فصل الخطاب برای شکل‌گیری آینده، اراده الهی خواهد بود. این گزاره، فقط در جهان‌بینی اسلامی قابل فهم و تحلیل است.

۹. آینده‌پژوهی از نگاه اسلام، به نحو هنرمندانه‌ای نگاه به آخرت را با نگاه به دنیا می‌آمیزد و این دو را لازم و ملزوم می‌داند؛ ضمن این که نگاه به آینده را فراتر از خاک، بلکه آن را به ملکوت می‌برد.

۱۰. این آینده‌پژوهی، سیر تمدن بشری را هدفمند دانسته و مهم‌تر این‌که با بشارت پیروزی صالحان و پرهیزکاران در آینده و ظهور امام غایب؛ امام ناظر، انگیزه درونی دوچندانی برای تلاش و استقامت، به انسان می‌بخشد. اسلام، انسان‌ها را به تمهید ظهور و استقبال از حجت زنده‌الاهی فرا می‌خواند تا انسان‌ها با بهره‌گیری از آن عقل کل، نه تنها به حل بهتر مسائل زندگی خود موفق شوند، بلکه در جایگاه اشرف مخلوقات، به کمال واقعی در معرفت و کشف رازهای آفرینش نایل گردند. لذا مفهوم عمیق انتظار را همچون ذخیره بی‌بدیلی برای معنا و هدف‌دهی به زندگی و ایجاد امید به آینده روشن، همراه دارد.

بیان این نکته مفید خواهد بود که اگر ظهور امام زمان عجله الله تعالی فرجه و مباحث آخرالزمانی اسلام (که واقعه‌ای قطعی است) حتی واقعه‌ای شگفتی‌ساز در نظر گرفته شود؛ به حکم عقل سلیم می‌باید در وجوه مختلف اجتماعی، اقتصادی و به ویژه فرهنگی، برای آن آمادگی لازم را ایجاد کرد.

حاصل این‌که هر جامعه‌ای که جایگاه خود را بر اساس جهان‌بینی خالق هستی بازشناخته، و روند توسعه علمی و گسترش نوآوری و خلاقیت اجتماعی خود را همراه روند توسعه فرهنگی و انگیزش اجتماعی‌اش با اراده الاهی همگرا کند؛ نه تنها می‌تواند در آینده نه چندان دور، جایگاه ممتازی میان تمدن بشری باز یابد، بلکه خواهد توانست مسیر رسیدن خود را به آینده‌ای امن و پایدار هموار کند. البته به طور حتم در مسیر رسیدن به چنین آینده‌ای، روندها و حوادثی رخ خواهد داد که باید خود را برای آنها آماده کرد؛ اما مهم این است که اقدام‌های کنونی، در جهت آرمان‌های همگرا با اراده الاهی بوده و حتی‌المقدور به بهره‌گیری مناسب از فرصت‌ها (روندها و حوادث مثبت) و دفع به‌موقع چالش‌ها (روندها و حوادث منفی) منجر شود؛ به ویژه آن‌چه در این میان به عنوان دو پیشران کلیدی و محوری قابل توجه و سرمایه‌گذاری جدی است، کلان روندهای «توسعه علمی» و «توسعه فرهنگی» است که هدایت آن در بلندمدت، مسیر توسعه ملی را دگرگون خواهد ساخت. این امر، مستلزم تمرکز ساختاریافته بر آینده «علوم و فناوری‌ها در

بستر فرهنگ اسلامی» می‌باشد.<sup>۱</sup>

## دو. جهانی شدن

«جهانی شدن» یکی از مباحث و پدیده‌های مهم در جهان معاصر است. امروزه کم‌تر مقوله‌ای وجود دارد که به گونه‌ای با مقوله جهانی شدن ارتباط نداشته باشد. در حوزه اقتصاد و تجارت، همه مباحث، به نوعی با فرایندهای جهانی شدن مربوط می‌شوند؛ در حوزه سیاست از رژیم‌های جهانی امنیتی و بسط جهانی حقوق بشر و دموکراسی یا چالش‌های جهانی، مانند بنیادگرایی، تروریسم و محیط زیست صحبت می‌شود و در حوزه فرهنگ نیز سخن از درهم آمیختگی هویت‌های محلی و جهانی است. همچنین با گسترش روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات و نیز بسط جهانی هنرها و الگوهای فرهنگی خاص، درک و فهم پدیده‌های فرهنگی با جهانی شدن پیوند عمیقی داشته است. امروزه دنیا، شاهد تحولات و دگرگونی‌های گسترده و شگفت‌آوری در عرصه اقتصاد، ارتباطات، فرهنگ، سیاست، معاهدات و امور بین‌الملل، در جهت «جهانی شدن» است. شالوده افکار و اندیشه‌های سیاسی، سمت و سوی تعهدات و تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی، ماهیت برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها، ادبیات و فرهنگ غالب جوامع، جهت‌گیری سرمایه‌گذاری و خدمات اعتباری و مالی، شبکه ارتباطات و انفورماتیک و... به تدریج، بر اساس «جهانی شدن»، «جهانی سازی» و «جهانی کردن» شکل می‌گیرند و پیوستگی و یکپارچگی میان آنها بیشتر می‌شود. قطعی و روشن است که اینک، یکی از نظریه‌های مهم در عرصه بین‌الملل، ارتباطات، فرهنگ، اقتصاد و سیاست، «جهانی شدن» است. حتی می‌توان گفت: «از یک لحاظ، نظریه جهان‌گرایی (جهانی شدن) نظریه‌ای بلامنازع است. تحولات صورت گرفته در ابزار و شیوه‌های ارتباطات و جابه‌جایی‌های منابع و مردم، آشکارا می‌توانند بر انهدام حد و مرزهای اجتماعی، تاثیر گذاشته، همبستگی و یکپارچگی بیشتری را موجب گردند. این فرایندها، از قرن‌ها پیش

۱. عظیمی، سید علی اکبر، «بازنگری دستگاه نظری آینده‌پژوهی در جهان بینی اسلامی»، انتظار موعود،

وجود داشته است»<sup>۱</sup>.

پدیده جهانی شدن، رویدادی ناگهانی و جدید نیست، بلکه از گذشته - به شکل‌های مختلف - وجود داشته و اکنون سرعت آن بیشتر شده است. گسترش ارتباطات جهانی، به واسطه پیشرفت‌های فنی، افزایش نهادهای سیاسی، اقتصادی و تجاری بین‌المللی، پیدایش سازمان‌های صنعتی و مالی چند ملیتی و افزایش قدرت بازارهای ارزی؛ اجزای اصلی فرایند جهانی شدن است. تاسیس سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)، انتشار نظریه دهکده جهانی مارشال مک لوهان (۱۹۶۵)، انتشار نظریه موج سوم آلوین تافلر (۱۹۷۸)، پایان جنگ سرد (۱۹۸۹)، اتحاد پولی یازده کشور اروپایی (۱۹۹۸)، گسترش روز افزون سازمان‌ها و اتحادیه‌های اقتصادی (نظیر آسه آن، نفتا و اکو)، ادغام بازارهای مالی، ادغام بانک‌های بزرگ جهان، تاسیس «گات» (GAT) و در پی آن، «سازمان تجارت جهانی» (WTO) در ۱۹۹۵ و... همگی از پیش‌زمینه‌های بروز پدیده جهانی شدن است که هرچه زمان پیش‌تر می‌رود، شدت و قدرت آن نیز بیشتر می‌شود.

شایان گفتن است که در این زمینه، رشد و پیشرفت شگفت‌انگیز فناوری، در زمینه‌هایی مانند حمل و نقل و رایانه و انقلاب انفورماتیک در دهه ۱۹۸۰، بسیار تاثیرگذار بوده است. با توجه به این مطلب، ابعاد گسترده و گوناگون «جهانی شدن»، برای ما آشکار می‌شود و حتی پی می‌بریم که «جهانی شدن» چیزی یک‌پارچه، واحد و یکسان نیست، بلکه ما با «جهانی شدن»ها و ابعاد گوناگون آن روبه‌رو هستیم و خود جهانی شدن نیز امری متفرد، یک شکل و یکسان نیست و در واقع با یک نوع «جهانی شدن» روبه‌رو نیستیم.

جهانی شدن، مبین نوعی جهان‌بینی و اندیشیدن درباره جهان، به عنوان منظومه‌ای کلان و به هم پیوسته است. به قول برخی از متفکران: «جهانی شدن گزینه‌ای انتخابی نیست که شما اراده کنید آن را بپذیرید یا خیر؛ بلکه کاروانی است که هم‌زمان، در همه شاهراه‌های دنیا، به سرعت در حال حرکت است و کشورها نیز توان متوقف کردن آن را ندارند و مانند خاشاکی در مقابل سیل برده خواهند شد... پیام بازیگران عرصه جهانی شدن نیز آن است که نیروهای اقتصادی و دانش فنی، به سمت همگونی و یک‌دستی، در

۱. ری کیلی و فیل مارفلیت، جهانی شدن و جهان سوم.

اشکال سیاسی، اقتصادی و رفتارهای دولتی پیش خواهند رفت...»<sup>۱</sup> به این ترتیب، جهانی شدن آینده‌ای را نشان می‌دهد که در آن، تصمیمات سیاسی و اجتماعی، در مقیاس جهانی، ناگزیر بر ساخت‌هایی مبتنی خواهد شد که بتواند با پیچیدگی‌های وضعیت جهانی، هماهنگ شود. یک دستگاه پیچیده مدیریت و یک بازار بسیار منعطف و پویا که ضمن صرف نظر کردن از مشارکت مستقیم شهروندان، صرفاً با تلقی آنها به عنوان مشتری و مصرف کننده، می‌تواند با کارایی هر چه بیشتر عمل کند.

به علت وقوع این تغییرات و تحولات گسترده و ژرف در جهان و اهمیت و جذابیت موضوع «جهانی شدن»، نمی‌توان آن را نادیده گرفت و از بحث و گفت‌وگو درباره آن چشم پوشید. در حال حاضر مدعیان و نظریه پردازان «جهانی شدن» رو به فزونی نهاده است. شیعه نیز در طول قرن‌ها و سال‌های متمادی، با ارائه نظریه «حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)» داعیه‌دار اصلی جهان شمولی در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و... بوده است.

با توجه به این مطالب، در این نوشتار بر آنیم که از بحث‌های مطرح در زمینه «جهانی شدن» - ضمن ارائه چشم اندازی از آن - برای فهم و درک «حکومت جهانی مهدوی» پلی بزنیم و در اثبات و تقویت «نظریه بی‌بدیل مهدویت» تلاش کنیم. وضعیت کنونی جهان، با ضعف‌ها و قوت‌ها، مؤلفه‌های مثبت و منفی، نظریه‌ها و آرمان‌ها، خواسته‌ها و نیازها و طرح‌ها و برنامه‌ها؛ بهترین و روشن‌ترین دلیل، بر اثبات ضرورت حکومت جهانی مهدی (عج) و نیاز به آن است؛ یعنی، نظریه‌های ارائه شده درباره «جهانی شدن» و تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و راه‌کارهای عملی در این مقوله، می‌تواند فهم و درک ما را از «مهدویت» آسان و حقیقت آیات و روایات «ظهور منجی» را بهتر تبیین کند؛ نیاز و احتیاج بشر به حکومت مقتدر و عدالت گستر را تعمیق بخشد؛ زمینه را برای ظهور او فراهم سازد؛ سطح آگاهی و بینش مردم را بالا برد؛ آنان را برای پذیرش دولت کریمه و حکومت جهانی او آماده گرداند؛ «عصر موعود» را بهتر نشان دهد و «اندیشه مهدویت» را فراگیر و جهانی کند.

۱. کاظمی، جهانی شدن فرهنگ و سیاست، ص ۸ و ۱۴.

«حکومت جهانی مهدی علیه السلام»، خط بطلانی بر انواع حکومت‌ها، نظریه‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های ارائه شده در عرصه جهانی است؛ به طوری که تمامی این نظریه‌ها و حکومت‌ها، امتحان خود را پس خواهند داد و مردم به پوچی، ضعف و بطلان آنها پی خواهند برد و لذا با آغوش باز، پذیرای «دولت مهدوی» خواهند بود؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

امر ظهور واقع نمی‌شود، مگر بعد از آن که هر طبقه‌ای به حکومت برسند و دیگر طبقه‌ای در روی زمین باقی نباشد که حکومت نکرده باشد؛ تا دیگر کسی نتواند ادعا کند که اگر زمام امور به دست ما می‌رسید، ما عدالت را پیاده می‌کردیم! آن گاه حضرت قائم علیه السلام قیام کرده، حق و عدالت را تحقق می‌بخشد.<sup>۱</sup>

مشکلات دائمی جهان (جنگ‌ها، عداوت‌ها، کینه‌ها، نابرابری‌ها، نابسامانی‌ها، ظلم‌ها و ستم‌ها)؛ نیازهای بشر در زمینه اقتصاد، سرمایه‌گذاری، ارتباط‌ها، بهداشت، رفع فقر مادی و معنوی، الزام‌ها و بایسته‌های جهان در زمینه همگونگی و نزدیکی فرهنگ‌ها، علوم، افکار و اندیشه‌ها، تربیت اخلاقی؛ ایده‌ها و آرمان‌های همیشگی همگان (صلح، دوستی، عدالت، نیکی و آرامش) تجارب گذشته انسان‌ها (در نقص و ضعف دولت‌ها و حکومت‌های خود، جنگ‌ها و ستیزه‌جویی‌ها) و... باعث خواست و طلب آگاهانه و عاشقانه «ظهور منجی و مصلح الاهی» از سوی بیشتر انسان‌ها را باعث خواهد شد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «لکل أناس دولة یرقبونها و دولتنا فی آخر الدهر تظهر؛ هر جمعیتی در انتظار دولتی هستند... اما دولت ما در آخر الزمان نمایان می‌گردد».<sup>۲</sup> نکته بدیهی و روشن این که تصویر «حکومت جهانی مهدوی»، به روشنی و با ذکر تمامی خصوصیات و ویژگی‌های مثبت آن، چندین قرن پیش، از سوی پیشوایان معصوم شیعه بیان شده است. برنامه‌ها و فعالیت‌های دولت‌ها و اندیشمندان در این زمینه، باعث شده که فهم و درک ما از «دولت کریمه و جهانی‌تر» حضرت ولی عصر علیه السلام آسان شود. اگر چند دهه پیش درباره «جهانی شدن» و «حکومت جهانی» سخن به میان می‌آمد؛ درک، فهم و پذیرش آن برای مردم، سنگین و آگاهی و دانش آنان در این باره، اندک و محدود بود. در این

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۴.

۲. حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۱۷.

صورت، بحث درباره «حکومت جهانی مهدی موعود» خام و غیر واقعی می‌نمود و زمینه‌سازی برای پذیرش و باور داشت آن، مشکل به نظر می‌رسید. اینک به راحتی می‌توان، در این باره و ویژگی‌های «دولت کریمه»، صحبت و از حقانیت و درستی آن دفاع و با بیان چارچوب‌های علمی و نظری آن، تئوری قابل قبولی در عرصه جهانی ارائه کرد. اگر نتوانیم به درستی، ابعاد و زوایای مختلف اندیشه «مهدویت» را در عصر حاضر بازگو کنیم و نسبت و ارتباط آن را با «جهانی شدن» بسنجیم، از قافله اندیشه و گفتمان روز دور خواهیم بود و نخواهیم توانست درک و فهم بشری را درباره آینده درخشان جهان به خوبی شکل دهیم.

### سه. پیشینه آینده‌پژوهی

بشر در طول تاریخ واز عهد باستان، به دانستن حوادث و اتفاقات آینده علاقه بسیار زیادی داشته است. البته در آن زمان از مدل، روش تخمین، کامپیوتر، داده‌ها و آمار و اطلاعات... استفاده نمی‌شد؛ بلکه از ابزارهای متناسب آن زمان، مانند رمل و اسطرلاب استفاده می‌گردید. وجود ساحران، رمال‌ها و فالگیران، خود تائید کننده آن است. مطالعات تاریخی و تحلیل حوادث آینده، سابقه‌ای ۲۵۰۰ ساله دارد. بر اساس اسناد تاریخی، این گونه مطالعات ابتدا در خاورمیانه و چین صورت گرفته است. در گذشته به مدد علم نجوم و رابطه ستارگان و حرکت افلاک، حوادث پیش رو را ترسیم می‌کردند؛ اما امروزه با تحلیل علمی اوضاع و حوادث، درصد ساختن آینده به گونه‌ای مناسب اند.<sup>۱</sup>

در واقع نگاه به آینده، پیشینه‌ای به فراخنای زندگی بشر دارد و «آینده‌نگری» مسیره‌ها، مراحل و گذرگاه‌های مختلفی طی کرده و از گمانه‌زنی، اختربینی، یتوپیا نویسی، فلسفه نظری تاریخ و... به «آینده‌پژوهی» رسیده است. تصویر و ترسیم بشر از آینده، می‌تواند بر مؤلفه‌ها و انگاره‌های مختلفی متکی باشد؛ از جمله:

حدس‌ها و گمانه‌زنی‌های شخصی؛ پیش‌بینی بر اساس قراین و شواهد مختلف سیاسی،

۱. منطقی، محسن، «آینده پژوهی؛ ضرورت آینده مطالعات فرهنگی و علمی»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، شماره ۱، ص ۵۴.

اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (برای کوتاه مدت و بلند مدت)؛ تجربیات تاریخی و الگوها، قوانین و سنت‌های مستخرج از تاریخ (عموماً مبتنی بر فلسفه نظری تاریخ)؛ رویکردهای تجربی مبتنی بر قوانین علمی (قوانین علی و شرط و مشروط)؛ گمانه زنی‌ها و خیال‌پردازی‌های ادبی، هنری و فلسفی (نویسندگان رمان‌های آینده‌نگر و «یتوپیا» نویسان)؛ آینده‌نگری براساس ستاره‌شناسی، اختربینی، طالع‌بینی و اوضاع کواکب (عموماً بر پایه بعضی الگوهای مکتوب و ثابت نشده)؛ آینده‌نگاری رمزگرایانه و رمالانه و شاعرانه (مبتنی بر بعضی از فنون و علوم ابجدگونه و اعداد که به علت رمزآلودگی و دوپهلویی جاذبه خاصی دارند)؛ کشف مجهولات آینده براساس ریاضت‌های روحی و توجهات و نگرش‌های شهودی؛ آینده‌نگری براساس علم غیبی اولیا و صالحان (مکاشفه و شهود)؛ آینده‌سازی براساس طراحی و برنامه‌ریزی نهادها، مؤسسه‌ها و گروه‌های ذی‌نفع (مبتنی بر تحلیل‌ها و برداشت‌های دانشمندان، نظریه‌سازان و تحلیل‌گران نظام بین‌الملل)؛ احتمالات و پیش‌بینی‌های مدیریتی، صنعتی و زیست‌محیطی (مبتنی بر پیامدشناسی، پیشرفت‌شناسی و هشدارگری) و پیشگویی‌های وحیانی (مبتنی بر کتاب‌های آسمانی، به خصوص قرآن و روایات معصومین).

نخستین فعالیت آینده‌پژوهی در قالب بررسی علمی، در سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۳ توسط گروهی از پژوهشگران، به سرپرستی ویلیام اف آگبرن در زمینه جامعه‌شناسی که علم نوپایی شناخته می‌شد، در آمریکا انجام گردید. این گروه، نخستین بار روش‌شناسی علمی، همچون برون‌یابی و بررسی‌های علمی را در مورد روندهای اجتماعی روز آمریکا به انجام رسانده و ضمن انتشار اولین کاتالوگ روندها در آن کشور، به آینده‌بینی‌های مهمی، از جمله افزایش نرخ مهاجرت و ازدیاد طلاق موفق شد. بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم، و به دنبال تجزیه و تحلیل فناوری‌های مورد استفاده در آلمان و ژاپن، برای آینده‌پژوهی شیوه‌های نوینی ابداع و در نتیجه دستاوردهای مهم فناوری در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ شامل رادار، موشک‌های بالستیک قاره پیما و حمل و نقل هوایی از قبل پیش‌بینی شد.

در سال‌های دهه ۱۹۶۰، آینده‌پژوهی به عنوان یکی از رشته‌های جدید علوم پایه‌ریزی شد. انتشار کتاب «تصویر آینده» نوشته اف. ال پولاک در سال ۱۹۵۱، یکی از نشانه‌های

بارز آن و کتاب «هنر حدس زدن» نوشته بی.دجوونل که در سال ۱۹۶۴ منتشر شد، نشانه دیگر آن است. تشکیل انجمن‌های تخصص آینده‌پژوهی، از دیگر نشانه‌های این رشته جدید بود. رشته آینده‌پژوهی معاصر، مسیرهای تکاملی مختلفی را پشت سر گذاشته است. یکی از مسیرها در کار دبلیو.اف. اگبرن و همکارانش، براساس تجزیه و تحلیل روندهای اجتماعی و نقش فناوری در دگرگونی‌های اجتماعی، پایه‌ریزی شد. مسیر دیگر، از طریق برنامه‌ریزی (استراتژیک) ملی بود. سومین مسیر در تکامل مطالعات آینده‌پژوهی، «تحقیق در عملیات» و «کانون‌های تفکر» بود. کمیسیونی که فرهنگستان ادبیات و علوم آمریکا راجع به سال ۲۰۰۰ تشکیل داد، نقطه عطف دیگری در پیشرفت مطالعات آینده‌پژوهی بود؛ از همه مهم‌تر، این که به مطالعات آینده‌پژوهی اعتبار علمی و دانشگاهی بخشید. پیشرفت‌های مشابه در علوم سیاست‌گذاری و ارزیابی تحقیقات نیز بر پیشبرد رشته آینده‌پژوهی مؤثر بوده است.<sup>۱</sup> با همه این‌ها، با در نظر گرفتن تمامی شواهد مربوط به رشد و تکامل تخصصی این رشته، امروزه کم‌ترین تردیدی وجود ندارد که مطالعات آینده‌پژوهی به یک رشته پژوهشی جدیدی در محافل علمی تبدیل شده است.

در ایران، سابقه آینده‌نگری به برنامه‌های پنج ساله کشور برمی‌گردد و سند چشم‌انداز توسعه کشور در افق ۱۴۰۴ که دو دهه آینده را نشانه گرفته؛ اولین سند تفکر استراتژیک و آینده‌نگارانه ایران است که براساس آن، محورهای توسعه کشور در بخش‌های مختلف طراحی و تدوین شده است.

در ورای همه آینده‌نگری‌ها و آینده‌نگاری‌ها در طول تاریخ، همواره بشر شاهد آینده‌شناسی دینی بوده است. این آینده‌شناسی، نگاهی روشن و جامع به کل تاریخ و پیشگویی حتمی و فراگیر آینده است. «قرآن» و «روایات معصومین» در شریعت اسلام، نمونه کامل این آینده‌شناسی وحیانی و غیبی هستند و موارد فراوانی از این پیشگویی‌ها، در طول تاریخ محقق شده است. البته علم به آینده، فقط در دست خداوند است و او است که پیامبران و حجّت‌های خود را از آن آگاه می‌سازد تا دلیلی بر حقانیت آنها و معجزه‌ای بر راستی آنها باشد.

۱. اسلاتر، ریچارد و همکار، نواندیشی برای هزاره نوین، ص ۵ و ۸.

مهم‌ترین بعد آینده‌شناسی اسلام و در واقع جلوه‌گری غایت‌مندی تاریخ و نظریه جامع و کامل «نجات‌گرایانه» دین، «آموزه مهدویت» است. این آموزه، آینه تمام‌نمای پیشگویی و حیانی دین اسلام و آینده‌ای حتمی، روشن، فراگیر، مطلوب و موعود امت‌ها است. «آموزه مهدویت»، پاسخگویی به بسیاری از دغدغه‌ها و سؤال‌های انسان در طول تاریخ و چشم‌اندازی الهی و ایمانی به جامعه‌ای برتر و کارآتر است.

همه ابعاد و مؤلفه‌های نوعی آینده‌پژوهی در این آموزه وجود دارد: هم تفسیر کلان از حیات معقول بشری و فرجام‌شناسی تاریخ (فلسفه نظری تاریخ) است؛ هم تصویر و ترسیم روشنی از وضعیت‌های مختلف (و در نهایت، وضعیت حتمی) و هم راه و نظام رسیدن به آن. بر این اساس، بین آینده‌پژوهی و مهدویت‌پژوهی پیوندی محکم وجود دارد. مهدویت‌پژوهی، کاوش نظام‌مند تاریخی، اجتماعی، سیاسی، کلامی و تفسیری «آموزه مهدویت» و شناخت و فهم آینده، بر اساس آن شکل می‌گیرد.

### معرفی منابع آینده‌پژوهی

تاکنون پژوهشی مستقل و جامع در مورد «مهدویت و آینده‌پژوهی و جهانی شدن» صورت نگرفته و تنها بخش‌هایی از آن در کتاب «آینده جهان» و مقاله «آینده‌پژوهی مهدوی» در فصلنامه «انتظار موعود» نگارش رحیم کارگر و مقاله‌ای از آقای محسن الویری در کتاب «الفبای آینده‌پژوهی» آمده است. البته کاوش درباره آینده، با رویکردهای مختلفی صورت گرفته و پژوهش‌های مقدماتی ارائه شده است. این پژوهش اولین بار رویکرد دینی - مهدوی، آینده‌شناسی دینی را مورد دقت و بررسی قرار می‌دهد و نخستین گام را در جهت فهم بهتر آینده برمی‌دارد.

بعضی از این آثار عبارت است از:

۱. آینده بشریت (از دیدگاه شهید مطهری)، نوشته سیدسعید حسینی: در این کتاب به بررسی دیدگاه شهید مطهری بسنده شده و کار جامع و کاملی ارائه نگشته است.
۲. مهدویت و آینده‌پژوهی (مجموعه مقالات)، جمعی از نویسندگان، به اهتمام رحیم کارگر: این کتاب در بردارنده مجموعه مقالات در زمینه مهدویت و آینده‌پژوهی است و مقالاتی چون بررسی نسبت مهدویت پژوهی و آینده‌پژوهی؛ مهدویت محور آینده‌پژوهی

دینی؛ مولفه‌های آینده‌پژوهی در آموزه‌های انتظار؛ آینده‌پژوهی موعودگرا؛ آینده‌پژوهی مهدویت از چشم انداز را در بر می‌گیرد.

در این کتاب، به جمع آوری روایات مربوط به آینده جهان بسنده گردیده و کار تحلیلی و علمی خاصی صورت نگرفته است.

۳. *آینده جهان از دیدگاه ادیان، اثر آیت مظفری (قنبری)*، به بررسی و تحلیل نظریه‌های ادیان مختلف؛ از جمله زرتشتی، یهودیت، مسیحیت و اسلام در خصوص آینده جهان پرداخته است. به باور نویسنده، بسیاری از متفکران معتقدند، قوانین و سنت‌هایی بر جامعه و تاریخ حکم فرماست و در پایان تاریخ، بشر بهترین زندگی، نظام سیاسی و عالی‌ترین شکل حکومت را تجربه می‌کند و به بنیادی‌ترین آرمان‌های خود خواهد رسید.

۴. *جهان آینده در اندیشه اسلامی، نوشته علیرضا عظیمی فر*: در این کتاب نیز بیشتر به بحث جهان شمولی اسلام و اهداف و برنامه‌های حکومت جهانی مهدوی پرداخته شده است.

۵. حکومت پایانی جهان از دیدگاه آیات و روایات، نوشته علیرضا عظیمی فر: این کتاب عمدتاً به موضوعاتی چون جهانی شدن و دیدگاه‌های مختلف درباره آینده جهان پرداخته شده است.

۶. *آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)*، اثر رحیم کارگر: پژوهشی است که به دولت و سیاست، از دیدگاه‌های متفاوت نگریسته و در آن، به ماهیت، ساختار، کارکرد و پیامدهای «دولت مهدوی» پرداخته؛ کتاب به زبان فارسی و در سال ۱۳۸۳ ش نوشته شده است. «آینده سیاست و دولت، از دیدگاه شیعه دوازده امامی چه وضعیتی دارد؟» نکته‌ای است که نویسنده کتاب به دنبال پاسخ آن می‌باشد.

۷. *مسیح یهودی و فرجام جهان*، نوشته رضا هلال: در این کتاب به بحث‌هایی چون آینده جهان از دیدگاه مسیحیت صهیونیستی و رسالت جهانی مسیحیان بسنده شده است.

۸. *آینده بشر و پایان جهان*، نوشته احمد امیری پور و نشر ترنم: این اثر به مسایل مهم فراروی بشر به طور جامع و فراگیر به صورت یک مجموعه، شامل پیشرفت‌های تکنولوژیکی و پزشکی، مباحث زیست‌شناسی و منابع کره زمین، افزایش جمعیت و فقر،

جنگ‌ها و رقابت‌های نظامی و ستاره‌شناسی پرداخته است. مطالب کتاب جنبه تخصصی ندارد؛ اما در بحث از پایان جهان، فصلی هم به بیان دیدگاه ادیان در این باره اختصاص داده است.

۹. *آینده جهان در سایه حکومت اسلامی حضرت مهدی (عج)*، تالیف محسن همتی: این اثر به تحولات شگرف در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است. نویسنده در ابتدای کتاب، به قیام منجی موعود از منظر ادیان مختلف و همچنین پاره‌ای از خصوصیات حضرت مهدی علیه السلام و یاران ایشان نیز اشاره کرده است.

۱۰. *پایان تاریخ لیبرال دموکراسی (یا حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام)*، از احمد سامعی: نویسنده، کتاب را در دو فصل تنظیم کرده است: در فصل اول، با عنوان لیبرال دموکراسی، پس از تعریف تمدن غربی، به دیدگاه «فوکویاما» و «هانتینگتون»، دو تن از تئوریسین‌های آمریکایی، در زمینه آینده جوامع غربی و لیبرال دموکراسی پرداخته شده و در فصل دوم، تحت عنوان حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، ضمن ترسیم سیمای حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، به ساختار سازمانی حکومت جهانی آن حضرت اشاره شده است.

### پرسش‌های این درس

۱. آیه «قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا»؛ بر آینده‌نگری چه دلالتی دارد؟
۲. سنت‌های الهی چه شناختی از آینده به دست می‌دهند؟
۳. پیشگویی غیبی و وحیانی، به آینده‌پژوهی چه کمکی می‌کند؟
۴. آینده‌پژوهی اسلامی دارای چه ویژگی‌هایی است؟ (۵ مورد)
۵. بحث از جهانی شدن چگونه شکل گرفته و به چه چیزی اشاره دارد؟
۶. آینده‌پژوهی از کجا شروع شده و چه جایگاهی دارد؟

شورای عالی پژوهش

## مفهوم شناسی

### آموزه‌های این درس

۱. انواع آینده‌شناسی؛
۲. تعریف آینده‌پژوهی؛
۳. تعریف مهدویت.

## یک. آینده و آینده‌پژوهی

### مقدمه

مقوله «آینده»، یکی از مهم‌ترین و جدی‌ترین موضوعات و مسائلی است که بشر همواره درگیر چستی و مفهوم آن بوده و به همین دلیل با عناوین و اصطلاحات مختلفی در این زمینه روبه‌رو بوده است: «آینده‌نگری»، «آینده‌شناسی»، «آینده‌اندیشی»، «آینده‌نگاری» و «آینده‌پژوهی».

هر کدام از این عناوین، در عین اشتراک معنایی با دیگر اصطلاحات، دارای تفاوت‌هایی است. مطالعه آینده مستلزم مرور سه مفهوم است: «آینده‌شناسی» (Futurology)، «آینده‌اندیشی» (Future thinking) و «آینده‌پژوهی» (Futures studies).

الف) آینده‌شناسی: همان‌گونه که از عنوان آینده‌شناسی برمی‌آید، این مفهوم بر شناخت آینده ناظر است. در آینده‌شناسی تنها از آینده‌ای قطعی و غیر قابل تغییر سخن به میان می‌آید که بدیلی ندارد. آینده‌شناسی، علمی است که در اختیار انبیا و امامان معصوم قرار دارد. ظهور امام عصر علیه السلام از راه همین آینده‌شناسی به دست می‌آید.

ب) آینده‌اندیشی: دالانی برای رسیدن به مقصد آینده‌پژوهی (دینی و غیر دینی) است. درک اهمیت آینده و هشدار در این جهت زمینه‌ساز آینده‌پژوهی است. آموزه‌های دینی بر آینده‌اندیشی و عاقبت‌گرایی تأکید فراوانی دارند.

ج) آینده‌پژوهی: حوزه علمی نوپدید است که برخلاف آینده‌شناسی بر آینده‌ای قطعی و حتمی تکیه ندارد و از «آینده‌ها» سخن می‌گوید.

«آینده‌پژوهی» معادل لغت لاتین "Futures Study" است. کلمه جمع Futures، به

این دلیل استفاده شده است که با بهره‌گیری از گستره وسیعی از متدلوژی‌ها و به‌جای تصور «فقط یک آینده»، به گمانه‌زنی‌های سیستماتیک و خردورزانه، در مورد نه فقط «یک آینده»، بلکه «چندین آینده متصور» مبادرت می‌شود. موضوعات آینده‌پژوهی دربرگیرنده گونه‌های «ممکن»، «محتمل» و «مطلوب» برای دگرگونی از حال به آینده می‌باشند. آینده‌پژوهی به ما می‌گوید که چگونه از منابع موجود و در دسترس برای رسیدن به آینده مطلوب استفاده کنیم.

### چیستی آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی یا آینده‌اندیشی، نوعی دوراندیشی است که به دنبال آن است تا تغییرات امروز به واقعیت‌های فردا تبدیل شوند و بررسی می‌کند که آیا احتمال و امکان تغییرات مورد نظر وجود دارد یا نه.<sup>۱</sup> در واقع، آینده‌پژوهی بر مجموعه تلاش‌هایی مشتمل است که با واکاوی منابع، الگوها، و عوامل تغییر یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آنها می‌پردازد. آینده‌پژوهی بازتاب‌دهنده چگونگی زایش واقعیت «فردا» از دل تغییر (یا ثبات) «امروز» است. موضوعات آینده‌پژوهی دربرگیرنده گونه‌های «ممکن»، «محتمل» و «دلخواه» برای دگرگونی از حال به آینده هستند.<sup>۲</sup>

بر اساس یک تعریف، آینده‌پژوهی، به معنای «بررسی نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح و دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌ها و اسطوره‌های بنادین هر آینده» است. آینده‌پژوهی از دیرباز بر بررسی نیروهای بیرونی و تأثیرگذار بر آینده - طالع‌بینی و پیش‌گویی - مشتمل بوده که بعدها به سمت مطالعات ساختاری (الگوهای تاریخی تغییر و ظهور و سقوط ملت‌ها و نظام‌ها) و عاملیت انسانی (مطالعه و خلق تصاویر مرجح مربوط به آینده) حرکت کرده است.<sup>۳</sup>

آینده‌پژوهی در مفهوم نوین خود، «دانش - فناوری» نوپدید است که با هدف پیش‌بینی و خلق مطلوب‌ترین آینده‌های ممکن، از مجموعه وسیعی از ابزارها و روش‌های

۱. علیزاده، و دیگران، سناریونگاری یا برنامه‌ریزی. پایه سناریو، ص ۲۶.

۲. وحیدی مطلق، مبانی آینده‌پژوهی و پیش‌بینی‌های اندیشه پردازان برای سال آینده، ۱۳۸۷.

۳. ر.ک: سهیل، پرسش از آینده.

علمی و حتی هنری بهره می‌برد. تبیین این که تغییر یا تغییرات امروز بر واقعیت فردا چگونه تأثیر خواهد گذاشت؛ بازتابی از فعالیت‌های آینده‌پژوهانه است.

بر اساس این تعاریف، آینده‌پژوهی می‌کوشد معرفت و اندیشه‌ای آینده‌نگرانه را در میان بخش‌های تجارت، دولت و نهادهای دانش، برای درک فرصت‌ها و تهدیدهای محتمل طی ۱۰ تا ۲۰ سال آینده، در عرصه بازار و تکنولوژی‌ها ایجاد کند و آن‌گاه با ایجاد و تقویت همکاری میان این سه بخش به جهت‌دهی فعالیت‌های آنان در جهت اهداف تعیین شده بپردازد. دانستن معنای چند اصطلاح دیگر در مطالعات آینده بایسته می‌نماید:

#### الف) پیش‌بینی (Forecasting)

مفهوم مذکور را زمانی مهم‌ترین روش شناسی آینده‌اندیشی می‌دانستند؛ اما اینک، یکی از روش‌های بسیار آینده‌اندیشی به شمار می‌رود. این روش، عمدتاً متضمن بهره‌گیری از داده‌های سری‌های زمانی است که از گذشته به دست می‌آید و برای بررسی مسیرها و اشکال روندهای آینده یا وقوع احتمالی وقایع آینده به کار می‌رود و در حال حاضر، بیشتر به عنوان ورودی مهمی در امر تصمیم‌گیری به شمار می‌رود تا روشی مجزا.

#### ب) آینده‌نگاری (Foresight)

«آینده‌نگاری» ظرفیت بشری عامی است که فرد را قادر می‌سازد در باب آینده بیندیشد و احتمالات آینده را بررسی، مدل‌سازی و خلق کرده و در مقابلش واکنش نشان دهد. این توانایی بر پایه توانایی‌های نظام ذهنی انسان بنا شده است، که از پیوندهای رشته‌های عصبی به منظور اجرای روش‌های پیچیده ادراک، که کارکرد تسهیل‌کننده و حمایت‌کننده دارند، بهره می‌برد. این مدل تقریباً در کارهای روزمره این چنینی مورد استفاده قرار می‌گیرد: رانندگی، عبور از خیابانی شلوغ و برنامه‌ریزی برای تعطیلات. آغاز و نقطه حرکت دامنه‌وسیی از روش‌شناسی‌های آینده‌اندیشی، توسعه‌های سازمانی و نوآوری‌های اجتماعی.

#### ج) آینده‌اندیشی (Futures)

واژه مذکور، واژه‌ای عمومی برای حوزه مطالعات آینده است. این واژه گویای تکثر (یا پلورالیت) در گزینه‌ها و احتمالات آینده و طبعاً برداشت‌های مختلف از انتخاب‌ها و بدیل‌ها است.

**د) حوزه آینده‌اندیشی (Futures Field)**

حوزه مذکور پیچیده، پردامنه و جهان گستر است و مسائل و مباحث پیش رو در آینده را کانون توجه و تمرکز اصلی خود قرار می‌دهد. البته تمامی آینده‌گرایان (Futurists) آن را یک حوزه نمی‌پندارند. هر چند شناسایی مجموعه‌ای از عناصر محوری، خود، گویای آن است که در مورد این دیدگاه آینده‌گرایان اعتبار گسترده‌ای وجود ندارد.

**ه) پیش‌گویی (Prediction)**

معنای این واژه، کوششی است به منظور شناخت دقیق و همراه با قطعیت در مورد برخی از جنبه‌های آینده. این واژه در زندگی روزمره کاربردهای غیررسمی بسیاری دارد؛ مانند زمینه‌های مهندسی (جایی که در آن، عناصر اصلی نظام‌ها قابل اندازه‌گیری است). در زمینه‌های اجتماعی نیز که در آن، عناصر کیفی از اهمیت بسیاری برخوردار است، پیشگویی ارزش چندانی ندارد. این روش توسط آثاری از وندل بل، همچون «بنیان‌های آینده‌پژوهی» شناخته شد. اغلب دست‌اندرکاران آینده‌پژوهی معتقدند که اگر پیشگویی امکان پذیر باشد، این نگرش‌های جبرگرا هستند که تقویت خواهند شد و این امر، به معنای حذف نقش آدمی در شکل‌دهی و ساختن آینده است.<sup>۱</sup>

**دو. جهانی‌شدن**

واژه «جهانی‌شدن» در زبان لاتین معادل کلمه (Globaliziton) و در زبان عربی با واژه «العولمه» است. اصطلاح جهانی‌شدن تا حدی نوظهور بوده و در چند دهه اخیر رایج شده است و با تعابیری چون «جهانی‌سازی»، «جهانی‌گرایی»، «جهانی‌شمولی» و «دهکده جهانی» از آن یاد می‌شود.

در خصوص مفهوم کلی جهانی‌شدن، مک‌گرو چنین عنوان می‌کند: افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی که از دولت‌ها (و در نتیجه فراتر از جوامع) دامن می‌گسترند؛ نظام جدید جهانی را می‌سازند. جهانی‌شدن به فرایندی اطلاق می‌شود که از طریق آن حوادث، تصمیمات و فعالیت‌های یک بخش از جهان می‌تواند برای افراد و جوامع در

۱. ریچارد اسلاتر، دانش‌واژه آینده‌پژوهی، ص ۲۳-۳۰.

بخش‌های بسیار دور کره زمین نتایج مهمی داشته باشد.<sup>۱</sup>

«جهانی شدن، فرآیند فشردگی فزاینده زمان و فضا است که به واسطه آن، مردم دنیا کم و بیش و نسبتاً آگاهانه، در جامعه جهانی ادغام می‌شوند».<sup>۲</sup> جهانی شدن، یعنی انهدام بنیادهای جغرافیایی، نژادی، سیاسی جامعه و در نتیجه ناکارآمد شدن نهاد دولت - ملت در سیاستگذاری و افزایش میزان درون‌زایی متغیرهای کنترلی در مدل جهانی و شکل‌گیری، گسترش و استحکام نهادهای فراملی. با بررسی تعاریف جهانی شدن، می‌توان محورهای زیر را در این تعاریف شناسایی کرد:

### الف) آزادسازی اقتصادی

برخی از نظریه‌پردازان، جهانی شدن را به معنای جهانی شدن اقتصاد و یا آزادسازی تجارت و اقتصاد معنا و بر بعد اقتصادی آن تاکید می‌کنند. آنان وجه غالب جهانی شدن را اقتصادی می‌دانند و بر این باورند که هرچند فرایند جهانی شدن بسیار فراگیر است و بر همه حوزه‌های زندگی اجتماعی تأثیر می‌گذارد؛ آشکارترین و برجسته‌ترین نمودها و مصداق جهانی شدن به حوزه اقتصادی مربوط است:

«با توجه به وجه غالب جهانی شدن، عمدتاً جهانی شدن از منظر اقتصادی تعریف می‌شود و به افزایش جریان جابه‌جایی منابع و تولیدات میان کشورها با حضور تشکیلات سازمان یافته برای اداره فعالیت‌های اقتصادی بین‌الملل ناظر است».<sup>۳</sup>

### ب) گسترش روابط متقابل

برخی، جهانی شدن را به معنای گسترش روابط متقابل و متنوع میان دولت‌ها و جوامع تعریف کرده‌اند. نظریه‌پردازانی همانند آنتونی مک‌گرو و دیوید هلد از این گروه می‌باشند. «دیوید هلد، آنتونی مک‌گرو و دیگر همکارانشان، ضمن آن که در کلیات مربوط به مفهوم و پدیده جهانی شدن و برداشت نظری از آن، خود را هم‌فکر عده وسیعی از نظریه

۱. ر.ک: وداد اچ، ایمری، رسانه‌های متعامل فناوری‌های ارتباطات برای قرن بیست و یکم.

۲. علی بابایی، فرهنگ سیاسی آرش، ص ۲۵۱.

۳. سجادی، درآمدی بر اسلام و جهانی شدن، ص ۱۷.

پردازان جهانی شدن می‌دانند؛ می‌کوشند چارچوب مفهومی و تحلیلی جدیدی برای درک و تبیین فرایند دگرگونی جهانی ارائه کنند. دیوید هلد در تعریف جهانی شدن می‌گوید: فرایند (یا مجموعه‌ای از فرایندها) که دگرگونی در فضای سازمان‌های روابط و انجمن‌های اجتماعی را دربر می‌گیرد. این دگرگونی‌ها با وسعت، عمق، سرعت و میزان تاثیر آنها سنجیده می‌شود و جریان‌های فراقاره‌ای، بین قاره‌ای و بین منطقه‌ای و نیز شبکه‌های اقدام، تعامل و اعمال قدرت را دربر می‌گیرد.<sup>۱</sup>

### ج) برچیده شدن مرزهای جغرافیایی

برخی، جهانی شدن را به معنای برچیده شدن مرزهای جغرافیایی و نزدیک شدن نظام‌های اجتماعی تعریف کرده‌اند.

مالکوم واترز، از جمله کسانی است که معتقد است: «جهانی شدن، فرایندی اجتماعی است که در نتیجه آن، محدودیت‌های جغرافیایی و نظام‌های اجتماعی و فرهنگی متحول و برچیده می‌شوند و به تشدید آگاهی عمومی منجر می‌شود».<sup>۲</sup>

جیمز روزنا نیز در مورد جهانی شدن می‌گوید: «جهانی شدن فرایندی است که در ورای مرزهای ملی گسترش یافته و افراد، گروه‌ها، نهادها و سازمان‌ها را به انسجام رفتارهای یکسان با شرکت در فرایندها، سازمان‌ها یا نظام‌های فراگیر و منسجم وا می‌دارد».<sup>۳</sup>

### د) مدرنیته

برخی، جهانی شدن را نتیجه طبیعی رشد و گسترش «مدرنیته» قلمداد می‌کنند. انتونی گیدنز که از جامعه‌شناسان به نام انگلستان است، این اعتقاد را دارد: «مدرنیته نوعی نظم پس از جامعه سنتی است؛ ولی نه آن چنان نظامی که در آن احساس امنیت و قطعیت ناشی از عادات و سنن، جای خود را به یقین حاصل از دانش عقلایی سپرده باشد...» به عبارتی دیگر، مدرنیته به معنای تغییر نقش و جایگاه فضا و زمان در زندگانی بشر است. در

۱. سلیمی، نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن، ص ۳۱.

۲. مالکوم واترز، جهانی شدن، ص ۱۲.

۳. جیمز روزنا، «بیچیدگی‌ها و تناقضهای جهانی شدن»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴، ص ۲۳.

دوران مدرن، فضا و زمان وابستگی خود را به مکان و محلی نامشخص از دست داده است و امکان بست در نقاط دوردست را پیدا می‌کنند.<sup>۱</sup>

گیدنز جهانی‌شدن را این‌گونه تعریف می‌کند: «جهانی‌شدن، در واقع، به معنای در هم گره خوردن رویدادهای اجتماعی و روابط اجتماعی سرزمین‌های دوردست با تار و پود موضعی یا محلی جوامع دیگر است؛ پدیده‌ای که می‌توان آن را نوعی تلاقی حاضر و غایب دانست».<sup>۲</sup>

### ه) گسترش فرهنگ لیبرال دموکراسی غربی

برخی به جهانی‌شدن، دید گسترش فرهنگ لیبرال دموکراسی غربی دارند. فرانسیس فوکویاما از جمله کسانی است که در حوزه اندیشه سیاسی و روابط بین‌الملل نظریه پردازی می‌کند. وی با پرداختن به نظریه پایان تاریخ، جهانی‌شدن را به معنای گسترش فرهنگ غربی و سیطره تمدن آمریکا بر جهان می‌داند و آن را به عنوان پایان تاریخ تعبیر می‌کند.<sup>۳</sup>

### و) فشرده شدن زمان و مکان و افزایش ارتباطات

برخی، جهانی‌شدن را فرایندی می‌دانند که به فشرده شدن جهان و تراکم آگاهی بشر منجر می‌شود. به زعم اینان، جهانی‌شدن فرایندی است که به علت جریان آزاد اطلاعات و سرعت روز افزون ارتباطات جهانی، به در هم فشرده شدن جهان و تبدیل شدن آن به مکان واحد منجر می‌شود:

«جهان‌وطنی، هم بر یک مکان، به اندازه کل جهان دلالت دارد که در آن، مردم با طرز تفکرهای مختلف در آن زندگی می‌کنند و به آن دلبستگی دارند و هم بر یک فرد، عقیده یا دیدگاه اطلاق می‌شود که خود را به همه جهان وابسته می‌داند».<sup>۴</sup>

با توجه به محورهای پیش‌گفته می‌توان «جهانی‌شدن» را این‌گونه تعریف کرد:

۱. سلیمی، نظریه‌های گوناگون در مورد جهانی‌شدن، ص ۲۴۴ و ۲۴۵.

۲. آنتونی گیدنز، تجدد و تشخص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ص ۴۲.

۳. نکویی سامانی، دین و فرایند جهانی‌شدن، ص ۵۲.

۴. غلامی، اسلام و جهانی‌شدن، ص ۲۳.

«جهانی شدن، فرآیندی است که تمامی عرصه‌های فرهنگ، سیاست، اقتصاد و اجتماع را در هم می‌نوردد و جوامع انسانی را از جنبه‌های مختلف به یکدیگر نزدیک و مرتبط و بر هم مؤثر می‌سازد و مرزها و موانع اعتباری گذشته را از میان بر می‌دارد».

با بررسی تعاریف ارائه شده، پنج مفهوم را می‌توان در بطن جهانی شدن برشمرد:

- جهانی شدن، به معنای «آزادسازی تجارت و اقتصاد»؛  
 - جهانی شدن، به معنای «جهان‌گرایی و جهان‌گستری یک حکومت و قلمرو یک دولت»؛

- جهانی شدن، به معنای «غربی‌سازی یا امریکایی شدن جهان»؛  
 - جهانی شدن، به معنای «جریان آزاد اطلاعات و سرعت روزافزون ارتباطات جهانی و شکستن مرزها به صورت طبیعی و بر اثر پیشرفت علم و تکنولوژی»؛  
 - جهانی شدن، به معنای «بین‌المللی شدن» و فوق قلمروگرایی و ایجاد «نظام واحد جهانی و فرا ملی».

### سه. مهدویت

«مهدویت»، در اصطلاح، اعتقاد به ظهور مهدی عج را گویند که از جمله باورهای اصیل اسلامی در آخرالزمان است و همان پدید آمدن حکومت عدل جهانی است. درباره ترکیب کلمه «مهدویت»، اقوالی مطرح است که به برخی اشاره می‌شود:

واژه «مهدویت» می‌تواند مصدر صناعی و جعلی باشد که از ترکیب اسم یا صفتی با کلمه «یت» در عربی به دست می‌آید؛ مانند خاتمیت و زوجیت. بر این اساس، واژه «مهدویت» مرکب از دو جزء است: یکی «مهدوی» و دیگری «یت» که علامت مصدر جعلی است.

واژه «مهدی» (به فتح میم) در لغت، اسم مفعول از ریشه «هَدَى، یَهْدِي» به معنای هدایت‌شده، که در اصل، «مَهْدُوی» بوده و با تغییری که در آن صورت گرفته، «مَهْدِی» شده است. این کلمه، اسم مفعول از ریشه ناقص معتل اللام هَدَى، یَهْدِي، هدایه، به معنای «هدایت شده» است. مصدر جعلی، اسم مصدری است که از اسم دیگری انتزاع می‌شود و مهم‌ترین آثار، خواص و مباحث آن اسم را در خود دارد. بر این اساس، مهدویت،

موضوع و اسمی است که دارای خواص، آثار و مباحث مربوط به حضرت مهدی است. مهدویت به معنای «ره یافته بودن» خواهد بود.<sup>۱</sup>

در اصطلاح‌شناسی اندیشه مهدویت، می‌توان با دو رویکرد «گزاره‌ای» و «آموزه‌ای» نگریست. مراد از رویکرد گزاره‌ای پرداختن به موضوعات، مسائل، روایات، توقیعات ادعیه و داستان‌های مهدوی یا بخشی از آن‌ها، به صورت موردی و جزئی است و منظور از رویکرد آموزه‌ای، رویکردی است جامع و سامانمند در برابر نگاه گزاره‌ای. آموزه مهدویت، مجموعه معارف منسجم و نظام مند درباره حضرت مهدی است. به عبارت بهتر، اعتقاد به وجود امامی که وارث فرهنگ وحی است و جهانیان در انتظار او به سر می‌برند. در این رویکرد، به روایات مهدوی به صورت کلی و مجموعی نگاه نمی‌شود؛ بلکه با نگرشی خاص به این روایات، هرآنچه می‌تواند خاستگاهی برای اصول راهبردی باشد، استخراج می‌گردد.<sup>۲</sup>

مهدویت از دیدگاه اسلام، به معنای اعتقاد به وجود امام زمان و آخرین حجت و ذخیره الهی است که با ظهور و انقلاب جهانی خود، آرمان پیامبران الهی و خاتم آنان، حضرت محمد ﷺ را در سراسر گیتی گسترش خواهد داد و قوانین اسلام را به عنوان کامل‌ترین برنامه سعادت بخش، در همه دنیا اجرا خواهد کرد. او ضمن غلبه بر اوضاع فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دنیا، اوضاع جهان را طبق خواست خداوند و بر اساس نیاز واقعی همه مردم دنیا، مرتب و منظم خواهد ساخت و عدالت را در سراسر جهان گسترش می‌دهد و ظلم و ستم را ریشه کن می‌سازد.

شیعه معتقد است «مهدی موعود»، امام دوازدهم و سلاله پاک پیامبر اکرم ﷺ است. در این زمینه، رسول خدا به حضرت علی ع فرمود:

امامان پس از من، دوازده نفر هستند. ای علی! نخستین آنها تو هستی و آخرینشان قائم ع است. او کسی است که خداوند به دست او مشرق و مغرب زمین را فتح می‌کند.<sup>۳</sup>

۱. سلیمیان، فرهنگ‌نامه مهدویت، ص ۴۳۴.

۲. یور سید آقایی، سید مسعود، «مهدویت و رویکردها»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴، ص ۶.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۲.

در هر حال «خلاصه و حقیقت مهدویت، منتهی شدن سیر جوامع جهان به سوی جامعه واحد و سعادت عمومی، امنیت و رفاه، تعاون و همکاری، همبستگی همگانی حکومت حق و عدل جهانی، غلبه حق بر باطل، غلبه جنودالله بر جنود شیطان، نجات مستضعفان و نابودی مستکبران، و خلافت مؤمنان و شایستگان به رهبری یک رجل و ابرمرد الهی است که موعود انبیا و ادیان و دوازدهمین اوصیا و خلفای پیغمبر آخرالزمان است»<sup>۱</sup>.

دیدگاه تاریخی مهدویت به طور خاص، به زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بازمی‌گردد. در روز عید غدیر، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله همگام با معرفی امام علی علیه السلام به عنوان امام پس از خود، همه امامان، از جمله حضرت مهدی علیه السلام را به مردم معرفی می‌کند و ظهور و حکومت او را به مسلمانان مژده می‌دهد. «مهدویت» در امتداد نبوت و خاتمیت است. از این رو، در مرحله‌ای حساس از تاریخ آغاز شده و تا امروز ادامه یافته است و تا آخرین لحظه حیات دنیوی بشر نیز باقی خواهد بود. بنابراین، چگونگی «امامت» از امام علی علیه السلام تا ولی عصر علیه السلام و واکنش مسلمانان درباره امامت (به طور عام) و مهدویت (به طور خاص) و نیز حوادث تاریخی در این باره، می‌تواند از موضوعات مهم و حساس تاریخ اسلام به شمار آید. مسئله مهدویت در طول تاریخ مطرح بوده؛ روایات شیعه و سنی نیز از بشارت‌های پیامبر گرامی به آمدن حضرت مهدی علیه السلام سرشار است.

۱. صافی گلپایگانی، اصالت مهدویت، ج ۲، بخش ۴، ص ۱۹.

### پرسش های این درس

۱. آینده پژوهی را تعریف کنید.
۲. انواع اصطلاحات مربوط به مطالعات آینده را توضیح دهید.
۳. جهانی شدن را تعریف کنید.
۴. محورهای اصلی تعاریف جهانی شدن را توضیح دهید.
۵. مهدویت را تعریف کنید.

## فصل دوم:

آینده و رویکردهای آینده شناسی

دوره اول

## رویکردها و اهداف مطالعات آینده

### آموزه‌های این درس

۱. آشنایی با شیوه‌های مختلف آینده‌شناسی در جهان؛
۲. مفهوم و چیستی آینده‌پژوهی؛
۳. اهداف مطالعه آینده.

### رویکردهای مطالعات آینده

در طول تاریخ، آینده را به شیوه‌های مختلفی مطالعه کرده‌اند. عمده‌ترین دیدگاه‌ها و رویه‌های موجود در مطالعه و شناخت آینده را می‌توان در موارد زیر طبقه‌بندی کرد:

#### ۱. آینده‌شناسی به وسیله علوم غریبه، سحر و رمزگرایی

بشر از دیرباز برای کشف و پیش‌بینی آینده روش‌های مختلفی شناسایی کرده و گاه با ادعاهای غیر عادی، از تحقق وقایعی در آینده خبر داده است. علم نجوم، جفر و سحر و جادو و گاه شهودهای شخصی، همگی تلاش‌هایی در این زمینه بوده‌اند. فارغ از صحت و سقم این ادعاها و میزان اعتبار آنها، می‌توان این‌گونه رویکردها را «رمزگرایانه» و «شهودی» قلمداد کرد. در این‌جا شخص مشاهده‌کننده، به دلیل شرایط روحی و روانی خاصی که یافته، به شناخت و مشاهده آینده قادر است. غالباً این روش‌ها نیازمند تمرین و ریاضت روحی خاصی بوده، به راحتی تعلیم‌پذیر نیستند. گاه این شهود محصول مکاشفات عرفانی است که شخص عارف بدان رسیده، به مشاهده ملک و ملکوت قادر می‌گردد. به هر حال، این رویکرد، خود دارای تنوعات بسیار گسترده‌ای است و از روش‌های قابل قبول تا روش‌های غیر موجه را در بر می‌گیرد. برخی از روش‌های مطرح در پیشگویی، فاقد مبنای علمی‌اند.<sup>۱</sup>

۱. اسلاتر، دانش واژه آینده پژوهی، ص ۴۶.

## ۲. فلسفه تاریخ (محرک، فرآیند و فرجام تاریخ)

«فلسفه تاریخ»، همانند فلسفه عام به دنبال تحلیل عقلانی تحولات تاریخ است. از این منظر، غرض نه درک جزئیات، بلکه تحلیل کلان سیر تاریخ است. سه مؤلفه اساسی فلسفه تاریخ را می‌توان در قالب «مبدأ و منشأ تاریخ»، «محرک آن، فرآیند و قانونمندی‌ها و سنت‌های حاکم بر تاریخ» و «غایت و فرجام تاریخ» دانست. هرچند دو محور نخست با آینده ارتباط مستقیمی ندارند؛ فرجام‌شناسی فلسفی با آینده و شناخت آن ارتباط وثیقی دارد. تمایز اصلی این شیوه با شیوه‌های دیگر مطالعه تاریخ، تمرکز بر تحلیل عقلانی است. همچنین نتیجه این تحلیل صرفاً کلی و تبیین کلان شاخص‌ها و ویژگی‌های آینده خواهد بود.

## ۳. آینده‌شناسی از منظر ادیان و علوم نقلی

از منظری دیگر، می‌توان در شناخت و کشف تحولات آینده، به گزارش‌های پیامبرانه‌ای که در متون مقدس دینی آمده است، رجوع کنیم. از منظری می‌توان گفت تمامی ادیان آسمانی از تحولات آینده در قالب منجی‌گرایی خبر داده‌اند. در قرآن کریم، این نکته چنین تصریح شده است: «وَلَوْ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ و ما در زبور - پس از تورات - نوشته‌ایم که این زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد»<sup>۱</sup>.

در این رویکرد، باید به متون دینی مراجعه کرد و از رهیافت اسنادی و نقلی در شناخت تحولات آینده، مدد جست. این رویکرد را می‌توان به‌نوعی دیدگاه‌شناسی دین در باب تحولات آینده نامید. در این جا، محقق، خود مستقیماً به شناخت آینده دست نمی‌زند، بلکه شناخت آینده را به واسطه گزاره‌های دینی که از آنها گاه به‌عنوان «اخبار ملاحم» یاد می‌شود، جست‌وجو می‌کند. طبیعی است در این رویکرد، روش‌های تفسیری متون مقدس مورد نیاز است و باید به واسطه آنها به شناخت آینده دست زد. چنین شناختی که از متون دینی در باب آینده حاصل می‌شود، گویای آینده محتوم و تخلف‌ناپذیر است که در

اصطلاح اسلامی از آن به «جامعه مهدوی» و «ظهور منجی» انسان‌ها یاد می‌شود. البته ادیان، علاوه بر تبیین آینده قطعی، گاه گزارش‌هایی به صورت اعجازی از آینده مطرح کرده‌اند. این امور گاه در قالب گزارش‌هایی از وقایعی خاص در آینده‌اند که برخی سعی می‌کنند مصادیقی برای آنها مشخص کنند. همچنین می‌توان پذیرفت که دین، علاوه بر گزارش آینده قطعی و وقایع خاص در آینده، به ما نوعی بصیرت و بینش خاص در کشف و شناخت آینده به دست می‌دهد. قرآن کریم گاهی از سنت‌های الهی در این زمینه یاد کرده است که تبدیل‌پذیر و تحویل‌پذیر نیست: ﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَا لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾ آیا آنها چیزی جز سنت پیشینیان و [عذاب‌های دردناک آنان] را انتظار دارند؟! هرگز برای سنت خدا تبدیل نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی‌یابی.<sup>۱</sup>

البته علاوه بر رویکردهای گذشته می‌توان نسبت دین را با شناخت آینده، از منظری کاملاً متفاوت مطرح کرد. این منظر به نقش مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی و غایت‌شناختی دینی در دیگر شناخت‌های بشری از آینده مربوط می‌شود. بدون تردید، نوع نگاه دین به معرفت بشری، بر رویکرد دانشمند دینی تأثیرگذار است. این امور به چگونگی تأثیرگذاری دین بر علوم بشری مربوط می‌شود که از آن به «علم دینی» یا «اسلامی‌سازی علوم» یاد می‌شود.<sup>۲</sup>

بدین ترتیب، دین، علاوه بر تبیین مستقیم آینده محتوم، به شیوه‌های دیگری درباره شناخت آینده سخن گفته است که می‌توان آنها را در موارد زیر جمع‌بندی کرد: تبیین آینده محتوم و فرجام جهان؛ پیشگویی تحولات خاص در آینده؛ ارائه الگو و قانونمندی تحولات آینده در قالب سنت‌های الهی؛ ارائه مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی خاصی که از طریق آن می‌توان آینده را شناخت. در این زمینه در آینده بیشتر سخن

۱. فاطر: ۴۳.

۲. رک: واعظی، «علم دینی از منظر آیت الله جوادی آملی»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، بهار ۱۳۸۸؛ بستان، حسین و همکاران، گامی به سوی علم دینی، ج ۲، فصل ۴.

خواهیم گفت.<sup>۱</sup>

#### ۴. رویکرد تجربی در آینده‌پژوهی

وجه بارز و شاخص این حوزه مطالعاتی را در تمایز با حوزه‌های پیشین، باید در استناد به روش‌ها و مقدرات بشری و تمرکز بر آنها دانست که عمدتاً از طریق رویکردهای تجربی صورت می‌گیرند. در این رویکرد، تمرکز بر روندها و شواهد و قراین تجربی است. بدیهی است مطالعات تجربی، لزوماً به معنای اثبات‌گرایی پوزیتیویستی نیست، بلکه با تحولات صورت‌گرفته در دانش‌های تجربی، از پوزیتیویسم گرفته تا ابطال‌گرایی، منظرگرایی و رئالیسم انتقادی، همگی در ردیف دانش‌های تجربی قرار می‌گیرند. با سیر تحول دانش در غرب از تجربه‌گرایی متصلب پوزیتیویستی به رویکردهای جدید در اواخر قرن بیستم، چنین نشانه‌هایی از تحول، کاملاً ملموس و روشن‌اند. بدین دلیل باید گفت در این‌جا تجربه‌گرایی صرفاً ارجاع و استناد کلی و گسترده به شواهد و قراین موجود است و عملاً تأثیر و نفوذ نظریه‌ها، هنجارها و ارزش‌های محققان در مطالعات تجربی پذیرفته شده است.<sup>۲</sup> برایان فی نیز بر این اساس، در کتاب خود از رویکرد چندمنظرگرایی فرهنگی بهره جسته است.<sup>۳</sup>

البته در این رویکرد، علاوه بر اکتشاف که عمدتاً بر رویکردها و روش‌های تجربی صرف و گاه آماری مبتنی است؛ از رویکرد تصویرپردازی و هنجاری استفاده می‌شود که دارای بعد ارزشی است. باید توجه داشت که هرچند رویکردهای هنجاری آینده‌پژوهی، بعدی هنجاری و غیرتجربی دارند؛ به دلیل آن که بر نوعی شناخت و کشف آینده مبتنی هستند (که بعدی تجربی و غیرهنجاری دارند)؛ در تفکیک و تمایز آنها از رویکردهایی چون فلسفه تاریخ و دیدگاه‌شناسی دین در باب آینده، باید گفت به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر ابعاد تجربی کشف آینده مبتنی هستند. آینده‌پژوهی با لحاظ رویکردهای

۱. ر.ک: بهروز لک، «بررسی نسبت مهدویت پژوهی و آینده‌پژوهی»، مجموعه مقالات مهدویت و آینده پژوهی، ص ۳۵-۳۸.

۲. ر.ک: سایر، آندرو، روش در علوم اجتماعی.

۳. ر.ک: فی، برایان، فلسفه امروزی بین علوم اجتماعی.

اخیر و فراتر از نگاه پوزیتویستی به علوم انسانی، به این دلیل تجربی تلقی می‌شود که در بستری تجربی شکل گرفته و با رویکردهای تجویزی و عقلی تکمیل شده است. این رویکرد از آینده‌پژوهی، در این نوشتار مورد توجه خواهد بود.

### اهداف آینده‌پژوهی

«آینده» کلید واژه اصلی در قرآن و روایات به منظور ایجاد آگاهی و آمادگی‌های اعتقادی، روحی، فکری و اجتماعی است. هر انسانی باید خود را برای رویارویی با آینده و ساختن آینده‌ای روشن و مطلوب آماده سازد. آینده‌ای که مورد نظر قرآن است، هم به آینده دنیوی مربوط است (آینده افراد و جوامع) و هم به آینده اخروی (فرجام = پایان انسان و جهان). فرارو را نگاه کردن و عدم غفلت از آینده، خواسته قرآن از همه انسان‌هاست. آنان، هم باید به فکر فردای خود باشند و هم فرداهای بعدی؛ هم باید آنها را بشناسند و هم برای ساختن آنها آماده باشند. فرداها و آینده‌ها، تحت اراده قاهر الاهی، نتیجه اعمال، برنامه‌ها و حتی نیات است. بر این اساس، آینده‌شناسی قرآن، به این معطوف است که انسان با تفکر و اندیشه درباره اعمال و رفتار خود، متوجه آینده باشد و برای بهسازی آن بکوشد. قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ...»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الاهی پیشه کنید و هر یک [از شما] بنگرد تا برای فردایش چه پیش فرستاده است...». در روایتی، مفهوم این آیه به خوبی توضیح داده شده است: «راغب فی یومیة، غده و نظر قدما اماما؛ [انسان خردمند] در امروز، مراقب فردای خویش است و از هم اکنون به آن چه پیش دارد، نظر می‌کند».

خاستگاه نگاه به آینده در اسلام، صرفا حفظ بقا و کسب رفاه مادی نیست، بلکه با هدایت وحی، برای تعالی و تکامل به سوی قرب الی الله سعی می‌ورزد. یعنی انسان با آموزه‌های وحی، خود را نیازمند آینده‌نگری در دو بعد جسمانی و روحانی یا مادی و معنوی می‌یابد که بهره‌گیری از دانش و ابزار، یکی از لوازم آن می‌باشد. اهل ایمان به نگاه به آینده ملزم هستند و باید زندگی خود را در این دنیا، برای ورود به آینده (چه در دنیا

و چه در آخرت) تنظیم و آماده کنند. بر این اساس، مسلمانان موظفند برای آینده بلند مدت خویش در این دنیا برنامه‌ریزی کنند؛ چنان که گویی تا ابد در این دنیا زندگی می‌کنند؛ اما با نگاه به آینده دیگر و زندگی جاودانه در آن. چنان که در حدیثی آمده است: «إعمل لدنیاک کأنک تعيش أبداً، واعمل لآخرتک کأنک تموت غداً؛ برای دنیای خود چنان کار کنید که گویی تا ابد در آن زنده‌اید و برای آخرت خود چنان کار کنید که گویی فردا خواهید مرد».<sup>۱</sup> در جهان بینی اسلامی، آینده انسان به دنیا هدر نیست، بلکه آینده‌ای دیگر در ادامه زندگی دنیوی او جریان یافته است که کیفیت زندگی در آن به زندگی دنیا وابستگی تمام دارد؛ ولی در آخرت تجلی و بروز کامل می‌یابد. حدیث مذکور، ضمن آن که گویای اهمیت هر دو مرحله حیات در دنیا و آخرت است؛ متذکر می‌گردد که انسان عاقل، به هر دو توجه ویژه‌ای دارد تا آن‌جا که برای دنیایش به گونه‌ای اندیشه و عمل می‌کند که گویا همیشه در این دنیا خواهد بود.

ساخت دنیای مطلوب در آینده، بر شناخت‌هایی مبتنی است که براساس احتمالات و طرح آینده‌های مختلف (ممکن، محتمل و مطلوب) صورت می‌گیرد و هدف آن، گزینش بهترین و مطلوب‌ترین آنها است. براین اساس، بخشی از آینده به تصویرها، اقدامات و خواسته‌های انسان‌ها مربوط است که در صورت همراهی با سنت‌ها و قوانین الهی و توجه به علایم و نشانه‌هایی که از آینده در معارف دینی مطرح شده‌اند، می‌تواند جامعه را به سوی «آینده متعالی» سوق دهد و زمینه‌های رشد معنوی و پیشرفت را فراهم سازد. هدف مهم آینده‌پژوهی، ارتقای سطح زندگی انسانهاست که این مهم به روشنی در دین اسلام مطرح شده و آنان را برای رسیدن به فرجام نیک دنیا و آخرت ترغیب کرده است. قرآن می‌فرماید: «إِذْ قُلْنَا لَأَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتَ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْرَثُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»<sup>۲</sup> بگو: برای خودم هیچ سود و زیانی را مالک نیستم، به جز آن چه خدا بخواهد و اگر [بر فرض] همواره از [آن چه از حس] پوشیده، آگاهی داشتم، حتماً خیر خویش را می‌افزودم و بدی به من

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۴۶.

۲. اعراف: ۱۸۸.

نمی‌رسید. من برای گروهی که ایمان می‌آورند، جز هشدارگر و بشارت‌گری نیستم<sup>۱</sup>. بر اساس این آیه، هر کس بتواند به غیب دسترسی پیدا کند و بر آینده قطعی دانا شود، به یقین خیر و منافع فراوانی به دست خواهد آورد؛ اما علم غیب و شناخت آینده قطعی به خدا اختصاص دارد چرا که غیر او هر چه باشد وجودش محدود است، و ممکن نیست که از حدش بیرون شده و به آنچه که خارج از حد او و غایب از او است آگاه شود، و معلوم است که هیچ موجودی غیر محدود و غیر متناهی و محیط به تمام اشیاء نیست مگر خدای تعالی، پس تنها او عالم به غیب است. علم غیب (شناخت آینده) آدمی را به تمامی خیرها و شرها آگاه می‌سازد و عادتاً معقول نیست کسی که به همه مصادیق خیر و شر اطلاع دارد، از اطلاعات خود استفاده نکند و اگر کسی تمامی خیرات را به خود جلب نکرده و همه شرور را از خود دفع نمی‌کند، باید دانست که قطعاً فاقد علم غیب است.<sup>۱</sup> بر این اساس، دانش آینده‌شناسی که از «علم غیب» پایین‌تر است و تنها احتمالات را بررسی می‌کند، می‌تواند دسترسی به فرصت‌ها و دوری از تهدیدها و شرها را در حد و توان خود موجب شود و افراد را برای رویارویی با آینده‌ای ممکن و رسیدن به آینده مطلوب آماده سازد. البته گوشه‌ای از علم غیب الهی، از طریق پیامبر و امامان معصوم به مردم بیان شده و اخبار غیبی زیادی از آینده در منابع دینی نقل شده است که می‌تواند برای «آینده‌پژوهی» بسیار راهگشا و اساسی باشد.

«آینده‌پژوهی» به معنای مهیا بودن برای آینده و استخدام منابع موجود به بهترین وجه ممکن در جهت ارزش‌ها و اهداف است. آینده‌پژوهی بر مجموعه تلاش‌هایی مشتمل است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات، به تجسم آینده بالقوه و برنامه ریزی برای آن می‌پردازد. آینده‌پژوهی منعکس می‌کند که چگونه از دل تغییرات (یا تغییر نکردن) «امروز»، واقعیت «فردا» تولد می‌یابد. آینده‌پژوهی، در حقیقت تصمیم‌گیری مربوط به آینده در زمان حال است. دانش و بینشی که آینده‌پژوهی در اختیار انسان می‌گذارد، او را در کسب موقعیت برتر در عرصه رقابتی یاری رسانده و او را درباره تغییرات احتمالی آینده هوشیارتر می‌کند و به همگان اجازه می‌دهد بدانند به کجا می‌توانند

۱. ر.ک: طباطبایی، *المیزان*، ج ۸، ص ۴۸۵.

بروند(آینده‌های محتمل) و به کجا باید بروند(آینده‌های بایسته) و از چه مسیرهایی می‌توانند آسان‌تر به آینده‌های مطلوب برسند.

بر این اساس، آینده‌پژوهی، فرآیندی علمی است که استدلال، انتخاب و اقدام را در می‌آمیزد. وندل بل، اهداف آینده‌پژوهی را نه مورد عمده دانسته است: «بررسی آینده‌های ممکن»، «بررسی آینده‌های محتمل»، «بررسی تصویرهای آینده»، «بررسی بنیان‌های معرفتی آینده‌پژوهی»، «بررسی بنیان‌های اخلاقی آینده‌پژوهی»، «تفسیر گذشته و تعیین موقعیت حال»، «تلفیق دانش و ارزش برای طراحی حرکت اجتماعی»، «افزایش مشارکت مردمی در تصویرسازی از آینده و طراحی آن» و «ترویج تصویری خاص از آینده و حمایت از آن»<sup>۱</sup>.

به طور کلی برای مطالعه در مورد آینده، اهداف مختلفی ذکر کرده‌اند که برخی از آنها به طور خلاصه عبارتند از:

۱. تهیه و تنظیم قواعدی برای تحولات آینده که بر اساس آینده‌شناسی، قابل پیش‌بینی هستند؛

۲. شناخت مسائل و درک صحیح از مسائل نوظهور و جدید و نحوه برخورد یا مقابله با آنها؛

۳. برنامه‌ریزی بلند مدت و کوتاه مدت و پیشگیری از نتایج زیان‌بار رویدادهای پیش‌بینی نشده؛

۴. پرهیز از گام نهادن در محیط پرخطر و ناشناخته آینده؛

۵. پذیرش و درک اهمیت ایده‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های مثبت گذشته و حال در خلق و ایجاد آینده در جهان برتر؛

۶. پدید آوردن نگرشی سیستماتیک و منظم و منطقی به تحولات آتی که بر زندگی انسان‌ها اثر مستقیم دارند.<sup>۲</sup>

با توجه به این اهداف، روشن می‌شود که آینده‌پژوهان در پی شناخت علل تغییرند تا بر

۱. رک: وندل بل، مبانی آینده‌پژوهی.

۲. عیوضی، محمد رحیم، «آینده انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱۸، ص ۱۳۸.

اساس آن نقبی به آینده بزنند. در واقع «تغییر» کلید واژه شناخت آینده است. تغییر، از دید آن‌ها، از یک سو به فرآیندهای پویایی گفته می‌شود که زیربنای پیشرفت‌های مبتنی بر فناوری هستند و از سوی دیگر، تحول در شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم را در بر می‌گیرد. آینده‌پژوهان برای یافتن نظریه‌هایی تلاش می‌کنند علاوه بر توضیح چنین تغییراتی، در تشخیص و فهم آنها به مردم کمک کنند. آنان می‌خواهند تعیین کنند که کدام تغییرات پیش‌بینی شده را می‌توان پذیرفت؛ چراکه این تغییرات، به شکلی گذرا، خارج از توان کنترل بشر قرار دارند.

بر این اساس، هدف اصلی این دانش، کشف یا ابداع، امتحان، ارزیابی و پیشنهاد آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح، به منظور شکل‌گیری آینده‌ای مطلوب است. آینده‌پژوهان می‌خواهند بدانند چه آینده‌هایی می‌توانند رخ دهند (ممکن)، چه آینده‌هایی با احتمال بیشتری شکل می‌گیرند (محتمل) و چه آینده‌هایی باید برپا شوند (مرجح).<sup>۱</sup>

۱. احمدی، فضل‌الله و دیگران، «تکنیک دلفی (بزازی در تحقیق)»، مجله آموزش در علوم پزشکی، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ص ۱۷۶ و ۱۷۷.

### پرسش‌های این درس

۱. دیدگاه‌ها و رویه‌های مطالعه و شناخت آینده را توضیح دهید.
۲. آینده‌شناسی دارای چه جایگاهی در ادیان و علوم است؟
۳. خاستگاه دینی - قرآنی آینده‌پژوهی را توضیح دهید.
۴. مهم‌ترین اهداف مطالعه آینده را بنویسید.

درس دوم

## آینده نگری در ادیان و مکاتب

آموزه‌های این درس

۱. انواع آینده‌نگری در ادیان؛
۲. آینده‌نگری مثبت در ادیان مختلف؛
۳. نظریه‌های معطوف به آینده.

### انواع آینده نگری در ادیان

مقوله «آینده» در ادیان و مکاتب و اندیشه‌ها، دارای ابعاد و وجوه مختلفی است و نگاه‌های «منفی» و «مثبت» به آینده تا بی‌تفاوتی نسبت به آن را شامل می‌شود.

#### ۱. آینده نگری منفی

در نگرش منفی به آینده، آینده و فراسوی بشر، تاریک و ظلمانی فرض شده و ناامیدی، سرا پای انسان‌ها و جوامع انسانی را فرا گرفته است. ایده نگرش منفی، غالباً از آن کسانی است که به ماورا اعتقاد ندارند و جهان و جهانیان و ارتباط میان آنها را مادی محض می‌پندارند. به تعبیر دیگر، دیدگاه «ماتریالیستی» دارند. از این رو، بعضی فیلسوفان به جهان و به انسان، هر دو بدبین هستند. جهان را در مجموع، شیئی نامطلوب و انسان را هم در میان مخلوقات این عالم، موجودی می‌دانستند شریر و موجودی که اسیر یک سلسله گرایز پست و پلید است و از وجود این موجود، جز شر چیزی بر نمی‌خیزد. آنان معتقد بودند جهان شر است و انسان هم شریرترین موجودات.<sup>۱</sup>

طبیعت انسان، خاستگاه خیلی از ردایل اخلاقی، نظیر تکبر، خودخواهی، خشم، برتری طلبی و استثمارگری است و این صفات، از زمانی که انسان‌ها، پا به عرصه زمین گذاشته‌اند، پیوسته با انسان‌ها بوده و در آینده با آنها خواهند بود. از طرفی، اختلافات و چالش‌های میان انسان‌ها به دلیل تفاوت‌های فرهنگی، نژادی و جغرافیایی، هر روز عمیق‌تر و بحرانی‌تر می‌شود. بی‌شک وقتی عوامل مذکور کنار یکدیگر قرار گیرند،

۱. مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۵، ص ۹۹۹.

نتیجه‌ای جز نابودی نسل بشر و جوامع بشری را نمی‌توان از آنها استنباط کرد.<sup>۱</sup> در تفصیل مطلب یاد شده در بیان خاستگاه آینده‌نگری منفی، دو عامل نقش اساسی دارند که یکی عامل «درونی» است و از آن، به «طبیعت سرکش انسان» تعبیر می‌شود و دوم، عامل «بیرونی» است که از آن به «جهان بینی و نگرش انسان به جهان» تعبیر می‌شود.

## ۲. آینده‌نگری مثبت

در نگرش مثبت به آینده، آینده و فرجام تاریخ بشر، روشن است؛ یعنی آینده تاریخ به منزله ظرفی است که ظهور موعود و تحقق جامعه ایده آل و مطلوب را در خود جای داده است؛ موعودی که انسان‌های با دیدگاه مثبت، برای رسیدن به آن، چشم به فراسو دوخته و آمدن او را انتظار می‌کشند. نگرش مثبت، نگرشی است که غالب معتقدان به ماورا و خدا و نیز اکثر پیروان ادیان، اعم از آسمانی و غیر آسمانی، بدان باور داشته و نشاط و بالندگی فرد و اجتماع خویش را در آن، جست‌وجو می‌کنند. پس نگرش مثبت به آینده، بر ساخت‌وساز انسان و جوامع انسانی و نیز برای معنا بخشیدن و هدفمند کردن زندگی انسان‌ها، نقشی تأثیرگذار خواهد داشت. آینده‌نگری مثبت، از باورهایی است که میان آموزه‌های اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است. مقوله «مهدویت»، باورداشتی است که آینده‌نگری مثبت اسلام را نشان می‌دهد. دین اسلام، به عنوان آخرین دین و نیز کامل‌ترین و جامع‌ترین ادیان آسمانی، باید پاسخگوی همه مشکلات و دغدغه‌های بشر باشد. عدم آگاهی بشر از فرجام خویش، از مهم‌ترین نگرانی‌های او است که او را به خود مشغول کرده است. آیا سعادت و خوشبختی، چشم‌انداز او است یا شقاوت و بدبختی؟ دین در جایگاه تنها مقوله‌ای که میان انسان و ماورا ارتباط برقرار می‌کند، می‌تواند به این نگرانی‌ها پاسخ دهد و انسان را به ساحل نجات رهنمون سازد. از این رو، دین اسلام، این مسئولیت مهم را بر عهده گرفته و انسان‌ها را به آینده و فرجامشان امیدوار کرده و مهدویت را سمبل آینده مثبت به بشر و جوامع بشری معرفی کرده است. متمایز بودن آینده‌نگری اسلام از آینده‌نگری ادیان دیگر، این است که دین اسلام، علاوه بر معرفی

۱. الهی نژاد، حسین، «آینده‌نگری و فرجام تاریخ بشر»، *انتظار موعود*، تابستان ۱۳۸۶، شماره ۲۱.

کلی مهدویت، به عنوان نماد آینده مثبت، به بیان جزئیات آن پرداخته و با ارائه آموزه های روشن و معقول و نیز با تعریف صحیح و روشن از آینده نگری و مقوله مهدویت و از همه مهم تر با مشخص کردن مصداق منجی و زنده و حاضر بودن او در این دنیا و نیز نظارت ایشان بر اعمال و گفتار انسان ها؛ ایده آینده نگری را از مقام «عقل نظری» (ایده مطلق) به جایگاه «عقلی عملی» (مدینه فاضله مهدوی) سوق داده و آن را برای بشر و جوامع بشری کاربردی کرده است.

آینده نگری مثبت امری است فراگیر در ادیان؛ چنان که شهید مرتضی مطهری این نگاه انسان را به آینده، ناشی از نوع جهان بینی افراد می داند. وی می گوید:

نگرش مثبت، نگرشی است که غالب معتقدان به ماوراء و خدا و نیز اکثر پیروان ادیان، اعم از آسمانی و غیر آسمانی، بدان باور داشته و نشاط و بالندگی فردی و اجتماعی خویش را در آن جست و جو می کنند. نگرش مثبت به آینده، هم در ساخت و ساز انسان و جوامع انسانی نقش مهمی داشته و هم در معنا بخشیدن و هدفمند کردن زندگی انسان ها نقش تأثیرگذاری خواهد داشت.<sup>۱</sup>

### نقش ادیان در شکوفایی اندیشه آینده نگر

نکته مهم در زمینه سیر تاریخی اندیشه فرجام شناسی، توجه به نقش اساسی و بی بدیل ادیان الهی در شفاف سازی دورنمای آینده از یک سو و توسعه و شکوفایی نگاه مثبت به آینده از سوی دیگر است؛ زیرا گرچه اندیشه فرجام خواهی و آینده نگری، دارای ریشه های فطری و انسانی و سابقه کهن تاریخی است؛ این بحث در حوزه گفتمان بشری، قبل از هر چیز، دستاورد گفتمان دینی بوده و منادیان اصلی آن، پیامبران الهی و کتاب های آسمانی می باشند. ویژگی مهم آینده نگری ادیان، این است که پیشگویی های پیامبران الهی توانسته اند آرمان خواهی نهفته انسانی را، به رویکردی فراگیر در جوامع بشری تبدیل کنند؛ زیرا آثار رویکرد جوامع به سمت ایده نجات گرایانه ادیان الهی، فراگیر و همه جانبه است. اصل نجات، تنها در توان خداوند متعال است. نجات او، رحمت عام است و لطف و عنایت

۱. مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۵، ص ۹۹۹.

او در همه حال، بندگان را شامل می‌شود و آنها را از انواع خطرها، وسوسه‌های فکری و روحی و القائات شیاطین در امان می‌دارد. برای همین هدف اساسی، خداوند متعال، پیامبرانش را برای نجات بشر از ظلمت‌ها، گمراهی‌ها و تباهی‌ها فرستاده است. پس، نجات، گستره وسیعی از حیات آدمی را شامل می‌شود؛ از بدو خلقت و حیات فکری و مادی او، تا حیات دینی و معنوی و اخروی‌اش.<sup>۱</sup>

از این نظر، فرجام‌نگری و توجه به فردای تاریخ را، می‌باید دستاورد آموزه‌های ادیان آسمانی و پیامبران الهی دانست که همواره نگاه بشر را به سوی آینده روشن و بهجت‌آوری، معطوف کرده و فرارسیدن چنین دوران ایده‌آلی را برای فردای تاریخ، بشارت داده‌اند. به همین دلیل، این نگرش در میان پیروان ادیان و کسانی که دارای جهان‌بینی توخیدی هستند، نمود بیشتری دارد؛ زیرا مکاتب الهی، از آن جا که جهان را دارای آفریدگاری حکیم، دانا و توانا و تدبیر جهان را بر اساس اراده حق تعالی توجیه می‌دانند؛ آینده و فرجام انسان‌ها را روشن ارزیابی می‌کنند.

به هر میزان که جوامع بشری از آموزه‌های دینی تأثیر پذیر بوده‌اند؛ در میان آنان امید به آینده رواج و نفوذ بیشتری داشته است. استاد مطهری در این مورد که گسترش رویکرد دین‌گرایانه، جامعه را در نهایت به سمت پذیرش ایده حکومت عدل جهانی، نزدیک‌تر خواهد کرد؛ می‌نویسد:

در طول تاریخ گذشته و آینده، نبردهای انسان تدریجاً بیشتر جنبه ایدئولوژیک پیدا کرده و می‌کند و انسان تدریجاً از ارزش‌های انسانی به مراحل کمال خود؛ یعنی به مرحله انسان ایده‌آل و جامعه ایده‌آل نزدیک‌تر می‌شود، تا آن جا که در نهایت امر، حکومت عدالت، یعنی حکومت کامل ارزش‌های انسانی که در تعبیرات اسلامی از آن، به حکومت مهدوی تعبیر شده است؛ مستقر خواهد شد و از حکومت نیروهای باطل، حیوان مآبانه، خودخواهانه و خودگرایانه اثری نخواهد بود.<sup>۲</sup>

بنابراین، اهمیت و تأثیرگذاری آینده‌نگری و پیشگویی‌های ادیان، بدان روست که برپایه

۱. همو، تکامل اجتماعی انسان، ص ۳۵۲.

۲. همو، مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۴۲۷.

آموزه‌های یقین‌آور و حیانی و اخبار غیبی پیامبران الهی و کتاب‌های آسمانی، از آینده گزارش می‌دهد.

### مشترکات آینده نگری ادیان ابراهیمی

در آموزه‌های ادیان ابراهیمی، مؤلفه‌های مشترک مهمی وجود دارد که شالوده اصلی نگرش این ادیان، بر این وجوه مشترک استوار است. با نگاه درون‌دینی به آموزه‌های آینده‌نگر ادیان ابراهیمی، مشاهده می‌شود که الگوی غالب بر پیشگویی فرجام‌شناسانه هر کدام از این ادیان بزرگ، پیش‌بینی جهانی‌شدن و غلبه بر سایر ادیان است. این آموزه، مخصوصاً در آینده‌نگری اسلامی، بیش از سایر ادیان، مورد تأکید واقع شده است. مهم‌ترین اصول مشترک در آموزه‌های دینی ادیان ابراهیمی که به‌طور آشکار و پرننگ مشاهده می‌شود، عبارتند از:

الف) اعتقاد به پیروزی حتمی حق بر باطل و حاکمیت پاکان در آینده؛

ب) محوریت رهبر الهی و آسمانی در این تقابل (منجی موعود)؛

ج) تأکید بر ماهیت دینی نظام آینده (غلبه جهانی دین).

این محورها را می‌توان جزو مهم‌ترین اصول مشترک آینده نگری ادیان ابراهیمی به شمار آورد.<sup>۱</sup>

البته به طور کلی در میان ادیان، نمی‌توان دینی را یافت که آینده‌نگری و به نوعی پیش‌بینی آینده در آن یافت نشود؛ مانند اعتقاد به ظهور «مسیحا» در یهودیت، آینده‌نگری مثبت در مزامیر داوود، «فارقلیط» به معنای نجات‌دهنده و اندیشه عروج مسیح به آسمان در مسیحیت، دوران تاریخی و «سوشیانت» یا «سوشیانس» در زرتشت و اعتقاد به «اوتارها» در بودیسم و مظاهر برهمن. درباره آینده‌نگری مثبت، می‌توان به شواهد و قراین روشنی دست یافت:

۱. صمدی، قنبرعلی، در آمدی بر آینده نگری در ادیان، <http://mahdi313.ir/index>.

**الف) آینده‌نگری مثبت در منابع زرتشتیان**

در جاماسب‌نامه چنین آمده است: «سوشیانس» (نجات‌دهنده بزرگ جهان) دین را به جهان رواج دهد؛ فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد؛ ایزدان را از دست اهریمن نجات داده و مردم جهان را هم‌فکر و هم‌گفتار و هم‌کردار کند.<sup>۱</sup> مردی بیرون آید از زمین تازیان، از فرزند آنهاشم مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق و بر دین جد خویش باشد با سپاه بسیار روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پر داد کند.<sup>۲</sup>

آن گاه از طرف اهورا مزدا، به ایزدان یاری می‌رسد؛ پیروزی بزرگ از آن ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازد... . بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست.<sup>۳</sup>

**ب) آینده‌نگری در بودا**

بودا، در فرمان‌های خود به آینده‌نگری بشر پرداخته است. بودا بر این باور است که در آینده، انسان در دوره‌ای از زمان به نابسامانی و بحران دچار می‌شود. انسان‌های بحران‌زده در جامعه، مردمانی استثمارگر، ستمگر و پوچ‌گرا خواهند بود. آنها بدی را عین خوبی می‌پندارند و بین خیر و شر هیچ تفاوتی قائل نیستند و تنها به امیال جنسی خویش ارج می‌نهند و به زندگی تجملاتی گرایش می‌یابند؛ کودکان به تغییراتی دچار می‌شوند که برای والدین قابل درک نیست و این مسئله چیزی است که هیچ دین و آیینی خواستار آن نیست. پس از آن، جامعه به دورانی تازه وارد می‌شود؛ دورانی که انسان به رشد روحی بزرگی دست می‌یابد و در زبان پالی آن را *Mettral Sriaraye* می‌نامند. معنای این کلمه آن است که در آینده، جامعه‌ای متمدن، سرشار از آگاهی و در اوج کمال پدید خواهد آمد و هر انسانی که در این جامعه مدنی قرار گیرد، به طور کلی به فضای *Dhamma* وارد می‌شود و تحول بزرگی در جامعه بشری به وجود می‌آید.

این مرحله از تاریخ، با یک انسان ظهور می‌کند. او بر شتر سفیدی سوار است و از صحرا

۱. جاماسب‌نامه، ص ۱۲.

۲. همان، ص ۱۰۷.

۳. کتاب زند، رک: مهدی پور، او خواهد آمد، ص ۱۰۶.

می‌آید و تعداد زیادی از یارانش که شمارشان به بیش از هزار نفر می‌رسد، او را همراهی می‌کنند. طبق گفته بودا، دین نه دیکتاتوری است و نه دموکراسی تمام‌عیار و نه از سنخ مکتب‌های جهل‌آمیز مادی‌گرا. بنابراین، عدالت باید برای همه در جامعه رعایت شود. هیچ گونه بی‌عدالتی، ریاکاری و عمل خلافی در چنین جامعه‌ای از دید قانون پوشیده نمی‌ماند.

### ج) آینده‌نگری مثبت در منابع یهود

در تورات آمده است: «اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش؛ زیرا البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد؛ بلکه جمیع امت‌ها را نزد خود جمع می‌کند و تمام قوم‌ها را برای خویشتن فراهم می‌آورد».<sup>۱</sup> «خداوند، بر ابراهیم ظاهر گشت و گفت: به ذریه تو این زمین را می‌بخشم. تمام این زمین را که می‌بینی، به تو و ذریه تو تا به ابد خواهیم بخشید...».<sup>۲</sup>

«در آن زمان، میکائیل امیر عظیمی که برای پسران قوم تو [=حضرت دانیال] ایستاده است، خواهد برخاست... و بسیاری از آنان که در خاک زمین خوابیده‌اند، بیدار خواهند شد... و آنان که بسیاری را به راه عدالت رهبری می‌نمایند، مانند ستارگان خواهند بود تا ابدالآباد<sup>۳</sup> و در ایام آخر، واقع خواهد شد... جمیع امت‌ها به سوی آن روان خواهند شد؛ او امت‌ها را داوری خواهد کرد».<sup>۴</sup>

در مزامیر داوود نیز آمده است: «زیرا شریران منقطع خواهند شد و اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند شد. هان! بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود. در مکانش تأملی خواهد کرد و نخواهد بود؛ اما حکیمان، وارث زمین خواهند شد... زیرا بازوان شریر شکسته خواهند شد و اما صالحان را خداوند تأیید می‌کند. خداوند، روزهای کاملان را می‌داند و میراث آنها خواهد بود تا ابدالآباد...<sup>۵</sup> متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد؛

۱. کتاب حقیوق نبی، فصل ۲، بند های ۳ و ۵.

۲. سفر پیدایش، فصل ۱۲، بند ۷.

۳. کتاب دانیال نبی، فصل ۱۲، بند های ۱ - ۵.

۴. کتاب اشعیای نبی، باب ۲، بند های ۲-۴.

۵. کتاب مزامیر، مزمور ۳۷، بند های ۹-۱۲ و ۱۷-۱۸.

اما ملعونان وی منقطع خواهند شد... صدیقان وارث زمین شده؛ ابدأً در آن ساکن خواهند شد»<sup>۱</sup>.

#### د) آینده‌نگری مثبت در منابع مسیحیت

در اندیشه تاریخی مسیحیت، آینده، دوران روح‌القدس است. این اشاره به آینده یکی از ویژگی‌های اندیشه تاریخی مسیحیت در قرون وسطا است. اما این که در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد؛ در پاسخ باید گفت از طریق مکاشفه؛ یعنی آینده، بخشی از تاریخ است که حضرت مسیح راجع به خدا برای انسان مکشوف کرده است. این مکاشفه نه تنها کلید فهم آن چه را خدا در گذشته انجام داده در اختیار انسان قرار می‌دهد؛ بلکه آن چه را هم که خدا بر آن است در آینده انجام دهد، به انسان نشان می‌دهد.

خداوند می‌فرماید: این است خدمتگزار من که او را تقویت می‌کنم. این است برگزیده من که از او خشنودم. او را از روحم بر خواهم ساخت تا عدالت و انصاف را برای اقوام جهان به ارمغان آورد. عدل و انصاف واقعی را به اجرا در خواهد آورد. دلسرد و نومید نخواهد شد و عدالت را بر زمین استوار خواهد ساخت. مردم سرزمین‌های دور دست منتظرند تعالیم او را بشنوند.<sup>۲</sup> چنان که برق از مشرق ساطع شده، تا به مغرب ظاهر می‌شود؛ ظهور پسر انسان چنین خواهد شد. آن‌گاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد و در آن وقت، جمیع طوایف زمین، سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال می‌آید... اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد؛ حتی ملائکه آسمان، جز پدر من و بس... لهذا شما نیز حاضر باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نبرید، پسر انسان می‌آید.<sup>۳</sup>

#### ه) آینده‌نگری مثبت در کتاب‌های مقدس هندیان

«پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد و نام او،

۱. همان، بند های ۲۲-۲۹.

۲. کتاب مقدس، کتاب اشعیا، باب ۴۲.

۳. انجیل متا، فصل ۲۴، بند های ۲۷ و ۳۰ و ۳۵ و ۳۷ و ۴۵.

منصور باشد و تمام عالم را بگیرد و به آیین خود در آورد»<sup>۱</sup>. چون مدت روز تمام شده و دنیای کهنه نو شود و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا شود؛ از فرزندان دو پیشوای جهان، یکی ناموس آخر زمان و دیگری - و حتی بزرگ وی - که «پشن» نام دارد و نام صاحب ملک تازه «راهنما» باشد؛ به حق پادشاه شود و خلیفه رام باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار باشد.<sup>۲</sup>

دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخر زمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد و حق و راستی با او باشد و آنچه در دریاها و زمین‌ها و کوه‌ها پنهان باشد، همه را به دست آورد و از آسمان‌ها و زمین، آنچه باشد، خبر می‌دهد و از او بزرگ‌تر، کسی به دنیا نیاید.<sup>۳</sup>

#### و) آینده نگری مثبت در منابع اسلامی

قرآن کریم از آینده بشر و تحولاتی که جامعه انسانی شاهد آنها خواهد بود، سخن می‌گوید و مجموعه اوصافی را ارائه می‌کند که برای رهبری انسان در مسیر خود به سوی آینده‌ای بهتر می‌توان از آنها استفاده کرد. با این همه، انسان در اجرای برنامه‌های خویش آزاد است و جامعه بشری مجموعه تنش‌های پیچیده و منافع متضاد است. قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ و به راستی در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.<sup>۴</sup> «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ زمین از آن خداست، آن را به هر کس از بندگان که بخواهد، می‌دهد و فرجام [نیک] برای پرهیزکاران است.<sup>۵</sup> «وَوَرِّدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ و می‌خواهیم بر کسانی که در زمین، فرودست شدند، منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث زمین

۱. کتاب مقدس «دیده»، ر.ک: مکارم شیرازی، مهدی انقلابی بزرگ، ص ۵۴.

۲. مقدس (پاتیکل)، ر.ک: همان.

۳. مقدس (باسک)، ر.ک: مهدی پور، او خواهد آمد، ص ۱۰۲.

۴. انبیاء: ۱۰۵.

۵. اعراف: ۱۲۸.

کنیم»<sup>۱</sup>. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...»؛ «وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین، جانشین [خود] قرار دهد... و دینی که برای ایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند»<sup>۲</sup>.

آیات پیش گفته، نمونه‌هایی از آیاتی است که بر آینده‌ای روشن و نیکو برای تاریخ بشر دلالت دارد. در برخی آثار، تعداد آیاتی که به این امر اختصاص داشته و آینده را برای بشر مثبت و روشن ارزیابی می‌کند، بیش از یکصد آیه عنوان شده‌اند و نیز بعضی از مؤلفان، تعداد آنها را بیش از دویست آیه برشمرده‌اند.<sup>۳</sup>

بی تردید، باورداشت مهدویت، میان باورهای مسلمانان، اصیل و دارای جایگاهی مهم است. در این زمینه، روایات بسیاری از پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت او نقل شده است. تعداد این روایات، به حدی است که برخی اندیشوران و متخصصان مباحث مهدویت، ادعای تواتر کرده و تعداد این روایات را بیش از دو هزار روایت برشمرده‌اند.<sup>۴</sup> از آن‌جا که مقوله مهدویت برای مسلمانان نماد و سمبل آینده مثبت و درخشان است؛ همه روایاتی که درباره مهدویت در کتاب‌های حدیثی آمده است، به نحوی با آینده و آینده‌نگری همسو است.

از آن‌جا که ظهور منجی، همان‌گونه که در احادیث متعدد آمده است، برجیده شدن بساط ستم در جهان و گسترده شدن عدالت را موجب خواهد شد؛ انتظار مهدی در حقیقت، انتظار تغییری مبارک و تحولی شکوهمند خواهد بود. از این رو، این انتظار را می‌توان «انتظار تغییر» نامید. هر گونه تغییر و تحولی به مقدمات و لوازمی نیازمند است که به عملکرد افراد وابسته است. با توجه به آیات قرآن کریم، تغییر و تحول از یک منظر به دو حوزه

۱. قصص: ۵.

۲. نور: ۵۵.

۳. الهی نژاد، حسین، «آینده‌نگری و فرجام تاریخ بشر»، *انتظار موعود*، تابستان ۱۳۸۶، شماره ۲۱.

۴. رک: صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، مقدمه.

«فردی» و «اجتماعی» قابل تقسیم می‌باشد. در حوزه تغییر فردی، تحولات درونی افراد گاهی سرنوشت آنها را تغییر می‌دهد و فرد را از گمراهی، به هدایت رهنمون می‌سازد؛ یا او را، از مسیر هدایت و نورانیت به گمراهی می‌کشاند.

منشأ این تحولات اساسی، رفتار آدمی است که هم تغییر مثبت و هم تغییر منفی را شامل می‌شود. در بعد اجتماعی نیز تغییر و تحول در دست خداست؛ با این شرط که مقدمات و لوازم آن، همچنان در دست افراد است. به عبارت دیگر، در حقیقت، افراد جامعه می‌توانند با ایجاد تغییر و تحول شخصی در خود، زمینه تغییر اجتماعی را فراهم آورند تا از این رهگذر خداوند آن تغییر و تحول را در جامعه محقق سازد. در حقیقت، این تغییر پیش از آن که اجتماعی باشد، فردی است و از رهگذر این تغییر فردی، تغییر اجتماعی حاصل می‌شود. ظهور حضرت مهدی علیه السلام و برچیده شدن بساط ستم و برپا کردن حکومت عدل مهدوی بر اساس مبانی حکومتی دین مبین اسلام؛ مهم‌ترین تغییری است که در سرتاسر تاریخ بشر در این جهان مادی اتفاق خواهد افتاد. آیات و روایات فراوانی نیز تحقق این امر را تصریح کرده‌اند.<sup>۱</sup> می‌توان گفت در تمامی تفکرات، در زمینه اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی غیبی و مصلح بزرگ جهانی، سمت و سوی جهان، پیروزی عدالت و نجات قطعی انسان‌ها و نابودی حتمی ظلم و ظالم است و همین انتظارات عامل نیروبخش و ایمان بخش به ستم دیدگان بوده و امیدواری آنها را به پیروزی باعث شده است. این ایمان قطعی، نه تنها آنها را بی‌مسئولیت و منفعل بار نمی‌آورد، بلکه به آنان نیرو، قدرت و اطمینان به پیروزی و روحیه فعال می‌دهد.<sup>۲</sup> بنابراین، کل نظام و تفکر مهدویت در بستر مشیت الهی، قوام و تحلیل خواهد شد و در حقیقت، در این نوع تفکر، ذات پروردگار، در عین وجود اختیار برای انسان، دارای قدرت تأثیرگذاری است و سنت‌های الهی چون «بدا» و «ابتلاء»، در حیات بشری وجود دارند. از این دیدگاه تفاوت تفکر مهدویت با تفکر «جبرگرایانه» و «تفویض‌گرایانه» مشخص خواهد شد.

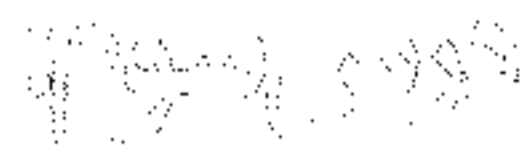
۱. سبحانی نیا، محمدتقی، «نظریه تغییر و تأثیر آن در زمینه سازی ظهور»، فصلنامه مشرق موعود، سال سوم، ۱۳۸۸ شماره ۱۱، ص ۱۴-۳۰.

۲. گودرزی، تصمیم‌گیری استراتژیک؛ مطالعه موردی رویکرد موعودگرایی شیعه، ص ۱۹۴-۱۹۵.

تمایز آینده‌نگری اسلام از آینده‌نگری ادیان دیگر، آن است که اسلام، افزون بر معرفی کلی مهدویت، به عنوان نماد آینده مثبت، به بیان جزئیات آن پرداخته و با ارائه آموزه‌های روشن و معقول و نیز با تعریف صحیح و روشن از آینده‌نگری و آموزه مهدویت و از همه مهم‌تر، با مشخص کردن مصداق منجی و زنده و حاضر بودن او در این دنیا و نیز نظارت وی بر اعمال و گفتار انسان‌ها، اندیشه‌نگری را از مقام عقل نظری به جایگاه عقل عملی سوق داده و آن را برای بشر و جوامع بشری، کاربردی کرده است.

### پرسش های این درس

۱. آینده‌نگری منفی را توضیح دهید.
۲. آینده‌نگری مثبت چیست و چه مفهومی دارد؟
۳. آینده‌نگری مثبت در یهود و مسیحیت را بنویسید.
۴. آینده‌نگری مثبت در منابع اسلامی را توضیح دهید.



## تئوری‌های معطوف به آینده

### آموزه‌های این درس

۱. الگوها و طرح کلی دربارهٔ آینده جهان؛
۲. تئوری‌های خطی (تکاملی)؛
۳. تئوری‌های ادواری (چرخه‌ای)؛
۴. تئوری‌های تضادی (ستیز).

## مقدمه

در «آینده اندیشی»، درباره حرکت تاریخ و بروز اندیشه‌ها و تفکرات گوناگون درباره آن سه الگو و طرح کلی شده است:

۱. «الگوی خطی» (ترقی یا قهقرایی): بر اساس این الگو، حوادث تاریخ از نقطه مشخصی آغاز شده و سیر خود را ادامه داده است و تا مرحله‌ای که ما در آن قرار داریم، رسیده است. در این الگو، تاریخ به سمت و سوی معینی در حرکت است.

۲. «الگوی ادواری» (چرخشی یا تکراری): در این الگو، عقیده بر آن است که حوادث تاریخی از جایی شروع می‌شود و طی حرکتی تناوبی و در چرخه‌ای عظیم تکرار می‌شود. بر این اساس، تاریخ، خود را در ملت‌ها و ادوار متوالی، تکرار کرده است.

۳. «الگوی بخت و تصادف»: در این الگو گفته می‌شود، تصادف و اتفاق به طور کلی بر همه چیز حاکم است؛ یعنی حوادث تاریخی فاقد نظم و بی‌شکل بوده است!

«نظریه خطی» ممکن است مفهوم ترقی یا سیر قهقرایی را در برگیرد؛ لیکن بخش اعظم چنین نظریه‌هایی بر پیشرفت نوع انسان تأکید کرده‌اند. همچنین ممکن است تکامل و پیشرفت ادواری با تکامل خطی توأم گردد و نوعی سیر ارتقایی مارپیچ را پدید آورد؛ نظیر آنچه ویکو پیشنهاد کرده است.

بر اساس مطالعات صورت گرفته، سه دسته تئوری از سوی فیلسوفان و جامعه‌شناسان در این زمینه ارائه شده است که در ادامه، به اختصار معرفی می‌گردند:

### تئوری‌های خطی و تکاملی

بر اساس «الگوی خطی» (ترقی یا قهقرایی)، حوادث تاریخ از نقطه مشخصی آغاز شده و سیر خود را ادامه داده، تا به مرحله‌ای که ما در آن قرار داریم، رسیده است. در این الگو، تاریخ به سمت و سوی معینی حرکت می‌کند. بر اساس تئوری‌های خطی و تکاملی، جامعه و تاریخ، همواره به سوی تکامل در حرکت است و هر چه زمان بگذرد، جامعه انسانی به سعادت خویش نزدیک‌تر شده، در نهایت به جامعه آرمانی خواهد رسید. سیر این تحول نیز از منظر متفکران این گروه متفاوت است. این سیر عمدتاً به شکل خطی و یا پله‌ای تصور می‌شود و در مجموع، هر مرحله یا پله‌ای از تاریخ، از مرحله یا پله قبلی کامل‌تر است. اندیشمندان این گروه، حرکت انحطاطی و یا دوری تحولات را نفی می‌کنند. از دیدگاه آنها جوامع بشری، ضمن پشت سر گذاشتن مراحل تاریخی، همواره به سمت ترقی و تکامل سیر کرده‌اند که نهادهای اجتماعی، فرهنگ، اقتصاد را نیز شامل نیز می‌شود. البته آنان در بین خود اختلاف دیدگاه دارند.

دیدگاه‌های اگوست کنت و تالکوت پارسونز را می‌توان در زمره این دسته از تئوری‌ها قرار داد:

#### ۱. اگوست کنت (۱۷۹۸-۱۸۵۷ م)

اگوست کنت فرانسوی، برای سیر تحول جوامع قانونی سه مرحله‌ای را مطرح کرد. از دید او، جوامع از یک «مرحله اعتقادی» یا الاهی، با هدایت عقیده‌ای فراطبیعی آغاز می‌شوند. در این مرحله، جوامع از نظر اعتقادی دوره‌ای از بت‌پرستی، روح‌گرایی، چندخدایی و تک‌خدایی را پشت سر می‌گذارند. جوامع تک‌خدایی پیشرفته‌ترین جوامع در مرحله اعتقادی‌اند.

مرحله دوم پیشرفت جوامع از نظر کنت، مرحله «متافیزیکی» یا «ما بعدالطبیعی» است. در این دوره قوانین تکامل یافته، بشر به نیروهای انتزاعی یا مجرد به عنوان نمایندگان کنترل‌کننده جامعه می‌نگرد و با تکیه بر عقل، طبیعت اشیا و علل حوادث را تبیین می‌کند

و بدین سان مرحله دیگری از ترقی خود را پشت سر می‌گذارد. در نهایت، کنت عقیده دارد که جوامع باید به دنبال «علل علمی پدیده‌های فیزیکی و اجتماعی» باشند. او این دوره را «مرحله اثباتی» نام می‌گذارد که در آن، رشد صنعت و همزیستی صلح‌آمیز از طریق خیرخواهی گسترده و اعتماد و اطمینان جامعه نسبت به نوعی مذهب انسانی وجود دارد. این مرحله از منظر کنت، پیشرفته‌ترین دوره تاریخ بشر است. بنابراین، آینده جهان از نظر او «آینده‌ای اثباتی» است.

روشن است که اگوست کنت، نوعی توسعه خطی - تکاملی را در سیر تحول جوامع و تاریخ طرح می‌کند. او مرحله «پوزیتیویسم» را دوره رشد و گسترش علم در امور انسانی دانسته، آن را بسیار می‌ستاید. در واقع، آن چه وی به عنوان مراحل سه‌گانه رشد علم و تاریخ مطرح کرد، مسیر تحولات و وقایع اروپا بود.

اشکال اساسی این دیدگاه:

۱. حقایق ماورای مادی، عالم غیب، اشراق و امور معنوی را در مرحله اثباتی نادیده می‌گیرد و با نگاهی تک بعدی، جهان را به امور محسوس و مادی محدود می‌کند.
۲. بر خلاف دیدگاه کنت، تاریخ و جوامع در ابتدا با بت پرستی و چند خدایی آغاز نشده‌اند؛ زیرا اولین انسان، «یعنی آدم»، اولین پیامبر الهی بوده است. هر چند در مراحل بعدی تاریخ و برهه‌های خاصی انحراف از توحید به وجود آمده است؛ تعمیم آن و نتیجه‌گیری کلی برای همه جوامع و تاریخ، ضمن غیر منطقی بودن با شیوه پوزیتیویستی در تضاد است.<sup>۱</sup> با اشکالات بنیادین مذکور، کنت نمی‌تواند درباره آینده جهان نظریه درستی ارائه کند.

#### ۲. تالکوت پارسونز

دانشمند دیگری که دیدگاه او را می‌توان جزو این دسته از تئوری‌ها برشمرد، تالکوت پارسونز آمریکایی است. دیدگاه او پیچیده است؛ اما به وضوح، سیر پیشرفتی در تحولات اجتماعی را نشان می‌دهد. او معتقد است که جوامع دارای ظرفیت انطباق برای پیشرفت در

۱. همان، ص ۱۸.

درون خود هستند و پیشرفت جامعه از یک قبیله به سوی دولت-شهر، ملت یا امپراتوری وابسته به آن است. به طور خلاصه وی در سیر تحول جوامع پنج مرحله در نظر می‌گیرد:

الف) مرحله ابتدایی یا بدوی؛

ب) نوشتن: اولین قدم در سیر به سوی کمال که جوامع را از حالت ابتدایی خارج می‌کند؛  
ج) مرحله شهروندی توسعه‌یافته: در این دوره، نظامی از قانون و شهروندی، مانند روم و یونان قدیم گسترش می‌یابد؛ اما نمی‌تواند همه افراد جامعه را در خود جذب کند؛ یعنی بخشی از مردم با این سیستم ناهمگون‌اند.

د) مرحله توسعه ادبیات فلسفی: این مرحله به نظر پارسونز به دنبال توسعه نظام فلسفی و ادبی یونان قدیم صورت گرفت که مرز - دولت شهرهای آن را مشخص می‌کرد. این دوره که برای توسعه سازمان‌های بزرگ‌تر ضروری بود؛ ابتدا امپراتوری روم و سپس کل اروپا را در دوره رنسانس تحت تأثیر قرار داد؛<sup>۱</sup>

ه) مرحله رسیدن به اصول جهانی حقوق و مذهب.

بر این اساس، می‌توان گفت طبق نظریه پارسونز، بشر در پایان تاریخ، به مجموعه‌ای از اصول جهانی در زمینه حقوق و مذهب می‌رسد. دیدگاه پارسونز نیز از سیر حوادث در جهان غرب متأثر است. او خط توسعه‌ای را نشان می‌دهد که مردم غرب دوست دارند بدان معتقد باشند؛ سیری از تحول جامعه و تاریخ که غرب آن را تجربه کرده است.

### تئوری‌های ادواری (چرخه‌ای)

«الگوی ادواری» (چرخشی یا تکراری): در الگوی دوم، عقیده بر این است که حوادث تاریخی از جایی شروع و طی حرکتی تناوبی و در چرخه‌ای عظیم تکرار می‌شود. بر این اساس، تاریخ، خود را در ملت‌ها و ادوار متوالی، تکرار کرده است. تئوری‌های دورانی یا ادواری معمولاً از این قضیه پیروی می‌کنند که جوامع در سیر به سوی آینده، مسیری دایره‌ای، موجی یا جریان تکراری دارند. بر این اساس، جوامع در دایره‌ای از تکامل، پیشرفت و انحطاط زندگی می‌کنند. این سیر از نقطه‌ای شروع می‌شود و به موقعیت اولی

برمی‌گردد. در واقع این گروه، تکاملِ خطی تاریخ را به شدت رد می‌کنند. به هر رو، طبق دیدگاه صاحبان این تئوری‌ها، آینده، تکرار گذشته است و تا جهان باقی است، این سیر مراحل و سیکل مشخص، همواره مشاهده خواهد شد.

در نظریه «فرآیند دوری»، تاریخ به صورت حلقه‌هایی مجسم شده است منفصل از هم و هر حلقه یا هر دوره نشانه تمدنی است که در زمانی و مکانی شروع شده و مرحله کودکی، جوانی، کمال و پیری را گذرانده و آن‌گاه پس از پیری مرگ آن فرا رسیده است. پس، در زمان دیگری و در مکانی دیگر تمدنی دیگر آغاز شده و همین سیر را آغاز کرده و به پایان رسانده و این دوره همواره ادامه داشته است و ادامه دارد. طرفداران این نظریه، معتقدند هر دور نسبت به دور دیگر، تکامل یافته‌تر و پیشرفته‌تر است. به عبارت دیگر، این گروه به «تطور تاریخ» معتقدند؛ یعنی هر دور ضمن این که در داخل خود تطوری دارد، دارای تطوری در خط سیر دورهاست. ارسطو از این نظریه، تشبیه جالب توجهی دارد. او می‌گوید: تاریخ مانند چرخ است که می‌چرخد. حرکتی به دور خود دارد و حرکتی به جلو. برخی از مهم‌ترین متفکران جهان به این تئوری معتقدند. در این زمینه از عبدالرحمن ابن خلدون، توین‌بی، و سوروکین و اسپنگلر می‌توان نام برد.

#### ۱. ابن خلدون (۷۳۲-۸۰۸ ق / ۱۳۳۲-۱۴۰۶ م)

عبدالرحمن ابن خلدون، از جمله دانشمندان جهان اسلام است که در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و فلسفه تاریخ بسیار تأثیرگذار بوده است. کتاب «المقدمه» او نزد عوام و خواص مشهور است. وی از کسانی است که با تکیه بر معرفت دینی، با استفاده از آیات قرآن و روایات، نظریه ادواری خود را تدوین و تبیین کرده است. او با استفاده از آیاتی همچون: ﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَّوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾<sup>۱</sup> و آیه ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾<sup>۲</sup> سیری مشابه سیر حیات انسان برای جامعه و دولت‌ها قائل است. از منظر وی جوامع تولد، جوانی، پیری و مرگ دارند؛ همان‌گونه که انسان‌ها چنین‌اند. این

۱. آل عمران: ۱۴۰.

۲. اعراف: ۳۴.

چرخه که در گذشته تاریخ جریان داشته است، حال و آینده را نیز شامل می‌شود. بنابراین، جهان فردا چون جهان گذشته و حال است.

ابن خلدون می‌گوید: تاریخ تکرار می‌شود؛ اما این تکرار یکنواخت نیست، بلکه تطور و خلق است و این خلق و تکامل، نردبان وار به جلو می‌رود. ابن خلدون مشخصات و مراحل هر دور را چنین بیان می‌کند: «تهاجم»، «اوج»، «تجمل»، «استبداد» و «انحطاط».

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که ابن خلدون، همچون دیگر جامعه‌شناسان پیشاهنگ، ساختار جامعه را چون اندام واره در نظر می‌آورد که پویش تکاملی را از مراحل ساده آغاز کرده و کم‌کم به تعالی می‌رسد. سپس وی، بنابر چگونگی تکامل دوری، بر این نکته است که جوامع پس از رسیدن به تعالی، به دوران فترت و سستی خویش می‌رسند.

به عقیده ابن خلدون، منشا قدرت سیاسی در سرشت حیوانی انسان و در ذات تجمع (زندگی جمعی) است. سرشت حیوانی، متضمن میلی سرکش به عدوان، خشونت، قهر و تقلب است. سرشت تجمع، تعاون و هماهنگی بخشیدن به مناسبات اجتماعی است. برای دوری از آشوب و نزاع که برای زندگی اجتماعی سازگار نیست، انسان‌ها ناگزیر به فرمان یکی گردن می‌نهند که در میان جمع از همه نیرومندتر است؛ یعنی کسی که از لحاظ جسمانی و نفسانی به ایجاد نظم و هدایت منافع جمع توانمند است. حاکمیت چنین شخصی بر شرایط و ضرورت‌های طبیعی مبتنی است که با پیدایی حالت اجتماع پدید می‌آید و در عین حال، هم طبیعی است و هم اجتماعی.<sup>۱</sup>

به‌طور کلی، ابن خلدون اعتقاد دارد که قدرت پنج مرحله را می‌پیماید:

الف) مرحله پیروزی و چیرگی بر مخالفان و استیلا بر کشور و باز گرفتن آن از دست دولت دیگر؛

ب) مرحله خودکامگی یا حکومت مطلق یا تسلط یافتن و حکومت مطلق یک تن بر همه افراد قبیله؛

ج) مرحله آسودگی و آرامش دولت و برخورداری از نتایج کشورداری؛

د) مرحله خرسندی و مسالمت جویی؛

۱. ر.ک: ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ص ۷۰ - ۷۹.

ه) مرحله اسراف و تبذیر که حکام، وقت خود را در مجالس عیش می‌گذرانند و به وضع کشور نمی‌رسند و در نتیجه توسط قومی که عصبیت بیش‌تری دارد، مغلوب می‌گردند. ماجرای ظهور تمدن‌ها در تئوری ابن‌خلدون از همین نقطه آغاز می‌شود. او اساساً با مفاهیمی چون «حضارت» (شهرنشینی) آغاز می‌کند. شهرنشینی از دید ابن‌خلدون مرحله دوم حیات بشری است. مرحله‌ای که بادیه‌نشینان به هدف توسعه ابعاد زیست خود در جهان و پس از تمامی به تفنن جویی در تجملات و بهتر کردن کیفیات آن وارد آن می‌شوند.<sup>۱</sup>

«عصبیت»، مفهوم محوری در تئوری تاریخی ابن‌خلدون است. عصبیت همان سائق و محرک اولیه بادیه‌نشینان به سمت ایجاد شهرهای عظیم است. شاید بفرنج‌ترین و پیچیده‌ترین مفهوم موجود در تئوری تاریخی ابن‌خلدون، همین مفهوم باشد؛ کما این‌که بسیاری ترجیح داده‌اند به دنبال معادلی برای این مفهوم نگردند و آن را عیناً تکرار کنند. ابن‌خلدون خود نیز عصبیت را به‌طور دقیق و مجزا تعریف نمی‌کند؛ ولی زوایای مختلف این مفهوم در تئوری تاریخی ابن‌خلدون آن‌قدر تکرار و کاویده می‌شود که محقق خود به فهمی نسبتاً متناظر با اراده ابن‌خلدون دست می‌یابد. غیرت، روح نژادی و جماعت، مردم‌تهییج شده از روحی زنده و پروقار، روح ملی، حمایت و نیرومندی، تعابیر متفاوت در مورد عصبیت است.<sup>۲</sup>

براساس آن‌چه از نظریات ابن‌خلدون در زمینه حرکت دورانی تاریخ برمی‌آید؛ وی زوال عصبیت را این‌گونه تبیین می‌کند: وقتی بادیه‌نشینان به دلیل داشتن عصبیت بیش‌تر بر شهرنشینان غلبه می‌یابند و موجبات تاسیس دولت جدیدی را فراهم می‌آورند؛ روسای قبایل که با تجملات شهری و خلق و خوی شهریان خو گرفته، به تدریج شجاعت، قناعت و سخت‌کوشی را از دست می‌دهند و عصبیت آنان به ضعف می‌گراید و زمینه مساعد و آماده می‌گردد تا قبیله دیگری که دارای عصبیت شدیدتر و قوی‌تر است، بر آنها چیره گشته و دولتی را که قبیله پیشین، مستقر کرده، مضمحل کرده و دولت

۱. آزاد ارمکی، اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از فارابی تا ابن‌خلدون، ص ۲۹۲.

۲. همان، ص ۳۰۷.

جدیدی متولد می‌شود و این دور تسلسل و توالی همچنان ادامه می‌یابد.<sup>۱</sup> از دیدگاه ابن خلدون، عوامل مذکور، موجب زوال عصبیت بوده است.

نظریات ابن خلدون خاص زمان خود بود و بعدها بسیاری از دیدگاه‌های او به وسیله دانشمندان جرح و تعدیل شد. با وجود نوآوری و تکیه ابن خلدون بر معرفت دینی، به نظر می‌رسد او از برخی آیات از جمله «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»<sup>۲</sup> غفلت کرده است.

## ۲. توین بی (۱۸۸۹-۱۹۷۵ م)

آرنولد جوزف توین بی، فلسفه تاریخ خود را در قالب تئوری ادواری-تکاملی، بیان می‌کند. او «تمدن» را واحد مطالعات خود در نظر گرفته است.<sup>۳</sup> به نظر وی، همچنان که روح زمین تارهایش را به دور زمان می‌تند، تاریخ دنیوی بشر با تولد، رشد، انحطاط و سرانجام فروپاشی جوامع شکل می‌گیرد. از این حیات مغشوش... ما آهنگ موزونی می‌شنویم... آهنگ پیکار و پاسخ، پیشروی و بازگشت، ناسازگاری و نوسازگاری، جدایی و پیوستگی... حرکت چرخ‌های در حال گردش چیزی جز تکرار نیست؛ اما در هر جنبش، ازابه‌ای را به جلو می‌راند.<sup>۴</sup>

توین بی، واحد معقول را در بررسی‌های تاریخی نه «انسانیت» و نه «گروهی خاص» از انسان‌ها و نه «ملت» می‌داند؛ بلکه در دیدگاه او، آن چه ما را با واحدی متشکل و منسجم روبرو می‌کند و فهم و بیان حوادث تاریخی را ممکن می‌سازد؛ «تمدن» است. «تمدن» بر نوعی ارتقای روحی و اخلاقی دلالت می‌کند و انسان‌ها خواه ناخواه در حال کوشش و تقللاً برای گذر از مراحل ابتدایی انسانیت به مراتب بالاتر و عالی‌تر هستند. توین بی، تمدن‌های گوناگونی را که در طول تاریخ به وجود آمده‌اند، استقرا کرده و به مطالعه تطبیقی آنها پرداخته است. او معتقد است در میان جوامع بشری، تنها ۲۱ جامعه، منظم و متشکل است

۱. فراهانی منفرد، مهدی وهمکاران، «نقش عصبیت در تاریخ از دیدگاه ابن خلدون»، قیاسات، شماره ۴۲، ص ۱۴۸-۱۵۱.

۲. انبیاء: ۱۰۵.

۳. مظفری، شیعه و جهان فردا، ص ۲۰.

۴. پیتیریم سورکین، نظریه‌های جامعه‌شناسی و فلسفه‌های نوین تاریخ، ص ۱۴۸.

و تمدن یا جامعه واقعی به شمار می‌رود. از جمله مهم‌ترین آن‌ها، می‌توان به تمدن‌های خاور دور، تمدن هندو، تمدن ارتدکس، تمدن اسلامی و تمدن غربی معاصر اشاره کرد.<sup>۱</sup> از نظر توین‌بی، ویژگی شاخص و وجه ممیزه اصلی تمدن‌ها، پویایی و تحرک آنها است. هر تمدن برخاسته از دل تمدن پیش از خود است؛ یعنی در پی ظهور و سر برآوردن نیرویی معارض یا چالش‌تهدید کننده قدرتمند، ضرورتاً واکنش یا پاسخ مناسب و خلاقانه جدیدی صورت می‌بندد.

پس وجود نوعی محرک یا انگیزه، سبب عکس‌العمل در جامعه می‌شود؛ مثلاً مشکلات ناشی از خشونت و سختی محیط جغرافیایی، یا ظلم و ستم حاکمان بر جامعه، یا شکست‌های پی در پی، یا محرومیت‌ها و فشارها و انگیزه‌هایی از این قبیل؛ سبب می‌شود که جامعه در جهت دفاع از خود، در مقابل این محرک‌ها عکس‌العمل نشان دهد و همین عکس‌العمل پیدایش تمدنی تازه را موجب می‌گردد.

بنابراین، تمام تمدن‌ها، در واقع عکس‌العملی دفاعی در مقابل هجوم مشکلات گوناگون جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی هستند. وقتی تمدنی به این طریق به وجود آمد، به ناچار جامعه جدید به دو دسته تقسیم می‌شود: «اقلیت حاکم» و «اکثریت تحت سلطه» (پرولتاریا) که به تدریج شکاف میان این دو عمیق‌تر می‌شود و انگیزه جدیدی به وجود می‌آید که عکس‌العملی در پی خواهد داشت. عکس‌العمل جدید، نظام جامعه را به هم می‌ریزد و آن تمدن از بین می‌رود و نظام تازه‌ای جایگزین آن می‌شود و این گردش همچنان تکرار می‌شود.<sup>۲</sup> توین‌بی، در آخرین جلد کتاب مطالعه تاریخ آشکارا بر پیش‌فرض‌های دینی و کلامی خود تأکید می‌کند. به عقیده او نهایتاً تمدن‌ها صرفاً بر اساس دستاوردهای دینی و معنوی خود، قابل سنجش‌اند و از این رهگذر است که احتمالاً بتوان به صورت موجه از طرح سیر طبیعی، به نوعی طرح مابعدالطبیعی دست یافت. از این لحاظ به نظر می‌آید توین‌بی کاملاً در سنت آگوستینی قرار می‌گیرد و تاریخ را محل

۱. ر.ک: مجتهدی، کریم، فلسفه تاریخ، ص ۱۷۱.

۲. آرنولد توین‌بی، فلسفه نوین تاریخ (حاوی اصول نظریات و فرضیه‌های آرنولد توین‌بی)، ص ۷۰ —

تحقیق تدریجی مشیت و فعل خدا می‌داند و هدف نهایی را در رسیدن به چیزی می‌خواند که معمولاً «شهر خدا» و «مدینه الاهی» نامیده‌اند.<sup>۱</sup> دیدگاه توین بی درباره ظهور کلیسای جهانی یا دین جهانی، به دیدگاه اسلامی نزدیک است؛ اما حقیقت این است که «اسلام»؛ آن دین جهانی و «حضرت مهدی عج»، همان عدل مجسم خلاق الاهی است. همچنین عصر عدالت مطلق، عصر حجت بن الحسن العسکری عج است که با کمک حضرت مسیح عج عمیق‌ترین آرزوهای فطری بشر را به تحقق خواهند رساند. بر این اساس می‌توان گفت که نظریه وی، «ادواری - تکاملی» است؛ یعنی با وجود تکرار مراحل تاریخ و شباهت آینده به حال و گذشته، پایانی متکامل در انتظار بشر است. بنابر سیر انسان و تمدن از نظر توین بی، انسان پایان تاریخ یک انسان ملکوتی است، نه لیبرال دموکرات؛ و آینده جهان به عصر «عدل الاهی خلاق» منتهی می‌گردد، نه نظام «لیبرال دموکراسی». البته او تصریح می‌کند که به نظر می‌رسد مسیحیت، هدف نهایی تاریخ بشر و بالاترین حد خیر برای بشر روی کره زمین باشد.<sup>۲</sup>

### ۳. اسوالد اشپینگلر

اشپینگلر، اثر بزرگ و برجسته خود را در زمینه فلسفه تاریخ نگاشته و در آن با بررسی‌های تاریخی و اجتماعی می‌کوشد تمدن‌های جهان را از ابتدای پیدایش تا قرن معاصر تجزیه و تحلیل کند. او می‌کوشد مسیر مشخص تمام فرهنگ‌ها را روشن سازد و از روی آن، تحول‌های فرهنگ‌ها و تمدن‌های کنونی را پیش‌بینی کند. «سال‌های تصمیم»، یکی دیگر از آثار با ارزش این فیلسوف است. از منظر اشپینگلر، تاریخ همچون موجود زنده‌ای است که می‌تواند قرائت‌ها و تفسیرهای ادواری داشته باشد و هر دوره حدود هزار سال طول می‌کشد. هر دوره با مرگ حتمی خویش از بین می‌رود و دوره بعدی جانشین آن می‌شود. اشپینگلر هر دوره تاریخی را به دو مرحله «فرهنگ» و «تمدن» تقسیم می‌کند. اشپینگلر کل تاریخ بشری را ترکیبی از تیپ‌ها و صورت‌های مختلف فرهنگی

۱. مجتهدی، فلسفه تاریخ، ص ۱۷۴.

۲. نظریه‌های جامعه شناسی و فلسفه‌های نوین تاریخ، ص ۱۴۸.

می‌داند که هر کدام ممیزاتی دارد. به عقیده وی «تاریخ جهان، نظامی ادواری دارد و فرهنگ‌ها در این ادوار با صورت نوعیه و تیپ خاص خویش از قوه به فعل می‌رسند»<sup>۱</sup>. در تئوری‌های ادواری، تمدن‌ها، همگی در تاریخ متولد می‌شوند؛ دوران صباوت و کودکی را می‌گذرانند و پس از بالندگی در دوران بلوغ و جوانی، سرانجام با دست‌ان خود فرتوت و مضمحل می‌شوند. اشیپنگلر فلسفه خود را از تلقی خطی از تاریخ این‌گونه بیان می‌کند:

من به‌جای آن تصور واهی، یعنی خط مستقیم تاریخ، سرگذشت تعداد معینی از فرهنگ‌های معظم را می‌بینم که هر کدام با نیروی اولیه شگرفی از خاک وطن مخصوص سر برآورده و هر کدام از اقوام و افراد بشری را که در قلمرو خود وجود داشته، به شکل خاص خویش درآورده و هر کدام را ایده‌ای مخصوص، آمال و آرزوهایی مخصوص و اراده و احساسی مخصوص و مرگ مخصوصی است... تاریخ دنیا در نظر من، تصویری است از ترکیب‌ها و تحلیل‌های بی‌شمار و رشد و زوال مظاهر حیات. بر خلاف نظر آنان که تاریخ را من خود قرار داده‌اند، امور دنیا مانند گرمی جلوه می‌کند که مرتباً بر طول خود می‌افزاید؛ یعنی پیوسته قرنی را به قرن دیگر ملحق کرده و عهدها و عصرها را تلنبار می‌کند.<sup>۲</sup>

اشیپنگلر اعتقاد دارد که تمدن‌های بشری، همانند موجودات زنده زایش، بالش و مرگ دارند. در فلسفه او واژه‌های «فرهنگ» و «تمدن» اهمیت خاصی دارند. او براساس نظریه ادواری خود، بین این دو مفهوم تفاوت دقیقی قائل شده و معانی جدیدی برای آنها ارائه کرده است. از نظر وی، فرهنگ، مرحله زایش تمدن و بر آن مقدم است و تمدن، مرحله مرگ فرهنگ و از آن مؤخر است. «تمدن»، مصنوعی‌ترین حالت‌ها و مرحله‌هایی است که انسان رشدیافته می‌تواند به آن برسد. تمدن، خاتمه و مرگ بعد از زندگی و جمود بعد از انعطاف و گسترش است. اشیپنگلر براساس همین بینش، آینده بشر را پیش‌بینی می‌کند و تمدن معاصر غرب را در سرایشی انحطاط و مرگ می‌بیند و اعتقاد دارد که تمدن جدیدی از آسیا جانشین آن می‌گردد. به عقیده اشیپنگلر، فرهنگ‌ها چون گل می‌رویند و می‌بالند؛

۱. مددپور، حکمت متعالی و ساحت هنر، ص ۴۵.

۲. اشیپنگلر، فلسفه سیاست، ص ۲۶-۲۷.

اما هدف متعالی و مشخصی ندارند. تاریخ جهان، تصویری از تکوین پایان‌ناپذیر ساختاری این فرهنگ‌هاست.

### تئوری‌های تضاد (ستیز)

این دسته از تئوری‌ها، جهان را صحنه درگیری نیروهای متضاد می‌دانند. آینده جهان در این دیدگاه، نتیجه تحولاتی است که بر اثر اقدامات تخصص‌آمیز طبقات اجتماعی به وجود می‌آید. در طول حیات سیاسی - اجتماعی بشر، همواره پیچیدگی‌ها، شکاف‌ها و تعارضاتی در جوامع وجود داشته و براساس آن، گروه بندی‌ها و نیروهای متعارض و ستیزه‌گری پدیدار شده است. این تعارضات و شکاف‌ها، می‌تواند به صورت‌های مختلفی، - مانند شکاف‌های مذهبی و فرقه‌ای، شکاف میان دین و دولت و شکاف‌های قومی، زبانی و نژادی بروز کند و طولانی یا کوتاه مدت باشد. در بعد گسترده‌تر و جهانی‌تر موضوع، می‌توان به ستیزش و تضادهای تمدنی، دینی و فرهنگی اشاره کرد. این نوع شکاف‌ها، معمولاً دارای پیشینه طولانی بوده و مناطق مختلف جهان را تحت پوشش قرار می‌دهد و به نزاع‌ها و درگیری‌های گسترده و مستمر منجر می‌شود. این انگاره مورد توجه برخی از متفکران و دانشمندان قرار گرفته و آنان براساس این وضعیت، زندگی بشر را در گذشته و حال و آینده، ترسیم و تصویر کرده‌اند. نظریه‌های نزاعی عمدتاً تحت تأثیر فلسفه جورج هگل، فیلسوف آلمانی است. بر این اساس، در این فصل ابتدا نظریه او، سپس تئوری فوکویاما و مارکس را ذکر خواهیم کرد:

#### ۱. کانت و نزاع خیر و شر

دیدگاه کانت شرح مقابله خیر و شر در وجود انسان و بروز آثار این دو انگیزه در رفتار اجتماعی او و امید به پیروزی نهایی خیر بر شر در وجود انسان و در افعال او است. به نظر وی، جهان از مبدأ خیر آغاز گردید؛ اما از همان آغاز با لغزش انسان، شر وارد طبیعت او شد. با این وصف، حرکت تاریخ رو به بهبود و اصلاح است. حاکمیت شر، به صورت مقابله و تضاد دو اصل خیر و شر، در قالب فضایل و رذایل اخلاقی، در وجود انسان استمرار می‌یابد. از نظر وی، اسوه این مقابله، تضاد میان حضرت عیسی و مخالفان او است که

نمود فیزیکی و جسمانی آن، به شکنجه و اعدام(!) آن حضرت انجامید. غلبه خیر بر شر - که مطلوب کانت است - به عنوان برقراری حکومت الهی بر زمین است. زندگی خردمندانه انسان عبارت است از: جنگ او علیه شرور و رذایل، تا از اسارت گناه آلودگی آزاد گردد. این سخت‌ترین جنگ انسان، علیه شرارت و ستمگری است.<sup>۱</sup>

از نظر کانت، تاریخ، ثبت غمگانه حماقت‌ها، شرارت‌ها و گناهان انسان‌ها است که بر اثر آن، دستاوردهای یک نسل عموماً در نسل بعدی از میان می‌روند. وی می‌نویسد:

وقتی انسان اعمال بشر را در صحنه بزرگ گیتی مشاهده می‌کند، نمی‌تواند از احساس نوعی انزجار خودداری کند. گاه به گاه عقل و خرد به منصفه ظهور رسانده می‌شود؛ ولی چنین به نظر می‌رسد که دنیای تاریخ انسان، به طور کلی از حماقت و خودخواهی بچه‌گانه و اغلب هم از شرارت‌های کودکانه و انهدام دوستی بافته شده باشد و نتیجتاً در پایان کار، انسان در حیرت است چه اندیشه‌ای درباره نوع بشر - که این قدر به امتیازات خویش می‌بالد - در سر داشته باشد!<sup>۲</sup>

با اندکی نگاه یا تکیه به گذشته، می‌توان روند آهسته، ولی یکنواخت و رو به پیش تکامل صورت‌های مختلف نظم را در تاریخ مشاهده کرد؛ صورت‌هایی که برای پیشرفت اخلاقی و فکری (ترقی)، ضروری به شمار می‌روند. از نظر کانت، بشر تعدادی گرایش با تمایل یا نیروهای بالقوه در نهاد خود دارد. این تصور که نیروهای بالقوه یاد شده وجود داشته باشند؛ ولی هرگز رشد و تکامل نیابند، با عقل مغایر خواهد بود. بنابراین، باید تصور کنیم که طبیعت، وسیله‌ای برای حصول اطمینان از این امر دارد که این گونه نیروها یا استعدادهای بالقوه، طی مدتی طولانی، رشد خود را به دست آورند تا نسبت به نوع بشر به طور کلی این نیروها یا استعدادها تحقق کامل یابند. وسیله مذکور «اجتماعی بودن غیر اجتماعی» بشر است.

در اندیشه کانت، مسئله ترقی (رشد و تکامل) به این صورت بیان می‌شود که حوادث

۱. کارگر، *آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)*، ص ۲۱۴-۲۱۸، به نقل از ایمانوئل کانت، دین در محدوده عقل تنها، ص ۳۰ و ۳۳.

۲. دبلیو، اچ، والش، *مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ*، ص ۱۳۶ و ۱۳۸.

تاریخ از طریق تأمین و «ترقی»، آن چه را برای نوع انسان غایت به شمار می‌آید، تحقق می‌بخشد. بدین گونه مردم، در حالی که صرفاً مقاصد فردی خود را دنبال می‌کنند، به تحقق این غایت نیز کمک می‌کنند و مثل این است که قانون طبیعت، تمام اعمال آنها را خلاف خواست آنها متوجه این غایت منظم می‌کند؛ چنان که گویی عقل نوعی «حیله» به کار می‌بندد تا انسان را به مقتضای خواست خویش هدایت کند. افراد انسانی و حتی اقوام و ملت‌ها، نادانسته در مسیر نقشه‌ای که طبیعت دارد، راه می‌پویند و این نقشه که خود آنان از آن خبر ندارند، خط سیر آنها را تعیین می‌کند و تمام اعمال و اطوار آنها نیز به منظور تحقق آن به کار می‌آید. از نظر کانت، این غایت به وسیله زندگی نوع بشر تحقق می‌پذیرد و بدین نحو، ترقی انسانیت در مسیر کمال، از طریق نسل‌های پیاپی و نامتناهی حاصل می‌شود، نه به وسیله فرد.<sup>۱</sup>

این تحول و دگرگونی در دو مرحله اصلی صورت می‌گیرد:

- مرحله نخست، یعنی پایان «جنگ همه علیه همه» هابزی، با تأسیس و استقرار قدرت دولت، در سطحی گسترده و وسیع در اروپا تحقق کامل یافت و به انجام خود رسید.
  - مرحله دوم، می‌بایست بنا و استقرار نظامی بین‌المللی در شکل کنفدراسیونی متشکل از ملل مختلف جهان باشد که جنگ بین کشورها را غیر قانونی و نامشروع دانسته و مانع آن گردد (که تا حدودی تجلی آن را می‌توان در جامعه ملل و سازمان ملل مشاهده کرد).<sup>۲</sup>
- «کلاً تاریخ نوع بشر را می‌توان به عنوان تحقق یک طرح پنهانی طبیعت برای ایجاد یک نظم و قانون سیاسی - کامل از نظر داخلی و از دیدگاه این هدف، و نیز کامل از دیدگاه خارجی - تلقی کرد و چنین نظم یا قانونی تنها اوضاع و شرایطی است که تحت آن، طبیعت می‌تواند کلیه استعدادهایی را که در نهاد بشر به ودیعه گذاشته است؛ رشد و تکامل بخشد».<sup>۳</sup>

این، نتیجه‌ای است که کانت از استدلال پیشین می‌گیرد و آن را به عنوان سرنخی

۱. ر.ک: همان، ص ۱۳۷ و نیز: عبدالحسین زرکوب، تاریخ در ترازو، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵، ص ۹۳.

۲. آر. اف. اتکینسون و ...، فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخ نگاری، ص ۵۱ و ۵۲.

۳. دبلیو، اچ، والش، مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ، ص ۱۳۹.

برای تدوین «فلسفه تاریخ» عرضه می‌کند. وی معترف است: آن چه او عرضه می‌کند راه میان بری برای کشف حقایق تاریخی نیست، بلکه طریقی جهت نگرستن به حقایق پس از کشف آنها است.

### ۲. آگوستین و نزاع شهر خدا و شهر زمین

از دیدگاه سن آگوستین، سیر تاریخ به مثابه جدال و کشاکش دو جامعه، «مدینه الاهی» (شهر خدا) و «مدینه زمینی» (شهر آدمیان) است. آن چه به این مبارزه و کشاکش معنا می‌بخشد، ایمان و اطمینان خاطری است که از طریق وحی و ایمان نسبت به پیروزی‌های مدینه الاهی حاصل می‌گردد. به نظر او، غایت تاریخ، از تاریخ فراتر است و غرض مشیت الاهی، به نجات و رستگاری معطوف است؛ نه سیر و جریان رویدادهای دنیوی. هنگامی که آگوستین قدیس، مشغول نوشتن درباره شهر خدا بود، گوت‌ها، رم (شهر آدمیان) را غارت کردند. بنابراین، فلسفه او نویدبخش آمدن روزهای خوش‌تر حیات بود. او می‌گفت: شهر خدا، الگوی ابدی شهر فانی انسان‌ها است. ملکوت، همیشه پا برجا است. به نظر وی، پیکار سیاسی در کاینات، نه در میان این دو دولت، بلکه میان مدینه الاهی (جامعه آسمانی) و مدینه زمینی (جامعه زمینی) است. جامعه آسمانی، نماینده «خدا پرستی» و جامعه زمینی، نماینده «خودپرستی» است. جامعه آسمانی، از پاکان و برگزیدگان خدا فراهم می‌آید و ابدی است؛ حال آن که جامعه زمینی، خاص گناه‌کاران است و گذرا. این دوگانگی در نهاد آدمیزادگان نیز وجود دارد و در آن، دو نیروی نیکی و بدی، پیوسته با یکدیگر در کشاکشند. در نهایت این مدینه الاهی و جامعه آسمانی است که به پیروزی می‌رسد.<sup>۱</sup>

### ۳. هانتینگتون و نزاع تمدن‌ها

هانتینگتون پایان جنگ سرد را، سرآغاز دوران جدید «برخورد تمدن‌ها» می‌انگارد. در فرضیه او نقطه اصلی، برخورد در این جهان — که رنگ ایدئولوژیکی دارد و نه بوی

۱. ر.ک: عنایت، حمید، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، ص ۱۳۵؛ پل ادواردز، فلسفه تاریخ، ص ۱۷؛ هنری

توماس، بزرگان فلسفه، ص ۷۸.

اقتصادی ... شکاف‌های عمیق میان افراد بشر بوده و به اصطلاح، «نقطه جوش» برخوردارها، دارای ماهیت فرهنگی خواهد بود و بس. دولت - ملت‌ها، نیرومندترین بازیگران در عرصه جهان باقی خواهند ماند؛ لیکن درگیری‌های اصلی در صحنه سیاست جهانی، میان ملت‌ها و گروه‌هایی با تمدن‌های مختلف روی خواهد داد. «نزاع و برخورد» تمدن‌ها، بالمآل بر سیاست جهانی سایه خواهد افکند. گسل (شکاف‌ها) میان تمدن‌ها، در آینده خاکریز نبرد خواهد بود. برخورد تمدن‌ها، آخرین مرحله از سیر تکاملی چالش در جهان نو را ترسیم خواهد کرد.

در حقیقت، نوبت جنگ تمدن‌ها رسیده است؛ آن هم جنگ اسلام با غرب! به نظر وی، اختلاف تمدن‌ها، اساسی و خود آگاهی تمدنی در حال افزایش است. وی تمدن‌های زنده جهان را به هفت یا هشت تمدن بزرگ (غربی، ژاپنی، اسلامی، هندو، کنفوسیوسی، ارتدوکس و ...) تقسیم می‌کند. تجدید حیات مذهبی، وسیله‌ای برای پر کردن خلأ هویت در حال رشد است و رفتار منافقانه غرب، موجب رشد خودآگاهی تمدنی (دیگران) شده است. بر این اساس، ویژگی‌ها و اختلافات فرهنگی، تغییر ناپذیرند. گسل موجود بین تمدن‌ها، امروز جایگزین مرزهای سیاسی وایدئولوژیک دوران جنگ سرد شده است و این خطوط جرقه‌های ایجاد بحران و خونریزی‌اند. خصومت ۱۴۰۰ ساله اسلام و غرب در حال افزایش است و روابط میان دو تمدن اسلام و غرب، ابستن بروز حوادثی خونین می‌شود. بدین ترتیب، «پارادایم، برخورد تمدنی»، دیگر مسائل جهانی را تحت الشعاع قرار می‌دهد و در عصر نو، صف‌آرایی‌های تازه‌ای بر محور تمدن‌ها شکل می‌گیرد. سرانجام نیز تمدن‌های اسلامی و کنفوسیوسی، در کنار هم، رویاروی تمدن غرب قرار می‌گیرند. در واقع، درگیری‌های تمدنی، آخرین مرحله تکامل درگیری در جهان نو است.<sup>۱</sup>

#### ۴. هگل (۱۷۷۰ - ۱۸۳۱ م)

جورج هگل، فیلسوف سرشناس آلمانی، تفسیری غیر مادی از تاریخ ارائه می‌کند. به عقیده هگل، کلید مسیر تاریخ را باید در موضوع «آزادی» جست‌وجو کرد. بر اساس

۱. هانتینگتون، نظریه برخورد تمدن‌ها، ص ۲۲ و ۲۳ و ۴۵.

درس های وی، «تاریخ جهان نشان دهنده گسترش آگاهی روح از آزادی و نتیجتاً تحقق آن آزادی می باشد». این اصل را می توان هم با اثبات انتزاعی منطق و هم با تأیید تجربی نشان داد. همان طور که می دانیم پدیده های تاریخی عبارتند از تجلیات روح، نه طبیعت.<sup>۱</sup> تحقق تدریجی آزادی، در سیر تاریخ، در عین حال و ضرورتاً تحقق تدریجی آگاهی و شعور است؛ یعنی در واقع، تاریخ عالم، تاریخ «روح» است؛ از این لحاظ که روح کوشش دارد از خود آگاه شود و خود را آزاد سازد و این آگاهی و این آزادی مقدور نمی گردد، مگر تدریجی و دیالکتیکی. تاریخ عالم مراحل منطقی پیشرفت شعور و آزادی را مصور می کند!

فلسفه هگل بر پایه دیالکتیک (یک پروسه پویا) بنا شده است:

دیالکتیک او از سه مرحله تشکیل می شود:

الف) تز (Thesis) یا عقیده اصلی (اولیه: Original):

ب) آنتی تز (Antithesis) یا عقیده مخالف یا متضاد؛

ج) سنتز (Synthesis) یا نتیجه نزاع و تبدیل شدن به امری واحد.

جهان صحنه نبرد تز و آنتی تز است و در نتیجه نزاع، سنتز که خود به منزله تز جدیدی است، به وجود می آید و این حرکت همچنان استمرار داشته تا این که در دولت لیبرال با توجه به حل نزاع، پایان می پذیرد. برای هگل، انقلاب های فرانسه و تا حدودی آمریکا، پایان تاریخ محسوب می شد؛ اما گذشت زمان و تحولات بنیادین که در نیمه دوم قرن ۱۹ و تمامی قرن بیستم صورت گرفت، نظریه او را خدشه دار کرد.<sup>۲</sup>

معنای آزادی در نظریه هگل، چیزی جز آگاهی از خود و شعور به خود نیست و همین، در عین حال، هم خصوصیت اصلی روح است و هم غایت و نهایی که مورد تجسس او است. آزادی مطلق و آگاهی تام، غایت روح و در نتیجه غایت تاریخ عالم است و این غایت، آن چیزی است که «روح مطلق» از انسان و از جهان انتظار دارد و عالم خواه ناخواه به آن جهت سوق پیدا می کند. انسان از آن جهت که انسان است، هم آزاد است و هم

۱. رک: آر. اف. اتکینسون، فلسفه تاریخ، ص ۵۳؛ دلیو، اج، والش، مقدمه ای بر فلسفه تاریخ، ص ۱۵۶.

۲. مظفری، شیعه و جهان فردا، ص ۲۳.

وسيله تحقق آزادی و به همین جهت ناگزیر موجودی است تاریخی.<sup>۱</sup>

تاریخ حقیقی، عبارت است از ترجمان فرآیند الاهی و مطلقه روح در عالی‌ترین صورت‌های آن و تجلی پیشرفتی تکاملی که در جریان آن، روح، سرشت حقیقی خود را کشف می‌کند و به نفس خویش آگاهی می‌یابد. آن‌چه او در نظام فلسفی خود می‌خواهد نشان دهد، روح ملت خاصی نیست، بلکه روح کلی یا روح جهان است. این روح از چهار مرحله گذر می‌کند تا به خود آگاهی و آزادی برسد: ۱. مرحله جهان شرقی، ۲. مرحله جهان یونانی، ۳. مرحله جهان رومی، ۴. مرحله جهان آلمانی که در این مرحله روح جهان به خود آگاهی و آزادی می‌رسد.<sup>۲</sup>

#### ۵. مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳ م)

کارل مارکس آلمانی، بنیانگذار مارکسیسم، شاگرد هگل بود و بر اساس منطق او، نظریه اجتماعی خود را با عنوان «ماتریالیسم دیالکتیک» طرح کرد. مارکس همچون هگل به تکامل تاریخ اعتقاد داشت، با این تفاوت که جامعه پایان تاریخ او، جامعه‌ای کمونیستی بود، نه دولت لیبرال. بنابراین، آینده جهان از دیدگاه او و طرفدارانش از آن کمونیزم است. در این زمینه، وی «ماتریالیسم تاریخی» را پیشنهاد کرد که بنابر آن، ساختار جامعه و تکامل تاریخی آن، به واسطه «شرایط مادی حیات» یا «شیوه تولید ابزار مادی هستی اجتماعی» تعیین می‌شود.<sup>۳</sup> بر اساس این تحلیل، پیش‌بینی می‌شود که سرمایه‌داری فرو خواهد پاشید و نهایتاً جامعه‌ای کمونیستی جانشین آن می‌گردد که در آن، هیچ نوع دستمزد، پول، تمایز طبقاتی و دولت وجود نخواهد داشت.

مارکس به گفته خود، مخروط تفکر هگلی را که وارونه و بر سر ایستاده بود، بر قاعده نشانده؛ یعنی بافت و ساخت جهان را نه «اندیشه»، بلکه «ماده» شناخت. نزاع مستمر تاریخی را اگر چه قبول کرد؛ آن را در میان طبقات اقتصادی جاری دانست، نه در ذات اندیشه مطلق. محرک حرکت تاریخ را نه عشق اندیشه مطلق به رهایی از فراق، بلکه رشد

۱. مجتهدی، درباره هگل و فلسفه او، ص ۹۸.

۲. آر. اف. اتکینسون و...، فلسفه تاریخ، ص ۲۸۸؛ دبلیو، اچ. والش، مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ، ص ۱۵۷.

۳. ر.ک: مارکس، کارل، پیشگفتار نقد اقتصاد سیاسی.

ابزار تولید و نزاع طبقه نوخاسته با طبقه کهن انگاشت. مسیر تاریخ را جلوه‌های متوالی و گوناگون اندیشه مطلق در پوشش ملت‌ها و مردمان ندانست؛ بلکه مراحل مختلف رشد ابزار تولید و روبناهای مناسب با آن پنداشت. به عقیده او، مراحل مختلف تاریخ، هر یک در دوره‌ای و متناسب با درجه‌ای از رشد ابزار تولید، حکومت و عمومیت می‌یابد. دست آخر وی هدف تاریخ را هر چه آزادتر شدن اندیشه متعالی و رهایی‌اش از فراق ندانست، بلکه رهایی از طبقات اقتصادی انگاشت.

وی سیر تاریخ را به عنوان پیشرفت دیالکتیکی تلقی می‌کرد که مقصد نهایی آن، که از نظر اخلاقی پسندیده می‌باشد، عبارت است از «اجتماع غیر طبقاتی» یا «بدون طبقه کمونیستی» که اجتماعی واقعاً آزاد خواهد بود؛ هر چند وی رسیدن به این اوضاع و شرایط سعادت بار را به آینده‌ای نه زیاد دوردست موکول می‌کرد.

به نظر مارکس، بازیگران اصلی نمایشنامه تاریخ، طبقات اقتصادی بودند. از دیدگاه وی، تاریخ عبارت است از توالی تغییراتی که در سازمان اجتماعی یا نظام‌های اجتماعی حاصل می‌شود. همراه با پیشرفت توانایی تولید بشری (نیروهای تولید)، در سازمان اجتماعی تولید (روابط تولیدی) تغییراتی حاصل می‌گردد. به همین دلیل، نظام‌های تاریخی، پیاپی، یکی پس از دیگری، تاریخ بشر را دگرگون می‌کنند و به پیش می‌برند. ادوار مهم تاریخی و اجتماعی عبارت است از: ۱. دوره اشتراکی نخست (کمون اولی)؛ ۲. دوره بردگی؛ ۳. دوره فئودالی؛ ۴. دوره کاپیتالیستی (سرمایه داری)؛ ۵. دوره کمونیستی (جامعه بی طبقه).<sup>۱</sup> رشد ابزار تولید، عاملی مهم برای پیدایش این ادوار تاریخی است و از تضاد و ناهماهنگی ابزار تولید با روابط اقتصادی، یکی از این دوره‌های پنجگانه سپری شده و دوره دیگری آغاز می‌گردد. در پیکاری که میان رشد ابزار تولید و روابط تولیدی در می‌گیرد، پیروزی ابزار بر وجه مالکیت قطعی و حتمی است و سرانجام بر اثر این پیروزی، روابط تولیدی کهن از میان رفته و اوضاع و روابط اقتصادی جدیدی که با رشد ابزار همگام می‌باشد، پدید می‌آید. به عنوان مثال، در همان دوره فئودالیسم (تسلط انسان بر آهن و ابزار کشت)، چون بردگی و مالکیت انسان بر انسان با چنین رشدی سازگار نبود؛ روابط اقتصادی کهن (بردگی) جای

۱. ر.ک: پولادی، کمال، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب (از ماکیاولی تا مارکس)، ص ۱۸۳ - ۱۸۵.

خود را به روابط اقتصادی نوین به نام ارباب و رعیتی داد.<sup>۱</sup> از طرفی، نوعی تضاد در دل تاریخ وجود دارد که مصداق آشکار آن، تقابل و مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقات است که جنبه دیالکتیکی پیدا می‌کند؛ یعنی، «کار»، همان وضع و «سرمایه»، وضع مقابل و هدف برای رسیدن به جامعه بدون طبقه وضع مجامع است.<sup>۲</sup> بر این اساس، تاریخ، دیالکتیکی پیش می‌رود؛ یعنی بر اساس مفهوم اساسی تز (These)، آنتی تز (Antithese) و سنتز (Synthese). به نظر وی، تاریخ به طرف جامعه بی طبقه حرکت می‌کند. محرک این رفتن، رشد ابزار تولید و نزاع طبقه نواخته با طبقه کهن است.

### نقد دیدگاه‌های مذکور

وقایع تاریخی تکرارناپذیرند و از لحاظ جامعه شناسی معاصر، چندان نمی‌توانند قانون علمی ارائه کنند و دیگر این که هر گونه اظهار نظر پیشگویانه، ممکن است واقعیت نیابد؛ یعنی با توجه به اصل احتمالات - که روز به روز گستره بیش‌تری در علوم می‌یابد - مسئله پیچیده‌تر می‌شود. حال که بسیاری از امور و پدیده‌های در دسترس علوم دچار «نسبیت» اند و قطعیت کامل ندارند؛ پیش بینی امور تاریخی، سخت‌تر و تا حدی غیر علمی‌تر خواهد بود. ارائه قانونی عام برای کل بشر، با توجه به تنوع، تعدد، تکثر و پیچیدگی‌های مجموعه‌ای علل و عوامل حیات اجتماعی بشر، نمی‌تواند معیاری متقن برای سنجش تلقی شود، چه رسد به تعمیم آن در آینده.<sup>۳</sup>

همچنین جبرگرایی (دترمینیسم) تاریخ (و عدم توجه به اختیار انسان‌ها) در این نظریات امری مشهور است. نظریه‌ها و دیدگاه‌های جوهری (هگل، مارکس، توین‌بی و...) دارای یک وجه جبرگرایانه یا ضرورت‌گرایانه هستند. ظاهراً عقیده بر آن است که روند بلند مدت حوادث و رخدادها - یا به تعبیر بهتر، جریان تاریخ - بدون توجه به تلاش‌ها و اقدامات یا فعالیت افراد، مسیر خود را طی خواهد کرد و تاریخ چیزی خواهد شد که باید باشد. هر

۱. آندره بی یتر، مارکس و مارکسیسم، ص ۳۲.

۲. ر.ک: آر. اف. اتکینسون، فلسفه تاریخ، ص ۵۶ و مجتهدی، فلسفه تاریخ، ص ۲۶۱.

۳. آراسته خو، فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی، ص ۷۳۰.

کاری که انسان‌ها از دستشان برآید، انجام دهند نیز؛ نوعی جبر محتوم و ضرورت اجتناب ناپذیر بر کل روند تاریخ حاکم است. انسان‌ها به ممانعت، جلوگیری، یا متوقف ساختن چرخ‌های تاریخ قادر نخواهند بود.

به اعتقاد مارکس، انقلاب و جامعه بی طبقه سرانجام فرا خواهد رسید؛ مهم نیست که ما در تسریع یا تعویق آن، چه اقداماتی صورت دهیم. به اعتقاد هگل، روند تکامل و پیشرفت پدیده‌ها و امور، همانی است که در جهت آن پیش رفته‌اند. هر گونه مقاومت و ایستادگی در برابر آن، یا هر گونه تلاش برای تسریع و پیشبرد آن یا تغییر دادن سمت و سوی آن، ضرورتاً بیهوده است و در نهایت عقیم خواهد ماند.

گرایش‌های دیگری نیز در دیدگاه‌های این متفکران وجود دارد؛ ولی جبرگرایی، یقیناً عمده‌ترین گرایش موجود در دیدگاه‌های آنان است؛ در واقع، نوعی جبرگرایی که عمدتاً سر از نوعی قدری‌گرایی (Fatalism) در می‌آورد. جبرگرایی از نوع فیزیکی یا روان شناختی و جبرگرایی در سطح فردی، غالباً به مثابه تهدیدی در مقابل اراده آزاد تلقی شده‌اند؛ ولی این نظریه به معنای آن نیست که عمل انسانی بی تأثیر است.

برخی از این اشکالات درست است و نظریه‌های «فلسفه تاریخ» به جبرگرایی منتهی می‌شود؛ اما از دیدگاه قرآن - که در قسمت بعدی می‌آید - چنین جبری بر روند تاریخ حاکم نیست. از دیدگاه شهید مطهری نیز هر چند در مجموع، حرکت تاریخ تکاملی است؛ بر خلاف نظریه ابزاری، سیر تکاملی تاریخ، جبری و غیرقابل خلاف نیست؛ یعنی چنین نیست که هر جامعه در هر مرحله تاریخی، لزوماً نسبت به مرحله قبل از خود، کامل‌تر بوده باشد. نظر به این که عامل اصلی این حرکت، «انسان» است و انسان موجودی مختار و آزاد و انتخابگر است؛ تاریخ در حرکت خود نوسانات دارد. گاهی جلو می‌رود و گاهی به عقب برمی‌گردد؛ گاه به راست منحرف می‌شود و گاه به چپ؛ گاهی تند می‌رود و گاهی کند و احياناً برای مدتی ساکن و راکد و بی حرکت می‌ماند. جامعه همچنان که تعالی می‌یابد، انحطاط پیدا می‌کند. تاریخ تمدن‌های بشری جز یک سلسله تعالی‌ها و سپس انحطاط‌ها و انقراض نیست.<sup>۱</sup>

۱. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، ص ۴۴.

**پرسش‌های این درس**

۱. چند الگو برای مطالعه آینده و حرکت تاریخ وجود دارد؟
۲. تئوری‌های خطی و تکاملی تاریخ را توضیح دهید.
۳. تئوری‌های ادواری (چرخه‌ای) تاریخ را توضیح دهید.
۴. تفاوت دیدگاه‌های تاسکوت پارسونز با دیدگاه ابن خلدون را بنویسید.
۵. توین بی به حرکت تاریخ و آینده آن چه دیدگاهی دارد؟
۶. تئوری‌های تضاد (ستیز) را شرح دهید.

## فصل سوم:

### آینده پژوهی و مهدویت

# رویکردهای آینده‌پژوهی

آموزش این درس

رویکردها و رویه‌های موجود در آینده‌پژوهی.

## مقدمه

یکی از بحث‌های مهم و اساسی در آینده‌پژوهی، بررسی «رویکردها و رهیافت‌های آینده‌پژوهی» می‌باشد. چه بسا تبیین دقیق معنا و مفهوم آینده‌پژوهی و کاربست آن در دیگر علوم، نیازمند تعیین دسته‌بندی رویکردهای این دانش باشد.

کشف و خلق، مطالعه و طرح‌ریزی در زمینه آینده، بر سه رویکرد مبتنی می‌باشد، که از این رویکردها به عنوان «رویکردهای آینده‌پژوهی» نام برده می‌شود. اگرچه این رویکردها در مبانی، اهداف و نتایج با یکدیگر متفاوتند. این مطلب الزاما بدان معنا نیست که در میان آنها اشتراکاتی ملاحظه نمی‌شود. شناخت این رویکردها، ما را در درک بهتر آینده، و اندیشیدن در مورد آن یاری می‌کند.<sup>۱</sup> یکی از اصلی‌ترین و عمومی‌ترین تقسیم‌بندی راجع به رویکردهای آینده‌پژوهی، آن را از سه رویکرد «اکتشافی»، «هنجاری» و «تصویرپرداز» متشکل دانسته است. اگرچه عمده بحث‌ها در زمینه دو رویکرد «اکتشافی» و «هنجاری» می‌باشد؛ رویکرد «تصویرپرداز» نیز به دلیل ماهیت و مأموریت انگیزشی‌اش در خط مقدم هر نوع آینده‌پژوهی قرار می‌گیرد؛ به این دلیل که این رویکرد، نقش پیشران خلق آینده را از طریق ایجاد ایده‌های جدید و الهام‌بخش بازی می‌کند و از این منظر، ما را در طراحی و تبیین آرمان‌شهر که الگوی ایده‌آل، آرمانی و مطلوب هر جامعه می‌باشد، یاری می‌کند. اما هر کدام از این رویکردها، عهده‌دار پاسخ به سؤالی است. به بیان دیگر، نوع پاسخی که به

۱. عالی‌زاده، عبد الرضا، آینده پژوهی چه نسبتی با برنامه استراتژیک دارد؟، تهران، هنر رسانه، ص ۳۸-

این سؤالات داده می‌شود، ما را در شناخت و کاربرد بهتر این رویکردها کمک می‌کند. بنابراین، سه رویکرد اصلی آینده‌پژوهی را می‌توان به قرار ذیل عنوان کرد: «رویکرد اکتشافی»، «رویکرد هنجاری»؛ «رویکرد تصویرپرداز».

در ادامه به توضیح رویکردهای اصلی آینده‌پژوهی می‌پردازیم و البته به تقسیم‌بندی‌های دیگری که درباره رویکردها وجود دارد، اشاره می‌کنیم:

### ۱. رویکرد اکتشافی

«رویکرد اکتشافی»، با این سؤال آغاز می‌شود که «آینده چگونه می‌تواند باشد» کشف آینده در رویکرد اکتشافی، بر مبانی اطلاعات و شواهد وضع موجود می‌باشد؛ چرا که فعل و انفعالات و تغییرات مربوط به آینده در بستر وضع فعلی شکل می‌گیرند. به عبارتی، رویکرد اکتشافی محصول این تفکر است که اتفاقات آینده در گرو شناخت وضع موجود است و شناخت وضع موجود، تنها از طریق بررسی سطحی وضعیت اکنون ما نمی‌باشد، بلکه باید به کمک روندها و رویدادها به این مهم دست یافت.

این رویکرد که در پی کشف آینده است، از زمان حال شروع شده و رو به آینده دارد و به اصطلاح، «رو به بیرون است» و تلاش می‌کند تحت شرایط مختلف، کشف کند که کدام آینده رخ می‌دهد.<sup>۱</sup> در رویکرد اکتشافی، از پنجره حال، به آینده می‌نگریم و بر پایه اطلاعات تاریخی که از گذشته و حال در دست داریم، آینده را پیش‌بینی می‌کنیم (همان کاری که اداره هواشناسی هر روزه برای ما انجام می‌دهد).

وظیفه کلیدی رویکرد اکتشافی، کشف روندها و رویدادهای مهمی است که وقوع آنها در آینده محتمل است. این رویکرد، بیشتر در سازمان‌ها و محیط‌هایی به کار گرفته می‌شود که دغدغه آنها برنامه‌ریزی به مفهوم سنتی در جهت بهبود عملکرد آنها صورت می‌گیرد. این رویکرد در گام کشف (پیش‌بینی) آینده از زمان حال به آینده می‌نگرد و می‌کوشد رویدادها، روندها و پارادایم‌های محتمل الوقوع را پیش‌بینی کند. این رویکرد فرض می‌کند که بذر آینده در بطن امروز و دیروز نهفته است و فردا به طور طبیعی از دل

۱. قدیری، روح‌الله، بررسی و شناخت روشهای مطالعه آینده، ص ۹.

امروز و دیروز زاییده می‌شود.<sup>۱</sup>

رویکرد اکتشافی، علاوه بر پیش‌بینی آینده، در طرح‌ریزی آینده‌های مطلوب کاربرد دارد؛ چنان‌که افراد و سازمان‌ها ضمن بهره‌گیری از امکانات و توانایی‌های موجود، آینده‌های مطلوب را بر اساس همین امکانات طرح‌ریزی می‌کنند.<sup>۲</sup> بر مبنای رویکرد اکتشافی، اکتشاف دنیای آینده، مستلزم نگاه از زمان حال به آینده است و از این منظر است که پیش‌بینی و کشف آینده بر پایه اطلاعاتی است که از گذشته و حال داریم. با توجه به این توضیحات، علت استفاده این رویکرد در سازمان‌ها و محیط‌هایی که دغدغه آنها برنامه‌ریزی به مفهوم سنتی آن در جهت بهبود عملکرد می‌باشد؛ روشن می‌گردد.<sup>۳</sup>

## ۲. رویکرد هنجاری

«رویکرد هنجاری»، از موقعیتی مطلوب در آینده شروع کرده، به زمان حال می‌رسد و چگونگی تحقق آن موقعیت مطلوب در آینده را بررسی می‌کند؛ و به اصطلاح، «رو به درون» است. این رویکرد با پرسش‌هایی چون «آینده باید چگونه باشد» و «چه آینده‌ای را باید ساخت»؛ به پژوهش می‌پردازد. در این رویکرد، آینده جایی نیست که به آن جا می‌رویم، بلکه جایی است که آن را به وجود می‌آوریم. بنابراین رویکرد، راه‌هایی که به آینده ختم می‌شوند، «یافتنی» نیستند؛ بلکه «ساختنی»‌اند. وظیفه عملی این رویکرد، طراحی آینده بایسته جامعه، به گونه‌ای باورپذیر و مقدر در افق زمانی مشخصی است که آن را «چشم‌انداز مقدر» می‌نامند.<sup>۴</sup>

روشن است که در این جا، جنبه تجویزی، دستوری و هنجاری این رویکرد برجسته و نمایان می‌گردد. برخلاف رویکرد اکتشافی، رویکرد هنجاری، به وضع موجود و فعلی در بدو امر کاری ندارد، بلکه با طراحی و بررسی وضع مطلوب در آینده کار دارد. سؤال از

۱. کارگر و جمعی از محققان، مهدویت و آینده پژوهی، ص ۱۵۹.

۲. ملکی‌فر، آینده‌پژوهی و مهدویت: نسبت‌ها و روابط از دیدگاه کاربردی، ص ۸.

۳. عالی‌زاده، آینده پژوهی چه نسبتی با برنامه ریزی استراتژیک دارد؟، ص ۳۹.

۴. بهروزی لک، غلام رضا و علی پور، محمود، «کاربرد روش چشم‌انداز در مطالعات سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۵۳.

این که آینده «باید» چگونه باشد، اهمیت بررسی آینده مطلوب و بایسته را در این رویکرد آشکار می‌سازد. «در رویکرد هنجاری، فرد یا سازمان، به جای آن که خود را با شرایط تطبیق دهد، می‌کوشد شرایط را به نفع خود دگرگون سازد». رویکرد هنجاری، بیشتر به جهت انرژی درونی که دارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این انرژی برخاسته از آرمان‌ها و ارزش‌های فرد، جامعه و یا سازمان باشد که عمدتاً با هدف تغییرات بنیادین در وضع موجود و تلاش برای خلق آینده بزرگ و الهام بخش همراه می‌باشد. به عنوان یک مثال واضح و کاربردی، می‌توان به سند چشم‌انداز بیست ساله کشور اشاره کرد، که با توجه به این سند، تمامی سازمان‌های دولتی به برنامه‌ریزی بر مبنای همین رویکرد هنجاری موظف شده‌اند.<sup>۱</sup>

در رویکرد هنجاری، شما ابتدا چشم خود را بر وضع موجود (چه خوب و چه بد) می‌بندید، و سوار بر بال اصول و ارزش‌های والای خود، به آینده می‌روید. افق زمانی این آینده به انتخاب شما بستگی دارد و می‌تواند از ۱۰ سال تا هزار سال باشد؛ اما مرسوم آن ۲۰ تا ۳۰ سال است؛ همان افق زمانی که در برنامه‌ریزی‌های استراتژیک مرسوم است. وقتی از دیدگاه ذهنی در آن افق زمانی قرار گرفتید، از خود می‌پرسید که این آینده باید چگونه باشد؟ پاسخ این سؤال در واقع آینده مطلوب یا بایسته شما را ترسیم و تصویر می‌کند...<sup>۲</sup> پس، این رویکرد که مبنای فکری و عملی آن درست، مقابل رویکرد اکتشافی قرار می‌گیرد، کار را از آینده آغاز می‌کند. آینده، نقطه شروع برای همه افراد، سازمان‌ها و ملت‌هایی است که به ساختن آینده‌های شکوهمند، با عظمت و در خور ارزش‌ها و باورهای خود تعهد دارند. رویکرد اکتشافی، ما را در قید و بند شرایط، منابع و فرصت‌های آینده ساز اسیر می‌کند؛ اما رویکرد هنجاری، ما را بار می‌آورد. این همان رویکرد اصلی امام راحل علیه السلام به آینده نهضت اسلامی کشور و جهان اسلام، در شرایطی بود که حسب ظاهر، سربازان ایشان هنوز در گهواره بودند و شرایط سیاسی و اجتماعی جهان نیز هیچ نشانه‌ای دال بر پیروزی انقلاب اسلامی در دو دهه آینده نشان نمی‌داد.

۱. ملکی فر، آینده‌پژوهی و مهدویت: نسبت‌ها و روابط از دیدگاه کاربردی، ص ۹.

۲. درآمدی بر آینده‌پژوهی، ص ۵۱-۵۲.

در این مرحله، بعد از شناسایی آینده مطلوب، به عقب باز می‌گردیم و قدم به قدم، هر آن چه را «باید» بسازیم، تشخیص می‌دهیم. البته شناخت این بایدها پایان کار ما نیست، بلکه بعد از شناسایی این بایدها، باید سیاست‌ها، راهکارها و راهبردهایی که ما را به آن آینده مطلوب می‌رساند، تعیین و آنها را در جهت رسیدن به آن چشم‌انداز و آینده مطلوب و مرجح اتخاذ کنیم. بر خلاف رویکرد اکتشافی، «رویکرد هنجاری»، فرد و جامعه را شرایط ساز، منابع ساز، فرصت ساز و آینده ساز تربیت می‌کند. بدیهی است همان‌گونه که، «پیش بینی» بر رویکرد اکتشافی حاکم بود، رویکرد هنجاری، نوعی «پس‌بینی» حاکم است؛ و از همین جاست که برخی، رویکرد هنجاری را «پس‌بینی»، و رویکرد اکتشافی را «پیش بینی» نامیده‌اند؛ اما نکته قابل ذکر، این است که «طرح‌ریزی استراتژیک کارآمد، همواره مستلزم بهره‌گیری از هر دو رویکرد اکتشافی و هنجاری، یعنی تردد مستمر بین حال و آینده است»<sup>۱</sup>.

### ۳. رویکرد تصویر پرداز

«رویکرد تصویر پرداز» با پرسش «آینده بهتر است چگونه باشد»؛ پژوهش را آغاز می‌کند.<sup>۲</sup> آینده‌پژوهی تصویر پرداز، نقش پیشران خلق آینده را از طریق خلق ایده‌های جدید و الهام بخش دارد که الگوی آرمانی و آرمان شهر را به تصویر می‌کشد.<sup>۳</sup> اما اهمیت اجتماعی آن، به ویژه در طراحی و تبیین آرمان شهر است که الگوی آرمانی مطلوب هر جامعه را در دور دست به تصویر می‌کشد. این الگوی آرمانی در اصطلاح، «چشم‌انداز آرمانی» نامیده می‌شود که افق زمانی تحقق آن نامشخص است.

بر خلاف رویکرد اکتشافی که با پیش‌بینی آینده‌های محتمل سر و کار دارد؛ رویکرد تصویر پرداز بر کشف آینده‌های ممکن متمرکز است که شمار آنها از آینده‌های محتمل به

۱. عالی‌زاده، عبدالرضا، آینده پژوهی چه نسبتی با برنامه ریزی استراتژیک دارد؟، ص ۴۱-۴۴.

۲. ملکی فر، الفبای آینده پژوهی، ص ۱۲۱.

۳. شریعتمداری، نادر و ملکی فر، عقیل، چشم‌انداز(چگونه رهبران آن را می‌سازند، انتقال می‌دهند، و برقرار می‌دارند)، ص ۲۳.

مراتب بیشتر است. آینده‌های محتمل بر آینده‌هایی دلالت دارند که با نگرش به شواهد موجود، احتمال وقوع آنها در افق مورد نظر وجود دارد؛ در حالی که آینده‌های ممکن، بر هر آینده‌ای که امکان وقوع عقلی داشته باشد، صرف نظر از زمان ظهور آن، اطلاق می‌شود. به این ترتیب روشن می‌شود که آینده‌پژوهی تصویر پرداز، فقط به خلق ایده‌ها یا تصویرهای تخیلی از آینده محدود نمی‌شود و می‌تواند هر نوع تصویر پردازی عقلانی و یا ایدئولوژیک درباره آینده‌های آرمانی بشر را شامل گردد. از این نظر می‌توان جامعه مهدوی را آرمان شهر اسلامی جامع در نظر گرفت که از سوی خبردهندگان صادق بشارت داده شده است. آینده‌پژوهی تصویر پرداز، به دلیل ماهیت و مأموریت انگیزشی‌اش در خط مقدم هر نوع آینده‌پژوهی قرار می‌گیرد.

پس رویکرد تصویر پرداز، برخلاف رویکرد اکتشافی که با پیش‌بینی آینده‌های «محتمل» در ارتباط است؛ بر کشف آینده‌های «ممکن» متمرکز است که به مراتب بیش از آینده‌های محتمل می‌باشند. تفاوت این دو، در آن است که آینده‌های ممکن، بر هر آینده‌ای که امکان وقوع عقلی داشته باشد (بدون توجه به زمان ظهور آن)، اطلاق می‌گردد؛ در حالی که آینده‌های محتمل، بر آینده‌هایی که با نگرش به اسناد و شواهد موجود، احتمال وقوع آنها در افق مورد نظر وجود دارد، دلالت می‌کند. گرچه امروزه رویکرد تصویر پرداز، ابزاری اساسی در دست آینده پژوهان است؛ شاید نقطه آغازین آن به یونان باستان و افلاطون باز می‌گردد؛ جایی که اولین بار افلاطون به نگارش مدینه فاضله به منظور ارائه تصویری از جامعه مطلوب روی آورد. ذکر این نکته، بدان رو است که «مدینه فاضله، در واقع، نوع خاصی از آینده‌پژوهی تصویر پرداز است که با طراحی آرمان‌شهرها سروکار دارد». البته آینده‌پژوهی تصویر پرداز، صرفاً تصویر پردازی تخیلانه و خلق ایده‌ها نیست، بلکه می‌تواند دربرگیرنده نوعی تصویر پردازی عقلانی درباره آینده باشد. مثالی عینی که در این مورد می‌توان به آن اشاره داشت، جامعه مهدوی به عنوان آرمان‌شهر اسلامی است که در برگیرنده نوعی تصویر پردازی عملگرایانه و بر پایه عقل و منطق می‌باشد.<sup>۱</sup>

۱. ملکی فر، آینده‌پژوهی و مهدویت: نسبت‌ها و روابط از دیدگاه کاربردی، ص ۸.

حاصل این رویکردها، خلق سه نوع نگاه به آینده می‌باشد: «آینده چه‌طور می‌تواند باشد؟»، «آینده چه‌طور باید باشد؟» و «آینده بهتر است چه‌طور باشد؟» «می‌تواند»، بحث احتمالات است (رویکرد اکتشافی)؛ «باید» از سنخ ارزش‌ها و اراده‌هاست (رویکرد هنجاری) و «بهتر است»، بحث ترجیحات است. (رویکرد تصویرپرداز).<sup>۱</sup> با این توضیحات، می‌توان برای هر کدام از این رویکردها وظیفه یا وظایفی را برشمرد، که از این منظر می‌توان گفت وظیفه کلیدی و اساسی رویکرد اکتشافی، این است که «روندها» و «رویدادها»ی مهمی را که احتمال وقوع آنها در آینده وجود دارد؛ کشف و شناسایی کند. وظیفه رویکرد هنجاری، طراحی آینده مطلوب جامعه است به صورتی که در چشم‌انداز زمانی مشخصی باورپذیر و مقدور باشد و در نهایت، وظیفه رویکرد تصویرپرداز، خلق آینده از طریق ایجاد ایده‌های نو و الهام بخش می‌باشد.<sup>۲</sup>

رویکرد اکتشافی به مردم کمک می‌کند بدانند به کجاها «می‌توانند» بروند (ناظر به آینده‌های اکتشافی)؛ رویکرد هنجاری به آنها کمک می‌کند بدانند به کجاها «باید» بروند (ناظر به آینده‌های هنجاری) و در نهایت رویکرد تصویرپرداز به مردم کمک می‌کند، بدانند از چه مسیرهایی می‌توانند «آسان‌تر» به آینده‌های مطلوب خود برسند (راهبردهای معطوف به آینده سازی).

در تقسیم بندی دیگری، به دو پارادایم کلان «اکتشافی» و «هنجاری» اشاره گردیده است که می‌توان گفت این دو پارادایم به همان دو رویکرد اکتشافی و هنجاری ناظر می‌باشد:

یکی «پارادایم اکتشافی» که بر سنت پیش‌بینی به عنوان سنت اولیه بشر برای شناخت آینده مبتنی می‌باشد. در پارادایم اکتشافی «پیش‌بینی» آینده از طریق مشاهدات قبلی و بر پایه وضعیت گذشته و حال، بود. در این پارادایم و رویکرد، آینده نتیجه روابط علی و معلولی گذشته دانسته می‌شد، که انسان‌ها هیچ‌گونه نقشی در آن نداشتند و صرفاً ناظران بیرونی بودند که فقط می‌توانستند به کشف آینده‌ای که حتمی و لایتغیر بود، بپردازند. به

۱. همو، الفبای آینده پژوهی، ص ۱۲۱.

۲. همو، آینده پژوهی و مهدویت: نسبت‌ها و روابط از دیدگاه کاربردی، ص ۱۰-۱۲.

همین دلیل است که این نوع نگاه به آینده، در برگیرنده نوعی جبرگرایی بود. پارادایم اکتشافی در عصر سنتی، پیش‌بینی این پرسش را مطرح می‌کرد که آینده چه وضعیتی دارد و ما چگونه خود را با آن وفق و تطبیق می‌دهیم.

دیگری «پارادایم هنجاری» است که در پاسخ به کاستی‌ها و چالش‌هایی که برای پارادایم اکتشافی پیش آمد، شکل گرفت. اگرچه پیش‌بینی و به تبع آن، اکتشاف آینده تا این زمان به عنوان سنت غالب و برتر شناخته می‌شد که البته خود تابعی از پارادایم زمان خود (اکتشافی) بودند؛ با ظهور دانش‌های جدید، از جمله شکل‌گیری حوزه جدید آینده‌اندیشی (آینده‌پژوهی) و به چالش کشیدن پیش‌بینی، پارادایم جدیدی به نام پارادایم هنجاری ظهور کرد. شاید یکی از دلایل تفوق پارادایم هنجاری بر پارادایم اکتشافی، نادیده گرفتن تأثیر و توان نیروی انسانی بود که در پارادایم انسانی به آن توجهی نمی‌شد. برخلاف پارادایم اکتشافی، در این جا دیگر انسان‌ها صرفاً ناظران بیرونی قضایا نیستند، بلکه به اختیار و انتخاب خود، به ساخت آینده مطلوب و دلخواه می‌پردازند. بنابراین، نیروی انسانی، در ساخت آینده و تاریخ نقشی انکارناپذیر دارد. نتیجه پذیرش مفهوم ساخت آینده توسط نیروی انسانی، طرح سه سوال توسط پارادایم هنجاری می‌باشد: «وقوع کدام آینده‌ها محتمل است؟»، «آینده‌های مطلوب ما کدامند؟» و «کدام آینده امکان وقوع می‌یابد؟» که البته، دانش آینده‌پژوهی و روش‌های طراحی شده در آن، امکان پاسخ به این سوالات را فراهم می‌ساخت؛ چرا که روش‌های سنتی پیش‌بینی به‌تنهایی توانایی پاسخ به این چالش‌ها را نداشت، و این، ناشی از عدم دقت کافی پیش‌بینی و دیگری متصلب و جزمی بودن آن بود. به هر حال، ظهور این دانش جدید تا حدی این نقیصه را برطرف می‌کرد؛ چرا که رسیدن به آینده‌های مطلوب در سایه روش‌های علمی و استقرایی آینده‌پژوهی امکان‌پذیر می‌بود.

### پرسش های این درس

۱. رویکرد اکتشافی در آینده‌پژوهی را توضیح دهید؟
۲. رویکرد هنجاری چه جایگاهی در آینده‌پژوهی دارد؟
۳. رویکرد تصویرپردازی چیست و چه تفاوتی با رویکرد اکتشافی دارد؟
۴. کارکرد و نتایج رویکردهای آینده‌پژوهی را بنویسید؟

فهرست مطالب

## روش‌های آینده‌پژوهی

### آموزه‌های این درس

۱. آشنایی با چیستی روش؛
۲. دسته‌بندی روش‌های آینده‌پژوهی؛
۳. آشنایی با انواع روش‌های آینده‌پژوهی.

## مقدمه

یکی از ابعاد مهم مطالعات آینده، «روش‌شناسی» آن است. بنابر دیدگاه آینده‌شناسانی، مثل بل و کورنیش، مطالعات آینده، در پی به کارگیری اصول پژوهش علمی در مطالعه آینده است. پژوهش مطالعات آینده، در جهت عقلانی و تجربی بودن سیر می‌کند. این رشته، برخی روش‌های پژوهشی خاصی را ایجاد کرده است؛ اما همان طور که بل اشاره می‌کند، از روش‌های پژوهشی رشته‌های دیگر نیز بهره جسته است و به طور کلی، نوعی روش‌شناسی خاص آینده‌نگری در قرن گذشته، بسط یافته است.

«روش» در برابر کلمه «Method» به کار می‌رود که خود برگرفته از دو واژه یونانی «meta» و «hodos» است و از مجموع آن، معنای "در جست‌وجوی مقصود" مستفاد می‌شود و در اصطلاح، به مجموعه‌ای از تدابیر، فنون و ابزارها اطلاق می‌گردد که برای رسیدن به هدف هر تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد. با افزودن پسوند «logy logos» یونانی، به معنای مطالعه و شناسایی، کلمه «Methodology» پدید آمده است که در فارسی «روش‌شناسی» خوانده می‌شود و معنای آن، مطالعه روش‌هایی است که برای کسب معرفت به کار می‌رود. بنابراین، «روش‌شناسی» را می‌توان راهبردهای استفاده از روش‌های گوناگون گردآوری داده‌ها، همراه با حفظ حدّ مطلوب اعتبار و پایایی دانست.<sup>۱</sup> هر فعالیت علمی، مانند بسیاری از دیگر فعالیت‌های هدفمند، نیازمند روش و شیوه مناسبی

۱. گلریز، جک دی، *انگاره‌های فلسفی پژوهش، در رونالد پاول*، روش‌های اساسی پژوهش برای کتابداران.

است؛ به گونه‌ای که دستیابی به هدف اصلی، یعنی آگاهی از یک امر و ابعاد گوناگون آن میسر شود. بدیهی است آینده‌نگری نیز در مقام کوششی علمی و هدفمند که به منظور کسب آگاهی از آینده و رویدادهای آینده صورت می‌گیرد، به روش‌شناسی مناسب خویش نیاز دارد. آگاهی از روش‌ها و به بیان بهتر «روش‌شناسی آینده»، می‌تواند دیدگاهی علمی در اختیار علاقه‌مندان به امور آینده قرار دهد و آنان را در کوشش‌های آینده پژوهانه خود یاری. این روش‌شناسی آینده‌نگری است که پژوهش‌های آینده‌محور و به طور کلی آینده‌پژوهی را از ارزش و جایگاه شایسته فعالیت‌های علمی برخوردار می‌سازد. از این رو، آگاهی از روش‌های آینده‌پژوهی را می‌توان گام نخست در هر کوشش علمی به شمار آورد که با هدف گذاشتن سنگ بنایی برای آینده به عمل می‌آید. کوشش آینده‌پژوهان، همواره بر این است که روش‌های آینده‌پژوهی هر دیدگاه را از یکدیگر تفکیک کرده، به قانونمندی پیوسته و ثابت دست یابند.<sup>۱</sup>

### روش‌های آینده‌پژوهی

آینده‌نگری به اقتضای ماهیت چند وجهی و بین‌رشته‌ای بودنش، محمل روش‌های پژوهش و مطالعه بسیار متعددی است؛ بدین معنا که می‌توان در روش‌های به کار گرفته شده برای مطالعه آینده تنوع فراوانی مشاهده کرد. مطالعات آینده‌پژوهی، حوزه‌ای بین‌رشته‌ای است و با گستره‌ای از دیدگاه‌ها در مورد آینده‌های محتمل، ممکن و مرجح ارتباط دارد. آینده‌پژوهان، بیش از هفده دیدگاه روش‌شناسی را شناسایی کرده‌اند که اغلب آنها در ارتباط و هماهنگی با یکدیگر به کار می‌روند. به‌طور کلی، روش‌های تحقیقی در آینده‌پژوهی به دو دسته کلی تقسیم بندی می‌شوند: ۱. روش‌های «توصیفی» یا «استنتاجی» ۲. روش‌های تجویزی یا هنجاری.

در روش‌های «توصیفی» یا «استنتاجی»، سعی بر این است که با مطالعه حوادث گذشته و حال و با توجه به روندهای حاکم در زمینه‌های مختلف، آینده یا آینده‌های مختلفی را که احتمال به وقوع پیوستن آنها وجود دارد، تشریح شوند. در واقع، این روش‌ها، هر آنچه

1 . Helmer, O. (1983). Looking Forward: A Guide to Futures Research.

را در آینده می‌تواند به‌وجود آید، توصیف می‌کند. بدین ترتیب، تصویر یا تصویرهایی از آینده صورت می‌بندد که هر کدام به برنامه‌ریزی خاصی نیاز دارد. در این حالت، محققان، شرایط محتمل و ممکن را شرح می‌دهند.

در روش‌های «تجویزی» یا «هنجاری»، بیشتر تمرکز بر روی شرایطی است که آینده باید حاوی آن باشد؛ یعنی با توجه به ارزش‌ها و ترجیحات فردی یا سازمانی، می‌توان تصویر یا تصویرهایی از آینده مطلوب به‌دست آورد و سپس با برنامه‌ریزی گام به گام رسیدن به آن آینده مطلوب را کشف نموده و مورد بررسی قرار داد.

روش‌های مورد استفاده در مطالعات آینده، به کشف آرمان مطلوبی می‌پردازند که به کمک آن می‌توان به خلق سیاست‌ها و راهبردهای مناسب اقدام ورزید. اساساً می‌توان دو دسته از روش‌های آینده‌پژوهی را شناسایی کرد: دسته اول، به «پیش‌بینی» (روش‌های اکتشافی) و دسته بعدی به «آینده‌سازی» (روش‌های هنجاری) ارتباط می‌یابد. در واقع، هدف روش‌های مطالعه آینده‌شناسی، یاری رساندن به انسان‌ها و جوامع، به منظور درک بهتر احتمالات آینده برای اتخاذ تصمیمات بهتر، در زمان حال است. آینده‌شناسان از این روش‌ها برای روش‌های آینده‌شناسی به تحلیل‌گر کمک می‌کنند تا از طریق تعیین میزان معلومات و مجهولات، تعیین دامنه احتمالات و تعیین ماهیت احتمالات مطلوب، با مسئله عدم قطعیت تا حدودی کنار بیایند.

گستره وسیعی از روش‌ها وجود دارند که برخی از آنها مشخصاً برای آینده‌پژوهی طراحی شده‌اند؛ در حالی که مابقی از مدیریت و برنامه‌ریزی اقتباس می‌شوند. برخی از این روش‌ها ممکن است به طور مشخص به آینده ارتباطی نداشته باشند؛ اما بدین منظور استفاده می‌شوند که مبنا و اساس آینده‌نگاری را به وجود آورند. برخی روش‌ها، مانند دلفی و سناریوها که توسط آینده‌پژوهان توسعه یافته‌اند، تاکنون به وسیله دیگران به عاریت گرفته شده‌اند. از این دسته روش‌های موجود، شایان توجه است که روش‌های منتخب، بر حسب تناسب با هدفی که به منظور آن مورد استفاده قرار می‌گیرند، انتخاب می‌گردند. کشف آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب بر مفروضاتی مبتنی است درخصوص آینده و چگونگی ارتباط یافتن ما با آن آینده که این امر به نوبه خود، انتخاب

روش‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آینده‌نگاری ابزار سیاستی است که به هدایت رویدادهایی معطوف به آینده‌های مطلوب (به جای آینده‌های ممکن و محتمل) کمک می‌کند. این امر بدین معنا نیست که چنین روش‌هایی در تدارک زمینه و بافتاری برای آینده‌نگاری مفید نیستند؛ بلکه تأکید بر نحوه تحت تأثیر قرار دادن مسیر رویدادها و نه فقط بر پیشگویی آن‌هاست. این مشخصه در برخی مواقع به منظور متمایز ساختن آینده‌نگاری از آینده‌پژوهی به کار می‌رود؛ در حالی که بر ضرورت به کارگیری روش‌های رسمی برای هدایت پروژه آینده‌نگاری تأکید نمی‌شود. در عین حال، این روش‌ها نوعاً در چنین پروژه‌هایی و اغلب به صورت ترکیبی مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنابراین، دانستن و فهم تمامی روش‌های رسمی موجود، ارزشمند است. انتخاب روش‌ها بر چندین عامل مبتنی است که قابل ملاحظه‌ترین آنها عبارتند از منابع مالی و زمانی موجود و اهداف پروژه.

در هر حال، دسته بندی روش‌های آینده‌نگاری اغلب مشکل ساز است؛ به این دلیل که کاربرد بسیاری از روش‌ها نسبتاً منعطف است و به آسانی طبقه‌بندی نمی‌شوند. با وجود این، روش‌های گوناگون را می‌توان در چهار گروه دسته بندی کرد:

الف) شناسایی موضوعات: پویش محیطی، تحلیل «SWOT»، پیمایش‌های موضوعی و...

ب) رویکردهای اکتشافی: برون‌یابی روند، مدل شبیه‌سازی، پیش‌بینی هوشمندانه، دلفی و...

ج) رویکردهای خلاقانه: طوفان فکری، پانل خبرگان، تحلیل آثار متقابل، سناریوها و...

د) اولویت‌گذاری: فناوری‌های کلیدی، ره‌نگاشت فناوری و...

قابل ذکر است که روش‌های آینده‌نگری یا آینده‌پژوهی از ساختاری غیر قابل انعطاف پیروی نمی‌کنند؛ یعنی هر آینده‌پژوهی می‌تواند با توجه به تخصص خود در زمینه‌های

۱. گروه آینده‌نگاری سازمان توسعه ملل متحد، راهنمای آینده‌نگاری فناوری یونیدو، ترجمه سونیا شفیعی، ج ۱، ص ۱۶۹.

مختلف از روش‌های گوناگونی استفاده کند. در این جا به بخشی از این روش‌ها اشاره می‌شود:

### ۱. روش دیده بانی

«دیده‌بانی» به معنای پایش مستمر تغییرات جهانی در زمینه‌های مختلف که به وسیله یک اندیشکده یا گروه علاقه‌مند به آینده‌پژوهی انجام می‌گیرد. دیده بانی یکی از ساده‌ترین و در عین حال موثرترین روش‌های آینده‌پژوهی است.<sup>۱</sup> دیده بانان عطش دانستن دارند و پیوسته در نشریه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی اینترنت کاوش می‌کنند و یافته‌های پایش خود را همچون خونی تازه در شریان‌های سازمان جاری و طراوت فنی و علمی سازمان را تضمین می‌کنند. دیده‌بانی در معنای عام عبارت است از زیر نظر داشتن حیطه‌ای خاص با هدف شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های آتی موجود در آن حیطه. دیده بانی علاوه بر آینده، برای موضوعاتی که در مجاورت زمانی با نمونه‌های فعلی می‌باشند، انجام می‌شود. دیده‌بانی، خصوصاً به منظور تعیین اولیه حوزه‌های کلیدی جهت تجزیه و تحلیل عمیق بعدی و تهیه سناریو یا نقشه راه برای آن‌ها، رویکرد بسیار مفیدی است. دیده‌بانی، پایش مستمر تغییرات جهانی در زمینه‌های مختلف، بر پایه بررسی نظام‌مند محتوای مطالب روزنامه‌ها، مجلات، پایگاه‌های اینترنتی و دیگر رسانه‌ها، به منظور کشف سیگنال‌های تغییر است. دیده‌بانان به جای پایش رویدادها بر پایش روندها، یعنی تغییرات مستمر در طول زمان تمرکز می‌کنند (دیده‌بانی فرهنگی اجتماعی، دیده‌بانی فناوری و...).

نظام دیده بانی جامع، اطلاعات لازم را در خصوص تغییرات محیط به یکایک اعضای سازمان منتقل می‌کند و مأموریت اصلی آن، تضمین هوشیاری جهانی مدیران و کارکنان و جلوگیری از غافلگیر شدن در برابر پیشرفت‌های فناوری و همچنین تحولات صورت گرفته در محیط سیاسی، اقتصادی و تجاری است.<sup>۲</sup>

۱. ملکی فر و همکاران، *الفبای آینده پژوهی*، ص ۷۰.

۲. رک: مهدی، محمودی و ...، *آینده پژوهی و نقش آن در سیاستگذاری علم و فناوری*، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.

## ۲. تحلیل روند

این روش عبارت است از «مطالعه روندی مشخص، به منظور کشف چیستی علت‌های بروز سرعت توسعه و پیامدهای احتمالی آن». «تحلیل روندها» باید بسیار دقیق باشد؛ زیرا روند مشخص می‌تواند بر ابعاد گوناگون زندگی ما تأثیرهای متفاوتی داشته باشد و از سوی دیگر، شاید بسیاری از این تأثیرها در نگاه اول قابل کشف نباشند. موضوع این روش، پیش‌بینی پارامترهایی است که بیان صریح آنها به صورت کمی غیرممکن و یا بسیار دشوار است.<sup>۱</sup> تحلیل روند، یکی از متداول‌ترین روش‌های پیش‌بینی است. «روند»، خود، به معنای میل و حرکت به سوی ارزش‌هایی در بازه‌های زمانی است که با نظم ثابت کاهش یا افزایش می‌یابد. متغیرها، پیش‌ران‌ها و عوامل تأثیرگذار بر محیط باید مورد شناسایی و تحت نظر قرار گیرند و این امر، نیازمند الگویی خاص است. در روش تحلیل روند با استفاده از مدل استیپ وی، با بررسی و رصد متغیرها و عوامل اجتماعی، فناورانه، اقتصادی، بوم‌شناسی، سیاسی و ارزش‌ها می‌توان به ارزیابی مسایل و روندها و درک کامل محیط رسید و ظرفیت‌های بالقوه آینده را استنباط کرد و با ترسیم چشم‌انداز، ضمن آمادگی برای رویارویی با فرصت‌ها و تهدیدها، برنامه ریزی راهبردی انجام داد و البته از عناصر شگفتی‌ساز نبایستی غافل بود؛ زیرا در درازمدت این امکان وجود دارد که برخی از پیش‌بینی‌های انجام شده برای آینده را با تغییر مواجه کند. در روش تحلیل روند، سعی بر این است که روند تغییرات پارامترهایی که می‌خواهیم آینده آنها را بدانیم مشخص شود. با بررسی روند تغییرات این پارامترها در گذشته و وضعیت فعلی آنها، می‌توان از طریق برخی تحلیل‌ها، آینده یک پارامتر را پیش‌بینی کرد. تحلیل روندها بر ارزیابی تجربی چند پدیده با معیارها و اقدامات تکرارشونده در طول زمان مبتنی است.<sup>۲</sup>

برای تحلیل روند، پژوهشگران باید محیط را پویا کنند و دریابند که در برخی حوزه‌های مورد علاقه، روندهایی وجود دارد یا در حال شکل‌گیری است. در این روش، داده‌ها و اطلاعات مربوط به روندهای حاکم بر پدیده‌های مهم و متغیرهای اثرگذار

۱. ملکی فر و همکاران، *الفبای آینده‌پژوهی*، ص ۷۲.

۲. جمعی از نویسندگان، *آینده‌پژوهی؛ مفاهیم، روشها*، ص ۹۶.

جمع‌آوری و با پایش و شناخت وضعیت آنها در فرایند مستمر تاریخی، به پیش‌بینی وضعیت احتمالی آنها در آینده توجه می‌شود. در توجه به روندها، به چند عنصر «اندازه»، «جهت‌گیری توسعه»، «حجم و بزرگی» و «استمرار» آن اهمیت زیادی داده می‌شود. در تحلیل روند بایستی پرسش‌های بنیادین ذیل مورد توجه قرار گیرند:

- جهت عمومی تغییر چگونه است (به سوی رشد یا به سمت افول پیش می‌رود)؛
- شدت تغییر تا چه حد است (سرعت رشد یا زوال آن چگونه می‌باشد)؛
- حجم تغییر و دگرگونی چقدر می‌باشد (بزرگی و وسعت آن تا چه اندازه تأثیرگذار است)؛
- آیا نوع تغییر به صورت نامنظم (بی‌شکل)، چرخشی، منظم (الگومند) یا با ثبات و متوازن می‌باشد؛

- استمرار و پایایی روند چگونه است (کوتاه مدت است یا بلندمدت).  
تحلیل روند به طور عمده در حوزه‌هایی مانند بازاریابی، طراحی کسب و کار و برنامه‌ریزی راهبردی در دو مقیاس ملی و بنگاهی به کار می‌رود و تحلیل روندداری چندین روش شناسی فرعی از این قرار است: تحلیل روند تاریخی، تحلیل محتوا، تحلیل الگوهای چرخه‌ای و بهره‌گیری از دیدگاه‌های کارشناسان، نظیر دلفی.<sup>۱</sup>

### ۳. پویش محیطی

در این روش، گروهی از خبرگان با تجزیه و تحلیل برخی منابع مستند و تعیین طبقه‌بندی و پردازش اسناد مربوط به روندهای اجتماعی، این روندها را مورد بررسی قرار می‌دهند. «پویش محیطی» از روش‌های کلیدی آینده‌اندیشی است و فرایند دقیق و آگاهانه ذیل را شامل می‌گردد: ۱. ایجاد چارچوبی پویشی (تنظیم مجموعه‌ای از اولویت‌های روشن روش تحلیل)؛ ۲. فرایند پویش؛ ۳. روش برقراری ارتباط میان داده‌های حائز اهمیت؛ سنجش کاربردهای این شناخت و آگاهی.

پویش محیطی، روشی ضروری در دیدگاه رو به جلو سازمان‌ها و نهادها است. همچنین

۱. خزایی و ...، آینده پژوهی، ص ۲۵۲.

این روش، به عنوان ورودی در برنامه راهبردی محسوب می‌شود؛ لیکن هنوز چندان کاربردی نیست و از آن رو، بسیاری از پدیده‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها به شکلی ناگهانی پدیدار می‌شوند که علایم پیشینی هشدار دهنده آنها اغلب مورد غفلت قرار می‌گیرد و یا اصلاً دریافت نمی‌شود.<sup>۱</sup>

پویش محیطی می‌تواند انواع مختلفی داشته باشد:

الف) پویش منفعلانه: در این پویش خواندن روزنامه‌ها، نشریات و مجله‌های دوره‌ای مورد علاقه و تماشای تلویزیون، بدون تفکر واقعی در مورد آنها، صورت می‌گیرد. این نوع پویش، در واقع به چگونگی به‌روز نگه داشتن خود در مورد هر آن چه مرتبط با ماست، مربوط می‌گردد؛

ب) پویش فعالانه: در این نوع پویش، منابع مشخصی به طور مرتب پویش می‌شوند. شاید هم تلاشی به منظور توسعه قلمرو تحت پویش، فراتر از قلمروی که به طور عادی در یک فرآیند رسمی پوشش داده می‌شود؛ صورت پذیرد؛

ج) پویش جهت‌دار: در این نوع پویش که اغلب افراد در یک تیم سازماندهی می‌شوند، با دنبال کردن هدفی خاص، رویکردی گزینشی و سازمان یافته‌تر به پویش اتخاذ می‌شود. این نوع رویکردها، به ویژه برای دنبال کردن موضوعات نوظهوری که تحلیل‌های رایج روند ممکن است نتوانند آنها را شناسایی کنند (اغلب به خاطر این که هنوز داده و اطلاعاتی راجع به موضوع مورد نظر وجود ندارد)؛ ارزشمند است.

#### ۴. چشم انداز سازی

در این تکنیک، «چشم‌انداز»‌های آینده‌ای مطلوب برای فرد یا یک سازمان، سیستماتیک خلق می‌شود. از آن جا که آینده‌پژوهی از پیش‌بینی فراتر است، اکثر آینده‌پژوهان خواهان ابداع تصویرها و چشم‌اندازهایی از آینده مطلوب برای ملت‌ها، سازمان‌ها یا افراد هستند. آینده‌پژوهان کار خود را با مرور رویدادهای گذشته و موقعیت کنونی آغاز کرده و سپس چشم‌اندازی از آینده‌ای مطلوب ایجاد می‌کنند و می‌کوشند

۱. اسلاتر، ریچارد، دانش واژه آینده‌پژوهی، ص ۱۶.

راه‌های مشخص و خلاقانه‌ای برای شکل بخشیدن به چنین آینده‌ای بیابند.<sup>۱</sup> فرایند ساخت تصویری از آینده که به حد کافی واقعی باشد، همانند آهن ربا بتواند اهداف مورد نظر را جمع کند و همانند یک مهمیز برانگیزاننده اقدامات فعلی باشد. این فرایند می‌تواند به صورت فردی انجام شود؛ اما غالباً در کارگاه‌های آینده اندیشی انجام می‌پذیرد.<sup>۲</sup>

«چشم انداز»، عبارت است از تصویری مطلوب و آرمانی قابل دستیابی که منظور و دورنمایی در افق بلند مدت فراروی مدیریت عمومی جامعه قرار می‌دهد و دارای ویژگی‌های «جامع‌نگری»، «آینده‌نگری»، «ارزش‌گرایی» و «واقع‌گرایی» است.<sup>۳</sup>

«چشم انداز»، با در نظر گرفتن امکان تحقق در دوره‌ای بلندمدت و با توجه به شناخت محیط ملی (درونی) و بررسی وجوه قوت و ضعف تعیین می‌گردد و به رخدادهای جهانی و روند تحولات محیط بین‌المللی (بیرونی) نگاهی دقیق دارد تا فرصت‌ها و تهدیدهای احتمالی را بشناسد و نحوه تعامل محیط بیرونی و درونی را روشن سازد.

«چشم انداز»، همواره، تصویری جذاب و استثنایی از آینده به ما ارائه می‌کند و ما باید سهم خود را در تحقق آن بدانیم. تحقق متفکرانه در چشم انداز، مهر تاییدی بر ارائه پیگیری و تعهد ما، در ایجاد تحول است.

«چشم انداز»، تأکید می‌کند که سازمان به کجا می‌خواهد برود و چگونه به آن جا می‌رود. با نگاهی به آینده و موفقیت در محیط رقابت بی‌رحمانه، چشم انداز مشترک زیرکانه و دستیابی به عملکرد عالی، به اجرای صحیح کارها بستگی دارد.

«چشم انداز»، هنر دیدن چیزهای نامرئی است.

«چشم انداز»، راهبرد فرهنگ و یک توانایی بالقوه ذهنی است برای بسط افق‌های سازمان در مورد آن چه می‌تواند باشد.<sup>۴</sup>

۱. ر.ک: محمودی و ...، آینده پژوهی و نقش آن در سیاستگذاری علم و فناوری.

۲. فرزاد و ...، دانشواژه آینده پژوهی.

۳. ر.ک: مبینی دهکردی و ...، ایران در افق چشم‌انداز، ص ۶۵.

۴. لوریس، سی پاتریک، ایجاد چشم‌انداز مشترک، ص ۲۷.

## ۵. سناریو نویسی

فرهنگ عمومی لغت، «سناریو» را طرح وضعیت طبیعی حوادث و یا طرح کلی وضعیت حوادث مورد انتظار می‌داند؛ اما اگر تخصصی‌تر بخواهیم سناریو را تعریف کنیم چنین است: سناریو داستانی توصیفی از بدیل‌های موجه است که به بخش خاصی از آینده نظر دارد. سناریو مجموعه امکاناتی است که به آینده مرتبط می‌شوند. سناریوها در واقع تلاش‌هایی هستند برای تجسم و بازنمایی رویدادهای ممکن آینده بر پایه آن‌چه می‌دانیم یا آن‌چه تصور می‌کنیم، می‌دانیم. سناریوها به این دلیل مفید هستند که به ما کمک می‌کنند تا بفهمیم که نتایج و پیامدهای احتمالی تصمیمی که اتخاذ می‌کنیم، چه خواهد بود. آینده‌پژوهان برای توصیف رخداد‌های احتمالی آینده از شیوه سناریوسازی استفاده می‌کنند. در آینده‌پژوهی که مملو از عدم قطعیت است، سناریوها کاربرد ویژه و بسیار مهمی دارند و معمولاً چندین سناریو توسعه می‌یابند؛ به گونه‌ای که تصمیم‌گیران متوجه باشند شاید برخی رویدادهای آینده، سناریوی بسیار محتملی را که مبنای برنامه‌ریزی آنها بوده است از اعتبار ساقط کند. میشل گوده در کتاب «توصیف آینده‌های ممکن و مسیرهای متناسب برای رسیدن به آن» سه هدف را برای روش سناریونویسی ارائه می‌کند: «کشف موضوعات فوری و اضطراری برای مطالعه»؛ «مشخص کردن بازیگران اصلی و راهبردهای آن» و «توصیف روند تکاملی از طریق در نظر گرفتن محتمل‌ترین مسیر تکاملی و استفاده از مجموعه مفروضات موجود درباره بازیگران سناریو».<sup>۱</sup>

روش سناریونویسی به معنای «سازمان دهی اطلاعات و احتمالات آتی در ترسیم و تصویرسازی آینده‌های بدیل» می‌باشد. روش سناریونویسی، به ویژه برای کمک به درک حوادثی مفید خواهد بود که به نظر می‌رسد ترکیبی ناهمگون از اطلاعات غیرمرتبط هستند. این روش، با توجه به نقطه شروع و عزیمت، می‌تواند «برون‌یابی» یا «هنجاری» باشد. مطالعه «هنجاری» با تعیین اهداف و مقاصد آتی آغاز می‌شود و سپس با تعیین احتمال و چگونگی در وقوع آنها به انجام می‌رسد. مطالعه «برون‌یابی» بر این فرض استوار است که روندهای موجود در متغیرهای مرتبط تداوم خواهند یافت. سناریوها از جنبه

۱. ر.ک: خاشعی، سفر به آینده: آینده‌پژوهی، مفاهیم، مبانی و روشها، ص ۱۲۴.

درونی، تصاویر مجسمی از احتمالات آینده و ترکیبی از عناصر کمیّت‌پذیر و کیفی هستند که به عنوان سلسله عوامل منطقی بدیل رخدادها مرتب شده اند. سناریوها اغلب به ۲ یا ۳ مورد محدود است. مزیت مهم این روش آن است که عدم اطمینان‌ها را در چشم اندازه‌ها نمودار می‌سازد و مشخص می‌کند که آینده‌های محتمل زیادی وجود دارند. محدودیت بزرگ این روش، آن است که سناریوها به میزان قابل توجهی به نویسندگان آنها وابسته هستند.<sup>۱</sup>

## ۶. دلفی

«دلفی» روشی سیستماتیک و تکرار شونده پیش‌بینی آینده است که بر اساس ورودی‌های مستقل از سوی گروهی از کارشناسان و خبرگان عمل می‌کند. هدف این روش، جمع آوری عقاید گروه کارشناسان و متخصصان در زمینه وقایع مورد نظر در آینده و رسیدن به اتفاق نظر بر اساس دانش ضمنی خبرگان است. دلفی نوعی نظرخواهی تخصصی است که بر اساس آن، می‌توان انواع نتایج را ملاحظه کرد. در این روش هیات (پنل) هایی از متخصصان تشکیل می‌شود که تعامل بین اعضا، توسط رییس یا ناظر هیات انجام می‌شود. معمولاً تحقیق دلفی با پرسشنامه‌ای آغاز می‌شود که توسط یک تیم کوچک طراحی شده و به گروه بزرگ‌تری از متخصصان فرستاده می‌شود. پرسشنامه‌ها به طریقی تنظیم می‌شوند که این امکان به وجود آید تا مخاطبان ضمن استنباط کردن مسئله مطرح شده، واکنش‌های خود را بروز دهند. وقتی پرسشنامه‌ها برگشت، پاسخ‌ها و دلایلی که متخصصان برای پاسخ‌هایشان بیان کرده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته و خلاصه نویسی می‌شوند. در این مرحله، مواردی که با اهداف زمینه تحقیق مرتبط نباشد، حذف و از این طریق از مسایل منفی رایج در تعاملات داخل گروهی (مرتبط با حوزه روان‌شناسی اجتماعی) اجتناب می‌شود. پس از آن، خلاصه گزارشی برای متخصصان فرستاده می‌شود. متخصصان اجازه دارند پاسخ‌هایشان را بر اساس نتایج تغییر دهند و این نتایج مجدداً مورد ارزیابی محققان قرار می‌گیرد. بر این اساس، هدف اصلی روش

۱. میرزا امینی، مسیر نماهای علوم و فناوری، ص ۲۲.

دلفی را می‌توان «پیش‌بینی آینده» دانست که بر پایه «همگرایی اندیشه‌های متخصصان» حاصل می‌شود.<sup>۱</sup>

روش دلفی را تنها می‌توان گونه‌ای از فنون ساختاریافته برای اجرای طوفان فکری در نظر گرفت که اغلب در آینده‌نگاری‌های ملی به کار می‌رود و نظرخواهی از کارشناسان را از طریق تکرار متوالی یک پرسشنامه شامل می‌شود. هر تکرار شامل یک «دوره» بوده، و وسیله‌ای برای بیان دیدگاه‌های کارشناسان است. نتایج هر دور نظرسنجی، جمع‌آوری و اظهارنظرها به شیوه‌های کمی و کیفی تحلیل می‌شود و مخاطبان هم در این اجماع رو به توسعه، باید دلایل تداوم مخالفت خود با اجماع نظر دیگران را شرح دهند. پیمایش دلفی که ابتدا در ایالات متحده شکل گرفت، پژوهشی تخصصی است که در دو مرحله انجام می‌گیرد: ابتدا پرسشنامه‌ای توزیع می‌شود که حاوی حوادث معینی است و پاسخ‌گویان بایستی دیدگاه‌ها و پاسخ‌های خویش را در خصوص میزان تخصص فردی، میزان تأثیر در تولید ثروت، کیفیت زندگی، جنبه‌های اقتصادی، قابلیت اجرا و تاریخ آن (در صورت امکان)، دروندادهای ضروری، محدودیت‌ها و مسائل دیگرشان بیان کنند (البته بدون ذکر نام).

در مرحله دوم، دیدگاه‌های پاسخ‌گویان طبق نتایج مرحله اول جمع‌گردیده و پس از ملاحظه این اطلاعات، پاسخ‌گویان دوباره مورد پرسش قرار می‌گیرند. پذیرش تصمیمات برنامه‌ریزی شده برای آینده ممکن است با آن چه اصطلاحاً به «دلفی تصمیم‌گیری» معروف است، مورد کنترل قرار گیرد.<sup>۲</sup>

براساس روش یاد شده، توجه به این مسئله ضروری است که کارشناسان، دیدگاه‌های منطقی و موشکافی شده خود را در افق زمانی مورد نظر ترسیم و اظهار کنند. مزیت عمده این روش، اجرای کار شبکه‌ای توسط کارشناسان است. مطالعات نشان داده‌اند که خطای تخمین مربوط به یک گروه، از میانگین خطای مربوط به افراد به صورت جداگانه کمتر خواهد بود. سایر عناصر اصلی در روش‌های اولیه دلفی عبارتند از: «ساختارسازی جریان

۱. حاجیانی، میانی، اصول و روشهای آینده‌پژوهی، ۱۳۹۱، ص ۳۰۱ و ۳۰۲.

۲. پورنگ و همکاران، ترجمه مقالاتی در باب آینده‌نگری، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ص ۳۲.

اطلاعات»، «ارائه بازخورد به شرکت کنندگان» و «عدم افشای هویت شرکت کنندگان»<sup>۱</sup>. قابل یادآوری است که فرآیند جمع‌آوری دیدگاه‌های متخصصان تا زمانی ادامه می‌یابد که اجماعی نسبتاً قابل قبول در مورد موضوعات به وجود آمده و نتیجه مشخصی در خصوص پدیده‌ها به دست آید. از مزیت‌های روش دلفی می‌توان به وجود دامنه وسیعی از تفکرات و نگرش‌های متخصصان اشاره کرد که نسبت به پیش‌بینی خاص و منفرد رحجان آشکاری دارد.

### ۷. طوفان فکری

همبستگی انگیزه و خلاقیت انسان، بر آینده تاثیر چشمگیری دارد. برای مثال ژول ورن با نوشتن کتاب‌های متعدد، الهام‌های شگفت‌انگیزی برای نسل‌ها ارائه می‌کند. تقریباً ۳۰۰ ایده او، به نوآوری و محصول تبدیل شده است. «طوفان ذهنی» روشی است امیدبخش که قدرت تخیل ما را گسترش می‌دهد و ایده‌های جدید خلق می‌کند.<sup>۲</sup> این تکنیک روشی برای استخراج و کسب ایده‌ها، بدون اعمال دیدگاه و قضاوت یا گزینش است. این تکنیک اغلب در مراحل نخستین کارگاه‌های آینده‌پژوهی و بسیاری از بافت‌های دیگر به کار می‌رود. در «طوفان فکری» افراد به ارائه پیشنهادها می‌آیند، بدون محدودیت و فهرست‌بندی ترغیب می‌شوند. این پیشنهادها، به همان صورت نخستین فهرست‌بندی و گردآوری می‌شوند. در تکنیک طوفان فکری، ایده‌های جدید توسط یک گروه کوچک که در مورد یک موضوع خلاقانه فکر می‌کنند، تولید می‌شود. اعضای این گروه، یکدیگر را به پرورش ایده تشویق و از انتقاد خودداری می‌کنند. طوفان فکری در شناسایی امکانات، فرصت‌ها و خطرهای مفید است.<sup>۳</sup>

چهار قاعده اساسی باید در طوفان فکری رعایت شود که رعایت این قواعد، به هم‌افزایی گروه منجر و نهایتاً بروز خلاقیت را باعث می‌گردد. براین اساس، برای مطرح کردن ایده‌ها محدودیتی وجود نخواهد داشت و طی فرآیند طبیعی و بدون دخالت بیرونی،

۱. حاجیانی، مبانی، اصول و روشهای آینده پژوهی، ص ۳۱۰.

۲. محمود زاده، و همکاران، روشهای تحلیل آینده با رویکردی راهبردی، اصفهان، ص ۴۹.

۳. ر.ک: آساکول.پ، روشهای مطالعات آینده پژوهی.

جمع، مستمراً به ایده‌های بهتر دست خواهند یافت. این قواعد عبارتند از:  
تمرکز بر کمیت: هرچه تعداد ایده‌هایی که تولید می‌شوند، بیشتر باشد، احتمال دست یافتن به راه‌حل اساسی و اثربخش، بیشتر است؛

- اجتناب از انتقاد: اگر در مواجهه اولیه با یک ایده، به جای انتقاد از آن، به توسعه و بهبود آن فکر شود، جو مناسبی برای تولید ایده‌های غیرمعمول و بازشدن فکر افراد فراهم می‌شود و استفاده از این متد، دامنه گسترده‌ای از راه‌حل‌های باورنکردنی را موجب می‌شود؛

- استقبال از ایده‌های غیرمعمول: ممکن است ایده‌های غیرمعمول، رویکردهای جدیدی نسبت به مسئله فراهم کنند و به راه‌حل‌های بهتری نسبت به ایده‌های معمول منجر شوند؛

- ترکیب و بهبود ایده‌ها: می‌توان با ترکیب دو ایده خوب، به ایده‌ای بهتر رسید که از هر دو ایده قبلی کامل‌تر باشد.

#### ۸. تحلیل تاریخی

در این شیوه، از رویدادهای تاریخی، برای پیش‌بینی پیامدهای تحولات جاری استفاده می‌شود. مطالعه تحلیل تاریخی، به طور ضمنی بر این گزاره مبتنی است که گاهی تاریخ تکرار می‌شود. اگر چنین گزاره‌هایی درست باشد - که در بعضی موارد درست است - می‌توان یک یا چند موقعیت تاریخی مشابه را مقایسه کرد و از این رهگذر فهمید که سرانجام بعضی از وقایع چه خواهد شد. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی از سوی برخی از مفسران با جنگ ویتنام مقایسه شده بود، به این معنا که جنگ عراق هم ناموفق و فاجعه‌بار بوده است.<sup>۱</sup>

#### ۹. مدل‌سازی

«مدل»، چیزی است که از آن برای نمایش چیز دیگر استفاده می‌شود. رویدادهایی را که در جهان واقع رخ می‌دهند، می‌توانیم به شیوه‌های گوناگونی تقلید و بازآفرینی کنیم تا

۱. ر.ک: محمودی و ...، آینده‌پژوهی و نقش آن در سیاستگذاری علم و فناوری.

آنها را بهتر بفهمیم. «مدل سازی» یکی از این شیوه‌هاست و تفکر ما را از آینده به صورت عینی‌تر ارائه می‌کند.<sup>۱</sup> رویدادهایی را که ممکن است در جهان آینده رخ دهند، می‌توان به شیوه‌های گوناگونی تقلید و باز آفرینی کرد و از این طریق، نسبت به آنها درک بهتری به دست آورد. مثلاً به کمک ماکت، می‌توان درک کرد که شهرهای آینده و ساختمان‌های آن چه شکلی خواهند داشت.<sup>۲</sup> گونه‌های زیادی در این حوزه وجود دارند که می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. مهم‌ترین آنها به شرح ذیل هستند:

الف) مدل‌های اقتصادی: عبارت است از سامانه‌های معادله‌های بازگشت چندگانه خطی که هر یک شامل چندین متغیر وابسته است؛

ب) مدل‌های بازخوردی: وسیله‌ای برای شرح روابطی است که موجب اتصال عوامل فنی، اقتصادی، بازار، و اجتماعی به عنوان بازنمایی آینده می‌شود؛

ج) مدل‌های رایانه‌ای که با منطق ریاضی به شرح رابطه بین عوامل مرتبط می‌پردازند. به عنوان مثال، پیشرفت‌های فناوری به تولید فرآورده‌های پیشرفته منجر شده است که این امر افزایش فروش، درآمد بیشتر و در نتیجه پیشرفت و رشد بیشتر فناوری را موجب می‌گردد. نتایج این تکنیک بسیار کمی هستند؛ اما اغلب به منظور ارزیابی پیامدهای کیفی روندها، رخدادهای یا تصمیم‌ها مورد استفاده واقع می‌شوند. از این تکنیک برای فرمول بندی سیاست یا راهبردهای کلان استفاده می‌شود.

### ۱۰. شبیه سازی

«شبیه سازی» نیز به عنوان روشی متداول در پیش‌بینی، از سال‌های دهه ۱۹۷۰، به منظور درک بهتر علل و پیامدهای رشد جمعیت جهانی و گسترش جنبه‌های فیزیکی و تولید اقتصادی مورد استفاده قرار گرفت.<sup>۳</sup> شبیه‌سازی به نوعی، ساخت ماکت یا مدل عملکردی است. این تکنیک تلاشی است برای دست یافتن به متغیرهای خاص از واقعیت در حوزه‌ای ویژه و مشابه‌سازی در قالب یک بازی که بر مبنای آن بتوان شاهد چگونگی

۱. ادوارد کورنیش، روشهای آینده پژوهی، ص ۲۸.

۲. محمودی و ...، آینده پژوهی و نقش آن در سیاستگذاری علم و فناوری.

۳. حاجیانی، مبانی، اصول و روشهای آینده پژوهی، ص ۳۴۹.

رفتار متغیرها با یکدیگر طی مرور زمان بود. به این منظور، می‌توان از رایانه‌ها (بازیگران نقش) یا هر دو گزینه استفاده کرد.<sup>۱</sup> افراد به کمک رایانه‌ها، می‌توانند «بازی‌های اگر چنین چیزی وجود داشته باشد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟» را انجام دهند و با انتخاب گزینه‌های خاص، بر اساس این مدل می‌توان پیامدهای بعدی را مشاهده کرد.

در این تکنیک، شرایطی مشابه جهان واقعی، توسط افراد و نقش‌هایی که بر عهده می‌گیرند، شکل می‌گیرد. در این روش، مانند بازی‌های کامپیوتری، از متولیان موضوع خواسته می‌شود که خود را به عنوان بازیگران یک سناریو فرض کنند و در مورد واکنش‌های خود تصمیم بگیرند. بدین ترتیب، این رویکرد، روش خوبی برای سیاست‌گذاران است تا نحوه تأثیر سیاست‌های فعلی خود را بر آینده و میزان کارایی این سیاست‌ها را در درازمدت، شبیه‌سازی کنند. شبیه‌سازی می‌تواند حتی در یک مدل کامپیوتری شکل گیرد. با کار کردن با این مدل کامپیوتری، امکان مشاهده تأثیرات تصمیمات بر مجموعه‌ای پیچیده فراهم می‌شود. این شیوه، برای تفهیم گستره طیف وسیعی از مخاطبان درباره ماهیت پیچیده تصمیمات و سیاست‌ها و ایجاد تصویر گسترده‌ای از تأثیر اجرای این سیاست‌ها، روش خوبی است.<sup>۲</sup> شبیه‌سازی را می‌توان به شیوه‌های مختلفی انجام داد؛ از جمله:

الف) «شبیه‌سازی یا بازی»: این مدل در واقع نمایش ایستایی از حالت معینی است؛ اما مفهوم همزاد و پویای آن، شبیه‌سازی است. رزمایش‌های جنگی، در حقیقت نوعی شبیه‌سازی هستند که در آن، فرماندهان جنگی می‌توانند راهبردها و تاکتیک‌های خود را در شرایطی نزدیک به واقعیت آزمایش کنند؛

ب) «شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای»: نظام‌ها و سامانه‌های پیچیده، مانند اقتصاد کشور را می‌توان با استفاده از معادلات ریاضی و انتقال آنها به رایانه، شبیه‌سازی کرد. طبق این روش، اطلاعات مربوط به وضعیت موجود کنونی به رایانه داده می‌شود و رایانه، تغییرات به دست آمده را نمایش می‌دهد. رایانه براساس محاسبات، شبیه‌سازی بهتری انجام می‌دهد و

۱. ملکی فر، الفبای آینده پژوهی، ص ۷۴.

۲. اسلاتر، ریچارد، نواندیشی برای هزاره نوین، ص ۱۷۸.

نتایج دقیق‌تری ارائه می‌کند؛<sup>۱</sup>

ج) «پیش بینی هوشمندانه»: ایجاد یک یا چند چشم انداز در مورد آینده از طریق چشم‌اندازها و بینش‌های افراد مستعد و معتبر را «پیش بینی هوشمندانه» می‌گویند. برای مثال، کتاب‌های «شوک آینده» و «موج سوم» آلوین تافلر از این دسته به شمار می‌روند.

### ۱۱. پس‌نگری

در این روش آینده پژوهانه، سناریو ویژه‌ای از آینده، همراه با جزئیات آن شناسایی و سپس ریشه‌ها و محورهای تحول آن به‌دقت تا وضعیت حال ردگیری می‌شود. «پس‌نگری»، اغلب در تضاد و تقابل با پیش‌بینی قرار دارد. پس‌نگری از آینده به امروز، معمولاً درباره موضوعات بسیار پیچیده و افق‌های درازمدت به کار می‌رود که در آنها ابعاد مختلف و متعدد اجتماعی و نیز نوآوری فناورانه و تغییر و تحول، حضور موثر دارند. در واقع موضوع و کانون تمرکز، باید یک مشکل اجتماعی بسیار گسترده و با اهمیت و نیز تاثیرگذار زیادی باشد، (مثلاً موضوع حمل و نقل و تاثیرات درازمدت آن بر کیفیت محیط زیست). در افق درازمدت، پتانسیل انسان‌ها برای تاثیر گذاری و هدایت رخدادها به سمت جهت یا جهت‌های مطلوب نسبتاً زیاد است؛ اما درک و برداشت افراد درباره آن چه شدنی یا ممکن است، می‌تواند سد یا مانعی بزرگ برای تغییر و تحول باشد. به طور کلی سناریوهایی که در یک پروژه پس‌نگری از آینده به امروز توسعه می‌یابند، به گسترش فضای گزینه‌ها، راهکارها و راه‌حل‌ها کمک می‌کنند.<sup>۲</sup>

### ۱۲. تجزیه و تحلیل پیشران‌ها

برای شناسایی «پیشران»<sup>۳</sup>هایی که روندهای آتی را شکل می‌دهند، از این روش استفاده می‌شود. با این شیوه، می‌توان تعامل پیشران‌ها را مورد بررسی دقیق قرار داد و

۱. ساروخانی، باقر، «شبیه‌سازی با شیوه‌ای در تحقیقات اجتماعی»، ماهنامه علوم اجتماعی، شماره ۲، ص ۱۵.

۲. وحیدی مطلق، وحید، (<http://www.atinegaar.com>)

۳. عوامل تاثیرگذار بر روندها، رویدادها، اقدامات و تصاویر که ممکن است آینده‌های متمایزی پدید آورند.

بدین طریق، پیشران‌های اصلی را که شکل‌دهنده آینده هستند، تشخیص داد. از این روش می‌توان به عنوان مبنایی برای تدوین سناریوها، نقشه راه یا چشم‌انداز استفاده کرد. همچنین این روش برای سنجش کارایی سیاست‌های اتخاذ شده و نیز برای پیش‌آگاهی از مشکلات در حال ایجاد روش خوبی است. از چالش‌های پیش روی استفاده از این روش، کمی کردن ارتباط بین پیشران‌های مختلف است. به عنوان مثال، با بررسی پیشران‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی فناوری شکل‌دهنده خاورمیانه آینده، مشخص می‌شود که اسلام و ملی‌گرایی، همچون چتری بر سر سایرین قرار گرفته است. بهتر است گفته شود که این دو، به مثابه روح در کالبد سایر پیشران‌ها می‌باشند. بر این مبنای، به نظر می‌رسد از میان پیشران‌های شکل‌دهنده خاورمیانه آینده، دو پیشران کلیدی "اسلام" و "ملی‌گرایی" نقش پررنگ‌تری در تحولات این منطقه پرتنش و مهم، داشته باشند.<sup>۱</sup> فرهنگستان زبان و ادب فارسی، «پیشران» را چنین تعریف کرده است: «عوامل تأثیرگذار بر روندها و رویدادها و اقدام‌ها و تصاویر که ممکن است آینده‌های متمایزی پدید آورند».<sup>۲</sup>

### ۱۳. نقشه راه

«نقشه راه»، به نقشه یک بزرگراه می‌ماند؛ چرا که نشان می‌دهد چگونه می‌توان از نقطه شروع به مقصد نهایی رسید. همان‌طور که نقشه یک بزرگراه، تقاطع‌های آن با خیابان‌ها و بزرگراه‌های دیگر را نشان می‌دهد؛ نقشه راه نیز تقاطع‌های میان مراحل علمی و فناوری را نشان می‌دهد. نقشه راه به جلو می‌نگرد و مسیرهایی که برای رسیدن به هدف نهایی یا مطلوب باید پیمود، پیش‌بینی می‌کند. بنابراین، نقشه راه، هم روشی است برای پیش‌بینی هنجاری و هم روشی است برای طرح‌ریزی است.<sup>۳</sup> نقشه راه، گام‌هایی را که باید برای رسیدن به هدف برداشت، تعیین می‌کند. گستره وسیعی از انواع نقشه راه وجود دارد. به عنوان مثال، نقشه راه مربوط به تکنولوژی، معمولاً شامل ارزیابی موارد ذیل

۱. رک: ظفری، حسین، *پیشرانهای تأثیرگذار بر آینده خاورمیانه*، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۹ اسفند ماه ۱۳۹۲.

۲. <http://www.persianacademy.ir/fa/word>.

۳. جروم سی گلن و .... *دانشنامه بزرگ روشهای آینده‌پژوهی*، ج ۲، ص ۱۵۱.

است: «پیشران‌های اجتماعی»، «پیشران‌های علوم»، «تکنولوژی‌ها و کاربردهای آنها». نقشه راه به گمانه‌زنی در کشف محصولات مختلف ممکن در آینده کمک می‌کند و در عین حال، بخش‌های کلیدی علوم مختلف را که برای ایجاد این محصولات لازم است، مشخص می‌کند. این روش، بویژه برای تعیین فهرست اقدام‌های لازم که باید برای ظهور فناوری جدید انجام شود؛ بسیار مفید است.<sup>۱</sup>

#### ۱۴. تحلیل لایه‌ای علت‌ها

یکی از بهترین این روش‌ها «تحلیل لایه‌ای علت‌ها» نام دارد. این روش که عنایت الله آن را روشی برای ژرف نگری به آینده می‌نامد، بر خلاف دیگر روش‌های آینده‌پژوهی، کاری به پیش‌بینی آینده ندارد، بلکه واقعیت‌های موجود و تبار آنها را به منظور خلق سناریوها و راه‌حل‌های چند افقی (کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت) می‌کاود. این روش را می‌توان در کنار دیگر روش‌های مناسب آینده‌پژوهی به کار گرفت. تحلیل لایه‌ای علت‌ها، چنان که از نامش برمی‌آید، مسئله را از هر نوع که باشد، در چهار لایه تحلیل و ریشه‌یابی می‌کند. این روش را می‌توان آخرین مرز دانش بشری در حل مسئله و سیاست‌گذاری دانست.<sup>۲</sup> چهار لایه‌ای که در این روش مورد مطالعه قرار می‌گیرند - و هر کدام بر پایه نوع ویژه‌ای از معرفت بشری است - عبارتند از:

الف) لایه لیتانی: این لایه، مشهودترین لایه مسئله است و با مواردی همچون روندهای کمی، مشکلات و مسائلی که اغلب به دلایل سیاسی در مورد آنها اغراق می‌شود (مثلاً مشکل افزایش بی‌رویه جمعیت، افزایش میزان اعتیاد در میان نسل جوان) و معمولاً مورد توجه رسانه‌ها هستند؛ سروکار دارد. در این سطح، فرض‌ها و پارادایم‌ها به‌ندرت مورد پرسش قرار می‌گیرند و تمام راه‌حل‌ها (سیاست‌ها) در قالب فرضیات و پارادایم‌های موجود پیشنهاد می‌شوند.

ب) لایه نظام‌های علی: در این لایه، به علل نظام‌مند، از جمله علل اجتماعی -

۱. ر.ک: حق پناه، برخورداری، نفیسه، نقش تحلیل استراتژیک بازار در ستاریو پردازی آینده‌نگاری نوآوری، هشتمین همایش مراکز تحقیق و توسعه صنایع و معادن.

۲. ر.ک: جروم سی گلن و ...، *دانشنامه بزرگ روش‌های آینده‌پژوهی*، ج ۲، ص ۵۳ - ۵۴.

فرهنگی، فناورانه، اقتصادی، محیطی، سیاسی، تاریخی، صنعتی، مدیریتی و تاریخی پرداخته می‌شود. به عنوان مثال در مورد مشکل افزایش جمعیت، به عللی همچون فزونی میزان زاد و ولد و فقدان تنظیم خانواده و یا سوء تغذیه زنان که عامل موثری بر افزایش بارداری آنان است؛ پرداخته می‌شود. گاهی هم ممکن است رشد جمعیت به پیشرفت‌های پزشکی و بهداشتی نسبت داده شود.

این لایه، میدان مناسبی برای پژوهش‌های دانشگاهی و تحلیل‌های علمی است. معرفت حاصل از کاوش این لایه، «معرفت تعبیری» نامیده می‌شود. تعبیرها (و یا تفسیرها) بر داده‌های کمی در مورد جمعیت، ترافیک، اعتیاد و مانند آن مبتنی است. این نوع تحلیل، معمولاً توسط نهادهای سیاست گذاری انجام می‌شود و بحث‌های مرتبط با آن، به صورت سرمقاله در روزنامه‌ها، رادیو، تلویزیون‌ها و یا نشریه‌هایی که کاملاً دانشگاهی (علمی) نیستند؛ ارائه می‌شود.

ج) لایه گفتمان - جهان بینی: گفتمان‌ها و جهان بینی‌ها (نوع نگاه ما به دنیا و موضوعات مختلف) نه تنها واقعیت‌های اجتماعی را می‌سازند، بلکه به آنها مشروعیت می‌بخشند. وظیفه تحلیل‌گران در این سطح، یافتن فرآیندهای عمیق‌تر اجتماعی و فرهنگی مستقل از این یا آن بازیگر اجتماعی و تا حدی مستقل از نظام‌های علی است. به عنوان مثال، گفتمان کنترل جمعیت و این نگرش که فرزند کم‌تر با زندگی بهتر مترادف است؛ در خلال چند دهه گذشته بر کشور ما حاکم بوده است. این گفتمان و نگرش مرتبط با آن را نمی‌توان خیلی راحت به این یا آن بازیگر اجتماعی و یا حتی یکی از نظام‌های اجتماعی موجود کشور نسبت داد. این، چیزی است که اکثر بازیگران اجتماعی در خلال دهه‌های اخیر نسبت به آن توافق داشته‌اند. تحلیل‌گران در این سطح باید فرض‌ها و پارادایم‌هایی را که در شکل‌گیری مسئله دخالت داشته‌اند، بررسی کنند. در خود این لایه، چهار سطح تحلیل وجود دارد. همچون سایر لایه‌ها، در این لایه می‌توان بر اساس گفتمان‌های تازه، سناریو و سیاست‌های جدیدی برای حل مسئله پیشنهاد کرد. به عنوان مثال، می‌توان گفتمان افزایش جمعیت را که از آموزه‌های اسلامی ملهم و با مصالح ملی و بلندمدت کشور موافق است؛ در برابر گفتمان غربی کنترل جمعیت قرار داد، و بر پایه آن،

سناریوهای تازه ای برای افزایش جمعیت ساخت و در بحث سیاست‌ها، به این اندیشه که چگونه می‌توان از پس احیای ارزش کثرت فرزندان صالح و سالم در جامعه برآمد و نیز، سیاست‌های دیگری که می‌توانند پشتیبان گفتمان پیشرفت اسلامی- ایرانی و جهان بینی و حیانی نسبت به قداست خانواده و گسترش آن باشند. معرفت حاصل از این لایه، «معرفت انتقادی» و حوزه عمل اندیشه مندان معرفتی و دینی است که با پژوهش‌گران علوم اجتماعی در دانشگاه‌ها تفاوت دارند.

(د) لایه اسطوره- استعاره: این آخرین و ژرف‌ترین لایه‌ای است که در روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. این سطح، ریشه و مبدا طرح و پرسش از مسئله است و موضوع آن، پژوهش درباره الگوهای جمعی و داستان‌های عمیقی است که ناخودآگاه در اذهان جمعی ما وجود دارند و ابعاد احساسی مسئله را شکل می‌بخشند. اسطوره‌ها در واقع «ایده‌آل‌ها» و «الگوهای مطلوب» ما را در زمینه‌های مختلف آشکار می‌کنند.

تحلیل لایه‌ای علت‌ها، انواع چهارگانه معرفت را برای حل مسائل با یکدیگر ترکیب می‌کند: «معرفت تجربی»، «معرفت تعبیری (علمی)»، «معرفت انتقادی»، و «معرفت هنری». نکته مهم این است که تحلیل‌گران بین لایه‌ها از بالا به پایین و از پایین به بالا حرکت می‌کنند. این حرکت، اولاً، باعث می‌شود سناریوها و سیاست‌های توسعه یافته در هر لایه و بیش از پیش ورز بخورند و برای اجرا آماده شوند؛ ثانیاً، در برخی از موارد موجب می‌شود که درک یا تعریف ما از مسئله به کلی تغییر کند.<sup>۱</sup>

روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، بر درک حال و گذشته متمرکز است و آن چه آن را به روشی کارآمد آینده‌پژوهی تبدیل می‌کند، خلق سناریوهای متنوع و کارآمد در لایه‌های چهارگانه برای دستیابی به آینده مطلوب است. این روش عمومیت دارد و برای آینده‌سازی در هر عرصه‌ای به کار می‌آید؛ اما چنین به نظر می‌رسد که بهترین کاربرد آن، در عرصه‌های نرم‌تر اجتماعی همچون فرهنگ باشد.

۱. رک: سهیل، تحلیل لایه لایه ای علت‌ها (نظریه و موردکاوی‌های یک روش‌شناسی یکپارچه و متحول ساز آینده پژوهی)، ج ۱ و ۲.

### نقد روش شناس‌های آینده‌پژوهی

پس از توصیف اجمالی روش‌های آینده‌پژوهی، به نظر می‌رسد اشاره‌ای کوتاه به برخی از نقدهای وارد بر آنها خالی از فایده نیست. برخی معتقدند در پیش‌بینی آینده، ضمن آن که باید گفت دارا بودن الگو از نداشتن آن بهتر است، الگوهای عرضه شده از دو جهت ناکارآمد یا بسیار کلی‌اند و برآند تا همه رویدادهای متنوع جهان را بپوشانند (مانند الگوهای تافلر، فوکویاما و هانتینگتون) و یا از نظر موضوع و روش، بسیار محدود و بر ذهنیت محدود الگوپرداز مبتنی‌اند. همواره تفسیرهای فردی از رویدادهای حال و آینده، خصلتی ذهنی به الگوهای عام یا خاص بخشیده است. در آینده‌شناسی‌های موجود، درباره روش‌شناسی توافق عالی وجود ندارد و بسیاری از آینده‌شناسان گرفتار ابزارگرایی، ذهنیت پردازی، عمل‌گرایی و روزمرگی و دنباله‌روی خاصی از حوادثند و همواره در پی تغییر روش‌ها و نگرش‌های خود از تجربه‌ای به تجربه دیگر هستند.<sup>۱</sup>

کورنیش، بر این باور است که بسیاری از روش‌ها راه‌هایی برای پیش‌بینی احتمالی درباره آینده‌اند. لذا باید در خصوص پیش‌بینی‌ها محتاط بود و بهتر است پیش‌بینی‌ها بر احتمال مبتنی باشند. او مکرر بیان می‌کند هدف مطالعات آینده، پیش‌بینی نیست، بلکه خلق آینده‌ای مثبت است. با توجه عمیق نسبت به رخدادهای احتمالی آینده، می‌توان خود را برای آینده آماده کرد و اگر آن‌چه را ممکن است اتفاق بیفتد، بدانیم، شاید بتوانیم کاری کنیم تا اتفاقات مثبت آینده بهبود و اتفاقات منفی کاهش یابند.<sup>۲</sup>

دانیل بل هم تأکید می‌کند که آینده‌شناسان، در دیدگاه‌های خویش در مورد آینده مستعد امیدواری و گزافه‌گویی‌اند و غالباً بیش از حد تصمیم‌گرا و ساده‌انگارند. به نظر او، جامعه انسانی پیچیده‌تر از آن است که به مجموعه ساده‌ای از مفاهیم توصیفی تقلیل یابد و استفاده از مفاهیم و ابزارهای علمی و ریاضی در مواردی جای بحث دارد.<sup>۳</sup> اگر از زاویه

۱. اکرمی، موسی، «آینده‌شناسی و آینده‌نگری»، فصلنامه رهیافت، شماره ۱۶، ص ۷۲-۷۳.

۲. ادوارد کورنیش، آینده‌پژوهی پیشرفته، ص ۷۸ و ۷۹.

۳. بل، وندل، «بازاندیشی در ارزش‌ها، عینیت و آینده»، ترجمه علی بهار، فصلنامه رهیافت، شماره ۱۱، ص ۳۷-۳۹.

دید علوم اجتماعی و به ویژه جامعه‌شناسی به مقوله آینده‌نگری بپردازیم، مشاهده می‌کنیم که آینده‌شناسان هم به تقلید از دانشمندان سایر علوم، در چشم‌اندازهایی که از آینده ارائه می‌کنند، مدعی عینیت‌گرایی و بی‌طرفی نسبت به ارزش‌ها بوده و وانمود می‌کنند که هیچ یک از انتظارات و دغدغه‌های ارزشی خود را در سناریوهای تهیه شده لحاظ نکرده‌اند. اما چنین چیزی در عالم واقع چندان ممکن نیست و به هر صورت، آینده‌شناس هم متأثر از ارزش‌ها و باورهای ذهنی خویش، بر برخی سناریوها بیش‌تر تمرکز می‌کند.<sup>۱</sup>

نکته دیگر این‌که در رهیافت فکری آینده‌شناسان، به آینده‌های مطلوب و مرجح اشاره و بر لزوم رسیدن بدان تأکید می‌گردد؛ اما معضلات و چالش‌های موجود در جوامع و تنگناهای عملی متعدد، در واقع، امکان رسیدن به آن مدینه فاضله را تا حدود زیادی با بن‌بست مواجه می‌گرداند. به تعبیر روشن‌تر، به نظر می‌رسد آینده‌شناسان اغلب در ترسیم آینده‌های مطلوب، به موانع و معضلات بنیادین و نیز نقش سایر متغیرها و عوامل تأثیرگذار توجه شایسته و بایسته‌ای مبذول نمی‌دارند و همین امر موجب می‌شود تا در دنیای عینی، رسیدن به وضعیت مطلوب آنها چندان میسر نگردد. البته این امر ممکن است به این دلیل باشد که معمولاً بیشتر روش‌های آینده‌پژوهی، در لایه‌های سطحی باقی مانده و کم‌تر به عمق پدیده‌ها نفوذ کرده‌اند.

در نهایت، نقدی که همواره دستاویز منتقدان مطالعات آینده‌نگری و آینده‌پژوهی بوده، این است که آینده‌نگری عمدتاً با محوریت ادراک شهودی آینده‌شناسان وجود یافته است. به نظر آن‌ها، آینده‌شناسان، چه «شهودی» عمل کنند و چه از «روش‌ها و ابزارهای تحلیلی» موجود استفاده نمایند؛ از پس «عدم قطعیت عمیق» بر نمی‌آیند.

۱. آقا پور و ...، «آینده‌نگری؛ مبانی، ضرورت‌ها و روش‌شناسی‌ها»، راهبرد یاس، شماره ۹، ص ۱۷۳.

**پرسش‌های این درس**

۱. رویکرد اکتشافی در آینده‌پژوهی را توضیح دهید.
۲. رویکرد هنجاری و آینده‌پژوهی را توضیح دهید.
۳. رویکرد تصویرپردازی آینده‌پژوهی را توضیح دهید.
۴. روش‌های آینده‌پژوهی را چند دسته می‌توان دانست؟
۵. روش تحلیل روند و بویش محیطی را توضیح دهید.
۶. سناریونویسی با چشم‌انداز چه تفاوت‌هایی دارد؟
۷. روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها را توضیح دهید.

کتابخانه تخصصی

## پیوندهای مهدویت و آینده‌پژوهی

آموزه‌های این درس

۱. اشتراک و پیوندهای مهدویت و آینده‌پژوهی؛

۲. تمایزات مهدویت از آینده‌پژوهی.

## مقدمه

مهم‌ترین بعد آینده‌شناسی اسلام و در واقع، جلوه‌گری غایت‌مندی تاریخ و نظریه جامع و کامل نجات‌گرایانه دین، «آموزه مهدویت» است. این آموزه، آینه تمام‌نمای پیشگویی و حیانی دین اسلام و آینده‌ای حتمی، روشن، فراگیر، مطلوب و موعود امت‌ها است. «آموزه مهدویت»، پاسخ‌گویی به بسیاری از دغدغه‌ها و سؤال‌های انسان در طول تاریخ و چشم‌اندازی الهی و ایمانی به جامعه‌ای برتر و کاراتر است. همه ابعاد و مؤلفه‌های «آینده‌پژوهی» در این آموزه وجود دارد: هم تفسیر کلان از حیات معقول بشری و فرجام‌شناسی تاریخ (فلسفه نظری تاریخ) است؛ هم تصویر و وضعیت‌های مختلف (و در نهایت وضعیت حتمی) و هم راه و نظام رسیدن به آن.

«مهدویت‌پژوهی»، رویکرد نوین پژوهشی و نظریه‌پردازی دینی در عرصه نجات‌گرایی، حق‌خواهی، حقیقت‌گرایی، چشم‌به‌راهی پویا، حجت‌شناسی، انقلاب‌شناسی، اصلاح‌گری و جهان‌گرایی است. مهدویت‌پژوهی، شناخت طرح کلان الهی برای آینده بشر و چگونگی قرار گرفتن در مدار مشیت پروردگار برای رسیدن به جامعه آرمانی است. بر این اساس، بین آینده‌پژوهی و مهدویت‌پژوهی پیوند وثیقی وجود دارد. در واقع، مهدویت‌پژوهی، کاوش نظام‌مند تاریخی، اجتماعی، سیاسی، کلامی و تفسیری «آموزه مهدویت» و شناخت و فهم آینده بر اساس آن است. «آینده»، پایدارترین آموزه‌ای است که مورد توجه ادیان الهی، به خصوص اسلام است. پاره‌ای از آموزه‌های آن در آینده و متوجه ساختن انسان‌ها به فرجام جهان است. این فرجام‌باوری هم می‌تواند شامل معادباوری باشد و هم پایان‌باوری تاریخی و بر این اساس، هم پیشگویی غیبی شکل می‌گیرد و هم سنت‌شناسی تاریخی.

مهدویت چند بعد مهم و محوری آینده‌پژوهانه دارد که باید مورد توجه و مطالعه قرار گیرد و در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها استفاده شود:

۱. جامعه آرمانی عصر ظهور که تصویر و چشم انداز روشنی از آینده در اختیار ما می‌گذارد و بر رویکرد تصویرپردازانه از آینده‌پژوهی تاثیر دارد؛
۲. علایم و نشانه‌های ظهور که اخبار از حوادث و رویدادهای آینده نزدیک و دور است و می‌تواند در رویکرد اکتشافی آینده‌پژوهی مورد توجه باشد؛
۳. شرایط و قوانین حاکم بر ظهور که بیانگر سنت‌های الهی در تاریخ و حرکت جوامع به سوی آینده است که آینده‌پژوهی تجویزی می‌تواند از آنها نمایه‌ای از بایدها و نبایدها و هنجارها را استخراج کند؛
۴. علم‌الانتظار و استراتژی انتظار که به عنوان آینده‌پژوهی مأموریت‌گرا، می‌تواند وظایف و تکالیف فعلی و آینده‌گرایانه ما را مشخص سازد.

ضرورت توجه به آینده‌پژوهی و لزوم تمایزبخشی آینده‌پژوهی دینی از آینده‌پژوهی سکولار، ما را ترغیب می‌کند که از منظری خاص (به خصوص از منظر آینده‌پژوهی تصویرپرداز که در قرآن به خوبی ترسیم شده) به این دانش بپردازیم و در صدد شکل‌دهی به آینده‌پژوهی مستقل بر اساس جامعه مطلوب قرآنی و آموزه مهدویت برآییم. با توجه به این که «مهدویت» غایت و هدف متعالی تاریخ بوده و امری دینی - تکلیفی است؛ می‌تواند شکل‌دهنده آینده‌پژوهی تصویرپرداز و مأموریت‌گرا باشد. همچنین لزوم طراحی نوعی نظام آینده‌پژوهی دینی در جامعه اسلامی (ایران)، مطابق با مقتضیات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن، که پایه‌ها و اساس آن قرآن و حدیث است؛ می‌تواند ما را در رشد و تعالی جامعه در آینده یاری رساند.

از طرفی امروزه، آینده‌پژوهی، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده و بسیاری از مؤسسات، نهادها، شرکت‌ها، کشورها و گروه‌ها، برای آن سهم بسزایی قائل شده‌اند. این آینده‌پژوهی، می‌تواند در زمینه‌های مختلف از ابزار مهدویت‌پژوهی باشد؛ از جمله این که می‌تواند یکی از ابزار مناسب و کارآمد برای ترویج دیدگاه‌های آرمانی قرآن و آموزه‌های مترقی مهدویت در سطح جهان قلمداد گردد (به جهت اهمیت دادن به آینده، مشخص کردن مسیرهای

حرکت به آینده و طرح جامعه‌آرمانی و...).

همچنین آینده‌پژوهی، می‌تواند یکی از ابزار کاربردی کردن آموزه مهدویت برای بشر امروز باشد؛ بدین معنا که در بعضی از سطوح مهدویت‌پژوهی، مسائل و موضوعاتی طرح می‌گردد که با آینده‌پژوهی اشتراک دیدگاه دارد و می‌تواند در برنامه‌ریزی‌ها و خط‌مشی‌ها نقش ایفا کند. آینده‌پژوهی، این قابلیت را دارد که راه رسیدن به مقصد مشخص و نهایی (بر اساس آموزه مهدویت) را پژوهش کند و راه و مسیر را نشان دهد و این که به معنای توجه به جامعه مطلوب قرآنی و حرکت به سمت تحقق کامل آن در جوامع انسانی است. در واقع، آینده‌پژوهی راه‌های رسیدن به جامعه آرمانی قرآن را مشخص و زمینه‌ها و شرایط لازم را برای تحقق آن رصد می‌کند.

آینده‌پژوهی دارای ابعاد و زوایایی است که در بیشتر آن‌ها، با مطالعات دینی و مهدویت‌پژوهی ارتباط و پیوند مستقیم و گاهی دو سویه دارد. اصولاً پرداختن به آینده‌پژوهی، بدون توجه به اندیشه‌ها و معارف دینی، ناقص و نارسا است و به همین دلیل، اندیشه مهدویت می‌تواند در این زمینه نقش اساسی اجرا کند. آینده‌پژوهی، خود، سرشت دینی دارد و ریشه‌ها و تبار آن، به معارف و تعالیم دینی، به خصوص آیات قرآنی، در زمینه آینده و آینده‌شناسی بر می‌گردد. به همین دلیل باید بر اساس معارف دینی، به تبیین اصول، مبانی و روش‌های آن پرداخت. علاوه بر این، آینده‌پژوهی، با آرمان‌شهرها و تصویرپردازی آرمانی ارتباط خاصی دارد و آرمان شهر مهدوی (و جامعه آرمانی دینی) از بسترهای مناسب این رویکرد و نگاه است. از طرفی مهدویت، نوعی روایت فرهنگی — دینی است که در عصر رقابت فرهنگ‌ها، می‌تواند جامعه را مجهز کند و آینده‌پژوهی را در سمت و سوی مناسب قرار دهد.

در هر حال، اندیشه مهدویت — با توجه به آموزه‌های آینده‌ساز قرآن — در ایجاد موضوعات و محورهای مورد توجه و مفید آینده‌پژوهی ظرفیت و توانایی فراوانی دارد و می‌تواند از منظرها و رویکردهای مختلفی، برای آینده‌پژوهی آموزه‌سازی کند؛ از جمله این که می‌تواند در برنامه‌ریزی‌ها، راهنما باشد و از موضوعی منفعل، به موضوعی هنجارساز و پیشرو تبدیل گردد. بر اساس فلسفه متعالی تاریخ، اراده‌گرایی در آینده‌پژوهی

تقویت می‌شود و نگاهی غیر انفعالی به آینده ترویج گردد. در برنامه‌ریزی‌های بلند مدت اجتماعی نیز با توجه به اهمیت چشم‌انداز در آینده‌پژوهی، اندیشه مهدویت می‌تواند چشم‌انداز آفرین باشد و نگاه دینی را چشم‌اندازهای ملی و جهانی وارد کند. همچنین امکان بهره‌وری از بعضی مؤلفه‌های آموزه مهدویت در تحلیل و ارزیابی درست پدیده‌ها و رویدادها و تحولات، ما را به سمت شکل‌گیری آینده‌پژوهی مهدوی سوق می‌دهد. این، در جایی است که آیات قرآنی نیز ما را به آینده‌نگری و برنامه‌ریزی برای آن سفارش می‌کنند.

آینده‌پژوهی فعلی، به رغم سرعت و فراگیری گسترش آن، بیشتر جنبه عرفی و سکولار دارد و مبانی و مبادی، عناصر، روش‌ها و رویکردهای آن دنیوی‌گرایانه و محدوده‌های مادی و ظاهری است. بر این اساس، لزوم تغییر در این روند و قرار دادن آن در مسیر درست و چندبعدی، انکار ناپذیر است؛ به خصوص آن که این کار باید بر مبانی قرآنی متکی باشد و اصول و محورهای خود را از آیات قرآن اخذ کند. تنها به کمک آموزه مهدویت، می‌توان آینده‌پژوهی را بومی کرد و آن را چراغ راه فعالیت‌های آینده‌پژوهی قرار داد. همچنین طراحی مدینه فاضله در جوامع دینی، بر عهده پژوهشی است که «آینده» را با اتکا بر قرآن و افق آرمانی آن (مهدویت) مورد بررسی و کاوش قرار می‌دهد.

### وجه تشابه و تمایز آینده‌پژوهی و مهدویت

مهدویت و آینده‌پژوهی می‌تواند دارای مشابهت‌ها و تفاوت‌ها و تمایزهایی باشد. هرچند موضوع مورد بررسی در هر دو زمینه مهدویت و آینده‌پژوهی یکی است؛ در قلمرو مفروضات، مسائل و اهداف و نیز در ابعاد معرفتی و هستی‌شناسی، اشتراک اندک و مغایرت‌های جدی و فراوانی وجود دارد. در عین حال، همین اشتراک اندک آن قدر برجسته و مهم است که به سادگی نمی‌توان از کنار آن گذشت و ابتدای بررسی‌های بعدی در این عرصه، بر درک صحیح ماهیت این سنخ مشابهت یا نسبت میان آینده‌پژوهی و مهدویت استوار است.

## الف) تشابه و اشتراکات

## ۱. توجه جدی به هر دو حوزه مطالعاتی

یکی از وجوه اشتراک مهم آینده‌پژوهی و مهدویت‌پژوهی را می‌توان جدیدبودن توجه به آنها دانست. مطالعات مهدویت هرچند امری قدیمی و تاریخی است و قدمتی به پهنای تاریخ اسلام دارد؛ اما مطرح شدن آن به صورت حوزه‌ای مطالعاتی و با نگاهی استقلالی، کاملاً جدید است. در چند دهه اخیر، به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران، با توجه به نیازهای جهان کنونی، مهدویت‌پژوهی به صورت حوزه مطالعاتی متمایز مورد توجه و شناسایی قرار گرفته است. پیدایش مراکز تحقیقاتی متعدد در ایران و جهان در باب مهدویت و شکل‌گیری رشته تخصصی مهدویت در حوزه علمیه قم، به خوبی این مسئله را آشکار می‌کند. آینده‌پژوهی نیز دانشی جدید است که قدمت آن به مطالعات هشتاد سال اخیر برمی‌گردد. نخستین حرکت‌ها در این زمینه در مؤسسه‌هایی چون «رند»<sup>۱</sup> در آمریکا و اروپا شکل گرفته است. هرچند زمینه‌های مطالعه آینده، قدمتی طولانی دارد؛ با تحولات و اقبال صورت گرفته در چند دهه اخیر، در دهه ۱۹۶۰ آینده‌پژوهی مدرن شکل‌گیری و تکامل نسبی خود را یافت.<sup>۲</sup> در ایران نیز مطالعات آینده‌پژوهی از دهه ۱۳۷۰ آغاز شده و هم‌اکنون در چند دانشگاه بزرگ، در مقطع دکتری، علاوه بر مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی تدریس می‌شود.

## ۲. ماهیت چندبعدی دو رشته

چنان‌که در مباحث قبلی گذشت، این دو حوزه در مرزهای تنگ‌رشتگی قرار نمی‌گیرند و در هر دو به رویکردی فراتر از مطالعه رشتگی نیازمند هستیم. به نظر می‌رسد هر دو حوزه مطالعاتی به سمت میان‌رشتگی و در نهایت فرارشتگی در حرکت هستند. چنین تصویری از وضعیت این دو حوزه سبب تداخل و تعامل عمیق آنها خواهد شد.

اگر مهدویت‌پژوهی را حوزه‌ای مطالعاتی بدانیم که لازم است به ابعاد و زوایای مختلف

۱. Rand.

۲. اسلاتر، ریچارد و همکاران، *نواندیشی برای هزاره نوین*، ص ۴ و ۵.

باور به مهدویت پردازد؛ بدون تردید از دانش آینده‌پژوهی بی‌نیاز نیست. در این جا در واقع، یکی از اضلاع مطالعه مهدویت‌پژوهی را آینده‌پژوهی تشکیل می‌دهد و بالعکس؛ بدین معنا که مهدویت دارای وجوه و ابعاد مختلفی است؛ برای نمونه کشف و بررسی زمینه‌های ظهور منجی، همواره مستلزم رصد، پویش و پالایش محیطی خواهد بود. همچنین هر گونه برنامه‌ریزی و تجویز برای جامعه مؤمنان منتظر، مستلزم کمک گرفتن از دانش‌هایی چون جامعه‌شناسی و علوم سیاسی خواهد بود که آینده‌پژوهی نیز یکی از این عرصه‌ها و قلمروها است. شاید به دلیل قدمت و جافتادگی رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی و علوم سیاسی، مقاومت و انکاری درباره این علوم مشاهده نشود؛ اما نسبت به تناسب و تعامل آینده‌پژوهی و مهدویت‌پژوهی ابهام‌هایی مشاهده می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۳. جایگاه مهم تمدنی هر دو رشته

یکی از ابعاد همسویی و اشتراک این دو حوزه مطالعاتی را باید پرورش هر دوی آنها در درون تمدن اسلامی و الهام‌گیری از این تمدن دانست. بدون تردید آینده‌پژوهی دانشی است که در بستر تمدن سکولار غرب رشد یافته و ابعاد غیر دینی و غیر اسلامی آن مشهود و ملموس است. بدیهی است هرگونه استخدام و پذیرش حوزه مطالعاتی جدید در بستر تمدن اسلامی، به بازنگری در اصول و مبانی آن حوزه و نیز روش‌ها و غایات آن نیازمند است. بدین منظور، پیش از هر گونه اقدام به منظور استفاده از آینده‌پژوهی در جامعه اسلامی باید به رویکرد اسلامی‌سازی آن توجه کرد. بدین ترتیب، نقش دین در هر دو حوزه مطالعاتی آشکار خواهد شد.

بدیهی است در مهدویت‌پژوهی - چنان که گذشت - دیدگاه‌شناسی دین نسبت به آینده مطرح است؛ اما در آینده‌پژوهی، از منظر اسلامی‌سازی علوم بررسی می‌شود و مراد آن است که چنان‌چه بتوان آینده‌پژوهی را از بستر سکولار و غربی آن جدا و آن را با رویکردهای دینی - اسلامی بازسازی کرد؛ در این صورت دین نقش مهمی در آینده‌پژوهی

۱. بهروزی لک، غلامرضا، «بررسی نسبت مهدویت‌پژوهی و آینده‌پژوهی»، مجموعه مقالات مهدویت و آینده‌پژوهی، ص ۴۹.

بازسازی شده خواهد داشت. البته از چگونگی اسلامی سازی علوم قرائت‌های مختلفی ارائه شده است. گفتنی است فراتر از اسلامی سازی آینده پژوهی، دین به واسطه آموزه مهدویت، بر این دانش (آینده پژوهی) تأثیرات مهمی خواهد گذاشت که نیازمند تبیین است.

#### ۴. رویکرد خوش‌بینانه و مطلوب به آینده

یکی از وجوه مشترک دو حوزه مطالعاتی آینده پژوهی و مهدویت پژوهی را باید در مفهوم «آرمان شهری» یا «اتوپیا» دانست. مفهوم اتوپیا یا «ناکجاآباد» در مکاتب بشری غالباً بیانگر جامعه‌ای رؤیایی و غیر واقعی بوده، فرازمانی تلقی می‌شده است. آینده پژوهی سعی کرده است این دو خصلت اتوپیا را تغییر داده، با قراردادن آن در سیاق و افق جوامع موجود بشری از یک سو آن را «مکانی» کند و از سوی دیگر، با تجویزهایی خاص، آن را در افق «زمان» قرار دهد. لازم است ابتدا توجه کنیم که آرمان شهر در آموزه مهدویت، برخلاف تلقی‌های بشری که ناکجاآباد و فرازمانی تلقی می‌شده است، امری تحقق‌پذیر است؛ هرچند افق زمانی آن برای بشر نامعلوم است. گفتنی است این آموزه علاوه بر آن که به لحاظ زمانی آرمان شهر مهدوی را همیشه در طول زمان تحقق‌پذیر نگه می‌دارد؛ همواره امید تحقق نزدیک آن را فعال نگه داشته است. بر همین اساس است که در دعاها و زیارتنامه‌های مهدوی، آیه کریمه زیر آمده است *﴿إِنَّهُ يَرُوثُهُ بَعِيدًا وَ نَرَاهُ قَرِيبًا﴾*؛ آنان آن روز را دور می‌بینند و ما نزدیکش می‌بینیم.<sup>۱</sup>

همچنین باید توجه داشت که آرمان شهر حتمی الوقوع مهدوی، می‌تواند الهام‌بخش آینده مطلوب در آینده پژوهی باشد. اگر به تعبیر جیمز دیتور، آینده را محصول تعامل و تأثیر چهار عامل «تلقی‌ها»، «اقدامات»، «روندها» و «حوادث» بدانیم؛ بدون تردید تلقی از آینده در بستر دینی، در چارچوب آموزه مهدویت شکل می‌گیرد و بدین ترتیب، مهدویت پژوهی می‌تواند الهام‌بخش محتوای جامعه مطلوب در آینده پژوهی باشد.<sup>۲</sup>

۱. معارج؛ ۶-۷.

۲. بهروزی لک، غلامرضا، «بررسی نسبت مهدویت پژوهی و آینده پژوهی»، مجموعه مقالات مهدویت و

آینده پژوهی، ص ۵۲ و ۵۴.

## ۵. اشتراک در رویکردها

از دیگر موارد اشتراک مهدویت و آینده‌پژوهی، وجود رویکردهای تحلیلی یا اکتشافی، تصویرپردازانه و هنجاری یا مشارکتی در روایات مهدویت است که در بخش گونه‌شناسی روایات مهدویت به آن اشاره شد. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) شرایط، نشانه‌ها و زمینه‌های ظهور: (رویکرد تحلیلی یا اکتشافی)

بر اساس حدیثی از امام صادق علیه السلام:

خَمْسُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ: الصَّيْحَةُ وَالسُّفْيَانِيُّ وَالْخَسْفُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالْيَمَانِيُّ...؛

پیش از ظهور قائم پنج نشانه محقق می‌شود: صیحه آسمانی، خروج سفیانی، فرورفتگی در

بیداء [=مکانی نزدیک مکه] کشته‌شدن نفس زکیه و خروج یمانی.<sup>۱</sup>

ب) حوادث پس از ظهور: (رویکرد تحلیلی و هنجاری)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:

حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّيُ خَلْفَهُ وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ

بِنُورِهِ...؛ تا آن که فرزندم مهدی ظهور کند و روح الله، عیسی بن مریم فرود آید و پشت

سرش نماز بخواند و زمین به نورش روشن گردد.<sup>۲</sup>

ج) دولت پس از ظهور (اهداف و مأموریت‌های آن): (رویکرد هنجاری)

رسول خدا صلى الله عليه وآله می‌فرماید: «... وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ؛ ... و حکومتش

[حکومت مهدی] صلى الله عليه وآله به مشرق و مغرب برسد».<sup>۳</sup>

## ۶. پس‌نگری از آینده به حال

«روش پس‌نگری» هم در مسئله مهدویت و هم در آینده‌پژوهی؛ کاربرد دارد، بدین شکل که در آینده‌پژوهی با در نظر داشتن آینده مطلوب، گام‌های رسیدن به آن از آینده به سوی حال طراحی و ترسیم می‌شود. روایات مهدویت نیز چنین ظرفیتی را در جامعه ایجاد می‌کنند؛ زیرا چشم‌اندازی را تصویرسازی می‌کنند که مسیر رسیدن به آن، از آینده به حال

۱. کلینی، کافی، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۸۰.

۳. همان، ص ۲۸۰.

روشن و شفاف است. افزون بر این، بنابر اصل قطعیت اخبار مهدویت، به طریق اولی و متقن، چشم‌انداز متعالی بشر محقق خواهد شد.

روایات زیر نمونه‌ای از روایات مرتبط با این بخش هستند که کاربردی آینده‌سازانه و پس‌نگرانه دارند؛ بدین شکل که آنچه باید در جهت نظام آرمانی اسلام و اندیشه مهدویت در سراسر دنیا محقق شود، در روایات به روشنی توصیف شده است. مجموعه این روایات، نظام جامعی را در بر می‌گیرند که بر توصیف و تصویری از آن نقطه پایانی، آرمانی و مطلوب اسلام مشتمل است و کل جوامع بشر می‌تواند و باید برای رسیدن به این مقصد آرمانی تلاش کند.<sup>۱</sup>

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «وَبِهِ يُفْرَجُ اللَّهُ عَنِ الْأُمَّةِ حَتَّى يَمْلَأَهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا...؛ خداوند به واسطه مهدی، از امت رفع گرفتاری می‌کند...».<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

لَا يَبْقَى قَرْيَةٌ إِلَّا وَ نُودِيَ فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ بِكُرَّةٍ وَ عَشِيَّةٍ؛ هیچ شهری نخواهد ماند، مگر آن‌که در آن هر صبح و شب، سه یکتایی خدا و رسالت پیامبر ﷺ شهادت داده شود.<sup>۳</sup>

#### ۷. مؤلفه‌های آینده‌ساز

در هر دو بخش، به مؤلفه‌های شکل‌دهنده به آینده توجه ویژه‌ای وجود دارد. جیمز دیتور<sup>۴</sup> بر این باور است که آینده از برهم‌کنش چهار مؤلفه «رویداد»، «روند»، «کنش» و «تصویر» شکل می‌گیرد.<sup>۵</sup> افزون بر این‌ها در تفکر مهدویت عناصر دیگری در محدوده معنویات و اخلاق همچون نیت، ایمان و معرفت وجود دارند که غنای آموزه‌های آینده‌نگرانه مهدویت از آنها منبعث است.

۱. قربانی، «نسبت مهدویت و آینده‌پژوهی در متون روایی»، مجموعه مقالات مهدویت و آینده‌پژوهی، ص ۲۱۱ و ۲۱۲.

۲. طوسی، الغیبه، ص ۱۸۷.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۶۰.

4. (James Dator)

5. (Dator, 1996, p. 107).

در نامه‌ای که از امام عصر علیه السلام رسیده است، ایشان به یکی از زمینه‌ها و بسترهای مهم معنوی اشاره می‌فرمایند که در واقع، کنش یا اقدامی زمینه‌ساز برای تقرب به آن حضرت بوده است:

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَتَنَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَخْسِنُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ؛ اگر شیعیان ما - که خداوند بر انجام طاعت خویش موفقشان گرداند - در عمل به پیمانی که بر عهده دارند، همدل می‌شدند، افتخار دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیبشان می‌شد؛ دیداری همراه با شناخت حقیقی و صداقت آنان نسبت به ما، و آنچه ما را از شیعیان دور نگه می‌دارد، کردارهایی از ایشان است که به ما می‌رسد و برای ما ناخوشایند و دور از انتظار است.<sup>۱</sup>

#### ۸. تمرکز بر پیشران‌های آینده و علایم ضعیف تغییر

در ترسیم سناریوها و تصاویر آینده نمی‌توان از رویدادهای تأثیر گذار بر آینده یا همان پیشران‌ها و نیز نشانه‌های ضعیف تغییر غافل شد. در واقع، یکی از کانون‌های توجه آینده‌پژوهی، موضوع پیشران‌ها و نحوه تأثیرگذاری آنها بر آینده و نیز علایم ضعیف تغییر است. علایم حتمی یا غیر حتمی ظهور را که پیش‌زمینه عصر ظهور هستند، از جهاتی می‌توان پیشران تحقق آرمان‌شهر مهدوی و از جهاتی علایم ضعیف تغییر به سوی تحقق جامعه آرمانی ظهور قلمداد کرد؛ زیرا روایات بر این نکته تأکید می‌کنند که مشاهده علایم ظهور، بر نزدیک‌تر شدن به آن آینده حتمی دلالت دارد. پس، با تطبیق عالمانه اخبار صحیح‌السند بر علایم مشاهده‌ای، زمینه بر درک و فهم آینده و آمادگی هرچه بیشتر برای رسیدن به آن فراهم می‌کند.

نکته مورد اهمیت و اشتراک در هر دو حوزه، آمادگی برای رویارویی با تحولات فرارو و رصد تغییرات است. آموزه‌های آینده‌پژوهی بر «پایش» و «پویش» تغییرات صحنه می‌نهند. روایات نیز مفهوم آمادگی را مورد توجه فراوان قرار می‌دهند. برای نمونه امام باقر علیه السلام

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۷.

فرمودند:

تَوَقَّعُوا الصَّوْتِ يَأْتِيكُمْ بَغْتَةً مِنْ قِبَلِ دِمَشْقَ فِيهِ لَكُمْ فَرَجٌ عَظِيمٌ<sup>۱</sup> منتظر بانگ سفیانی باشید که به طور ناگهانی از دمشق شنیده خواهد شد. در این بانگ گشایشی بزرگ برای شماست.<sup>۲</sup>

در این روایت، امام به یک پیشران یا علامت حتمی ظهور اشاره و پیروان خود را به انتظار توصیه کرده‌اند؛ انتظاری پویا و حرکت‌آفرین. تأکید امام بر ناگهانی بودن بانگ سفیانی، مؤید این نکته است که نباید نسبت به بانگ سفیانی و خروج او به‌عنوان یکی از علایم حتمی و پیشران‌های امر ظهور، بی‌توجه و غافل بود.

در واقع هشدار ائمه معصوم در چنین روایاتی، ناظر بر موارد زیر است:

۱. لزوم استقرار و ایجاد نظام آمادگی برای رویارویی با رویدادها و مخاطرات آینده؛
۲. ضرورت ایجاد مقاومت؛
۳. غافلگیرنشدن در مواجهه با مخاطرات آینده؛
۴. آماده‌شدن برای ظهور و بسترسازی برای آن.

نکته دیگر این که امام در این روایت بشارت می‌دهد شیعیان پس از قضیه سفیانی، گشایشی بزرگ خواهند یافت و این بشارت در واقع محرک واقعی پیروان اهل بیت علیهم‌السلام در بسترسازی برای ظهور است. این‌گونه روایات، آشکارا بر نهی ائمه از سکون، بی‌حرکی و نظاره‌گر حوادث بودن دلالت می‌کنند.

۹. تداخل موضوعی آینده‌پژوهی و مهدویت‌پژوهی

اگر مهدویت‌پژوهی را دانشی دارای ابعاد و اضلاع مختلف بدانیم که از آن به «میان‌رشتگی» تعبیر می‌کنیم؛ یکی از این اضلاع، رصد تحولات به منظور شناخت نشانه‌های ظهور است. از این امر در روایات، به «توقع»، «ترقب» و «آمادگی» یاد شده است. در روایتی از مفضل بن عمرو، به نقل از امام صادق علیه‌السلام: «شیعیان باید شب و روز منتظر ظهور فرج باشند؛ فَعِنْدَهَا تَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً»<sup>۳</sup> خصلت میان‌رشتگی مهدویت‌پژوهی

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۹.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۶۲.

اقتضا می‌کند ابعاد و زوایای مختلف موضوع مهدویت در این حوزه مطالعاتی بررسی شود. حوزه‌هایی چون تاریخ مهدویت، مباحث کلامی مهدویت، حدیث‌شناسی و تفسیر قرآن کریم، امروزه عرصه‌های فعال مهدویت‌پژوهی را شکل می‌دهند. غالب مباحثی که در عرصه مهدویت در حوزه میان‌رشته‌گی بررسی و مطالعه شده، تا کنون به موضوعات و مسائل گذشته مربوط می‌شده است. یکی اضلاع مورد نیاز آینده، جامعه منتظر و برنامه‌ریزی راهبردی در این زمینه است. این حوزه را دانش آینده‌پژوهی به‌عنوان دانشی چندبعدی (اکتشافی، تصویرپرداز و هنجاری) بر عهده دارد. به همین دلیل می‌توان گفت آینده‌پژوهی همانند دیگر رشته‌های استخدام‌شده در حوزه مطالعات مهدویت‌پژوهی، یکی از این اضلاع مطالعاتی را بر عهده دارد. در این جا آینده‌پژوهی با علمی چون تاریخ، تفسیر، حدیث‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی هم‌ردیف قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر، می‌توان گفت آینده‌پژوهی به تصویر آینده قطعی در آموزه مهدویت نیاز جدی دارد. یکی از عرصه‌های مهم آینده‌پژوهی، تصویرپردازی از آینده مطلوب و تدوین هنجارهای آن است. البته آینده مطلوب در آینده‌پژوهی، لزوماً آینده قطعی مهدوی نیست و غرض آینده‌پژوه صرفاً آینده‌های محتمل است؛ با این حال، آینده‌پژوهی نیز نیازمند یک الگوی آرمانی کلان است تا بتواند آینده‌های محتمل و تجویزی خود را بر اساس آن بسازد.

این امر را به خوبی می‌توان در دستگاه آینده‌پژوهی جیمز دیتور یافت. دیتور، آینده را محصول چهار عنصر کلیدی «تصورات آینده»، «کنش‌ها»، «روندها» و «حوادث» می‌داند. در این دستگاه، ارتباط آرمان‌ها با آینده‌پژوهی بسیار حائز اهمیت است. آرمان‌ها در قالب دستگاه‌های نظری و ایدئولوژیک طراحی و ساخته می‌شوند. آرمان‌شهر در معنای کلان و فرازمانی خود مفهومی است الهام‌بخش تصویرپردازی آینده مطلوب و تجویزکننده آن. بدین ترتیب، آموزه مهدویت می‌تواند در مطالعات مهدویت‌پژوهی بسان چراغ راهنما و الهام‌بخش در تصویرپردازی آینده‌های نزدیک و دور عمل کند.

در آینده‌پژوهی، آرمان‌شهر از مفاهیم فرازمانی و فرامکانی فاصله می‌گیرد و در قالب امری مکانی و در دسترس ارائه می‌شود. آینده‌پژوهی آرمان‌ها را در قالب آینده‌های «در

دسترس»، «محتمل» و «قابل برنامه‌ریزی» قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد در این بعد نیز می‌توان بین مهدویت‌پژوهی و آینده‌پژوهی همسویی جدی و مهمی مشاهده کرد. آرمان مهدوی هرگز رؤیای مطلق فرامکانی تلقی نشده است و در دسترس بشر قرار دارد؛ حتی اگر کسانی آن را بعید تلقی کنند. از سوی دیگر، هرچند زمان تحقق آن نامعلوم است؛ تحقق آن قطعی است. بدین ترتیب، وجه اشتراک این دو حوزه مطالعاتی را می‌توان باور به امری ممکن و مکانی مطلوب در آینده بشر دانست.<sup>۱</sup>

#### ۱۰. آینده‌پژوهی؛ زمینه‌ساز طرح عملیاتی آموزه مهدویت

وجه تعامل دیگر آینده‌پژوهی با مهدویت‌پژوهی را می‌توان در ظرفیت‌های خوب آینده‌پژوهی در «عملیاتی‌کردن مباحث مهدویت» دانست. غلبه رویکردهای تاریخی یا انتزاعی آینده‌دور، سبب شده است آموزه مهدویت امری دور از دسترس و نامعلوم جلوه کند. در این زمینه نیز آینده‌پژوهی می‌تواند با الهام و استفاده از مفاهیم مهدوی، به ترسیم آینده‌های نزدیک و دور پرداخته، سازوکار تحقق آن را به شیوه‌های عملیاتی‌شده ارائه کند. این امر، به ویژه برای مدیران جامعه اسلامی امروز حیاتی است. اقبال به مهدویت در شرایط جهانی‌شده کنونی، مستلزم توجه به حضور عینی و فعال آموزه مهدویت در ابعاد مختلف حیات فردی و اجتماعی است. سازوکارها و ابزار تحقق این امر را می‌توان در پیگیری راهبردهای ملهم از آموزه مهدویت در جامعه امروز یافت. از منظری دیگر ایده زمینه‌سازی ظهور و جامعه زمینه‌ساز، فقط از طریق ارائه عملیاتی آموزه مهدویت در شیوه مدیریت سیاسی - اجتماعی قابل تحقق است.

#### ب) وجوه تمایز و تفاوت

##### ۱. مهدویت؛ قلمرو واقعیت و حقیقت

آینده‌پژوهی بر مدار دانش بشری و مشاهده امور واقع و تجربه‌پذیر شکل می‌گیرد و همچون شاخه‌های دیگر علوم، وظیفه محقق در این جا تبیین و ارائه گزاره‌های پیشگویانه

۱. بهروز لک، غلامرضا، «نسبت مهدویت و آینده‌پژوهی»، مجموعه مقالات مهدویت و آینده‌پژوهی،

درباره آینده بر اساس واقعیات مشاهده‌ای و تعمیم مشاهده‌ها به موارد مشابه در آینده است. بنابراین، در محدوده آینده‌پژوهی، چیزی به نام «حقیقت» راه ندارد و استقرها، حدس‌ها و ابطال‌های متعددی که صورت می‌گیرد، همواره محقق را به واقعیت موجود «نزدیک» می‌سازد؛ اما محقق هیچ‌گاه به کنه آن دسترسی پیدا نمی‌کند (حتی در روش‌های تصویرپردازانه که به عناصر متافیزیکی و شهودی توجه می‌کنند، به‌نوعی تجربه‌ها و تصاویر گذشته دخیل است). اما آموزه‌های مهدویت هم واقعیت دارند و فهم ما را به حقیقت می‌رسانند.

## ۲. وحدت و تعدد سناریوها

آموزه‌های مهدویت، فقط بر یک سناریوی مطلوب و مرجح ناظرند و آن، حکومت جهانی امام در آینده‌ای پیش‌بینی‌نشده و نامعلوم؛ اما حتمی و قطعی است و این تنها سناریو از آینده است که مطلوب تمامی ادیان آسمانی و حتی ادیان و نحله‌های بشری دیگر است؛ اما در آینده‌پژوهی، با بدیل‌های متعددی از آینده سر و کار داریم که در تقسیم‌های رایج، آنها را به «ممکن»، «محتمل» و «مرجح» می‌شناسیم. از این‌جا به بعد، بین هر دو اشتراک نظری وجود دارد. در اسلام انتظار فضیلت دارد و در آینده‌پژوهی «سازندگی آینده»، ایده مفروض تحقق‌یافتنی در قالب آرمان‌شهر، تحقق تمام ظرفیت‌های مطلوب است.

## ۳. نوع توجه به آینده

موضوع اصلی و محوری مهدویت‌پژوهی را آینده قطعی و فرجام جهان شکل می‌دهد. مطالعات تاریخی، تفسیری و حدیثی نیز به کشف ویژگی‌های این نوع آینده معطوف‌اند. البته با گسترش عرصه مهدویت‌پژوهی، به‌نوعی می‌توان به عرصه‌های برنامه‌ریزی و راهبردی به‌سوی آینده‌های محتمل نیز در این حوزه توجه کرد.

در مقابل، بدون تردید، موضوع مطالعه آینده‌پژوهی، صرفاً آینده‌های محتمل و ممکن است. دغدغه نخست در رشته کشف آینده‌هاست. بدین ترتیب، در نامگذاری این رشته از اصطلاح «Futures studies» (آینده‌پژوهی) استفاده می‌شود که بر بُعد تنوع آینده‌های پیش رو دلالت دارد.

۴. رهیافت‌های متفاوت: (دیدگاه‌شناسی دین به آینده در مقابل مطالعه مستقیم آینده) علاوه بر این که ماهیت آینده در این دو حوزه مطالعاتی به دلیل آینده‌های محتمل و حتمی متمایز است؛ رویکرد این دو دانش به مطالعه آینده از منظر رهیافت و چگونگی ورود به مطالعه آینده متفاوت است. در حالی که مهدویت‌پژوهی در مطالعه آینده، صرفاً به دیدگاه‌شناسی دین درباره آینده می‌پردازد؛ آینده‌پژوهی صرفاً بر تلاش بشر برای کشف و تجویز آینده معطوف است. به بیان دیگر، مهدویت‌پژوهی به‌نوعی مطالعه آینده از منظر و نگاه دین است؛ در حالی که آینده‌پژوهی به مطالعه مستقیم آینده می‌پردازد. البته این، بدان معنا نیست که آموزه‌های دینی بر آینده‌پژوهی تأثیری ندارند، بلکه آینده‌پژوهی دینی، در بستر و مبانی دینی عمل می‌کند.

#### ۵. غایات مختلف دو حوزه مطالعاتی

دو حوزه مطالعاتی، از منظر «غایات» نیز متمایز و متفاوت‌اند. غایت اصلی مهدویت پژوهی، «تبیین صحیح آموزه ایمانی» است، حتی ابعاد غیر کلامی مهدویت‌پژوهی غیرمستقیم در این جهت هدف‌گیری شده است؛ اما دغدغه آینده‌پژوهی را می‌توان «کشف آینده و اتخاذ راهبردهای تجویزی خاص برای تحقق آینده مطلوب» دانست. هرچند این دو عرصه، به ویژه در بعد تجویزی، به‌نوعی با یکدیگر تعامل دارند؛ دو عرصه متمایز را شکل می‌دهند.

#### ۶. بنیان‌های معرفتی

چارچوب و زمینه بررسی‌های هر دو حوزه بسته به خاستگاه‌های فلسفی و فکری‌شان، از یکدیگر متمایز است. زمینه بحث در رویکرد مهدوی به آینده، برآمده از «معرفت‌شناسی دینی و آموزه‌های شریعت» است؛ اما آینده‌پژوهی، رویکرد و بنیانی «سکولار» دارد و آینده‌پژوهان غربی، حتی بی‌آن که بخواهند، به مشرب‌ها و مکاتب فلسفی غربی وابسته‌اند و بنیان‌های فکری‌شان، نحله‌های فلسفی اثبات‌گرایی نظریات انتقادی تفسیری و نظایر آن‌هاست. روح تفکر تشبیه‌گرایی نیز در پس‌زمینه اعتقادی آینده‌پژوهان مسیحی و یهودی دیده می‌شود؛ زیرا همان‌گونه که یکی از لوازم اصلی و اعتقادی آیین مسیحیت، پابندی به خدای پدر، خدای پسر و روح‌القدس (تثلیث=Trinity) و در یک کلام، اعتقاد به تشبیه است؛ در آیین یهود نیز عقیده

به تجسیم یا جسمانیت خدا رکن اصلی این دین به حساب می‌آید و به همین دلیل، این دو آیین را همچون «اشاعره» در گروه «مشبّهه» به حساب می‌آورند. از این‌رو، روح اثبات‌گرایی، حس‌گرایی و تشبیه‌گرایی در فرآیند استنتاج‌های عقلایی و فلسفی و در لایه‌های زیرین فکری این‌گونه آینده‌پژوهان حضور جدی دارد. برای نمونه یکی از آینده‌پژوهان غربی به نام دکتر مایلس مونرو با بهره‌گیری از آموزه‌های کتاب‌های آسمانی مسیحیت و یهود و حتی زبور، کتابی با عنوان «اصول و قدرت چشم‌انداز» نوشته است که به رغم احتجاج‌های عقلایی و پرنفوذ، در زمینه چشم‌انداز، شدیداً به تفکر تشبیه‌گرایی وابسته است و با مطالعه کتاب، کاستی‌ها و نارسایی‌های معرفتی آن به‌وضوح دیده می‌شود.

#### ۷. روش‌شناسی و ابزار شناخت

یکی از تفاوت‌های دو حوزه مطالعاتی مهدویت‌پژوهی و آینده‌پژوهی، «روش مطالعاتی» این دو حوزه است. آینده‌پژوهی به‌عنوان دانش بشری، با توجه به تحولات علوم انسانی که از نیمه دوم قرن بیستم به این سو صورت گرفته است، دانشی «تجربی» تلقی می‌شود؛ البته تجربی بودن این دانش لزوماً به معنای پوزیتویستی آن نیست. طبیعی است روش عمده آینده‌پژوهی بر تحلیل‌های مبتنی بر شواهد و قراین تجربی متکی است. این امر، به ویژه در رویکرد اکتشافی آینده‌پژوهی برجسته است. با توجه به ابتدای روش‌های تصویرپرداز و هنجاری آینده‌پژوهی بر مطالعات اکتشافی، این حوزه همچنین به نوعی تحت تأثیر روش‌شناسی تجربی است.

اما می‌توان مهدویت‌پژوهی را از منظر روش‌شناسی، غالباً با روش‌های «تفسیری»، «عقلی» و گاه «تجربی» همراه دانست. البته خصلت میان‌رشتگی یا فرارشتگی مهدویت، مستلزم استخدام روش‌های مختلف است؛ اما به نظر می‌رسد مهدویت‌پژوهی نسبت به آینده‌پژوهی، کم‌تر از روش‌های تجربی استفاده می‌کند. مهدویت‌پژوهی عمدتاً یا روش‌های «کلامی» را به خدمت می‌گیرد، یا از روش‌های «تحلیل و تفسیر متن قرآن و سنت» استفاده می‌کند و یا در تحلیل‌های تاریخی، روش «استنادی» در پیش می‌گیرد؛ هرچند بخشی از مطالعات مهدویت، ناگزیر با استخدام رویکردهای علمی چون جامعه‌شناسی، مدیریت و علوم سیاسی، از روش تجربی نیز بهره می‌گیرد.

آینده‌پژوهی به پیروی از علوم طبیعی و انسانی، در کمی و کیفی‌سازی روش‌های پژوهش، از سه مؤلفه یا ابزار «تجربه»، «عقل» و در مواردی از «شهود» بهره می‌گیرد. همان‌گونه که می‌دانیم، ابزار علوم تجربی، «تجربه» و ابزار فلسفه، «عقل» و «منطق» است و این دو ابزار، در آینده‌اندیشی و به ویژه روش‌هایی که بر اجماع خبرگان و پیمایش‌های کمی مبتنی هستند؛ حضوری جدی دارند؛ زیرا خبرگان از آن‌رو اهمیت دارند که حامل تجربیات گسترده‌ای در زمینه علمی و مورد تخصص خود هستند و تفکر فلسفی نیز جنبه نرم و یا بعد کیفی آینده‌پژوهی است که با ابزار خرد و تفهم بشری سروکار دارد. مؤلفه یا ابزار اشراق و شهود نیز در روش‌های کیفی کاربرد دارند؛ به ویژه روش‌هایی که بر خلاقیت و ژرف‌اندیشی، به منظور بهره‌گیری از ضمیر ناخودآگاه بشری مبتنی هستند. بدیهی است ابزار شهود یا اشراق دارای مراتب است؛ بدین معنا که کارکرد ویژه آن در حوزه عرفان نظری و عملی است و جایگاه ویژه‌ای در نحله‌های فکری و مذهبی دارد؛ اما آنچه از این ابزار به کار آینده‌پژوهان می‌آید، در تفکر عمودی و ژرف‌اندیشی است که به منظور ترسیم چشم‌انداز و تدوین سناریوها انجام می‌شود. در این زمینه شاخه‌ای از علوم جدید که مدیریت بر این روش را عهده‌دار گردیده، حوزه «علوم شناختی» است.

در مقابل، آموزه‌های مهدویت در گام نخست و اصالتاً بر ابزار «وحي» متکی هستند و در گام‌های بعدی در فهم بهتر این آموزه‌ها از ابزار سه‌گانه پیشین (تجربه، عقل و شهود) بهره گرفته می‌شود. هم‌اکنون روست که در روایات تأکید شده مدعیان آگاهی از زمان ظهور، مورد انکار و طرد قرار گیرند: «كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ»؛<sup>۱</sup> زیرا اشراف بر این امر مهم، از عهده هر انسانی، ولو مجهز و دانا به تمامی علوم ظاهر و باطن، خارج است و علم به آن، فقط در محدوده علم الاهی و وحیانی است.

اما سه ابزار تجربه، عقل و شهود در قلمرو مهدویت، منابع تکمیلی محسوب می‌شوند و کارکردهای زیر برای آنها متصور است:

الف) درک حصولی یا انطباق محتوای روایات با مشاهده‌های بشری؛

ب) فهم و تشخیص مصادیق موجود با آنچه در روایات آمده؛

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۶۸.

ج) استنباط عقلایی به منظور تنظیم برنامه‌های راهبردی منبث از آموزه‌های وحیانی مهدویت؛  
 د) درک حضوری از مجموعه اسباب علی و تأثیرگذار بر آینده؛  
 ه) تعیین و تعیین در مهدویت و آینده‌پژوهی.

آموزه‌های مهدوی، از آینده‌ای متعین سخن می‌گویند؛ یعنی آینده‌ای که در وقوع آن هیچ تردیدی نیست و تماماً مورد باور و یقین ماست؛ بدیلی از آینده که عیناً و حقیقتاً محقق خواهد شد؛ اما آموزه‌های آینده‌پژوهی از سنخ «تعیین» یا «بازنمایی» و به «عینیت رساندن» هستند؛ یعنی در مقام «اکتشاف» و «شناسایی» بدیل‌هایی از آینده هستند که احتمال تحقق هیچ‌کدام قطعی و عینی نیست.

و) نتیجه و تکلیف

در تفکر مهدوی، نتیجه از پیش تعیین شده است؛ بدین معنا که آینده مطلوب به شکل کاملاً آشکار و بدیهی از پیش ترسیم و توصیف شده و آنچه خواسته شده، عمل به تکالیف مقرر در زمان حال است؛ اما در آینده‌پژوهی، بنابر مفروض ششم، نتیجه از قبل تعیین نشده و آینده مطلوب در میان گستره وسیعی از آینده‌های ممکن و محتمل قرار گرفته است.

#### ۸ حاکمیت تکنیک در آینده‌پژوهی و حاکمیت اراده الاهی در مهدویت

آینده‌پژوهی از آن جا که بر روش‌های تجربی متکی است و در سطوح عملیاتی از ابزار و روش‌های تجربی استفاده می‌کند، به تکنیک کاملاً وابسته است و در زمان مشاهده امور غیر منتظره و پیش‌بینی نشده، توجیه و تبیین دقیقی ارائه نمی‌کند و توان استدلال بشر را در توجیه آن نارسا می‌داند؛ زیرا شدیداً بر تکنیک و ابزار شناخت بشری متکی است؛ اما در تفکر اسلامی از رویدادهای غیر منتظره و از پیش تعیین نشده‌ای که برخلاف برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌ها رخ می‌نمایند و به «فسخ عزائم» و «حل عقود» منجر می‌گردند؛ به «بدا» تعبیر می‌شوند؛ مشابه آن چه در آینده‌پژوهی با عنوان شگفتی‌ساز معرفی می‌شود؛ با این تفاوت که در بحث بدا، اراده بشر مقهور اراده الاهی قلمداد می‌شود؛ اما در تفکر آینده‌پژوهانه، برای شگفتی‌سازها هیچ توجیه یا تبیینی اقامه نمی‌شود.<sup>۱</sup>

۱. قربانی، سعید، «نسبت مهدویت و آینده‌پژوهی در متون روایی»، مجموعه مقالات و آینده‌پژوهی،

### پرسش های این درس

۱. ابعاد محوری آینده پژوهانه مهدویت را بنویسید.
۲. مهدویت چه وجه تشابه و اشتراکی با آینده پژوهی دارد؟ (یک مورد را بنویسید)
۳. مهدویت چه اشتراکی در رویکردها با آینده پژوهی دارد؟
۴. تمایزات و تفاوت های مهدویت و آینده پژوهی را بنویسید.

شوروی چهارم

## کارکردهای آینده‌پژوهی در مهدویت پژوهی

### آموزه‌های این درس

۱. ضرورت توجه به آینده‌پژوهی دینی؛
۲. روش‌مندی‌سازی آینده‌پژوهی بر اساس منابع اسلامی؛
۳. جایگاه چشم‌انداز در منابع اسلامی؛
۴. کارکردهای معرفتی آینده‌پژوهی؛
۵. دانش آینده‌پژوهی اسلامی با محوریت مهدویت.

## مقدمه

امروزه افراد، جوامع و سازمان‌ها از «آینده‌پژوهی» به‌عنوان دانشی راهبردی استقبال می‌کنند و این دانش اکنون در حوزه‌های کشف و ساخت آینده، بر حوزه‌های تصمیم‌گیری تأثیری شگرف دارد. این دانش نوپا در کشور ما نیز با اقبال عمومی همراه شده است. توجه و تأکید مقام معظم رهبری به کاربرست آینده‌پژوهی و توجه به چشم‌انداز، از مصادیق توجه و اهمیت آینده‌پژوهی در عرصه ملی است؛ اما این دانش نوپا کم‌وبیش خاستگاهی غیر دینی (سکولار) داشته، بر اومانیسم (انسان‌گرایی و تأکید افراطی بر نقش بی‌بدیل انسان در ترسیم سرنوشت خود) تکیه دارد. از آن‌جا که روش‌های آینده‌پژوهانه با مبانی معرفت‌شناختی پیوندی ژرف و معنادار دارند؛ بازنگری در این حوزه، ضرورتی انکارناپذیر می‌نماید. در مقابل، شماری از اندیشه‌ورزان بر این باورند که می‌توان از روش‌های آینده‌پژوهانه بدون توجه به مبانی معرفت‌شناختی بهره گرفت. فارغ از این دو رویکرد، باید به این نکته توجه داشت که آینده‌پژوهی دانشی به شدت ارزش‌بنیاد است و با ارزش‌ها و باورهای جامعه ارتباطی تنگاتنگ دارد. بر این قیاس، بازنگری در این دانش و تبیین آن با مفاهیم کلی آینده‌پژوهی دینی، به ویژه آینده‌پژوهی اسلامی (مهدوی) ضروری به نظر می‌رسد.

آموزه‌های دینی اسلام از ذخایر و دستمایه‌های ضروری برای تئوریزه کردن روایتی اسلامی از آینده‌پژوهی سرشار است. این اقدام می‌تواند زمینه‌ساز روایتی بومی از آینده‌پژوهی باشد. به این نکته باید توجه داشت که آینده‌پژوهی مدرن و آینده‌پژوهی دینی تضاد و تنافر ماهوی ندارند و می‌توانند نقشی هم‌پوشان و هم‌افزا داشته باشند. آموزه‌های مهدوی با روش‌های نو آینده‌پژوهی مشابهت‌های فراوانی دارند و بهره‌گیری از روش‌های

آینده‌پژوهانه، می‌تواند در بسترسازی و محیط‌سازی ظهور منجی کارآمد باشد. بررسی جامع آینده‌پژوهی اسلامی (مهدوی) نیازمند بررسی‌های گسترده‌تر و صورت‌بندی‌های علمی تازه‌ای است که از این راه، ذخایر آموزه‌های دینی و فرهنگی به دست می‌آیند و در عرصه عمل به کار گرفته می‌شوند. آینده‌پژوهی از جمله وظایف خطیر دین‌باوران است و کاربرد آن می‌تواند مقوم اهداف دین مبین اسلام باشد.

آینده‌پژوهی به عنوان شاخه‌ای جدید از علوم نظری جدید، مختصات معرفت یا دانشی جامع را داراست که تا امروز مسیرهای تکاملی ویژه‌ای طی کرده است و ویژگی مهمی که آن را برجسته می‌سازد، ابعاد «روش‌شناختی»، «هستی‌شناختی»، «معرفت‌شناختی»، «ارزش‌شناختی» و «نشانه‌شناختی» آن است. از این رو، می‌توان به عنوان یکی از چارچوب‌های معرفتی و نظری در شناخت و اکتشاف اخبار مهدویت، از آن بهره گرفت. هرچند اخبار وحیانی مهدویت، خود از هر نوع ابزار بشری آگاهی‌رسانی مستغنی است؛ می‌توان از نظام فکری و فلسفی و ابعاد سازگار آن با نظام مهدویت بهره گرفت تا روشنگری و ایضاح بهتر و بیشتری در ذهن مخاطبان نسبت به اخبار آرمان‌شهر مهدوی ایجاد گردد. براین اساس، نظام معرفت‌شناختی آینده‌پژوهی متضمن مفاهیم، تکنیک‌ها، روش‌ها و ابزارهایی است که برخی از آنها برای مطالعات گسترده، به منظور فهم آموزه‌های الهی و وحیانی مهدویت کاربرد مناسبی دارند.

اهمیت توجه به آینده‌پژوهی - به خصوص در حوزه مهدویت - می‌تواند محدوده بسیار وسیعی از جنبه‌های مختلف زندگی جوامع انسانی را پوشش دهد. به تعبیری دیگر، می‌تواند کارکردهای دامنه و توانمندی پردازشی را فراهم کند و در معرض برنامه‌ریزی قرار دهد؛ کارکردهایی همچون:

الف) آماده‌سازی جامعه در برابر آینده: با استفاده از تصور حوادث ممکن و ارزیابی احتمالات می‌توانیم خود و دیگران را برای آینده مجهز و تحقق آن را مدیریت کنیم. در این حالت می‌توانیم فرصت‌ها و تهدیدها را شناسایی و در برابر آن یا برای به‌دست آوردن آنها برنامه‌ریزی کنیم.

ب) ترسیم و شبیه‌سازی نمایی کلی از آینده در حال ظهور: با استفاده از آینده‌نگاری

موعود می‌توانیم بذر تحولات آینده را در زمان حال شناسایی کنیم و نسبت به آن چه در حال ظهور و وقوع است، اطلاعات و دانش بیشتری کسب کنیم و نقش خود و جامعه را در آن بستر برویابیم.

ج) دریافت و درک زودهنگام هشدارها: علاوه بر شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها، آینده‌نگاری ما را نسبت به درک زودهنگام این حوادث و مدیریت آن یاری می‌رساند.

د) اعطای خودباوری و اعتماد: بعد از ترسیم و ادراک ولایی فرایند ظهور، به دلیل این که گستره وسیعی از حوادث و اتفاقات در آینده مورد بررسی قرار می‌گیرد و می‌توان نسبت به آنها اقدامات لازم را صورت داد؛ با قدرت و اعتماد بالایی می‌توان پیش رفت.

ه) کسب موقعیت برتر و اقتدار آفرین: آینده‌نگاری در حقیقت تصمیم‌گیری مربوط به آینده در زمان حال است؛ یعنی ما درباره مسائل آینده خودمان در زمان حال تصمیم می‌گیریم و انرژی و موقعیت‌های برتر آفرین خود را ترسیم می‌کنیم. لذا دانش و بینشی که از آینده‌نگاری دریافت می‌کنیم ما را در کسب موقعیت برتر و در عرصه دفع تهدیدات یاری می‌کند.

و) ایجاد تعادل بین رخدادها و اهداف: اگر برای تفکر نسبت به آینده در زمان حال دقایقی صرف کنیم، می‌توانیم از ذهنیت «دلخوشی در حال و به تعویق انداختن نگرانی درباره آینده» رهایی یابیم. در این حالت بین اهداف و رخدادهای غیر مترقبه رابطه و تعادلی سازنده ایجاد می‌شود.

ز) کسب اطلاعات نسبت به نیروهای موثر و ظرفیت ساز: از مزایای دیگر آینده‌پژوهی، می‌توان به کسب اطلاعات درباره نیروها و عوامل موثر بر حوزه مورد هدف اشاره کرد. شناسایی این نیروها و عوامل در توان فهم و درک آینده بسیار ضروری است.

ح) مدیریت و کنترل راهبردی سطح تغییرات: فهم و درک نیروها و عوامل موثر بر حوزه رخدادها، طراحان را نسبت به تغییرات احتمالی آینده هوشیارتر و آنها را قادر می‌سازد با رعایت قواعد راهبردی، برنامه‌ریزی کنند و خود یا جامعه را در برابر تهدیدات، رخدادها و امواج معارض آماده گردانند و براساس آن سناریو، مدیریت تغییرات خود را تنظیم و عمل کنند.

### ضرورت توجه به آینده‌پژوهی دینی

درون‌مایه اصلی مهدویت، همچون آینده‌پژوهی، مقوله «آینده» است و از آن‌جا که یکی از مصادیق غیب در اندیشه اسلام، مقوله آینده است، درمی‌یابیم که در متون دینی ما در تبیین ویژگی‌های جهان آخرت و آخرالزمان تعمّدی وجود دارد. حتی از نقیض این گزاره به اهمیت آینده مورد اشاره پی می‌بریم؛ بدین شکل که اگر اراده خداوند بر این تعلق می‌گرفت که خبری از آینده مطرح نشود، قطعاً این اراده صورت می‌گرفت؛ حال آن که بنابر اراده الهی، موضوع معاد که ماهیتی آینده‌نگرانه دارد، یکی از ارکان اصلی و اعتقادی دین قرار گرفته و همان‌گونه که مشاهده شد، بخش بزرگی از آیات و روایات به دو آینده محتوم «دنیوی» (مهدویت) و «آخروی» (معاد) اختصاص یافته است که ضرورت دارد به هر شکل ممکن در تبیین و ایضاح نظام آینده‌نگری اسلام تلاش عالمانه و محققانه صورت گیرد.

آینده‌پژوهی شاخه‌ای جدید از علم و فناوری است که دارای مختصات معرفت یا دانشی بشری است و تا امروز مسیرهای تکاملی ویژه‌ای طی کرده است. ویژگی مهمی که آن را برجسته می‌سازد، وابستگی تام بر روش‌ها و روش‌شناسی علمی است. این علم از آن‌جا که در ابعاد کیفی شناخت آینده، به ابزار شهودی یا اشراقی توجه ویژه‌ای نشان می‌دهد، خود را به معرفتی متقن‌تر و استوارتر نیازمند می‌بیند تا در بهره‌مندی از عناصر اشراقی و شهودی به توهمات یا حدس‌ها و ابطال‌های گمراه‌کننده دچار نشود.

بر این اساس، روش‌های آینده‌پژوهی، همچون سناریوپردازی، نقشه راه و طراحی چشم‌انداز؛ از جمله روش‌هایی هستند که در فرایند درک و فهم بهتر آموزه‌های ناب مهدوی می‌توانند نقش موثری اجرا کنند. به عنوان شاهدهی بر کارکرد روش‌شناختی آینده‌پژوهی، به یک مورد اشاره می‌شود:

در روش سناریوپردازی که نخستین بار توسط یکی از آینده‌پژوهان برجسته به نام هرمان کان معرفی شد، تصاویری از آینده‌های محتمل به شکل روایت‌های داستانی و جذاب ترسیم و به جامعه معرفی گردید. این روایت‌ها در واقع، احتمالات و صورت‌های مختلفی از آینده‌های ممکن و محتمل هستند که بر اساس مطالعات و بررسی‌های عمیق

و چندین ساله گروهی از خبرگان عرصه‌های گوناگون علمی پیش‌بینی شده‌اند. وظیفه خبرگان و مردم این است که از هر جهت، برای رویارویی با هر کدام از این احتمالات یا بدیل‌های محتمل آینده، آمادگی لازم را کسب کنند تا در صورت مواجهه با هر کدام از این آینده‌های احتمالی، از مخاطرات و پیشامدهای همراه آن غافل نباشند و با اقداماتی از پیش طراحی شده، آمادگی دفع آنها و غلبه بر آنها را داشته باشند. افزون بر این، باید پیشران‌ها یا حوادثی که محرک وقوع هر کدام از این احتمالات خواهد بود، نیز، مورد شناسایی قرار گیرد. این روش در قلمرو مهدویت از این کارایی برخوردار است؛ بدین صورت که با استناد به روایات صحیح رسیده از معصومان و استفاده از تکنیک «پس‌نگری»، می‌توان گام‌ها و مسیرهای رسیدن به حال را از سوی آن سناریو یا آینده مطلوب ترسیم کرد. قابل ذکر است که پس‌نگری، به عنوان یکی از تکنیک‌های سناریوپردازی، شیوه‌ای از پیش‌بینی یا برنامه‌ریزی بلندمدت است که در آن، یک رویداد در آینده قطعی و مسلم تلقی شده؛ سپس این نکته مطرح می‌شود که آن رویداد چگونه به زمان حال منتهی می‌گردد.

در رویکردهای حاکم بر آینده‌پژوهی مدرن یا غیر دینی، از فرآیندها و روش‌های گوناگونی برای شناسایی و کشف آینده‌های محتمل بهره گرفته می‌شود. شماری از این روش‌ها و تکنیک‌ها، مانند «برون‌یابی و تحلیل روند»، «کشف و پالایه‌علایم تغییر»، «توجه به هشدارها و بررسی پیش‌نشانگرها»؛ برای شناخت نشانه‌های تغییر و پایش به کار می‌روند. آینده‌پژوهی اسلامی (مهدوی) نیز پیش از شکل‌گیری آینده‌پژوهی مدرن از روش‌های مشابهی بهره‌برداری کرده است:

الف) روش «نشانه‌شناسی» یا (علم‌العلائم)، از جمله این روش‌هاست. این روش در پی رصد و پویش علایم ظهور و قیام، نشانه‌ها و رویدادهایی است که بر پایه‌بیانات معصومان، پیش از ظهور، در آستانه ظهور، همزمان با آن و یا پس از ظهور منجی موعود پدیدار می‌شوند. البته با توجه به افزایش سرعت تحولات در عرصه‌های گوناگون، کاربست روش‌های نو آینده‌پژوهی در این جهت بسیار بایسته و سزاوار است. آینده‌پژوهی می‌تواند با رصد علایم «پیش‌نشانگر»، «نک‌نشانگر» و «پس‌نشانگر» ظهور، در روشن کردن افکار عمومی نقشی بسزا داشته باشد.

ب) روش «بسترشناسی» و «بسترسازی» (علم‌الشرایط): آینده‌پژوهی مدرن در روش‌های هنجاری، مانند چشم‌اندازسازی و پس‌نگری، به دنبال فراهم‌سازی زمینه‌های مساعد و زیست‌بوم‌های مناسب برای تحقق آینده‌های مطلوب است. سناریوهای هنجاری نیز از چنین قابلیت‌های برخوردارند و می‌کوشند با ترسیم زمینه‌های مناسب وقوع آینده‌ای دلخواه، در مسیر تحقق آرمان‌ها گام بردارند. در روش پس‌نگری، شرایطی دلخواه در آینده ترسیم می‌شود و سپس با حرکت از آینده به سوی حال، در پی بسترسازی تحقق آینده هستیم. «علم‌الشرایط» نیز به معنای بررسی امور و شرایطی است که تحقق فرج منجی به آنها وابسته است. این رویکرد نیز نگاهی هنجاری و آینده‌ساز دارد. به همین سبب، تعامل روش‌های نو آینده‌پژوهی و علم‌الشرایط می‌تواند بسیار سودمند باشد. رهبری جهانی، تدوین راهبرد و برنامه‌ریزی حرکت و حکومت، فراهم‌سازی پذیرش جهانی و آماده‌سازی مردم؛ از جمله زمینه‌های ضروری برای ظهور منجی است که با کمک روش‌های آینده‌پژوهانه می‌توان این شرایط را به‌شکلی مؤثرتر فراهم ساخت.

ج) روش‌هایی مانند «پویش محیطی» و «مدیریت موضوعات» از نظر «کارکردها»، «فرآیندها» و «برآیندها»، با مقوله «توقع» و «ترقب» در ادبیات مهدوی مشابهت فراوانی دارند. رصد پیوسته رویدادهای نویدبخش ظهور، انتظار مسئولانه، مراقبت بی‌انقطاع، در آینده‌پژوهی مهدوی به مسائلی اشاره دارند که در زبان آینده‌پژوهی نو، «رصد» و «پایش» خوانده می‌شوند. در این رویکرد، منتظران باید پیوسته، آینده را به شیوه‌ای پویا و عاملانه زیر نظر داشته، رویدادها و روندها را برای دستیابی به واقعیات امور تحلیل کنند.

د) «تهدیدشناسی» (علم‌التحذیر): این رویکرد در پی بیان چگونگی شکل‌گیری فتنه‌ها، علل پیدایش آن و پیامدهای فتنه‌ها است. یکی از دغدغه‌های مهم آینده‌پژوهی، شناسایی تهدیدها برای اقدام پیش‌دستانه است. آینده‌پژوهی به‌دنبال افزایش فرصت اقدام در مواجهه با رویدادهاست. این فرصت از راه شناسایی پیش‌دستانه وقوع رخدادها فراهم می‌شود. در صورتی که فرد یا جامعه‌ای، پیش‌دستانه از وقوع حادثه‌ای خاص در آینده آگاه شود، برای انتخاب روش اصلح فرصت اقدام بیشتری دارد. تحلیل‌های اس‌دبلیو‌اوتی چنین رسالتی بر عهده دارد.

بررسی جامع آینده‌پژوهی اسلامی و جنبه‌های آینده‌پژوهانه آن در ابعاد «ساختاری»، «بافتاری»، «رویکردی»، «روش‌شناسی» و «روش‌شناختی»، در این پژوهش نمی‌گنجد. آموزه‌هایی مانند «علم‌الابتلا»، «روش‌های آینده‌پویی» و «آینده‌سازی» در ادبیات مهدوی سرشار از ذخایر دانشی - فرهنگی است که صورت‌بندی و تئوریزه کردن آن‌ها، زمینه‌ساز روایت تازه و بدیعی از آینده‌پژوهی دینی است که حتی در عرصه‌های غیر دینی کاربرد دارد. نکته درخور توجه ضرورت تعامل و داد و ستد میان دانش آینده‌پژوهی و آینده‌پژوهی اسلامی (مهدوی) است.

### چشم‌اندازسازی و تصویر جامعه مطلوب

مهم‌ترین رکن آینده‌پژوهی دینی، بهره گرفتن از آموزه‌های دینی و تصویرسازی از جامعه آرمانی قدسی، برای عموم است. قرآن و روایات، به روشنی ابعاد و زوایای مختلف این آرمان‌شهر را بیان کرده و آن را به عنوان سرمنزل تاریخ و نکته ثقل آینده قرار داده‌اند. در واقع، جامعه آرمانی قرآن که به طور کامل در آینده محقق خواهد شد، همان مدینه فاضله‌ای است که به دست منجی موعود (مهدی) شکل خواهد گرفت و به روشنی در روایات اهل بیت تبیین شده است. به نظر می‌رسد برخی از حوادث و رویدادهای دنیا در جهت آن قابل تعریف و بازشناسی است و پیوند این تغییرات و دگرگونی‌ها با مهدویت غیر قابل انکار است. البته پوییش و پایش‌های مستمر در مورد این تحولات و تفسیر و تبیین آنها بر اساس آموزه مهدویت، به اجرای طرح‌های آینده‌پژوهی کمک شایانی می‌کند و محقق را در کسب اطلاعات و داده‌های مفید در مورد رویدادهای آینده یاری می‌رساند. همچنین این آینده‌پژوهی تصویر پرداز، علاوه بر این که ما را در ترسیم چشم‌اندازهای کشوری، منطقه‌ای و حتی جهانی یاری می‌رساند؛ می‌تواند در شکل‌گیری آینده‌پژوهی مأموریت‌گرا و آینده‌پژوهی مترقی (پیش‌تاز)، نقش مهمی ایفا کند.

جامعه آرمانی، موضوعی است که در طول تاریخ، همواره ذهن اندیشمندان و متفکران اجتماعی را به خود مشغول داشته است. این امر موجب طرح‌های متعددی گردیده که در خلال آنها جامعه‌ای مطلوب ترسیم شده است. در این زمینه، منابع و مستندات متعددی در دسترس‌اند که در قالب‌های گونه‌گونی پدید آمده‌اند. بسیاری از آنها صورت مکتوب طرح‌ها

و تصویرهای آرمان‌شهری هستند که در طول تاریخ مکتوب شکل گرفته‌اند. در کنار این طرح‌های آرمان‌شهری، دین مبین اسلام همانند تمام ادیان آسمانی موجود، فرجام تاریخ و جامعه بشر را بسیار روشن و امیدآفرین ترسیم کرده و علاوه بر نوید آینده‌ای روشن در پایان تاریخ، همواره پیروان خود را به رعایت برخی امور برای تحقق جامعه‌ای مطلوب در هر عصر و زمانی دعوت کرده است.

مجموعه آیات و روایاتی که در زمینه مهدویت مطرح شده‌اند، به دو دسته کلی قابل تقسیم می‌باشند: یک دسته از آنها به «ویژگی‌های عصر ظهور و جامعه آرمانی» اشاره دارند و دسته دیگر، به مفهوم «انتظار» و زمینه‌سازی برای عصر ظهور پرداخته‌اند. اگر چه مصداق کامل جامعه مطلوبی که قرآن و روایات آن را ترویج می‌کنند، در عصر ظهور محقق می‌گردد؛ نباید به عنوان مجموعه شناخت‌هایی نگریسته شود که تنها ترسیم‌کننده وضعیت آینده جهان است و با وضعیت کنونی جامعه بشری هیچ نسبتی ندارد. یعنی اگر الگوپذیری از چنین جامعه‌ای به صورت «فرهنگ» درآید و همه ارکان جامعه خود را نسبت به شناخت ویژگی‌های آرمانی آن موظف بدانند، آن‌گاه معنای واقعی انتظار تحقق می‌یابد. توجه به همین نکته است که ما را در تفکیک و تمایز جامعه مطلوب و جامعه آرمانی اسلام یاری می‌دهد. لذا نباید به جامعه عصر ظهور، به مثابه سایر جامعه‌های آرمانی که از سوی اندیشمندان ارائه شده، نگریست؛ بلکه باید آن را به الگویی مناسب و کاربردی برای سامان‌دهی زندگی اجتماعی عصر حاضر تبدیل کرد. با چنین رویکردی می‌توان گونه‌ای از آینده‌پژوهی (آینده‌پژوهی دینی) را به خدمت گرفت تا این رویکرد از آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی‌های گام به گام، به عنوان ابزار هدایت اجتماعی وارد عمل شود و جامعه موجود را در رسیدن به شرایط مطلوب یاری کند.<sup>۱</sup>

بر اساس آموزه‌های شیعی، ظهور حضرت مهدی موعود عجله تعالی فرجه و شکل‌گیری جامعه آرمانی اسلام، آخرین حلقه مبارزات اهل حق و باطل است و اسلام از پیروان خود

۱. قانع، حمید فاضل، «آینده‌پژوهی و جامعه مطلوب اسلامی»، معرفت فرهنگی و اجتماعی، شماره ۱، ص ۶۱.

می‌خواهد برای تحقق آن جامعه آرمانی به تلاش و کوشش بپردازند و انتظار را پیشه خود سازند. روشن است که تحقق ویژگی انتظار در جامعه اسلامی، مستلزم احراز شرایط و شاخص‌هایی است که نشان‌گر تحقق برخی مراتب حداقلی جامعه مطلوب اسلامی است. جامعه منتظر، جامعه‌ای است که با اراده خود آینده را می‌سازد و آن را تغییر می‌دهد و این، خواسته قرآن از همه پیروان خود است. از این رو، آینده‌پژوهی را می‌توان به مثابه ابزاری برای کاربردی کردن مهدویت دانست؛ یعنی الگوی آرمانی قرآن به کمک آینده‌پژوهی می‌تواند برای جامعه انسانی عینی‌تر شده و راه‌های تحقق آن تبیین گردد. در واقع مهدویت، زبان آینده قرآن است که به کمک آینده‌پژوهی، باید به دنیا معرفی شود. مهدویت در برنامه ریزی آینده می‌تواند به عنوان ستاره‌ای راهنما در رأس قرار بگیرد و همواره در هر مقطعی، تصویر مطلوب قرآن از آینده را با توجه به وضعیت کنونی خلق کند و این، یعنی کاربردی کردن مهدویت و خارج کردن آن از موضوعی صرفاً منفعل ذهنی. یکی از مأموریت‌های آینده‌پژوهی این است که به مردم کمک کند تصویرهای خویش را از آینده بسازند. ایجاد تصویرهای مثبت از آینده مطلوب و تصمیم‌گیری براساس آن تصویرهای مثبت، امری بایسته و تأثیرگذار بر پیشرفت و تعالی جامعه است. در واقع، ترسیم الگوی آرمانی جامعه از منظر باورها و ارزش‌های بنیادین آن جامعه، می‌تواند در توجه جدی افراد به آینده نقش اساسی داشته و به تحرک و پویایی آن منجر شود. این امر با ترسیم «چشم انداز» برای جامعه میسر است. چشم انداز، تصویر مطلوب و قابل دستیابی جامعه در افق زمانی معین بلندمدتی است که متناسب با مبانی ارزشی و آرمان‌های نظام و مردم تعیین می‌گردد و نیز می‌توان گفت تصویری واضح و مطلوب از آینده است که همگان برای تحقق آن باید بکوشند و نیروها و توانایی‌های خود را در آن زمینه قرار دهند.

در واقع، آینده‌پژوهی، در برگیرنده مجموعه تلاش‌هایی است برای ارائه تصاویر و بدیل‌هایی از آینده که عمدتاً با استفاده از تحلیل منابع، الگوها و علل تغییر صورت می‌پذیرد و تصویری مطلوب‌تر و کامل‌تر از آینده به دست می‌دهد. این علم سعی دارد با نگاه به آینده‌ای بلندمدت، ضمن شناسایی روندها و رویدادها، چگونگی به تصویر کشیدن

آینده مطلوب را بیان کند. از این جهت، آینده‌پژوهی تلاشی است برای یافتن تصویری از آینده و سپس ارائه توجیهی برای آن تصویر. نمونه‌های آینده‌نگری مثبت در قرآن عبارتند از: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ و به راستی در زبور پس از تورات نوشتیم: زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد»؛ «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ که زمین از آن خداست، آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، می‌دهد و فرجام [نیک] برای پرهیزکاران است»؛ «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ و می‌خواهیم بر کسانی که در زمین، فرودست شدند، منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث زمین کنیم»؛ «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین، جانشین [خود] قرار دهد... و آن دینی را که برای ایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند»؛ «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ؛ و با آنان بجنگید، تا فتنه‌ای بر جای نماند و دین، یکسره از آن خدا شود».

این آیات، نمونه‌هایی از آیاتی است که بر آینده روشن و نیکویی برای تاریخ بشر دلالت دارد. در برخی کتاب‌ها، تعداد آیاتی که به این امر اختصاص داشته و آینده را برای بشر مثبت و روشن ارزیابی می‌کند، بیش از یکصد مورد و برخی مؤلفان، تعداد آنها را بیش از دویست آیه برشمرده‌اند.

دیدگاه قرآن درباره سرانجام بشر، خوش بینانه و پایان دنیا، روشن و سعادت آمیز عنوان شده است. سرانجام سعادت‌مند جهان، همان تحقق کامل هدف آفرینش انسان هاست که چیزی جز «عبادت» خداوند نخواهد بود. قرآن درباره سرنوشت جوامع به روشنی سخن گفته است. از نظر قرآن، مشیت الهی بر این تعلق گرفته که در آینده، فقط صالحان وارثان زمین خواهند بود و اینان، حکومت جهان و اداره امور آن را به دست خواهند گرفت و حق و حقیقت در موضع خود استوار بوده و باطل برچیده خواهد شد. در واقع، آینده در

قرآن کریم بر وعده تحقق جامعه‌ای کامل و مطلوب، تشکیل حکومت واحد جهانی اسلام، گسترش دین اسلام، غلبه آن بر همه ادیان، زمامداری صالحان و ارباب لیاقت و پیروزی حزب الله مبتنی است.<sup>۱</sup> برخلاف برخی دیدگاه‌ها که چشم انداز آینده بشر را تاریک و ظلمانی دانسته و معتقدند فرجام بدی در انتظار اوست؛ اسلام، آینده بشر را مثبت ارزیابی کرده و انسان را به آینده‌ای روشن امیدوار ساخته است. در واقع، آینده‌نگری مثبت، از باورهایی است که در میان آموزه‌های اسلامی از جایگاه خاصی برخوردار است. مقوله مهدویت، باورداشتی است که آینده‌نگری مثبت اسلام را نشان می‌دهد. دین اسلام، با عهده دار شدن این مسئولیت بزرگ، انسان‌ها را به آینده و فرجامشان امیدوار و مهدویت را سمبل آینده مثبت به بشر معرفی کرده است. بنابراین، می‌توان گفت چشم‌انداز آرمانی همه اولیا و انبیای الهی در حکومت مهدوی به طور کامل تحقق می‌یابد و از این دوره است که تکامل جهانی شدت می‌یابد و افراد برخلاف عصر قبل از ظهور، از زمان تحقق این دوره تا انتهای جهان می‌توانند با کم‌ترین تلاش و هزینه به رشد و کمال دست یابند. در واقع مقوله مهدویت و پیامدهای این باور، همان «آرمان شهری» است که قرآن معرفی می‌کند.

### تحلیل درست و آینده پژوهانه از روایات مهدویت

روشن است که مباحث مهدویت، بر آیات کریمه قرآن و روایات استوار است و به طور طبیعی می‌توان دریافت که پیش‌نیاز و مقدمه هرگونه پژوهش در این زمینه، دسته‌بندی تحلیلی آیات و روایات مهدویت است تا بتوان میان مهدویت و آینده‌پژوهی ارتباط منطقی‌تری برقرار کرد. از این رو، یکی از مبادی مهم پژوهش در این قلمرو، «گونه‌شناسی روایات مهدویت» است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که روایات مهدویت از چهار جهت، آینده را ترسیم می‌کنند:

۱. کارگر، رحیم، «آینده پژوهی قرآن و جایگاه مهدویت در قرآن»، فصلنامه انتظارموعود، شماره ۳۲، ص ۱۳۹.

۱. شرایط، نشانه‌ها و زمینه‌های ظهور؛

۲. حوادث پس از ظهور؛

۳. دولت پس از ظهور (اهداف و مأموریت‌های آن)؛

۴. وظایف مؤمنان منتظر.

یکی از ابعاد یا اضلاع شناخت علوم در رویکردهای نوین به علم، بررسی «مبانی معرفت‌شناختی» آن‌هاست. آینده‌پژوهی نیز به مقتضای مبانی معرفت‌شناختی و مطالعه آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح، دربرگیرنده رویکردهایی بنیادین نسبت به موضوع مورد بررسی یا همان مولفه «آینده» است. با این نگاه، «رویکردهای اکتشافی» و «تصویرپردازانه» در آینده‌پژوهی، در فهم اندیشه آرمان‌شهر مهدوی موضوعیت بسیار مهمی دارد؛ زیرا با نگاه آینده‌پژوهانه به اقسام روایاتی که در باب شرایط و علایم زمان ظهور وجود دارند؛ فهم جامعی از این روایات، به ترتیب زیر به دست می‌آید:

#### الف) رویکرد اکتشافی

مجموعه احادیثی را که در زمینه شرایط، نشانه‌ها و زمینه‌های ظهور از سوی امامان معصوم صادر شده‌اند؛ می‌توان بر رویکرد اکتشافی ناظر دانست. توضیح این که رویکرد اکتشافی بر آینده‌های باورپذیر متمرکز است و شکل‌گیری رویدادهای باورپذیر آینده نیز تابع سلسله قوانین و سنت‌های طبیعی و محتوم است که در پرتو روابط علت و معلولی و با پیگیری روندها و رویدادهای گذشته تا حال می‌توان خط سیر آنها را تعقیب کرد. آینده پژوهان بر مبنای رویکرد اکتشافی و برحسب محاسبات عقلی و علمی در زمینه این پیش‌بینی تلاش می‌کنند که در آینده چه چیزهایی قابلیت تحقق داشته و چه رویدادهایی بر آینده تأثیرگذار خواهند بود. بر این اساس، اخبار مبتنی بر وقوع رویدادی مهم در آینده، بر زنجیره علت و معلولی رویدادها ناظر هستند و دقت در آنها کاشف رویدادی مهم در آینده است. به عنوان نمونه در حدیثی معتبر از امام صادق علیه السلام آمده است:

خمس علامات قبل قیام القائم: الصیحه و السفیانی و الخسف و قتل نفس الزکیه و الیمسانی...؛

پیش از ظهور قائم پنج نشانه محقق می‌شود: صیحه آسمانی، خروج سفیانی، فرورفتگی در

بیدا] = مکانی نزدیک مکه، کشته شدن نفس زکیه و خروج یمانی.<sup>۱</sup>

بر اساس روایت مذکور، پنج عامل به عنوان شرایط و مقدمات ظهور مطرح شده؛ به گونه‌ای که وقوع هر کدام می‌تواند در نزدیک‌تر شدن به دوران ظهور و کشف شرایط مختص آن دوران، دلیل یا راهنمایی منحصر به فرد قلمداد گردد. بدین ترتیب، چنین اخباری مسیر روندهای حال و آینده را برجسته‌تر می‌سازند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که امامان بزرگوار شیعه، با بیان چنین روایاتی توانسته‌اند اذهان شیعیان را پیشاپیش به رویدادهای تاثیرگذار بر آینده متوجه سازند تا در زمان وقوع چنین شرایطی، برای آمادگی و سازندگی مطلوب‌تر آنها زمینه لازم فراهم گردد.

در همین زمینه، بخشی از روایاتی که به پیشگویی‌های ائمه در خصوص رویدادهای آینده اختصاص دارند (با عنوان اخبار ملاحم و فتن) با رویکرد اکتشافی مرتبط بوده که با تحلیل این روایات می‌توان از اخبار ظهور برداشتی اکتشافی کرد، نظیر این روایت از امام محمد باقر علیه السلام:

گویی قومی را می‌بینم که از مشرق قیام کرده‌اند؛ حق را می‌طلبند؛ اما به آنان داده نمی‌شود؛ ولی آنان از پای نمی‌نشینند. از این رو سلاح به دست می‌گیرند؛ در نتیجه آن چه می‌خواستند، به آنها داده می‌شود و آنان نمی‌پذیرند تا آن که قیام می‌کنند و حکومت را فقط به صاحب شما تحویل می‌دهند. کشته‌شدگان آنان، شهیدند و اگر من آن زمان را درک می‌کردم، وجودم را برای صاحب این امر وقف می‌کردم.<sup>۲</sup>

خطبه‌های ۱۰۰، ۱۳۸، ۱۵۰، ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۹۵ و حکمت‌های ۱۴۷ و ۲۵۹ نمونه‌هایی از اخبار قطعی آخرالزمان است.

### ب) رویکرد تصویرپردازانه

«رویکرد تصویرپردازانه آینده‌پژوهی»، با روایات مرتبط با مهدویت سازگاری و پیوند عمیقی دارد؛ زیرا آرمان حقیقی بشر و چشم‌انداز برتری که در پهنه هستی می‌تواند محقق شود؛ در این جا ترسیم می‌گردد. آینده‌پژوهی تصویرپردازانه، رکن مهمی از آینده‌پژوهی

۱. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۴۵.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳.

است که با خلق آینده‌های مرجح و چشم‌اندازهای برتر سروکار دارد؛ افزون بر این که تحقق جامعه پایدار و دارای رفاه بشری، یکی از اهداف بنیادین بشری است. هویلی به نقل از ادوارد کورنیش - از آینده‌پژوهان برجسته و مؤسس انجمن جهانی آینده - به سه هدف مهم آینده‌پژوهی اشاره می‌کند که یکی از آنها همین موضوع است: آینده‌پژوهی، متعالی‌ترین اندیشه‌ها و مهارت‌ها را برای افزایش سهم بشر از حیات در اختیار دارد. ترسیم فضایی که در آن، انسان‌ها به خوبی تغذیه می‌شوند، لباس‌های فاخر می‌پوشند، از امکانات تحصیلی خوبی برخوردارند و محیط زندگی‌شان از امنیت و رفاه اجتماعی سرشار است؛ نمونه‌هایی از این دست اندیشه‌های متعالی است.

آینده‌پژوهان و نیز رهبران بزرگ، به مقتضای این رویکرد، پیشاپیش، آرمان‌های مطلوب و مورد انتظار خویش را در ذهن خود ترسیم و تصویر می‌کنند. آن گاه افراد و جوامع را به سوی آن سوق و موجب حرکت‌های اجتماعی سازنده می‌گردند. از روایاتی که در خصوص دولت پس از ظهور، اهداف و مأموریت‌های آن صادر شده‌اند، به خوبی می‌توان دریافت که امامان بزرگوار و معصوم، زیباترین وضعیت ممکن از آینده را به تصویر کشیده و مسلمانان و جوامع اسلامی را برای تمامی اعصار و زمان‌ها، به سوی آن، راهبری کرده‌اند. در این زمینه می‌توان به روایاتی اشاره کرد؛ از جمله این که رسول اکرم ﷺ فرمود: «و یبلغ سلطانه المشرق و المغرب؛ سلطنت مهدی شرق و غرب عالم را در بر خواهد گرفت»<sup>۱</sup>.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، نوید برپایی دولت یا حکومت مطلوب اسلام که مطلوب تمامی انسان‌ها بوده و هست؛ در این سنخ روایات، به عنوان مطلوب‌ترین تصویر آینده، ترسیم شده تا جهان در رسیدن به این آینده و محقق ساختن چنین دولت ارزشمند و مطلوبی از حرکت سازنده غافل نماند.

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۳۳۱.

## تنظیم و تدوین کارکردهای معرفتی آینده‌پژوهی

### الف) هستی‌شناختی

بنابر دیدگاه «هستی‌شناسی»، از آینده‌پژوهی و ابعاد تشکیل دهنده آن وصف‌های گوناگونی ارائه شده که میان آن‌ها، دیدگاه آینده‌پژوه برجسته، جیمز دیتور، جامع‌ترین وصف هستی‌شناختی از ابعاد آینده‌پژوهی است. دیتور براین باور است که آینده از تعامل و همگرایی چهار مؤلفه «رویداد»، «روند»، «کنش» و «تصویر» شکل می‌گیرد؛<sup>۱</sup> بدین معنا که در طراحی اقدامات آینده، باید به این چهار نکته توجه اساسی کرد؛ زیرا کنش‌ها یا اقدامات آینده بشر، بر مبنای تصاویری است که او در ذهن و ضمیر خود می‌پروراند. همین‌طور، روندهای حاکم بر گذشته و حال که می‌توانند مسیر آینده را تا حدودی روشن و شفاف نشان دهند و نیز رویدادهای مرتبط با بشر که بر جوامع و انسان‌ها آثار عمیقی می‌گذارند؛ مولفه‌هایی هستند که آینده‌پژوهان نسبت به آنها اعتنای ویژه‌ای نشان می‌دهند. به اعتقاد دیتور و دیگر آینده‌پژوهان برجسته، دو مولفه آخر، یعنی «تصاویر» و «اقدامات»، با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند؛ زیرا مردم اقدامات خود را بر مبنای تصاویری که از آینده دارند، انجام می‌دهند. در واقع، یکی از مأموریت‌های آینده‌پژوهی این است که به مردم کمک کند تا آنان تصویرها و اقدامات خود را از محدوده کوشش‌های منفعلانه فراتر برده و بکوشند آینده را پیش‌نگری کرده و آن‌گاه بر مبنای این پیش‌نگری‌ها، طرح‌های عملی خود را پیش ببرند. به همین دلیل، آینده‌پژوهی را «علم اقدام» نامیده‌اند؛ علمی که متضمن اقدام یا کنش آگاه و پیش‌دستانه به منظور مدیریت عاملانه و فاعلانه بر آینده است.

در نامه‌ای از امام عصر علیه السلام، ایشان به یکی از زمینه‌ها و بسترهای مهم معنوی که در واقع کنش یا اقدامی زمینه‌ساز در جهت نزدیک شدن و تقرب به آن حضرت است؛ اشاره می‌فرمایند و آثار اعمال شایسته و کنش‌های ارزشمند را بر می‌شمرند و تصویری مطلوب از پیامدهای عمل به این دستورها را متذکر می‌شوند:

۱. جیمز دی تور، «آینده‌پژوهی به عنوان دانش کاربردی»، رهیافت، شماره ۲۰، ص ۱۰۵.

لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهَ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ  
 الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْسِنَا  
 عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَ لَا نُؤَثِّرُهُ مِنْهُمْ؛ اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را بر انجام  
 دادن طاعت خویش موفق گرداند - در عمل به پیمانی که بر عهده دارند، همدل می‌شدند؛  
 افتخار دیدار ما از ایشان به تاخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیبشان می‌شد؛  
 دیداری همراه با شناخت حقیقی و صداقت آنان نسبت به ما؛ و آنچه ما را از شیعیان دور نگه  
 می‌دارد، کردارهایی از ایشان است که به ما می‌رسد و برای ما ناخوشایند و دور از انتظار  
 است.<sup>۱</sup>

بر اساس این روایت، یکی از ابعاد تشکیل دهنده و سازنده آینده که همان اقدام یا کنش  
 شایسته از سوی موالیان امام است، مورد توصیه آن حضرت واقع شده و آن عبارت است از  
 عمل به پیمان معهود الاهی. بر اساس دیدگاه هستی‌شناختی به اخبار مهدویت، جمیع  
 روایات مرتبط با آرمان‌شهر مهدوی که از دوران پس از ظهور و برپایی حکومت جهانی  
 حضرت در آینده‌ای قطعی خبر می‌دهند؛ با مولفه آینده‌پژوهانه تصویر در ارتباط هستند و  
 به نوعی، تصویرسازی آن دوران آرمانی حکومت صالحان بر روی زمین را نوید می‌دهند.  
 بنابر این دیدگاه، آنچه امروزه با عنوان جهانی شدن یا جهانی‌سازی از آن یاد می‌شود، به  
 لحاظ هستی‌شناختی، دارای ماهیتی مغایر با آرمان بزرگ اسلام و بشریت قلمداد می‌شود؛  
 زیرا در منطق دنیای امروز، جهانی شدن به مثابه یک «پروژه» یا «پروسه» (فرایند) به  
 حساب می‌آید؛ پروژه‌ای تحت هدایت گروهی اندک و یا پروسه‌ای به شکل حرکتی طبیعی  
 به سمت تحقق منافع عده‌ای یا جامعه‌ای خاص. اما نگاه هستی‌شناختی اسلام به مقوله  
 جهانی شدن عبارت است از: حرکتی محتوم با صبغه و انگیزه الاهی به سوی آینده‌ای  
 مطلوب و سرشار از مساوات و عدالت برای تمامی بشر، نه حرکت به سمت سلطه و انتفاع  
 گروهی خاص. در این منطق، جهانی‌سازی نیز عبارت است از تلاش و اقدام آگاهانه جهت  
 تحقق وعده قطعی الاهی در برپایی حکومت عدل صالحان و پاکان بر روی زمین.

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

### ب) کارکرد ارزش‌شناختی

بنابر «کارکرد ارزش‌شناختی»، یکی از مولفه‌های ارزشی و مورد تاکید در تفکر آینده‌نگر، مفهوم آمادگی و هشیاری نسبت به آینده، به منظور غافل‌نماندن از آینده و رویدادهای محتمل همراه آن می‌باشد. کارکرد ارزش‌شناختی آینده‌پژوهی، به برجسته‌سازی «معیارهای اخلاقی» در مواجهه با آینده ناظر است. به عنوان مثال، یکی از مفروضات مهم آینده‌پژوهی توجه به رفاه و آسایش نسل‌های آینده در برنامه‌ریزی‌های زمان حال است؛ بدین شکل که در استفاده از ذخایر موجود، توجه به حقوق آیندگان شدیداً از اهمیت برخوردار است.

بر این مبنا و با اتخاذ چنین دیدگاهی به آموزه‌های مهدوی، می‌توان به فهم آن دسته از روایاتی پرداخت که از فضایل و ارزش‌های اخلاقی مورد توجه و توصیه در اخبار مهدوی سخن می‌گویند. به عنوان مثال، یکی از محورهای مورد تاکید در این روایات، مسئله «انتظار» است. از نگاه ارزش‌شناختی، بخش مهمی از اخبار و آثار مهدوی، در زمینه فضیلت انتظار، حرکت سازنده، وظایف منتظران (برای حال و آینده) و مفاهیمی از این دست سخن می‌گویند و رویکرد ارزش‌گرایانه آن، تماماً در جهت ایجاد آمادگی و تهیه برای آینده است. این بخش از روایات، انتظار را در مفهوم «فاعلیت» و «عاملیت» مسلمانان و دوری از «انزوا» و پرهیز از «رفتار انفعالی» ترسیم می‌کنند؛ انتظاری که با کنش و کشش آگاهانه به سوی اهداف متعالی دین همراه است. روایات، برای انتظار، آثار، فواید، پیامدها و درس‌های متعددی مترتب ساخته و نشان می‌دهند که موضوع انتظار در اسلام، نه تنها به عنوان راهبردی متعالی فضیلت دارد، بلکه نسبت به تمامی برنامه‌های کلان جامعه افضل است. در واقع، موضوع انتظار در مسیر تحقق آینده، به تنهایی موضوعیت داشته و در تحقق آرمان‌شهر مهدوی، توجه به ابعاد گسترده و عمیق مفهوم انتظار راهبردی اساسی به شمار می‌رود. از این‌رو، از سوی امامان معصوم، برای انتظار فرج تعبیر فراوانی<sup>۱</sup> عنوان شده که مجموعه این تعبیر با نگاه آینده‌اندیشانه بر توصیه به راهبردی مهم و حیاتی دلالت

۱. مانند «فضل‌الاعمال» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲) یا «من افضل العباد» (همان، ص ۲۵) یا «افضل الجهاد» (همان، ص ۱۴۳).

می‌کنند و آن، تصور، تجسم یا احساس زندگی در دوران فرج است. به طور خلاصه، روایات انتظار بر پیام‌های آینده‌پژوهانه بنیادین زیر مشتمل هستند و به این دلیل، اهمیت دارند که تفکر انفعالی و ایستا و نیز انتظار برای فراگیر شدن معاصی را منتفی ساخته و انتظار پویا، آینده‌نگر و هویت بخش را به ارمغان می‌آورند:

- تأکید بر نگاه و توجه دائمی به دوران ظهور، نه منتظر ماندن برای رسیدن آن دوران.
- از این روست که در تعبیر امامان، انتظار فرج جزئی از فرج دانسته شده است؛
- پویایی و حرکت؛
- مدیریت بر عصر انتظار و لوازم آن، همچون پرهیز از پیشگویی زمان ظهور که در روایات از آن نهی شده است؛
- توجه به اقدامات جمعی آینده‌نگر یا پیشران‌های تحقق ظهور دولت مهدوی؛
- تعیین شاخص‌های نزدیک شدن به عصر ظهور.

### ج) کارکرد نشانه‌شناختی آینده‌پژوهی

در جهت برنامه‌ها و روش‌های آینده‌پژوهی برای ترسیم سناریوها و تصاویر آینده؛ نمی‌توان از «رویداد»های تأثیرگذار بر آینده یا همان «پیشران‌ها» و نیز علایم ضعیف تغییر غافل شد. در واقع، یکی از کانون‌های توجه آینده‌پژوهی، پیشران‌ها و نحوه تأثیرگذاری آنها بر آینده و نیز علایم ضعیف تغییر است. علایم حتمی یا غیر حتمی ظهور را که پیش‌زمینه عصر ظهور هستند، از جهاتی می‌توان پیشران تحقق آرمان‌شهر مهدوی و از جهاتی علایم ضعیف تغییر به سوی تحقق جامعه آرمانی ظهور قلمداد کرد؛ زیرا روایات بر این نکته تأکید می‌کنند که مشاهده علایم ظهور بر نزدیک‌تر شدن به آن آینده حتمی دلالت می‌کند و از تطبیق عالمانه اخبار صحیح‌السند با علایم مشاهده‌ای، جهت درک و فهم آینده و آمادگی هرچه بیشتر برای رسیدن به آن زمینه لازم فراهم می‌شود. از این رو، به زبان آینده‌پژوهی، توجه به علایم ضعیف تغییرات، همان علایم ظهور به زبان مهدویت محسوب می‌شود.

نکته مورد اهمیت و اشتراک در هر دو حوزه، آمادگی برای رویارویی با تحولات فرارو و رصد تغییرات است. آموزه‌های آینده‌پژوهی بر پایش و پویش تغییرات صحنه می‌نهند.

روایات نیز مفهوم آمادگی را مورد توجه فراوان قرار می‌دهند و معصومان بزرگوار، همواره پیروان خود را به آمادگی و انتظار توصیه کرده‌اند؛ آمادگی برای غافل نماندن از هر علامت ضعیفی از تغییر و غافل نماندن از رویدادی شگفت‌انگیز که احتمال وقوعش به ظاهر کم است؛ اما تاثیراتش غیرقابل پیش‌بینی. کارکرد نشانه‌شناسی ارائه مکانیزم یا سازوکار هشدار سریع و بهنگام برای مواجهه با آینده و رویدادهای محتمل آن است.

در نوع روایاتی که از ائمه نسبت به علایم حتمی صادر شده است، تاکید بر این بوده که نباید نسبت به علایم حتمی و پیش‌ران‌های ظهور بی‌توجه و غافل بود. به عنوان نمونه، تاکید بر ناگهانی بودن ندای آسمانی و حرکت سفیانی، مؤید این نکته است که آخرالزمان نشانه‌هایی دارد که باید آنها را شناخت و به آنها آگاهی عمیق پیدا کرد. باید به میزان کافی نسبت به رویدادهای محتمل آینده و پیش‌زمینه‌ها و علایم (پیش از وقوعشان) حساس بود. بنابراین، یکی از مزایای اتخاذ چنین رویکردی، ایجاد حس تعهد نسبت به آینده و فرصت‌ها و مخاطرات آن خواهد بود.<sup>۱</sup>

### شکل‌گیری دانش آینده‌پژوهی اسلامی (با محوریت مهدویت)

می‌توان به دلایل فراوانی آینده‌پژوهی را در پیوند با مهدویت دانست:

#### الف) شکل‌دهی به آینده‌پژوهی دینی

ضرورت توجه به آینده‌پژوهی و لزوم تمایز بخشی آینده‌پژوهی دینی از آینده‌پژوهی سکولار؛ ما را ترغیب می‌کند که از منظری خاص (به خصوص از منظر آینده‌پژوهی تصویر ساز) به این دانش بپردازیم و در صدد شکل‌دهی به آینده‌پژوهی مستقل بر اساس آموزه مهدویت بر آییم. در این زمینه ادله زیر می‌تواند در شکل‌دهی به آینده‌پژوهی دینی با محوریت مهدویت راهگشا باشد:

#### الف) لزوم ترسیم روش‌های خاص آینده‌پژوهی از منظر دینی و مهدوی؛

۱. قربانی، سعید، «تحلیلی کارکردگرایانه بر آموزه‌های متعالی مهدویت از نگاه آینده‌پژوهی»، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۴۰، ص ۳۳ و ۳۵.

ب) شکل دهی به «آینده‌پژوهی مأموریت‌گرا (تکلیفی)» در کنار «آینده‌پژوهی تصویرگرا»، با توجه به این که مهدویت، غایت و هدف متعالی تاریخ بوده و امری دینی - تکلیفی است؛

ج) لزوم طراحی نظام آینده‌پژوهی دینی در جامعه اسلامی (ایران)، مطابق با مقتضیات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن.

### ب) آینده‌پژوهی، ابزار مهم مهدویت‌پژوهی

امروزه «آینده‌پژوهی»، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده و بسیاری از مؤسسات، نهادها، شرکت‌ها، کشورها و گروه‌ها سهم بسزایی برای آن قائل شده‌اند. این آینده‌پژوهی، که علم و هنر کنترل و بهبود آینده است، می‌تواند در زمینه‌های مختلف، ابزار مهدویت‌پژوهی (آینده‌پژوهی مهدوی) باشد؛ از جمله این که آینده‌پژوهی می‌تواند وسیله‌ای مناسب و کارآمد برای ترویج آموزه مهدویت در سطح جهان و متناسب با ادبیات آن باشد (به جهت اهمیت دادن به آینده، مشخص کردن مسیرهای حرکت به آینده و طرح جامعه آرمانی و...). آینده‌پژوهی، می‌تواند یکی از ابزار کاربردی کردن آموزه مهدویت برای بشر امروز باشد؛ بدین معنا که در بعضی از سطوح مهدویت‌پژوهی، مسائل و موضوعاتی طرح می‌گردد که با آینده‌پژوهی اشتراک دیدگاه دارد و می‌تواند در برنامه‌ریزی‌ها و خط‌مشی‌ها نقش ایفا کند. آینده‌پژوهی، دارای این قابلیت است که راه رسیدن به مقصد مشخص و نهایی (بر اساس آموزه مهدویت) را پژوهش کند و راه و مسیر را نشان دهد. استفاده از ادبیات آینده‌پژوهی (و یافته‌ها و داده‌های آن)، در باورپذیر کردن آموزه مهدویت برای نسل جوان، می‌تواند کاربرد داشته باشد. یکی از مباحث مهم در آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری، «روشنمند کردن نگاه به آینده» است. در این زمینه (پژوهش آینده) روش‌های گوناگونی در اختیار ما قرار می‌دهد که می‌تواند در آینده‌پژوهی مهدوی نیز کاربرد داشته باشد. بنابراین، با بهره‌گیری از روش‌ها و تکنیک‌های آینده‌پژوهی (به خصوص آینده‌پژوهی تصویرپرداز) می‌توان پژوهشی در زمینه آینده را از منظر دینی - مهدوی روشنمند کرد.

### ج) تعلق درونی آینده‌پژوهی، به مطالعات دینی (مهدوی)

آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری، دارای ابعاد و زوایایی است که بیشتر آن‌ها، با مطالعات دینی

و مهدویت پژوهی ارتباط و پیوند مستقیم و گاهی دو سویه دارند. اصولاً ترسیم و تصویر آینده پژوهی بدون توجه به اندیشه‌ها و معارف دینی، ناقص و نارسا است و به همین دلیل، اندیشه مهدویت می‌تواند در این زمینه نقش اساسی ایفا کند.

آینده پژوهی، خود، سرشت دینی دارد و در ریشه‌ها و تبار آن به معارف و آموزه‌های دینی در زمینه آینده و آینده‌شناسی برمی‌گردد. آینده پژوهی، با آرمان شهرها و تصویرپردازی آرمانی ارتباط خاص دارد و آرمان شهر مهدوی (و جامعه آرمانی دینی) از بسترهای مناسب این رویکرد و نگاه است. عوارض و جوانب آموزه مهدویت، می‌تواند به عنوان موضوع آینده پژوهی قرار گیرد؛ یعنی آینده پژوهی می‌تواند در سطوح مختلف اندیشه مهدویت وارد شده و مباحث و مؤلفه‌های متناسب با آینده پژوهی را موضوع تحقیق و پژوهش قرار دهد. مهدویت، روایتی فرهنگی - دینی است که در عصر جدال فرهنگ‌ها، می‌تواند جامعه را مجهز کند و آینده پژوهی را در سمت و سوی مناسب قرار دهد. در واقع، آینده پژوهی مهدوی (دینی) می‌تواند در عصر اطلاعات و ارتباط و جهش فرهنگی، ضمن بومی‌سازی این دانش، سیاست‌ها و خط مشی‌های فرهنگی مناسبی را ترسیم و تصویر کند و با ارائه راهبردهایی، به فرهنگ جهانی و آینده فرهنگی جهان ورود یابد.

#### د) آموزه‌سازی مهدویت برای آینده پژوهی

اندیشه مهدویت، در ایجاد موضوعات و محورهای مورد توجه و مفید آینده پژوهی ظرفیت و توانایی فراوانی دارد و می‌تواند از منظرها و رویکردهای مختلفی، برای آینده پژوهی آموزه‌سازی کند؛ از جمله:

آموزه مهدویت می‌تواند در برنامه‌ریزی از طریق آینده پژوهی، راهنما باشد و از موضوعی منفعل به موضوعی هنجارساز و پیشرو تبدیل گردد. بر اساس آموزه‌های دینی (سنت‌های تاریخی) اراده‌گرایی در آینده پژوهی تقویت می‌شود و نوعی نگاه غیر انفعالی به آینده ترویج می‌گردد. در برنامه‌ریزی‌های بلند مدت اجتماعی، با توجه به اهمیت چشم‌انداز در آینده پژوهی، اندیشه مهدویت می‌تواند چشم‌انداز آفرین باشد و نگاه دینی را به چشم‌اندازهای ملی و جهانی وارد کند. اصولاً ترسیم و تصویر نوعی آینده پژوهی دینی، بدون قرار دادن آموزه مهدویت در هسته مرکزی آن امکان ندارد و در این اندیشه برای

آینده‌پژوهی مصالح و عناصر لازم وجود دارد. امکان بهره‌وری از بعضی مؤلفه‌های آموزه مهدویت در تحلیل و ارزیابی درست پدیده‌ها و رویدادها و تحولات، ما را به سمت شکل‌گیری آینده‌پژوهی مهدوی سوق می‌دهد.

#### ه) تغییر جهت دادن به آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی فعلی، به رغم سرعت و فراگیری گسترش آن، بیشتر جنبه عرفی و سکولار دارد و گرایش مبانی، مبادی، عناصر و روش‌های آن دنیوی، مادی و ظاهری است. بر این اساس، لزوم تغییر در این روند و قرار دادن آن در مسیر درست و چندبعدی انکارناپذیر است.

اصولاً آینده‌پژوهی، «موضوع مهدویت» است، نه این‌که خود مهدویت موضوع آینده‌پژوهی باشد. بر این اساس، با ورود اندیشه مهدویت در ساحت این دانش، می‌توان ابعاد دینی و غیر عرفی آن را تقویت کرد و آن را در جهت مطلوب قرار داد. به وسیله آموزه مهدویت، می‌توان آینده‌پژوهی را بومی کرد و آن را چراغ راه فعالیت‌های آینده‌پژوهی قرار داد. مهدویت‌پژوهی به عنوان مطالعات درجه اولی ضرورتی است غیر قابل انکار؛ اما برای راهبری و سیاست‌گذاری مطالعات مهدویت، ناگزیریم مطالعات درجه دومی نیز داشته باشیم. آینده‌پژوهی می‌تواند یکی از آن مطالعات درجه دوم باشد. یکی از کارکردها و وظایف مسلم آینده‌پژوهی در هر جامعه (و در سطح بالاتر در هر تمدن) ترسیم الگوی آرمانی جامعه از منظر باورها و ارزش‌های بنیادین آن جامعه یا تمدن است؛ آن‌چه از گذشته به مدینه فاضله یا آرمان شهر موسوم بوده است. طراحی این مدینه فاضله بر عهده آینده‌پژوهی تصویرپرداز است.

#### درون‌مایه‌های آینده‌پژوهانه اندیشه مهدویت

آموزه مهدویت، نه تنها خود، نگاهی آرمانی به آینده مطلوب و قطعی است، بلکه دارای ابعاد و مؤلفه‌هایی است که درون‌مایه آینده‌پژوهانه دارد و تحقیق و پژوهش در هر زمینه به روش‌های خاص آینده‌پژوهی نیازمند است. بعضی از این درون‌مایه‌ها عبارت است از:

- الف) سنجش اخبار ملاحم (به خصوص موارد محقق شده) بر عهده آینده‌پژوهی مهدوی است؛
- ب) بررسی نقش و جایگاه «مهدویت» در تحولات و دگرگونی‌های جهانی و ایجاد آمادگی جمعی و جهانی و بهبود آینده بر عهده آینده‌پژوهی مهدوی است؛
- ج) شناخت چالش‌ها و بحران‌های جهانی و رصد کردن آنها و ارائه راه حل برای آنها، باید بر اساس آینده‌پژوهی مهدوی صورت گیرد؛
- د) دور اندیشی جمعی و توجه ویژه به آینده بر عهده آینده‌پژوهی مهدوی است.

**پرسش‌های این درس**

۱. چگونه و با چه ابزاری می‌توان آینده‌پژوهی اسلامی را شکل داد و روشمند کرد؟
۲. تصویر جامعه مطلوب (چشم‌انداز آرمانی) در منابع اسلامی دارای چه جایگاهی است؟
۳. چگونه می‌توان از طریق آینده‌پژوهی، به تحلیل روایات مهدویت پرداخت؟
۴. انواع کارکردهای معرفتی آینده‌پژوهی اسلامی را توضیح دهید.
۵. دانش آینده‌پژوهی اسلامی، با چه ابعاد و محورهایی قابل تحقق است؟

## فصل چهارم:

### جهانی شدن و جهانی سازی

درس اول:

## پیشینه و عوامل جهانی شدن

### آموزه‌های این درس

۱. سابقه و پیشینه شکل‌گیری جهانی شدن؛
۲. مراحل جهانی شدن؛
۳. عوامل تأثیرگذار بر جهانی شدن.

## مقدمه

امروزه پدیده «جهانی شدن»، امری فراگیر، گسترش یابنده، پیچیده و دارای آثار و پیامدهای گوناگون در زندگی بشری است؛ به طوری که شرایط زندگی انسان‌ها را در بیشتر جنبه‌های آن، دستخوش دگرگونی‌های ژرف کرده است. از این رو، نمی‌توان گسترش نوآوری‌های اقتصادی در سرتاسر جهان، انطباق‌های فرهنگی و سیاسی ملازم این گسترش، تغییر و تحولات ارتباطاتی و تکنولوژیکی، در هم تنیدگی روابط، افکار و اندیشه‌های بشری، پیچیدگی انگاره‌های اقتصادی، مالی و اعتباری و مباحثی از این دست را نادیده گرفت و نسبت به آنها بی‌تفاوت بود.

از طرفی، به علت تنوع، پیچیدگی و نو بودن مباحث و موضوعات آن، نمی‌توان موضع‌گیری مثبت یا منفی قاطعی در مورد آن داشت؛ هر چند جنبه‌ها و پیامدهای منفی و آثار نگران‌کننده آن، رو به فزونی است. همچنین به علت این که در پس پرده این روند، عوامل و کارگزاران متعدد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی قرار دارند؛ باید به دقت و هوشمندانانه آن را بررسی و تحلیل کرد. وقتی جامعه بشری به مرحله‌ای از رشد و شکوفایی علمی، صنعتی و فکری می‌رسد که به اتحاد و همبستگی نیاز شدیدی احساس شده و بشر در بیشتر جنبه‌های زندگی، رفتارها و گفتارهای فرا ملی و جهانی از خود بروز می‌دهد؛ در این صورت می‌توان اندیشه «تشکیل دولت کریمه جهانی» را به جهانیان ارائه و نکات مثبت و ارزنده آن را بیان کرد. از آن‌جا که انسان‌ها نمی‌توانند موانع، کاستی‌ها و کمبودهای حرکت رو به رشد خود را به طور کامل از بین ببرند؛ به قدرتی برتر و فوق بشری نیاز بیشتری احساس می‌شود و قلب‌ها و افکار بدان سو متمایل می‌گردد. البته

حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام نه تنها حکومتی آرمانی و الاهی است، بلکه حکومتی کاملاً عقلانی و علم گرا است و با وضعیت پیشرفته جهان، سازگار و متناسب است. به هر حال، شیعه با دیدگاهی روشن نسبت به آینده تاریخ، همواره منادی و بشارت دهنده «زندگی مطلوب جمعی» و تشکیل «حکومت صلح و عدل جهانی» بوده و با اتکا به همین اعتقاد، خود را در تمامی سختی‌ها و بحران‌ها حفظ کرده و منتظر پایان خوش تاریخ بوده است.

«جهانی شدن»، به عنوان یک «فرآیند»، قدمت دیرینه دارد؛ ولی بنا به قول رابرتسون، کاربرد جدید آن به شیوه علمی، از دهه ۱۹۸۰ مطرح شده است. این پدیده دارای ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و فنی است و به همین دلیل، در تعریف آن، بین اندیشمندان اختلاف دیدگاه است و هر کدام یک بعد آن را مورد نظر قرار می‌دهد. عده‌ای بعد اقتصادی را در تعریف جهانی شدن ملاک قرار داده و عده‌ای دیگر، ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را برای آن در نظر می‌گیرند. کسانی که جهانی شدن را صرفاً از بعد اقتصادی می‌نگرند، معتقدند که این پدیده در طول تاریخ، از طریق توسعه امپراتوری‌های مختلف، با غارت و تاراج، تجارت دریایی و نیز گسترش آرمان‌های مذهبی تحول یافته و آن‌چه امروز به عنوان جهانی شدن شاهد آن هستیم، عبارت است از ادغام بازارهای جهان در زمینه‌های تجارت و سرمایه گذاری مستقیم و جابه‌جایی و انتقال سرمایه و نیروی کار در چارچوب سرمایه داری و بازار آزاد، و در نهایت، سرفروود آوردن جهان در برابر قدرت‌های جهانی بازار (شرکت‌های بزرگ فراملی و چندملیتی) که به شکسته شدن مرزهای ملی و آسیب دیدن حاکمیت دولت‌ها منجر خواهد شد.

### پیشینه تاریخی جهانی شدن

جهانی شدن از یک سو چارچوب مفهومی برای تبیین واقعیت‌های جاری جهان است و از سوی دیگر، مبین نوعی جهان بینی و اندیشیدن درباره جهان، به عنوان منظومه‌های کلان و به هم پیوسته است. البته سابقه امر به دوران قبل بازمی‌گردد و نظریه دهکده

جهانی مک لوهان در دهه ۱۹۶۰، تنها تظاهر جدید آن است.<sup>۱</sup> در مورد ماهیت جهانی شدن، عمدتاً دو دیدگاه نسبتاً رایج مطرح شده است: عده ای ماهیت آن را فرایندی طبیعی و برخاسته از جوامع صنعتی و پسا صنعتی غرب می‌دانند. در چنین حالتی، تلقی بدبینانه یا قضاوت ارزشی آن منتفی است. گفته می‌شود جهانی شدن، همانند سیستم‌های گذشته، نظیر صنعتی شدن، مدرن شدن و فرا مدرن شدن سیستم و مفهوم جدیدی برای دنیای کنونی است.

در دیدگاه دیگر، جهانی شدن مقوله کاملاً جدیدی است که الزاماً با دنیای صنعتی و پسا صنعتی جوامع توسعه یافته ارتباط نمی‌یابد؛ بلکه امری تصنعی و هدایت شده است که غرب آن را همسو با خواسته‌ها و منافع خویش تعقیب و هدایت می‌کند. بنابراین، جهانی شدن با مفاهیمی چون استعمار جدید و امپریالیستی فرهنگی و اقتصادی ارتباط پیدا می‌کند. تفاوت دو دیدگاه در مورد ماهیت جهانی شدن، دو نوع تلقی را نسبت به سیاست بین‌الملل و مسائل جهانی به همراه خواهد داشت. در حالی که در دیدگاه نخست، جهانی شدن به عنوان فرایند ناشی از گسترش فزاینده از تباطات و تکنولوژی اطلاعات تلقی می‌شود؛ در دیدگاه دوم، به عنوان پروسه‌ای هدایت شده که با غربی‌سازی مترادف است، مطرح می‌گردد. طبیعی است پذیرفتن هر یک از دیدگاه‌ها و رویکردهای مزبور، نگاه ما را به این مقوله و نحوه تعامل با آن را تحت تأثیر خواهد گذارد.

رونالد رابرتسون، جهانی شدن را «گسترش تجدد از جامعه به جهان و گسترش ویژگی‌های محوری تجدد در مقیاس جهانی» می‌داند و مسیر جهانی شدن را در تقسیم تاریخ جهانی در پنج مرحله ترسیم می‌کند:

۱. مرحله بدوی یا اولیه ( ۱۴۰۰م - ۱۷۵۰م)؛
۲. مرحله نخستین ( ۱۷۵۰م - ۱۸۷۵م)؛
۳. مرحله جهش ( ۱۸۷۵م - ۱۹۲۵م)؛
۴. مرحله تلاش برای کسب سلطه ( ۱۹۲۵م - ۱۹۶۹م)؛
۵. مرحله عدم قطعیت ( ۱۹۶۹م - ۱۹۹۲م).

۱. کاظمی، جهانی شدن فرم‌نگ و سیاست (نقد و تحلیل نظری، معرفت شناختی)، ص ۳۷ و ۴۱.

گیدنز، توسعه جوامع جدید و جهانی‌شدن را با هم مرتبط می‌داند. به اعتقاد او، نوگرایی و مدرنیسم دارای ویژگی‌های پویایی است که در روابط اجتماعی گرایش‌های جهانی‌کننده دارد. از جمله این ویژگی‌ها که برای جامعه مدرن بیان می‌کند عبارتند از: ۱. نوسازی مستلزم نظام سرمایه‌داری تولید کالا می‌باشد؛ ۲. نوگرایی متضمن صفت گرایی، یعنی چند برابر شدن تلاش انسانی است؛ ۳. در نوگرایی کنترل هماهنگ دولت از طریق تکنولوژی جدید وجود دارد؛ ۴. تمرکز کنترل بر ابزارهای سرکوب در یک نظم، نظام صنعتی است. در تلقی گیدنز هر یک از ویژگی‌های مزبور دارای پویایی و تمایل به سوی جهانی‌سازی است.

والراشتاین، مهم‌ترین ویژگی‌های نظام جهانی را پویایی داخلی نظام، خود کفایی مادی، تقسیم کار گسترده در آن و تنوع فرهنگی می‌داند. وی شکل‌های سه‌گانه نظام‌های جهانی را چنین مطرح می‌کند: ۱. امپراتوری‌های جهانی که در آن، فرهنگ‌های متنوع و متعدد تحت یک حکومت توحید می‌شوند؛ ۲. اقتصادهای جهان با یک نظام اقتصادی مشترک یکپارچه می‌شوند؛ ۳. سوسیالیسم جهانی.

از دیدگاه والراشتاین، در اواخر قرن پانزده میلادی اقتصاد جهانی ظهور کرد و شامل تمام جهان نمی‌شد؛ اما از یک واحد سیاسی بود و لذا اقتصادی جهانی بود. وی از این نقطه به‌عنوان سکوی پرش برای تحلیل جهانی‌شدن، چنین استفاده می‌کند: اقتصاد جهانی سرمایه‌داری به دلیل محدودیت بازارهای داخلی، به گسترش مرزهای جغرافیایی خود نیاز داشت و هدف از این کار یافتن بازارهای مصرفی و تولیدی جدید برای مشارکت در تقسیم کار جهانی بود. این گسترش طی چهار صد سال صورت گرفت و اقتصاد جهانی سرمایه‌داری را از نظامی که اساساً اروپایی است، به تمام سیاره زمین گسترش داد.

نظریه دهکده جهانی مک لوهان، با تأکید بر نقش ارتباطات و انفجار اطلاعات، تکنولوژی ارتباطی جدید را سبب فشردگی جهان و گسترش الگوهای اقتصادی و فرهنگی در سطح جهان می‌داند. از دیدگاه مک لوهان، اصل تعیین‌کننده، نقش رسانه‌ها است که «فرهنگ» از طریق آن منتقل می‌شود. در چارچوب نظریه دهکده جهانی نیز جهانی‌شدن به مفهوم فشردگی جهان و امکان دستیابی جوامع بشری به فرهنگ‌ها و الگوهای

زندگی دیگر جوامع است که از طریق تکنولوژی ارتباطات به دست می‌آید. در این تلقی، جهانی شدن به عنوان وضعیتی طبیعی، معلول توسعه تکنولوژی، دانش و ارتباطات عصر جدید تفسیر می‌گردد.

نظریه پردازان مختلف، مراحل آغازین فرآیند جهانی شدن دهها و صدها و حتی هزارها سال پیش را جست‌وجو و شناسایی می‌کنند. آنان پرشتاب‌تر و گسترده‌تر شدن فرآیند جهانی شدن را در دهه‌های اخیر می‌پذیرند؛ ولی آن را بسیار قدیمی‌تر می‌دانند. برخی نظریه پردازان عقیده دارند که مبدا فرآیند جهانی شدن را باید در تمدن‌های باستان جست‌وجو کرد. از دیدگاه نومارکسیست‌هایی مانند آندره گوندرفرانک و ایمانوئل - والرشتین، فرآیند جهانی شدن، هنگامی آغاز شده که نطفه نظام جهانی بسته شده است و این به ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد. عده‌ای اعتقاد دارند که با شکل‌گیری تجدد، فرآیند جهانی شدن نیز آغاز شد. مثلاً گیدنز فرآیند جهانی شدن را چیزی جز «گسترش تجدد» نمی‌داند. مارکس و انگلس هم درک تاریخ جهانی شدن و آغاز این فرآیند را مستلزم درک و شناخت تاریخ سرمایه‌داری می‌دانند؛ زیرا از دیدگاه آنان نظام سرمایه‌داری همواره دست‌اندرکار یکپارچه‌سازی اقتصادی و فرهنگی جهان بوده است.<sup>۱</sup>

کاربرد واژه «جهانی»، در ادبیات سیاسی دارای قدمت طولانی است؛ اما اصطلاح «جهانی شدن»، «جهانی کردن»، و «جهان‌گرایی» قدمت چندانی ندارد. این واژه‌ها در سال‌های پس از ۱۹۶۰ رواج یافتند. کاربرد این مفهوم به شکل امروزی به دهه هشتاد باز می‌گردد. در مورد پیشینه تاریخی جهانی شدن، عمدتاً سه احتمال یا فرضیه را می‌توان مطرح کرد:

۱. جهانی شدن، فرایندی است که در تاریخ اجتماعی بشر ریشه دارد و بنابراین، از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و در عصر حاضر شتاب بیشتری به خود می‌گیرد؛
۲. جهانی شدن، همراه با نو‌گرایی (مدرنیزاسیون) و توسعه سرمایه‌داری شکل گرفته و اخیراً شتاب بیشتری به خود گرفته است؛
۳. جهانی شدن، فرایند متأخر و با سایر فرایندهای اجتماعی، نظیر فرا صنعتی شدن

۱. گل محمدی، احمد، جهانی شدن فرهنگ و هویت، ج ۳، ص ۲۲ و ۲۳.

فرانوگرایی یا شالوده‌شکنی سرمایه‌داری همراه است.<sup>۱</sup>  
 در یک جمع بندی کوتاه می‌توان گفت در مورد پیشینه تاریخی جهانی‌شدن، عمدتاً دو دیدگاه کلی مطرح است:

۱. دیدگاهی که جهانی‌شدن را به‌عنوان پدیده کاملاً جدید و بی‌بدیل تلقی می‌کند؛
۲. دیدگاهی که آن را شکل جدیدی از زندگی در بستر جامعه صنعتی، مدرن یا فرامدرن می‌داند.

بالتبع رویکرد نخست، الزاماً طبیعی بودن آن را نفی نمی‌کند و مجال لازم برای طرح فرضیه پروژه بودن آن را نیز منتفی نمی‌سازد؛ در حالی که در تلقی دوم، اساساً احتمال پروژه بودن آن منتفی است؛ زیرا جهانی‌شدن یکی از مراحل حرکت تدریجی تکاملی جهان صنعتی و مدرن به سوی درهم‌نوردیدن مرزهای ملی است.

در هر حال، جهانی‌شدن فرایندی است که از ابتدای تاریخ وجود داشته و از همان زمان تأثیرات آن روبه‌فزونی بوده است؛ اما اخیراً، در آن، شتاب ناگهانی به وجود آمده است. جهانی‌شدن به شیوه امروزی نیز از قرن پانزدهم، یعنی آغاز عصر جدید شروع شده است. در اروپای قرون وسطا، حرکت جهانی‌شدن بسیار کند بود؛ اما پس از انقلاب صنعتی این موضوع، شدت و شتاب پیدا کرده است.

### عوامل مؤثر بر جهانی‌شدن

«عوامل» و «زمینه»های مختلفی بر شکل‌گیری جهانی‌شدن مؤثر است که عوامل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را شامل می‌شود.  
 در جدول ذیل، مولفه‌هایی که در آثار صاحب‌نظران دوره معاصر (مورد، ۱۹۶۶؛ پارسونز، ۱۹۱۴۷؛ والرشتاین ۱۳۷۴ و ۱۹۷۹ و ۱۳۸۴؛ بوین، ۱۹۹۰؛ رابرتسون، ۱۹۹۰؛ واترز، ۱۹۹۵ و ترنر، ۱۹۹۷) به‌عنوان عوامل مؤثر بر جهانی‌شدن مشخص گردیده، در سه دسته عوامل «فرهنگی»، «جامعه‌شناختی» و عوامل «سیاسی» طبقه‌بندی شده است:<sup>۲</sup>

۱. ر. ک: مالکوم واترز، جهانی‌شدن، ص ۱۳ - ۱۴.

۲. ر. ک: زاهدی مازندرانی، نقش سازمانهای غیردولتی در توسعه پایدار.

جدول عوامل موثر بر جهانی شدن از دید صاحب نظران معاصر

عوامل اقتصادی	عوامل فرهنگی و جامعه شناختی	عوامل سیاسی
نظام سرمایه داری مدرن	آگاهی جهانی	روابط سیاسی بین المللی (پیوندهای فراملی)
تجارت جهانی	ارتباطات گسترش یافته	سیاست رهایی بخش <sup>۱</sup>
تقسیم کار بین المللی		
شرکت‌های چند ملیتی	گسترش توریسم	
وحدت گرایی سازمانی	تراکم توریسم	
بازارهای مالی بین المللی (گردش منابع مالی در جهان)		
مهاجرت نیروی کار		

هرچند می‌توان گفت طبع فزون خواه سرمایه داری - حتی در روند طبیعی تکامل خود - به ناچار سر از جهانی شدن درمی آورد؛ به لحاظ تاریخی، برخی عوامل باعث شدند این روند شدت یابد و راه را برای گسترش سرمایه داری و تحقق عصر جهانی شدن بازتر شود. این عوامل عبارتند از:

۱. به وجود آمدن شرکت‌های چندملیتی

شرکت‌های بزرگ فراملیتی از اوایل قرن بیستم با سرمایه تقریباً کمی کار خودشان را در آمریکا - آن هم عمدتاً در محورهای فرهنگی - شروع کردند و کم‌تر از چند دهه، پشتوانه ارزی خود را به چندین برابر سرمایه نخست خود رساندند. این شرکت‌ها پس از جنگ جهانی دوم، فعالیت‌های اقتصادی خود را حتی بیش از برنامه‌های فرهنگی شان گسترش دادند؛ تا جایی که از سه دهه قبل، یعنی از اوایل ۱۹۷۰ به بعد، فعالیت‌های آنها به قدری توسعه یافت که بسیاری از این شرکت‌ها در اکثر کشورها دارای نمایندگی شدند. برخی از این شرکت‌ها، مثل مک دونالد دارای ۵ میلیون نیروی کار؛ با سرمایه ای بیش از سرمایه چند کشور در حال توسعه هستند. امروزه بیش از صد شرکت غول پیکر چندملیتی که خود

۱. رهدار، احمد، «جهانی شدن خارج شدن از تاریخ»، نگاه حوزه، شماره ۲۶، شماره ۸۸.

دارای بیش از ۶۰ هزار شرکت فراملی کوچک ترند، بر اقتصاد جهان سیطره دارند. ظهور این شرکت‌ها، به خصوصی سازی بسیاری از شرکت‌های دولتی، آزادسازی بازارهای ملی، کم رنگ شدن مرزهای ملی و به وجود آمدن رقابت شدید بین آنها انجامیده است که هر یک از این‌ها به نوبه خود، تحقق جهانی شدن را تسریع بخشیده است.

### ۲. شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی

پس از جنگ جهانی دوم، «سازمان ملل متحد»، به منظور جلوگیری از جنگ‌های جهانی دیگر و کنترل کشورهای گسترش طلب، تاسیس شد. این سازمان برای تحقق بسیاری از اهداف منشور خود، به وجود سازمان‌های بین‌المللی دیگری مثل سازمان حقوق بشر جهانی و سازمان دادگستری بین‌المللی که به عنوان بازوی اجرایی آن عمل کنند، نیاز داشت. بدین منظور برخی سازمان‌های وابسته به سازمان ملل، ایجاد شدند. کم‌کم سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی دیگری، مثل «کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی» (۱۸۶۳)، «انجمن حقوق بین‌الملل» (۱۸۷۳)، «انجمن ادبیات و هنر» (۱۸۷۸)، «اتحادیه بین‌المجالسین» (۱۸۸۹) و «اتاق بازرگانی بین‌المللی» (۱۹۱۹) به وجود آمدند. توسعه کمی و کیفی این سازمان‌ها، مخصوصاً با پیوستن بسیاری از کشورها، باعث شد مرزهای ملی و حاکمیت کشورها بر آنها کم رنگ شود. تا جایی که امروزه تعداد بسیاری از این سازمان‌ها با عضویت بسیاری از کشورها وجود دارند. این امر نیز تحقق پروسه جهانی شدن را سرعت بخشید.

### ۳. پیدایش بازار مشترک اروپا

«بازار مشترک» در سال ۱۹۵۷، در ضمن توافق نامه رم و با عضویت بلژیک، فرانسه، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند و آلمان غربی به وجود آمد. کمی بعد انگلستان، دانمارک و ایرلند و در ۱۹۸۱ یونان و در ۱۹۸۶ اسپانیا و پرتغال به آنها پیوستند. تاثیر بازار مشترک بر بسط‌سازی تحقق جهانی شدن، هماهنگ کردن سیاست اقتصادی کشورهای عضو و برداشتن موانع تجاری بین آنها بود. این امر خودبه‌خود به روی کار آمدن نوعی اقتصاد باز و هماهنگ منجر شد؛ چیزی که در عصر جهانی شدن، به نحو بارزتر و دقیق‌تری محقق می‌شود.

#### ۴. تجربه اقتصادی چین

پس از مرگ مائو، چین در دهه ۱۹۸۰ اهداف اقتصادی تازه با ساختار اقتصادی جدیدی اعلام کرد و به دنبال آن، بسیاری از سازمان‌ها و شرکت‌ها به تجدید ساختار دست زدند و شرکت‌های خصوصی و کوچک تاسیس کردند. این شرکت‌ها به بازار دست نخورده و با ظرفیت تولیدی بسیار جذب شدند؛ به طوری که در سال ۱۹۹۳، بیش از ۳۰۰۰ شرکت چینی با شرکت‌های خارجی دادوستد داشتند و کشور چین دارای ۳۰۰ منطقه آزاد اقتصادی بود. این امر، ضمن این که رقابت در بین شرکت‌های سایر کشورها مثل آمریکا و ژاپن را باعث شد، مرزهای بین‌المللی را بسیار کم رنگ جلوه می‌داد.

#### ۵. قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا)

«قرارداد نفتا» در اوایل دهه ۱۹۹۰ به وسیله نمایندگان رییس جمهور آمریکا،<sup>۱</sup> نخست وزیر کانادا<sup>۲</sup> و رییس جمهور مکزیک<sup>۳</sup> بسته شد. این قرارداد، تعرفه‌های گمرکی و سایر موانعی را که بر سر راه تجارت شرکت‌ها و افراد در این سه کشور قرار داشت، از میان برداشت. این امر ضمن این که آمریکای شمالی را به نوعی به سوی جهانی شدن دعوت می‌کرد، الگویی برای سایر قراردادها شد. تاسیس «سازمان اپیک» همین نقش را می‌تواند داشته باشد.

#### ۶. پیدایش جامعه اروپا

«جامعه اروپا» در سال ۱۹۹۲ تشکیل شد. هدف این جامعه، آن بود که موانع تجاری بین کشورهای عضو را از میان بردارد و موجب تقویت وحدت سیاسی در اروپا شود. این امر، سبب شد کشورهای اروپایی بیشتر به شکل «واحدی» در آیند که عناصر آن، بیشترین ارتباط متقابل را دارند؛ ضمن این که جامعه اروپا کشورهای عضو را به همکاری و ارتباط هرچه بیشتر با سایر کشورها ترغیب و تشویق می‌کرد که به نوبه خود وابستگی

۱. جورج بوش.

۲. برایان مالرونی.

۳. کارلوس سالیناس دوگورتای.

همه کشورها را در مقیاس جهانی به دنبال داشت.

بین عوامل فرهنگی - جامعه شناختی جهانی شدن، اشاره به دو عامل اصلی ضروری است:

اول، «آگاهی جهانی»؛ که به هویت جهانی کنشگران اجتماعی اشاره دارد. این هویت جدید باید با چنان سطحی از آگاهی و شعور نسبت به مسائل جهانی همراه باشد که بتواند آثار بازدارنده هویت محلی کنشگران را خنثا کند. آگاهی جهانی به این معنا، بر فهم جهان‌بودگی، درک جامعه بشری و احساس زندگی در دهکده جهانی دلالت دارد. این آگاهی که پدیده‌ای ذهنی - فرهنگی است، به پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای جهانی منجر می‌شود که به نوبه خود، منشأ و خاستگاه کنش‌هایی است که جهانی شدن را در سطح فرد نهادینه می‌سازد و به ایجاد نظم نوینی منجر می‌شود که به «نظام مندی جهانی»<sup>۱</sup> موسوم است.

دوم: «تراکم زمان و مکان»؛ این عامل نیز اساساً مولفه‌ای شناختی - فرهنگی است که در فرایند جهانی شدن دارای نقش مهمی است. این ایده از آرای رابرتسون و گیدنز نشأت گرفته است. رابرتسون «در هم فشردن مکانی جهانی» را پدیده خاصی می‌داند که حاصل عملکرد و حضور همه جایی وسایل ارتباطی، به ویژه وسایل بصری در دنیای جدید است. گیدنز نیز جهانی شدن را «فشرده شدن مناسبات اجتماعی» تعریف می‌کند. مناسباتی که محل‌های جداگانه را چنان به هم پیوند می‌دهد که هر رویداد محلی، تحت تاثیر رویدادهای دیگری است که با آن فاصله بسیار زیادی دارد و به عکس، فشرده شدن زمان نیز دلالتی کم و بیش مشابه دارد و به معنای یکنواخت شدن نظام زمانگذاری در جهان معاصر است.

پیوستگی بین قاره ای و بین فرهنگی، به قدری زیاد و اجتناب ناپذیر است که امروزه تقریباً همه مردم جهان به زمان واحدی توجه دارند یا عمل می‌کنند، مثلاً سال ۲۰۰۰ در همه جوامع روی زمین، یک رویداد جهانی بوده است. البته ذکر عوامل مذکور بدین معنا نیست که اگر این عوامل نبودند، جهانی شدن محقق نمی‌شد؛ بلکه مسیری که جهان

۱. زاهدی مازندرانی، نقش سازمان‌های غیر دولتی در توسعه پایدار، ص ۹۶.

سرمایه داری در پیش گرفته بود، خود به خود مقتضی ظهور چنین بسترهای مناسبی بوده و در مسیر رشد و توسعه خود، لاجرم به بسط و گسترش بسترهای ظهور و حضورش نیز نیازمند بوده است.

### پرسش‌های این درس

۱. از دیدگاه رابرتسون جهانی شدن چند مرحله دارد؟ توضیح دهید.
۲. دیدگاه مک لوهان و والرشتاین در مورد پیشینه جهانی شدن چیست؟
۳. سه احتمال یا فرضیه در مورد پیشینه تاریخی جهانی شدن را بنویسید.



## دیدگاه‌ها و رویکردها در جهانی شدن

### آموزه‌های این درس

۱. سه رویکرد درباره ماهیت جهانی شدن؛
۲. سه وجه مهم جهانی شدن؛
۳. آثار منفی جهانی شدن؛
۴. دیدگاه موافقان و مخالفان جهانی شدن؛
۵. تأثیر شکل‌گیری سازوکارهای بین‌المللی بر جهانی شدن.

### مقدمه

در میان انبوه نظریات «جهانی شدن»، می‌توان آنها را به سه نسل مجزا تفکیک کرد: نسل اول، در نظریات خود به پدیده‌ای خاص به نام «جهانی شدن» اشاره نداشتند و قصد توضیح این پدیده نیز در نظریات آنها وجود ندارد، بلکه با توجه به شرایط بعد از جنگ جهانی دوم، به نوعی تصویری از آینده می‌دهند که عواملی مانند اقتصاد یا ارتباطات در یک سطح جهانی مطرح خواهند شد.

در نظریات نسل دوم، با توجه به بروز جرقه‌های اصلی پدیده جهانی شدن در این دوره، این نظریه پردازان به گونه‌ای مشخص‌تر به این پدیده پرداخته‌اند؛ اما هنوز این مسئله، یعنی جهانی شدن، جایگاهی فرعی دارد و در قالب نگرش‌های این اندیشمندان نسبت به روابط بین‌الملل، جهانی شدن نیز به عنوان یک موضوع در روابط بین‌الملل بررسی شده است.

اما در نسل سوم، به دلیل درگیری بیش‌تر آنان با جهانی شدن و ظهور این مسئله به عنوان مهم‌ترین پدیده پیش روی بشر؛ به طور مشخص به این مهم پرداخته شده و آنان علاوه بر عوامل مذکور در دو نسل قبل، عواملی چون آگاهی و نوگرایی را در پیشبرد این روند مؤثر می‌دانند، لذا نسل سوم صریح‌تر و عمیق‌تر با جهانی شدن مواجه شده‌اند. یکی از رویکردهای مندرج در نسل سوم، رویکرد «فرا نوگرایی» است که خوش بینانه به این فرایند می‌نگرد.

کیت نش، از نظریه پردازان به نام این رویکرد می‌باشد. با توجه به الگوی کیت نش در مقوله جهانی شدن، سه روند محسوس دیده می‌شود که عبارتند از:

۱. جهانی شدن اقتصاد؛

۲. جهانی شدن مسائل محیط زیست؛

۳. جهانی شدن فرهنگ.

جهانی شدن هم «پروسه» است و هم «پروژه». شاید تعبیر مناسب‌تر این باشد که بگوییم جهانی شدن یک «طرح» است؛ اما نه طرح سیاسی و اقتصادی که سیاست مداران و اقتصاددانان آن را در انداخته باشند. این طرح، طرح پایان تاریخ تجدد است. در این طرح و زمینه است که یکی استقرار دائم «لیبرالیسم» را می‌بیند و دیگری از «برخورد» و «جنگ» می‌گوید و بعضی قدرت‌های بزرگ و کوچک نیز جهان را به آشوب و خشونت می‌کشند. اگر جهانی شدن، انتشار صورت‌هایی از مظاهری چون مدیریت، اقتصاد، تکنولوژی و علم در سراسر جهان باشد، این امر از چند قرن پیش آغاز شده و تاکنون مراحل را پیموده است. حتی می‌توان گفت صفت «تجدد»، «جهانی شدن» است؛ اما وقتی می‌گویند مرحله اخیر تاریخ تجدد، جهانی شدن است، جهان شدن باید چیزی بیش از انتقال و رشد تکنولوژی و مصرف اشیای تکنیکی باشد.<sup>۱</sup>

### دیدگاه های جهانی شدن

به طور کلی، دو دیدگاه با سه رویکرد، در خصوص ماهیت جهانی شدن وجود دارد:

#### الف) پروسه نگری

اولین دیدگاه در مسئله جهانی شدن، نگاه «پروسه» بودن آن است. طرفداران این دیدگاه به موضوع جهانی شدن، مثبت می‌نگرند و آن را فرآیند طبیعی حرکت رو به تکامل جامعه بشری می‌دانند. از دیدگاه آنان، این روند، سیری طبیعی و قهری است که از اختیار و انتخاب افراد خارج است. در این روند، کشورها و ملت‌ها به تدریج به سوی همگرایی و وحدت قطب‌ها و تمرکز تصمیم‌گیری‌ها به پیش می‌روند. از سوی دیگر، تنوع نیازها و گستردگی حوزه تعاملات اجتماعی و از طرفی رشد تکنولوژی و صنعت و ارتباطات، همه و

۱. امامی، سید مجید، «جهانی شدن پایان، موعودباوری متناقض غرب و جهانی شدن آغاز نگاهی دیگر به بحران مدرن و رویکرد مهدوی»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۲۸، ص ۱۵۰-۱۵۳.

همه، چنین رویکردی را اجتناب ناپذیر می‌کند.

### ب) پروژه نگری

دیدگاه دوم به مسئله جهانی شدن، «بدبینانه» است. طرفداران این نظریه، بحث جهانی شدن را «طرحی سیاسی» می‌دانند که در واقع، برنامه‌ای است سازمان یافته و غیر علنی از سوی قدرت‌های سلطه، برای اهداف استعماری در سطح جهانی. بر اساس این تحلیل، آنچه در ظاهر مطرح می‌شود، یکپارچگی جهانی و آسان بودن تعامل و ارتباطات است؛ ولی در واقع، این موضوع، پوششی است برای اجرایی شدن برنامه «جهانی سازی» با هدف «آمریکایی سازی» یا دست کم «غربی سازی» که برای تحمیل سلطه سیاسی - فرهنگی غرب بر جهان، علی‌الخصوص بر کشورهای اسلامی طراحی شده است.

### ج) پدیده انگاری

در مقابل این دو دیدگاه که نوعی افراط و تفریط در آن مشاهده می‌شود، دیدگاه سومی را می‌توان مطرح ساخت که جهانی شدن را «پدیده» می‌داند. با این توضیح که جهانی شدن، نه فرآیندی صرفاً طبیعی است و نه پروژه‌ای است صرفاً سیاسی و تصنعی؛ بلکه جهانی شدن یک «پدیده» است؛ یعنی در عین حال که جهانی شدن یک روند فراگیر طبیعی توقف ناپذیر است، هم اینک، موضوع برنامه‌سازی قدرت‌های برتر، به ویژه لیبرالیسم غربی و آمریکایی قرار گرفته و در نتیجه تلاش می‌شود که از این فرآیند طبیعی، در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حداکثر بهره‌برداری صورت پذیرد.

طبق این دیدگاه، جهانی شدن در واقع، کنترل استعمار ملت‌ها، به ویژه جهان سومی‌ها، به شکل نوین و مدرن می‌باشد. در سال‌های اخیر، نگرانی نسبت به جنبه‌ها و پیامدهای منفی «جهانی شدن» در میان قشرهای ضعیف و فقیر جهان قوت گرفته است. آنها معتقدند که تجارت آزاد، بانک جهانی و... فقط به سود کشورهای ثروتمند است و بازارهای جهانی سرمایه، به زیان کشورهای فقیر عمل می‌کند. این باورها، محور جنبش بسیار قدرتمند «ضد جهانی شدن» (و در واقع ضد جهانی شدن آمریکایی - اسرائیلی) در عصر ما قرار گرفته است؛ چرا که آنها آثار زیانبار جهانی شدن به سبک غربی را در زندگی روزمره خویش احساس می‌کنند.

آینده جهانی‌سازی سرمایه سالارانه، نشان می‌دهد که فقر، نابرابری، گرسنگی، حاشیه نشینی، بی‌خانمانی و به حاشیه راندن کشورهای فقیر، افزایش می‌یابند. بنابراین، می‌توان گفت که جهانی‌شدن و جهانی‌سازی با این ویژگی‌ها، کم‌کم رو به سرایشی نهاد و دیر یا زود، به بن بست خواهد رسید؛ یا این که روند رو به بی‌عدالتی و شکاف‌های طبقاتی در سطح جهان، و به دنبال آن، تحقیر و عقب‌نگه‌داشتن این کشورها، می‌تواند زمینه انقلاب‌های جهانی را در مقابل سردمداران جهانی‌شدن و جهانی‌سازی مدل غربی - آمریکایی را به وجود آورد.

بر این اساس، «جهانی‌شدن» که اکنون به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری بشر در عصر حاضر، در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بدل شده؛ در واقع، فرآیندی است که بر اثر رشد علم و تکنولوژی پدید آمده است و مرزها و حصارهایی را که در برابر جریان اطلاعات و مبادلات علمی و فرهنگی جهانی قرار دارند؛ درمی‌نورد.

در مقابل، «جهانی‌سازی»، پروژه‌ای ضدعلمی و نظریه‌ای سلطه‌جویانه و سیاسی است که بر اساس سیاست برنامه‌ریزی شده، اعمال می‌شود و در جهت محور قرار دادن نظام لیبرالیستی غربی و مرکزیت بخشیدن به آن و الزام نهادها و ملت‌ها و فرهنگ‌ها به پیروی از آن است که پیامدهای خطرناک و بحران‌آمیزی دارد.

جهانی‌شدن، ماهیتاً از جهانی‌سازی متفاوت و متمایز است و لوازم و مقتضیات دیگری دارد. «جهانی‌شدن»، فرآیند، ایده و تحول همه‌جانبه تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و تکنولوژیکی است که عوامل و زمینه‌های خاصی دارد. جهانی‌شدن، چه بر اساس مبانی «مدرنیته» تفسیر و تحلیل شود و چه بر اساس نظریات «پست‌مدرن» یا تداوم سرمایه‌داری تلقی گردد؛ عامل و حامل پیام‌های اساسی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و پیامدهای متعددی خواهد بود که نه تنها به حل معضلات فکری و اجتماعی و اقتصادی و روحی بشر کمک نمی‌کند، بلکه موجب تشدید این بحران‌ها و از بین بردن ساختارهای فرهنگی و دینی و هویت‌های ملی خواهد شد. به ادعای اکثر اندیشه‌ورزان غربی، جنبه‌های منفی‌اش نیز از مزایا و منافع آن بیش‌تر خواهد بود.

نتیجه آن که با سه وجه مهم و اساسی و گاهی متمایز از هم روبرو هستیم که به اشتباه

یا تسامح، به هر سه، عنوان «جهانی شدن» اطلاق می‌گردد:

۱. فرایند طبیعی و تدریجی جهانی شدن (پروژه)؛
۲. جهانی‌سازی غربی (پروژه)؛
۳. جهانی‌سازی آمریکایی (پروژه).

«جهانی شدن»، گرچه روند و حرکت تدریجی، طبیعی و تکاملی را طی کرده و در عصر جدید به مراحل بالایی از بالندگی و شکوفایی علمی، اقتصادی و تکنولوژی دست یافته است؛ همین روند طبیعی در حرکت رو به رشد و تکاملی خود، شاهد دست اندازی و دخل و تصرف قدرت‌های اقتصادی و سیاسی بزرگ بوده و در بعضی موارد در خدمت منافع و آمال آنها قرار گرفته است، که از آن به «جهانی کردن» تعبیر می‌شود. به عبارت روشن‌تر، قدرت‌های پیشرفته غربی و صاحبان شرکت‌های بزرگ اقتصادی و تجاری، این روند را در خدمت منافع خود گرفته و به نوعی دیدگاه خود را بر این فرایند طبیعی تحمیل و حتی در مسیر حرکت آن انحراف ایجاد کرده اند.

پروژه «جهانی سازی» آمریکایی، دقیقا همان آمریکایی‌سازی و تحت سلطه قرار دادن کل جهان از سوی آمریکا است و با روند «جهانی شدن» امری کاملا متمایز است. پس، در حقیقت، بین «جهانی شدن طبیعی» و «جهانی کردن غربی» با «جهانی‌سازی آمریکایی» تفاوت فاحشی است. «جهانی کردن اقتصاد» به دنبال تحول عمیق سرمایه‌داری و حاکمیت نظام سلطه و مبادله نامتوازن صورت می‌پذیرد. این پروژه، اوج پیروزی سرمایه‌داری جهانی و حاکم شدن رقابت بی‌قید و شرط در سراسر جهان است. «جهانی‌سازی آمریکایی» در زمینه نظامی، سیاسی و حتی اقتصادی، پروژه ای است ناشی از سیاست‌ها و استراتژی‌های کلان ایالات متحده آمریکا. به عبارت دیگر، «جهانی‌سازی» همان «آمریکایی‌سازی» است.

### آثار منفی جهانی شدن

«جهانی شدن» به‌رغم آن که روند و حرکتی تدریجی، طبیعی و تکاملی را طی کرده و در عصر جدید به مراحل بالایی از بالندگی و شکوفایی علمی، اقتصادی و تکنولوژی دست یافته است؛ آثاری منفی نیز در پی داشته است که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد:

۱. نبود رهبری واحد و تأثیر گذار بر عرصه بین الملل و فزونی رقابت‌ها و ستیزه جویی‌ها؛
۲. ترویج فساد، بی‌بند وباری، فحشا و فرهنگ منحط غربی و ازبین رفتن آموزه‌های اخلاقی و معنوی در پرتو این فرآیند؛
۳. به وجود آمدن نابرابری‌های اقتصادی در برخی از کشورها؛
۴. افزایش معضل بیکاری، به دلیل رشد سریع فناوری و مکانیکی شدن بسیاری از امور زندگی؛
۵. جهانی شدن جرایم و خلاف‌ها، از قبیل قاچاق مواد مخدر، قاچاق زنان و کودکان و نیز شیوع بیماری‌هایی، از قبیل ایدز؛
۶. تسلط فرهنگ غربی بر دیگر فرهنگ‌ها، به شکل تلاش برای مسخ کردن هویت فرهنگی ملت‌های دیگر و مطرح کردن فرهنگ غربی به عنوان جایگزین؛
۷. طرفداران نظریه‌های مخالف جهانی شدن هدایت شده، معتقدند که در بحث جهانی سازی، عدالت از قربانیان نخستین آن است. جهانی‌سازی باعث می‌شود که متمدولان ثروتمندتر و فقیران، فقیرتر شوند و وقتی جهانی‌سازی «فرهنگ» شود، مشکلات بیش‌تر خواهد شد.
۸. امنیت در دنیای متحول شده امروزی و در مقیاس ملی به طور مستقل وجود ندارد، و این، واقعیتی است که به صراحت در شرایط سیاسی دنیا قابل فهم و درک است. همانطور که هنری کیسینجر در دهه هفتاد در دکتترین معروف آمریکا به صراحت اعلام کرد که دیگر امنیت مطلق وجود ندارد.
۹. چالش‌های اخلاقی جهانی سازی، از جمله پیامدهای جهانی شدن هدایت شده است. این چالش در ارتباطات آزاد و بدون حدّ و حصر به وجود می‌آید که بخشی از این ارتباطات، در جهت تضعیف و سست کردن انگیزه و اراده مخاطب گام برمی‌دارد.
۱۰. آمریکایی شدن زندگی: جهانی‌سازی فرهنگ، گاهی به عنوان «همگن سازی» توصیف می‌شود؛ یعنی استاندارد کردن سلیقه‌ها و خواست‌ها براساس مدل آمریکایی - غربی که به «مک دونالدی شدن دنیا» منجر می‌شود. فیلم‌های هالیوود دنیا را فرا می‌گیرد. این یک وجه جهانی‌سازی است که با غربی کردن و مدرن‌سازی مترادف است و

قدرت امپراتوری را منعکس می‌سازد که بر ارزش‌ها و سلیقه‌ها در سراسر جهان تأثیر می‌گذارد.<sup>۱</sup>

۱۱. کم رنگ شدن باورهای سنتی: آشفتگی‌های ساختاری که در فرایند جهانی شدن سهیم هستند، و نیز گسترش جهانی بازار سرمایه داری آزاد، بر برنامه‌ها و طرح‌های فرهنگی تأثیرات و نتایج متناقضی دارند. به نظر می‌رسد حداقل تأثیرات آن، تضعیف باورها و اعتقادات سنتی، سست کردن ارزش‌های معنوی و ایجاد زمینه‌های بی‌ایمانی در روابط و مناسبات اجتماعی باشد.<sup>۲</sup>

۱۲. فرایند جهانی‌سازی باعث سست شدن مفهوم و اعتبار نمادین مرزها و نظام‌های حکومتی می‌شود و در نهایت، پدیده «از خود بیگانگی» را به همراه دارد که این رویکرد، بستر زایش طرح‌های سیاسی «خود کامگی» است.<sup>۳</sup>

۱۳. موارد یاد شده، بخشی از پیامدها و نگرانی‌هایی است که در بین جوامع، ملل و دولت‌ها مطرح است. در این مقوله می‌توان به پیامدهای دیگری هم اشاره کرد؛ از جمله هویت یابی در چالش با جهانی شدن، همگرایی، خلق مکاتب جدید، چالش زبان‌ها، مقاومت‌ها، تهدیدات فراوان رسانه‌ها، تهدید منافع ملی، استیلا طلبی، شکستن خطوط قرمزها، تمرکز و انحصار رسانه‌ای، عدم توازن جریان اطلاعات، گسترش دموکراسی نوع آمریکایی، عارضه نگاه هژمونیک، گسترش مواد اعتیادزا، گسترش فقر و فرار مغزها.<sup>۴</sup>

### موافقان و مخالفان جهانی شدن

به طور کلی جهانی شدن، دارای موافقان و مخالفانی است و هر کدام برای ایده خود دارای علایمی است:

۱. گرل، الزابت، «جهانی سازی معاصر و چالش های اخلاقی آن»، مترجم گودرز میرزائی، روزنامه جوان، ۱۳۸۰/۱۱/۳۰.

۲. سینار ساینس، پیر. دی، «جهانی سازی باورهای سنتی را کمرنگ می کند»، مترجم: علی اکبر شریفی، روزنامه جام جم، ۱۳۸۰/۵/۲۵.

۳. همان.

۴. رک: حادق نیکرو، جهانی شدن و راهبرد های پیشنهادی با تاکید بر ارزشهای ملی و دینی.

### ۱. موافقان جهانی شدن

- موافقان جهانی شدن، دلایل زیر را به عنوان آثار مثبت آن مطرح می کنند:
- (الف) جهانی شدن، فرایندی ناشی از وابستگی متقابل کشورها؛ به خصوص اقتصادهای ملی است. سرعت و عمق این وابستگی به گونه ای است که دولت ها توان کنترل اقتصادی خود را از دست می دهند. بنابراین، جهانی شدن وضعیتی طبیعی و برگشت ناپذیر است.
- (ب) گسترش و توسعه تکنولوژی و ارتباطات بر درک و فهم ما از خود و جهان تأثیر می گذارد. این درک جدید نوعی آشتی و همسویی میان جوامع ایجاد می کند و همگرایی بیشتر جهانی را فراهم می آورد.
- (ج) جهانی شدن فرهنگ، به مفهوم ایجاد زمینه های بروز فرهنگ های ملی است و این فرصتی طلایی است برای صداهایی که توان انتقال خود به دیگر نقاط جهان را نداشته است. اینک در فضای جهان، افراد، جوامع و دولت ها می توانند پیام ها، خواسته ها و ایده های خود را به آسانی به دیگران انتقال دهند.
- (د) از طریق جهانی شدن، فرهنگ ها و هویت ها به تجانس و تقارب بیشتر می رسند. این امر، کاهش اختلافات فرهنگی و فکری میان جوامع و افراد را سبب می شود.
- (ه) جهانی شدن زمینه های شکل گیری جامعه مدنی جهانی را از طریق جنبش های اجتماعی و سیاسی فراملی فراهم می آورد و وفاداری های محلی و ملی افراد و جوامع از دولت ها به نهادهای فراملی منتقل می شود.
- (و) شاهد شکل گیری نوعی فرهنگ ریسک هستیم؛ یعنی مردم جهان احساس می کنند خطر اصلی ای که با آن مواجه اند، آلودگی و ایدز است و این که دولت ها به تنهایی به مقابله با ریسک توانمند نیستند.
- (ز) دست آخر این که جهانی شدن، نوعی فرهنگ جهانی - وطنی را گسترش می دهد که بر اثر آن، انسان ها می اندیشند و این «جهانی اندیشی» به نوبه خود، «انسانی اندیشیدن» را

توسعه می‌دهد که به سود تمام جوامع بشری است.<sup>۱</sup>

## ۲. مخالفان جهانی شدن

مهم‌ترین گزاره‌های مورد استناد مخالفان جهانی شدن را در محورهای زیر می‌توان خلاصه کرد:

الف) جهانی شدن آثار و پیامدهای ناموزون دارد. آنچه در فضای جدید مورد توجه است، عمدتاً به بخش کوچکی از سیاره زمین، یعنی کشورهای صنعتی و توسعه یافته ناظر است؛ و آلاً در بیشتر جوامع از ارتباطات، رسانه‌ها و فضای جدید کم‌ترین اثر مثبتی مشاهده نمی‌شود. بنابراین، جهانی شدن تنها بخشی اندک از جوامع بشری را تحت پوشش قرار می‌دهد.

ب) جهانی شدن، احتمالاً آخرین مرحله امپریالیسم غربی است که در ظاهری آراسته و موجه، ارزش‌ها و فرهنگ غربی را در دیگر جوامع ترویج می‌کند.

ج) در فرایند جهانی شدن، تعداد اندکی برنده، و بیش‌تر بازنده هستند. تکنولوژی همراه با جهانی شدن، به صورت طبیعی منابع اقتصادی کشورهای توسعه یافته و غنی را بر منافع کشورهای در حال توسعه و فقیرتر ترجیح می‌دهد. بنابراین، جهانی شدن نه تنها حالت «امپریالیستی» دارد، بلکه دارای ماهیت «استثمار» است.

د) جهانی شدن، چنان که ارتباطات و انتقادات مثبت و سازنده را تسهیل می‌کند، اقدامات منفی کارتل‌های مواد مخدر، تروریست‌های بین‌المللی و سندیکا‌های تبهکاری را نیز آسان می‌سازد.

ه) وجود تضاد در بطن جهانی شدن: بدین معنا که جهانی شدن، از یک سو بر رقابت بازار تأکید و زمینه ورود بازیگران جدید اقتصادی را فراهم می‌کند؛ اما از سوی دیگر، بر این نکته تأکید می‌ورزد که رقابت کنندگان با معیارهای غربی به مدیریت اقتصادی پرداخته، ارزش‌های غربی را بپذیرند.<sup>۲</sup>

۱. رک: سجادی، درآمدی بر اسلام و جهانی شدن، ص ۱۵ و ۱۷.

۲. آنچه از مجموع مستندات موافقان و مخالفان استنباط می‌شود، نوعی افراط و تفریط ناشی از خوش‌بینی ساده‌انگارانه و بدبینی جرم‌انگارانه است.

### پرسش‌های این درس

۱. سه رویکرد اصلی درباره ماهیت جهانی شدن چیست؟
۲. تفاوت‌های جهانی شدن با جهانی‌سازی چیست؟
۳. پنج مورد از آثار منفی جهانی شدن را بنویسید.
۴. دلایل موافقان جهانی شدن چیست؟
۵. دلایل مخالفان جهانی شدن چیست؟

دوره‌ی بین‌رشته‌ای

## ابعاد و ویژگی‌های جهانی شدن

### آموزه‌های این درس

۱. ابعاد و مؤلفه‌های اصلی جهانی شدن؛
۲. خصوصیات و ویژگی‌های جهانی شدن؛
۳. آثار و نمودهای جهانی شدن.

## مقدمه

«جهانی شدن» اتفاق مهمی است که در جهان معاصر ابعاد و زوایای گسترده‌ای پیدا کرده است و ما با انواع جهانی شدن‌ها روبرو هستیم. در واقع، با پدیده‌ای روبرو هستیم که با بسیاری از موضوعات و مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی عجین شده و تأثیرات مختلفی بر آنها گذاشته است. جهانی شدن در ابعاد مختلف زندگی، دارای ظهور و بروزهای متفاوتی است که در مجموع جهان را به «مجموعه واحد جمعی» تبدیل کرده است. در این جهت ابتدا «ابعاد» مختلف جهانی شدن و سپس «ویژگی‌های» آن را بررسی می‌کنیم:

## ابعاد جهانی شدن

### ۱. بعد اقتصادی و تکنولوژیک جهانی شدن

مهم‌ترین و تاریخی‌ترین بعد جهانی شدن، «اقتصاد» است. در این زمینه جهانی شدن تولید، توزیع، نیروی کار، تکنولوژی و صنعت، سرمایه و پول، سود و بهره زیاد، در چارچوب تقسیم کار بین المللی مورد نظر است. اقتصاد جهانی شدن، نمایانگر فرایند انباشت سرمایه است. این فرایند، از طریق جریان کالا، تقسیم کار جهانی، پویایی جهانی سرمایه، افزایش تمرکز صنایع در دست تعداد کوچکی از شرکت‌های فراملی، رشد نهادهای جهانی و تغییر در تجارت جهانی از کالاها و خدمات به ابزارهای مالی متجلی می‌شود. فرایند جهانی شدن اقتصاد، تفسیر جدید و وسیعی را شامل است که به تدریج و در این اواخر با سرعت بیش‌تری، در حال وقوع است و جهان را به سمت همگرایی بیش‌تر سوق می‌دهد. در

زمینه تکنولوژی و امور فنی نیز اکنون تغییرات بسیار گسترده‌ای را شاهد هستیم؛ خصوصاً در زمینه ارتباطات، اطلاعات و رسانه‌ها، این تکنولوژی به نیروی عظیمی برای تغییر و تحول تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که از عصر کنونی به عنوان «عصر اطلاعات» نام می‌برند؛ عصری که در آن، زمان و مکان چنان تحت الشعاع یکدیگر قرار می‌گیرند که سخن گفتن از جهان به عنوان «دهکده» ممکن و جایز خواهد بود.

در این بعد، مکاتب، سازمان‌ها و قدرت‌های زیر نقش اساسی دارند:

- نظام سرمایه داری، با به کارگرفتن عوامل تولید و توزیع کالاها، خدمات، امکانات، تکنیک‌های ارتباطی و اطلاعاتی برای هر چه گسترده‌تر کردن حوزه‌های فعالیت اقتصادی و فراگیر ساختن آن در سراسر کره زمین. بر این اساس، کشورهای صنعتی بزرگ (به خصوص هفت کشور صنعتی دنیا)، در مقوله جهانی شدن صنعت و سرمایه برای رسیدن به سود بیشتر و رهایی از بحران نظام سرمایه‌داری فعالیت‌های گسترده‌ای داشته‌اند (پروژه جهانی کردن).

- «شرکت‌های چند ملیتی و مؤسسات بزرگ مالی و اعتباری»، از کارگزاران مهم پروژه جهانی کردن اقتصاد هستند که در زمینه‌های خدمات مالی، اعتباری، توزیع، صادرات و با هدف کسب درآمدهای فراوان و تحت سیطره قرار دادن منابع اقتصادی جهان، در کل جهان فعالیت‌های گسترده‌ای دارند.

- برخی از سازمان‌های بین‌المللی، مانند «صندوق بین‌المللی پول»، «سازمان تجارت جهانی» و «بانک جهانی»، از پیش‌قراولان اقتصادی «جهانی شدن» می‌باشند و هدف خود را رفع فقر و نابرابری از جهان و تقسیم سود و سرمایه مناسب در همه جای دنیا می‌دانند (البته با اعتقاد به باز بودن عرصه فعالیت آزاد اقتصادی).

## ۲. بعد فرهنگی

بعد مهم دیگر جهانی شدن، «فرهنگ» است. در این بعد، جهانی شدن ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، هنجارهای معنوی و دینی، هنجارهای غربی و ترویج و اشاعه فرهنگ‌های برتر مطرح است. بعد فرهنگی جهانی شدن، یکی از مهم‌ترین ابعاد آن است. اصولاً فرایند جهانی شدن دارای ویژگی فرهنگی است. جهانی شدن در ذات فرهنگ

مدرن نهفته است و راه و رسم فرهنگی در ذات جهانی شدن. فرایند دگرگون ساز عظیم دوران ما را که با جهانی شدن توصیف می‌شوند نمی‌توان بدرستی فهمید؛ مگر آن که آنها را با واژگان مفهومی «فرهنگ» دریابیم. به همین سان، این دگرگونی‌ها بافت تجربه فرهنگی را تغییر می‌دهند و در واقع بر درک ما از مفهوم فرهنگ در دنیای مدرن تأثیر می‌گذارند. «فرهنگ» برای «جهانی شدن» و «جهانی شدن برای فرهنگ» دارای اهمیت است. جهانی شدن جامعه انسانی، به حدی مشروط است که در آن، نظام فرهنگی به طور نسبی بر نظام‌های اقتصادی و سیاسی تأثیرگذار باشد. می‌توان انتظار داشت که اقتصاد و سیاست تا آن‌جا جهانی شوند که با فرهنگ در آمیزند. به عقیده «کاستلز»، ماهیت جهانی که در حال شکل‌گیری است؛ اساساً ماهیتی فرهنگی است. حاملان فرهنگ علی‌الاصول می‌توانند در تحولات آتی بالاترین سهم و نقش را ایفا کنند. عوامل و داعیه داران جهانی شدن فرهنگی عبارتند از:

- «ادیان و مذاهب بزرگ جهانی» که عموماً منادی «جهان شمولی» در عرصه فرهنگ، اخلاق و آیین واحد هستند و در صدد بسط و گسترش فرهنگ توحید، معنویت و دیانت در سراسر جهان می‌باشند و همگان را به یکتاپرستی دعوت می‌کنند.
- «رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی» و «فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی» (اینترنت، تلویزیون و ماهواره) و قدرت‌های برتر در عرصه «جهانی شدن» اطلاعات و فرهنگ می‌باشند و هدف آنان اشاعه و گسترش فرهنگ، علم، هنر و... و تبلیغ کالاها و تولیدات صنعتی است. این رسانه‌ها، هم می‌توانند در روند «جهانی شدن» به ایفای نقش پردازند و هم خود پروژه «جهانی کردن» و «غربی سازی» را پی‌گیری کنند.
- برخی از «نهادهای سازمان‌های زیر نظر سازمان ملل»، که فعالیت‌های جهان شمولی دارند؛ مثلاً «یونسکو» که خواستار برقراری نظم نوین جهانی در ارتباطات بود.
- «هیات‌های حاکم کشورهای غربی»، که بحث جهانی شدن را به منظور اشاعه فرهنگ غرب، در سراسر جهان، مطرح می‌کنند (غربی سازی جهان).

### ۳. بعد سیاسی

«سیاست»، بعد دیگر و فرعی جهانی شدن است که با استفاده از پیامدها و الزامات

جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ، در تحولات عصر نقشی اساسی ایفا می‌کند. تضعیف دولت - ملت‌ها، تضعیف حاکمیت‌های ملی، گسترش دموکراسی، آزادی و حقوق بشر شکل و نوع حکومت‌ها و نقش مؤثر مردم؛ از مؤلفه‌های این بعد به شمار می‌رود. جهانی شدن، تغییر سازمان سیاسی جوامع از سطح ملی (دولت - ملت) به سطح فراملی را شامل می‌شود. بُعد سیاسی جهانی شدن مقوله‌هایی نظیر تضعیف حاکمیت دولت - ملت‌ها، کاهش تمرکز قدرت دولت، افزایش قدرت سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، توجه فزاینده به مسائل مشترک بین‌المللی، تضعیف سیستم ابرقدرتی جهان، ظهور جامعه مدنی جهانی، پیشرفت دموکراسی لیبرال و ظهور اشکال جدید ملیت‌گرایی را در بر می‌گیرد. به عقیده اکثر صاحب‌نظران، در فرایند جهانی شدن، فشارهای درونی و بیرونی، تضعیف حکومت‌های ملی را موجب خواهد شد و نوعی بحران حاکمیت را به همراه خواهد آورد. برخی از اندیشمندان روابط بین‌الملل و علوم سیاسی، استدلال کرده‌اند که فرایند جهانی شدن، نه تنها به تضعیف دولت - ملت منجر نخواهد شد، بلکه قدرت آن را مستحکم خواهد کرد. به باور آنان، فرایند جهانی شدن شاید در سطوح اقتصادی و فرهنگی قابل تحقق باشد؛ در سطح سیاسی، دولت به عنوان بازیگر اصلی آن، همچنان قدرتمند و پرنفوذ باقی خواهد ماند. این استدلال توسط مدافعان و نظریه پردازان جهانی شدن تا حدودی به چالش کشیده شده است. ولی آن چه مسلم به نظر می‌رسد، این که دولت‌ها نیز شدیداً تحت تأثیر جهانی شدن جهانی شدن قرار دارند. جهانی شدن چه به تضعیف دولت منجر شود و چه به تقویت آن، حتماً موجب بازسازماندهی آن خواهد شد. گرچه نتیجه این بازسازماندهی را نتوان به طور دقیق مشخص کرد؛ به طور مسلم، وضعیت فعلی برهم خواهد خورد و دولت‌ها با مسائل و چالش‌هایی روبرو خواهند شد که ساختار فعلی آنها از عهده حلشان برنخواهد آمد. عبارت مشهور «وبر» جمع‌بندی مختصر و مفید این وضعیت است: «دولت - ملت‌ها برای حل مسائل بزرگ زندگی بسیار کوچک و برای حل مسائل کوچک زندگی بسیار بزرگ شده‌اند». داعیه داران و عوامل جهانی شدن سیاسی عبارتند از: - «اسلام»، دین جامعی است که «جهانی شدن» در عرصه سیاست و اجتماع را مدعی است و شیعیان با ارائه «نظریه مهدویت»، در این زمینه سهم مهمی دارند. هدف اسلام،

تشکیل حکومت جهانی و گسترش دین در سراسر کره خاکی است (حکومت جهانی اسلام).

- «قدرت‌های بزرگ»، به خصوص آمریکا، در صدد تشکیل حکومت جهانی و سلطه بر کل عالم هستند و به سمت سلطه غرب و تشکیل امپراتوری جهانی پیش می‌روند. آمریکا و متحدان نزدیک اروپایی آن، خود را حافظ آزادی، آزادی اطلاعات، جهان آزاد و دموکراسی جهانی و نظایر آن می‌دانند. اما هدف اصلی آنها تسلط بر جهان و تشکیل حکومت واحد جهانی تحت نظم نوین جهانی است (آمریکایی سازی).

- «سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی»، مانند «سازمان ملل» و «شورای امنیت»، از فعالان و برنامه ریزان جهانی شدن در بعد سیاسی و اجتماعی هستند و اکثر دولت‌های جهانی نیز با پیوستن به این سازمان، در عرصه‌های حقوق بشر، صلح و امنیت جهانی و حفظ محیط زیست حضور فعالی دارند.

- «دانشمندان و نظریه پردازان علوم سیاسی و امور بین‌الملل» و برخی از «مکاتب سیاسی»، از پیشگامان ارائه بحث‌های جهانی شدن هستند که هدف برخی، تحقق بخشیدن به آرزوی بشر در «آزاد سازی جهان» (جهانی شدن) و هدف گروهی دیگر، همراهی با سلطه گران و توجیه رفتارهای آنها (آمریکایی سازی) است.

- «مارکسیسم» و حتی «فاشیسم» (در شوروی و آلمان)، تا چند دهه اخیر، رؤیای تشکیل نظام فراگیر جهانی را در سر می‌پروراندند.

### ویژگی‌های جهانی شدن

ما در برهه‌ای از زمان قرار داریم که این برهه، تجربه‌ای کاملاً نوین و جذاب فرا روی بشر قرار داده است. نزدیک بودن انسان‌ها، فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و اقتصاد جهانی به یکدیگر؛ در ظاهر به سود همگان و مفید برای همه است و امری الزامی و اجتناب ناپذیر می‌نماید. این، جریانی است بسیار عظیم با هجمه‌ای بسیار وسیع. جهانی شدن، دوره تازه‌ای در تمدن رایج کنونی و حاکم بر جهان است که بر اثر انقلاب‌ها و تحولات در عرصه اطلاعات و ارتباطات پیش آمده است. نویسندگان و اندیشمندان، پاره‌ای از ویژگی‌ها و نشانه‌های «جهانی شدن» را برشمرده‌اند. دیوید هلد چهار ویژگی اصلی این

جریان را به شرح ذیل مورد تأکید قرار می‌دهد:

- افزایش جریان‌ها و شبکه‌های ارتباطی؛

- نفوذپذیری متقابل؛

- گسترش روابط اجتماعی ملت‌ها؛

- رشد ابزارهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی.

در یک نگاه، «جهانی شدن» به معنای «قلمروزدایی» توصیف شده است.<sup>۱</sup> بر اساس بیان مزبور، می‌توان گفت: «جهانی شدن» در بردارنده سه ویژگی اساسی است:

- فشرده شدن زمان و مکان و افزایش حجم و سرعت اطلاعات؛

- جریان آزاد و غیرقابل کنترل مبادله اطلاعات و تغییر ساختارهای ملی و بومی، در بعد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی؛

- تشدید روابط و وابستگی متقابل و کنش‌پذیری جوامع و تغییر هویت.

در بیانی دیگر، جهانی شدن دارای شاخصه‌های مهمی است که ما را در شناخت بهتر آن یاری می‌کند:

- افزایش ارتباطات متقابل: جهانی شدن، وابستگی شدید در حوزه ارتباطات و افزایش پیوندها و تعاملات اجتماعی در دل شبکه‌های جهانی را موجب می‌گردد که حاصل این فرایند، کوچک شدن جهان و تحقق دیدگاه «دهکده جهانی» است.<sup>۲</sup>

- تشدید و تقویت آگاهی: پیشرفت فناوری موجب تشدید و تسریع روزافزون انواع ارتباطات و مبادله اطلاعات فرهنگی و علمی شده و نتیجه آن تشدید آگاهی و انباشت اطلاعات است.

- سرعت فزاینده و گسترده ارتباطات و مبادله اطلاعات: این مقوله از بارزترین و آشکارترین ویژگی جهانی شدن است.

- کلیت و گستره تأثیرات: حوادث در یک بخش از جهان، بر سراسر دنیا تأثیر و در

۱. یان، آرت. شولت، نگاهی موشکافانه به پدیده جهانی شدن، ص ۱۷۲.

۲. علی عادل، عبدالحمید، «جهانی شدن و آثار آن بر کشورهای جهان سوم»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۱۱ و ۱۲، ص ۱۶۳-۱۷۸.

سراسر دنیا انعکاس دارد. تحولات جدید در زمینه فناوری ارتباطات و گسترش انواع رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، مانند رایانه‌ها، شبکه پیچیده اینترنت و ماهواره‌ها موجب شده‌اند انسان‌ها در هر نقطه جهان، در معرض هجوم انواع آسیب‌ها و اطلاعات سازمان‌دهی شده و غیر سازمان‌دهی شده قرار بگیرند.

- چند بعدی و پیچیدگی: جهانی شدن دارای ابعاد گوناگون فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تربیتی، علمی و فنی است و نظیر هر پدیده نوظهور دیگر، ترکیبی از «تهدید» و «فرصت» است. یکی از پیامدهای این جریان، همگرایی در عرصه جهانی و مواجه شدن همه ملت‌ها با ریسک‌های مشترک و شبکه تقدیر مشترک است. شتاب و تراکم ارتباطات و تسهیل انواع مبادلات، این امکان را به وجود آورده است که پیامدهای بسیاری از اقدامات خود را به خارج از مرزها منتقل کنیم.<sup>۱</sup>

چند ویژگی مهم جهانی شدن:

### ۱. فرهنگ جهانی واحد

عده‌ای بر این عقیده‌اند که هنجارها، با تحقق جهانی شدن، و ارزش‌های تقریباً یکسانی، بر جوامع حاکم خواهد شد (البته با حفظ برخی از سنت‌ها و ارزش‌های محلی و منطقه‌ای)، و مردم جهان، تابع فرهنگ واحد، برتر و غالب خواهند شد و هویت و ماهیت خود را بر آن اساس تبیین خواهند کرد. در سطح فرهنگی، باید از ظهور «جامعه مدنی جهانی» سخن گفت. رابرتسون می‌نویسد:

فرهنگ در نظریه نظام جهانی، به ملاحظه مهمی تبدیل شده است. در واقع، ما به نقطه‌ای نزدیک می‌شویم که توجه به فرهنگ، وجهی از نظریه پردازی در قالب نظریه نظام جهان تبدیل می‌شود. عرصه جهانی در کل، نظام اجتماعی - فرهنگی است که از درهم فشرده شدن فرهنگ‌های تمدنی، جوامع ملی، جنبش‌ها و سازمان‌های درون ملی و میان ملی، خرده جوامع و گروه‌های قومی، شبه گروه‌های درون جامعه‌ای و... ناشی شده است. به موازات پیشرفت عمومی جهانی شدن، فشارهای متزایدی بر این واحدها وارد می‌شود تا هویت خود را در رابطه با شرایط

۱. یورگن هابرماس، جهانی‌شدن و آینده دموکراسی، منظومه سیاسی، ص ۸۷.

جهانی - بشری تعریف کنند.<sup>۱</sup>

البته تاکنون چیزی روی نداده و احتمال وقوع آن - با وجود آداب، رسوم، سنت‌ها، فرهنگ و هنجارهای گوناگون - در آینده نیز ضعیف است؛ اما به هر حال، ایده‌ها و افکار عده‌ای از سیاستمداران و کارگزاران جهانی شدن، بدین سمت پیش می‌رود و فعالیت رسانه‌های ارتباط جمعی و مطبوعات، در این زمینه تمرکز یافته است.

## ۲. ایدئولوژی واحد جهانی

برخی از نظریه پردازان غربی، اعتقاد دارند که به زودی لیبرالیسم غربی، سلطه خود را بر سراسر زمین تثبیت خواهد کرد و مردم جهان از مزایا و محاسن دموکراسی غربی بهره مند خواهند شد! فوکویاما اصلی‌ترین نظریه پرداز این موضوع است. او می‌نویسد:

اندیشه لیبرال می‌رود تا در پهنه کره زمین از نظر روانی، به طور واقعی تحقق یابد. در میدان ایدئولوژی و نبرد اندیشه‌ها، لیبرالیسم پیروز گردیده و هیچ رقیب و هم‌وردی در برابر خود ندارد.

پیروزی اندیشه در فرهنگ لیبرال - دموکراسی به معنای آن است که زمینه منازعه تاریخ ساز از میان رفته و به عبارت فوکویاما، تاریخ به اتمام رسیده است: محتملا آن چه ما شاهد آن هستیم، نه فقط پایان جنگ سرد، بلکه پایان تاریخ است؛ نقطه پایان تحول ایدئولوژی و تئوری "برخورد تمدن‌ها" و جهانی شدن دموکراسی غربی، به عنوان شکل نهایی حکومت.<sup>۲</sup>

این نظریه امروزه، پایه و اساس آمریکایی سازی جهان قرار گرفته است؛ چنان که خود وی می‌گوید:

به نظر من جهانی شدن، همان آمریکایی شدن است؛ چرا که امریکا از برخی جهات، پیشرفته‌ترین کشور سرمایه داری در جهان امروز است و همین طور نهادهای آن، نمایانگر پیشرفت و توسعه منطقی نیروهای بازار است... قطعا آمریکایی شدن با جهانی شدن یکی است.<sup>۳</sup>

۱. کارگر، رحیم، «جهانی شدن و حکومت جهانی امام مهدی»، انتظار موعود، شماره ۶.

۲. سلیمی، حسین، فرهنگ گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر، ص ۱۲۹.

۳. روزنامه جام جم، شماره ۶۹۳، ص ۸.

از طرف دیگر، اکنون شاهد حرکت جهان شمول ارزش‌ها و نهادهای سیاسی - اجتماعی غربی، در تمام جهان و تحت پرچم «جهانی شدن» هستیم که در واقع، از طریق آن، زمینه سلطه کامل کشورهای غربی بر جهان فراهم می‌آید (غربی سازی). مانع عمده و اصلی این حرکت، بیداری و روشنفکری مسلمانان و رشد و بالندگی جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی است که روزبه‌روز فراگیر می‌شود و لیبرالیسم غربی را به چالش اساسی می‌کشد. همچنین با ارائه نظریه «مردم سالاری دینی» از سوی ایران، انحصار و یکه تازی نظریات غربی، زیر سؤال رفته است. بر این اساس، احتمال استقرار ایدئولوژی واحد جهانی، مشکل به نظر می‌رسد و در صورت تفوق احتمالی آن، جهان به چالش‌ها و گسست‌هایی عظیم دچار خواهد شد.

### ۳. ارتباطات جهانی

یکی از ویژگی‌های این پدیده، «گسترش اطلاعات و ارتباطات جهانی» در عرصه رسانه‌ها، ماهواره، تلفن و اینترنت است که نکات مثبت و منفی زیادی در آن وجود دارد و طلایه‌دار اصلی «جهانی شدن» به شمار می‌آید. آثار تسریع کننده ارتباطات الکترونیکی و حمل و نقل سریع، تاثیر ساختاری را موجب شده است که مک لوهان آن را «انفجار اطلاعات» می‌نامد. منظور وی از انفجار اطلاعات، این است که از این طریق، تمام جنبه‌های تجارب انسانی، در یک مکان جمع می‌شود و هر انسانی، می‌تواند همزمان، حوادث و مناظری را که بسیار دورتر از وی هستند، احساس و لمس کند. مدارهای الکتریکی، نظام زمان و مکان را در هم می‌نوردد و امور مربوط به سایر افراد را مستمر و همزمان، در معرض دید ما قرار می‌دهد. این پدیده یک بار دیگر گفت‌وگو در مقیاس جهانی را مطرح می‌کند. پیام این گفت و گو، «تغییری تمام عیار» است.<sup>۱</sup>

پیتر بهیر، در مقدمه کتاب خود با عنوان «مذهب و جهانی شدن» می‌گوید: قدرت فن‌آوری، برقراری ارتباط سریع، در فضایی تقریباً نامحدود را امکان پذیر ساخته است. به علاوه رسانه‌های جدید تقریباً در همه نقاط کره زمین، در اختیار کاربران آنها قرار دارند و

۱. مالکوم واترز، جهانی شدن، ص ۵۸.

توان ارتباطات بین المللی به کارکرد واقعی تبدیل گشته است. بنابراین، ما در دوره واقعیت اجتماعی «جهانی شدن» زندگی می کنیم؛ واقعیتی که در آن از موانع پیش از این مؤثر بر ارتباطات، اثری به چشم نمی خورد. به گفته بهیر نتیجه این می شود که مردم، فرهنگ‌ها، جوامع و تمدن هایی که پیش از این کم و بیش از یکدیگر منزوی بودند؛ اکنون در تماس منظم و تقریباً غیر قابل اجتناب قرار گرفته اند.<sup>۱</sup> الان بسیاری از مردم جهان، با استفاده از اینترنت، ماهواره و رسانه های مکتوب، از آخرین و کوچک ترین اخبار و حوادث جهان، با خبر می شوند و در ارتباط مستمر با سراسر جهان هستند. با توجه به این مطلب، «جهانی شدن»، امری حتمی و غیر قابل گریز تلقی می شود و بایسته ها و الزامات خود را می طلبد.

#### ۴. اقتصاد و سرمایه داری جهانی

اولین طلیعه های «جهانی شدن»، در حوزه اقتصاد و سرمایه گذاری، رشد و گسترش یافت و سپس به حوزه های دیگر سرایت کرد. هنوز عده ای «جهانی شدن» را در بعد «اقتصادی» آن می بینند. رایج ترین دیدگاه در این زمینه، از آن اقتصاددانان است که بر پایه همبستگی بیش از پیش اقتصادی و ادغام همه اقتصادهای ملی، مقوله اقتصاد جهان را در اقتصاد واحد و در محدوده بازار سرمایه داری می نگرند.

هاری مگداف می نویسد:

نظریه ای که به طور وسیع مورد قبول قرار گرفته، فرسایش حاکمیت ملی را در کانون های سرمایه داری تصور می کند که باید از قرار معلوم، جای خود را به یک «بین المللی» سرمایه بدهد که قوانین حاکم بر روابط بین المللی را ایجاد کرده، تقویت و استحکام خواهد بخشید.<sup>۲</sup>

جان تاملینسون نیز درگیری دولت ها در اقتصاد جهانی را، نشانه ای از جهانی شدن می داند:

... اکنون جهانی شدن دارد دنیا را به «مکانی واحد» تبدیل می کند. نمونه های بدیهی این امر، درگیر شدن امور اقتصادی دولت های ملی و درآمدن آنها به صورت

۱. ری کیلی و فیل مارولیت، جهانی شدن و جهان سوم، ص ۲۴۱.

۲. هاری مگداف، جهانی شدن با کدام هدف، ص ۷۲.

یک اقتصاد سرمایه داری جهانی، یا تبدیل سریع آثار زیست محیطی صنایع محلی به مسائل جهانی است...<sup>۱</sup>

در این تاسیس گات (GAT) و سازمان تجارت جهانی، مهم‌ترین گام در به وجود آمدن اقتصاد و سرمایه‌داری جهانی است. در هر حال، ترویج گران این دیدگاه، پیروزی قطعی نظام‌های سرمایه‌داری غربی را می‌ستایند و مدعی‌اند که بازیگران آزاد، بر مهندسان اجتماعی چیره شده‌اند. بر این اساس، اقتصاد و سرمایه‌داری جهانی و شبکه ارتباطات بین‌المللی در حال حاضر، دو رکن پیش‌قراول در عرصه «جهانی شدن» به شمار می‌آید. یکی دیگر از ویژگی‌های اقتصادی این پدیده، ظهور شرکت‌های عظیم و غول پیکری است که در اقتصادهای ملی سراسر جهان فعالیت کرده، بر این اقتصادها تاثیر می‌گذارند. امروزه در سطح جهان، گروه‌های بسیاری بر این باورند که «جهانی شدن اقتصاد»، از سلطه بلامنازع شرکت‌های بزرگ بین‌المللی و شرکت‌های چند ملیتی بر بازارهای جهان معنایی فراتر ندارد. تا اوایل دهه ۱۹۹۰، حدود ۳۷ هزار شرکت فراملیتی وجود داشت که بر بیش از ۲۰۰ هزار شرکت وابسته خارجی، در کشورهای مختلف جهان، کنترل داشته و بیش از ۴/۸ تریلیون دلار، کالا به فروش رساندند. جمع فروش ۳۵۰ شرکت غول پیکر جهان، با قریب یک سوم جمع تولید ناخالص ملی پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه داری دنیا، برابری می‌کرد...<sup>۲</sup>

##### ۵. سیاست و تضعیف دولت‌های ملی

علاوه بر اقتصاد، بحث‌های گسترده‌ای درباره جهانی شدن «سیاست» وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها، تضعیف موقعیت نهادهای دولتی و تقویت سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی است. بر این اساس، دولت‌ها و سیاستمداران، در فرآیندی بین‌المللی و جهانی، تعامل می‌کنند و تصمیم‌گیری و فعالیت جمعی دارند.

جهانی شدن، بزرگ‌ترین تهدید برای الگوی دولت - محور است. ... در نتیجه این فرایند، توانایی دولت‌های ملی در اتخاذ اقدامات مستقل در اجرای سیاست‌های خود

۱. جان تاملینسون، جهانی شدن و فرهنگ، ص ۲۵.

۲. همان، ص ۲۹.

محدود شده، کنترل آنها بر کالاها - تکنولوژی و اطلاعات کاهش می‌یابد و حتی اختیار آنها در تبیین قواعد و قانون گذاری، در محدوده سرزمین ملی تنزل پیدا کرده است.<sup>۱</sup>

از لحاظ سیاسی، با ظهور و گسترش اختیارات نهادهای سیاسی جهانی، در حوزه قدرت و حاکمیت دولت‌های ملی و ماهیت نظام بین‌المللی، تحولات چشمگیری رخ نموده است. سازمان ملل متحد و سایر نهادهای جهانی، از جمله مهم‌ترین بازیگران سیاسی در سطح بین‌المللی هستند که قدرت تصمیم‌گیری در سطح جهانی دارند. دیگر دولت‌های ملی، به‌خودی‌خود، نمی‌توانند حریفی برای برخورد با چنین مسائلی حیاتی جهانی باشند؛ در نتیجه استقلال عمل سازمان‌های بین‌المللی در حوزه تصمیم‌گیری، رو به افزایش بوده است.

در تحلیلی دیگر، پدیده‌ای که امروز از آن به عنوان «جهانی‌سازی» تعبیر می‌شود، چیزی نیست جز تلاشی هماهنگ، برنامه‌ریزی شده، مقتدرانه و همه‌جانبه برای تشکیل «حکومت واحد جهانی» و سیطره قدرتمندانه به چهار سوی عالم؛ به نحوی که همه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها، کشورها و جوامع بشری تحت سلطه این حکومت باشند و از آیین، قوانین و دستورات آن فرمان برند. این مسئله عمدتاً از سوی قدرت‌های بزرگ جهان، به خصوص ایالات متحده مطرح شده و امری خطرناک است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید:

نظم نوینی که آمریکا در پی آن است، متضمن تحقیر ملت‌ها و به معنای امپراتوری بزرگی است که در راس آن آمریکا و پس از آن قدرت‌های غربی قرار دارند...<sup>۲</sup>

## ۶. جهانی‌شدن مذهب

یکی از مباحث مهمی که نباید از آن چشم‌پوشید، ارتباط میان «جهانی‌شدن» و «مذهب»، گسترش گرایش عمومی به دین در عصر حاضر و فعالیت و تحرک پر دامنه ادیان آسمانی است. ایده «جهان شمولی» نخستین بار از سوی «دین» ارائه شده است.

۱. کنت نش، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، با جهانی‌شدن سیاست و قدرت، ص ۱۰ (مقدمه).

۲. فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۲۵، ص ۱۰۶ و ۱۰۷.

تمامی ادیان بزرگ، مردم را برای تشکیل «ملت واحد»؛ و به تعبیر دینی «امت» دعوت کرده اند. رابرتسون می‌نویسد:

ایده این که جهان به صورت جامعه ای واحد درآید و یا حداقل بالقوه این چنین شود، تاریخی طولانی داشته که در آن سخن از «بهشت جهان شمول» بر روی زمین و یا پادشاهی خداوند بر روی زمین گفته شده است. در برخی از جنبش‌های جدید مذهبی نیز برای دستیابی به سازمان‌های جهان شمول مذهبی، گام‌هایی مشخص برداشته شده است.<sup>۱</sup>

در فرایند «جهانی شدن»، مذاهب و ادیان جایگاه خاصی دارند و در عین حال که اقتصاد و فرهنگ غربی، یکه تاز عرصه «جهانی کردن» است؛ به هیچ عنوان، نمی‌توان از قدرت و فراگیری «مذهب» غافل شد و آن را نادیده گرفت. بافت جهانی، بافتی است که ابزار جهان بینی‌ها را ترغیب می‌کند و حتی مورد تاکید قرار می‌دهد و جست و جو برای اصول بنیادین را افزایش می‌بخشد.

از نظر ما، دین اسلام، به عنوان کامل‌ترین دین، به بهترین گونه می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای جهان و از بین برنده کاستی‌ها و مشکلات باشد؛ هر چند واترز می‌گوید:

طی قرون متمادی، مذاهب بزرگ جهان، یعنی اسلام، مسیحیت، بودائیسیم و هندوئیسم، مجموعه ای از ارزش‌های خاص ... به پیروان خود، عرضه داشته اند که هم از اقتصاد و هم از حکومت، در مرتبت‌های بالاتر قرار گرفته ... این مذاهب، به خصوص مفهومی جهان گرایانه از رسالت بودند.<sup>۲</sup>

با وجود این گفته واترز، روشن است که دین اسلام از جایگاه و موقعیت ویژه و پیشتازی در عرصه جهانی برخوردار بوده و در گفتمان‌های رایج جهانی، می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. برخی از نویسندگان، رابرتسون، رستاخیز اسلام‌گرایی را، به عنوان نیروی جهانی و در عین حال غرب ستیز، شناسایی کرده اند.

۱. فرهنگ‌گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر، ص ۱۸۶.

۲. جهانی شدن و جهان سوم، ص ۲۴۲.

### پرسش‌های این درس

۱. مهم ترین عوامل و ایجاد کنندگان جهانی شدن در سطح فرهنگ را بنویسید.
۲. بعد سیاسی جهانی شدن را توضیح دهید.
۳. جهانی شدن به معنای قلمرو زدایی شده، دارای چند ویژگی است؟ توضیح دهید.
۴. ارتباطات جهاد فرآیند جهانی شدن را توضیح دهید.
۵. جهانی شدن مذهب به چه معناست؟

## فصل پنجم:

مهدویت و جهانی شدن

درس اول:

## جهانی شدن در اندیشه مهدویت

آموزه‌های این درس

۱. مهدویت و جهانی شدن؛
۲. عناصر جهانی شدن مهدویت؛
۳. ویژگی‌های بارز حکومت جهانی امام مهدی عج؛

## مقدمه

منتهی شدن سیر جوامع جهان به جامعه ای واحد و تحقق سعادت عمومی، امنیت و رفاه، تعاون و همکاری، همبستگی همگانی حکومت حق و عدل جهانی، غلبه حق بر باطل، غلبه جنودالله بر جنود شیطان نجات مستضعفان و نابودی مستکبران، و خلافت مؤمنان و شایستگان به رهبری یک رجل و ابرمرد الهی و موعود انبیا و ادیان ( امام مهدی)؛ آموزه هایی است که تحت عنوان «اندیشه مهدویت» مطرح می شود.

اعتقاد به «مهدویت»، یعنی اعتقاد به «مصلح موعود» برای رستگاری انسان معاصر و نجات او از همه ظلمها، بی عدالتیها، فقرها، رنجها و جهلها. اعتقاد به مهدویت؛ یعنی امید به آینده ای روشن و جهانی سرسبز و پر از پاکی و نشاط؛ یعنی نجات انسانها از شر نیروهای شیطانی و مستکبر، یعنی پیروزی و به حاکمیت رسیدن مستضعفان در برابر مستکبران جهان؛ یعنی یک پارچگی جهان و یکدستی همه انسانها؛ یعنی طرح حکومت جهانی صالحان به رهبری انسانی معصوم؛ یعنی رسیدن به آرمان شهر مطلوب انسانها. اعتقاد به مهدویت، یعنی نظریه شیعه برای آینده جهان و جهان آینده، یعنی تنها راه فراروی انسان معاصر، برای خروج از همه بن بستها و مشکلات و یگانه کشتی نجات انسان در برابر امواج توفنده و غرقابهای سخت آخرالزمان. بر این اساس، لازم است ابعاد مختلف این اندیشه با سابقه جهانی، تبیین و بررسی گردد.

بشر از ابتدای آفریده شدن و زندگی بر زمین، پیوسته در آروزی نوعی زندگی اجتماعی سعادت بخش بوده و به امید رسیدن به چنین روزی قدم برداشته است. اگر این خواسته تحقق امکان نداشت، هرگز چنین آرزو و امید در نهاد وی نقش نمی بست؛ همان طور که

اگر غذایی نبود، گرسنگی نبود و اگر آبی نبود، تشنگی نبود. بر این اساس، باید عطش مردم را نسبت به این مقوله مهم برطرف کرد و با طرح جهانی اندیشه «مهدویت» آنان را با مباحثی چون امیدواری به آینده‌ای روشن، رهایی واقعی بشر سرخورده و ستم دیده و... بیشتر آشنا کرد.

امروزه فضای جهانی برای طرح جهانی «اندیشه سترگ مهدویت» تا حد زیادی مساعد گردیده است و شیعه می‌تواند با تکیه بر این پایگاه تئوری ساز و با استفاده از توان فوق العاده وسایل ارتباطی روز، ابعاد سعادت آفرین اندیشه مشرقی «مهدویت» را برای انسان‌های بی‌شمار تشنه عدالت، عرضه کند و افکار جهانی را تسخیر و مجذوب این اندیشه فطری و الهی خود سازد؛ زیرا اندیشه «مهدویت» از نظر برد تبلیغاتی در مقایسه با سایر تئوری‌های مطرح، با توجه به اهداف آرمانی آن، بیشترین جذب و کشش را دارا می‌باشد.

### عناصر جهانی شدن مهدویت

عناصر جهانی شدن مهدویت بر اساس اخبار و روایات منابع اسلامی عبارتند از:

۱. حکومت واحد و فراگیر جهانی؛
۲. ملت واحد جهانی؛
۳. دین واحد جهانی؛
۴. عدالت، رفاه، علم و پیشرفت جهانی؛
۵. سرنوشت مشترک بشر و غایت تاریخ.

تصاویری که در تعاریف جهانی شدن ارائه گشته، به سیاق و روند روایات در زمینه انقلاب مهدوی بسیار نزدیک است و به نوعی هم‌افزایی و هم‌پوشانی غیرقابل خدشه‌ای بین این دو را نشان می‌دهد. در کنار این تعابیر و تعاریف، ویژگی‌های روند جهانی شدن هم با زمینه‌سازی‌های بیان شده در روایات اسلامی برای ورود به عصر ظهور و آگاهی و تعلق خاطر جهانی به حکومتی واحد و مورد توافق جهانیان شباهت زیادی نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، منطقی حاکم بر روند کنونی جهانی شدن، با روند تاریخی وعده داده شده، برای ورود به عصر ظهور مهدی موعود انطباق دارد. به طور مثال، عوامل زیر از

ویژگی‌های جهانی شدن عنوان شده‌اند که این عوامل می‌توانند در درک و فهم حکومت جهانی حضرت مهدی عج هم نقش داشته باشند:

۱. نزدیک شدن سرنوشت مشترک مردم در ابعاد جهانی به همدیگر؛
  ۲. کم رنگ شدن نقش دولت‌ها و مرزهای سیاسی در تحولات و رخدادها و ارتباطات؛
  ۳. احساس خطر مشترک همه جهانیان نسبت به پدیده‌های مشترک؛
  ۴. جهانی شدن روابط اجتماعی با تراکم بسیار زیاد؛
  ۵. ادیان، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به آسانی مبادله پیام می‌کنند. به عبارت دیگر، پیام‌های مشترک و قابل فهم به سرعت مبادله و باعث واکنش مشترک جهانی می‌گردد؛
  ۶. ابزار ارتباطی در سطح جهان ورای خواست و اراده دولت‌ها، مانند شبکه‌های ماهواره‌ای صوتی و تصویری، فضای گسترده مجازی به‌ویژه اینترنت وسعت یافته، بر تقویت روابط اجتماعی در سطح جهانی تأثیر مستقیم گذاشته‌اند؛
  ۷. رشد، ادغام و همگون‌سازی در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، به نحوی چشمگیر در عرصه جهانی رو به گسترش است؛ چنان‌که زمینه‌های فهم مشترک جامعه مشترک جهانی را تسهیل و قابل دسترس کرده است.<sup>۱</sup>
- از سویی، تحقق آن‌چه در منابع اسلامی راجع به انقلاب جهانی مهدوی آمده است نیز، مستلزم روندی است که طی آن مردم جهان فارغ از ابعاد محلی، ملی و منطقه‌ای آماده پذیرش نظمی واحد در مقیاس جهانی باشند. چنین پدیده‌ای از نگاه شهید مطهری، از قبیل رسیدن میوه بر شاخه درخت است، نه انفجار در دیگ بخار و مانند آن. لذا از نظر ایشان، اصلاحات تدریجی، به نوبه خود، آهنگ حرکت تاریخ را به نفع اهل حق تند می‌کند؛<sup>۲</sup> چه آن‌که در پرتو این رشد فرهنگی و عقلی، بشر بر گرایش‌ها و تعصبات ناسیونالیستی در ابعاد نژادی، ملی و قومی و فرهنگی پیروز خواهد شد و چنین رشدی نیازمند عناصری است که نشانه‌ها و ویژگی‌های آن در روند جهانی شدن آغاز شده و به

۱. گودرزی، «مهدویت و روند هویت‌یابی جهانی»، مجموعه مقالات مهدویت و آینده پژوهی، ص ۲۳۰-۲۳۵.

۲. مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۴۷.

ظهور رسیده است.

از سویی، روند جهانی شدن و ابزار و فن‌آوری‌های نوین، امکان فهم موضوع فرج و انقلاب جهانی حضرت مهدی را آسان‌تر ساخته‌اند. اموری که در گذشته تنها در پرتو معجزه امکان‌پذیر می‌نمود، امروز، به‌آسانی مشاهده می‌شوند. به‌طور مثال، روایاتی که بیان می‌کرد: چون قائم ما قیام کند، بین او و مردم مانعی نیست؛ به‌گونه‌ای که وقتی امام با آنها سخن می‌گوید، آنها می‌شنوند و او را می‌بینند و امام در جایگاه خود قرار دارد؛ یا آن‌جا که معصوم علیه السلام می‌فرماید:

در زمان قائم ما، شخص مؤمن، در حالی که در شرق به سر می‌برد، برادر خود را که در مغرب است، می‌بیند و آن نیز که در مغرب است، برادر خود را در مشرق خواهد دید.<sup>۱</sup>

این سخنان که زمانی تنها در پرتو ایمان به غیب و اعتقاد به کلام معصوم قابل پذیرش بود؛ اکنون در پرتو رسانه‌های صوتی و تصویری به راحتی پذیرفته می‌شود و مردم شرق و غرب جهان، ظرف چند ثانیه، به تحولات و مشاهده رخداد‌های همدیگر آگاه شده، به مشاهده همدیگر می‌نشینند و نسبت به سرنوشت یکدیگر واکنش نشان می‌دهند.

همچنین پذیرش حکومت واحد جهانی به کمک روابط اجتماعی و احساس همدردی و مشارکت‌پذیری جهانی، هم آسان‌تر و هم قابل فهم‌تر شده است. بالاتر از آن، در پرتو جهانی شدن و رنگ باختن مکاتب نظری برآمده از مدرنیته، بازگشت به پیام‌های دینی و احساس نیاز به یک مکتب فراگیر جهانی که خواست جامعه بشری را به رغم همه مظاهر متفاوت آنها تأمین کند، به تدریج چهره نموده است. این ضرورت، آن‌گاه بیش‌تر از پیش احساس خواهد شد که موج ناامیدی به آینده، در نظریه‌هایی چون پایان تاریخ و سیاه‌نمایی نسبت به آینده بشر و تحولات آن در نظریه‌های جامعه‌شناسان به «گفتمان مسلط» مبدل شود. از سوی دیگر، موج گرایش به کارکرد و نقش دین در عرصه تحولات جهانی در مطالعات و پژوهش‌های دینی در مراکز مطالعات فرهنگی اجتماعی جهانی هم قابل مشاهده است؛ چنان‌که نتایج مطالعه میدانی از مراکز مطالعات فرهنگی - اجتماعی در پنج

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

قاره جهانی نشان می‌دهد که در میان ۱۶ موضوع مطالعاتی این مراکز، مطالعات دین‌پژوهی با فاصله بسیار کم پس از مطالعات جامعه‌شناختی در صدر قرار داشته است (۱۴/۳ درصد مطالعات دینی، ۱۵/۱ درصد مطالعات جامعه‌شناختی). در باب مطالعات جامعه‌شناختی نیز برخی صاحب‌نظران اصلی‌ترین و قوی‌ترین حوزه مطالعاتی جامعه‌شناسی غرب را در حال حاضر مسایل مربوط به دین می‌دانند و لذا مطالعات دینی جایگاه اول را که مربوط به حوزه اقتصاد بوده، گرفته است.<sup>۱</sup>

علاوه بر مطالعات آکادمیک، روند عمومی جوامع نشان می‌دهد مدل‌های ارائه شده در عصر حاضر، یکی پس از دیگری ناکارآمدی خود را در عمل نشان می‌دهند و بشر به تدریج از روند از خودبیگانگی و پوچ‌گرایی ترویج‌شده در مکاتب سکولاریسم، و اومانیسم و لیبرالیسم مبتنی بر نظام سرمایه‌داری غربی آگاهی یافته است. نهضت‌های فراگیری بازگشت به معنویت و پیام دینی در جهان، شاهدهی بر این مدعاست. این امور، آشکارا منطق و همخوان با این دسته از روایات صادر از معصوم است که می‌گوید: امر ظهور حضرت مهدی واقع نمی‌شود، مگر پس از آن که هر طبقه‌ای به حکومت برسد و دیگر طبقه‌ای بر روی کره زمین نباشد که حکومت نکرده باشد؛ تا دیگر کسی نتواند ادعا کند که اگر زمام امور به دست ما بود عدالت را محقق می‌کردیم. آن‌گاه حضرت مهدی قیام کرده، جهان را پر از عدالت می‌کند.

به علاوه هیچ یک از مدل‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظام‌های اجتماعی رایج در جهان داعیه جهانی ندارند، بلکه در مقاطعی از تاریخ، برای بخش‌هایی از مناطق مختلف جهان ارائه شده است. بنابراین، در پرتو جهانی شدن، به تدریج ادیان الهی که پیام و رسالت عام جهانی مبتنی بر فطرت و سرشت عام انسانی داشته و از سوی خالق هستی تنظیم شده‌اند؛ قابلیت طرح در اندازه‌های جهانی خواهند یافت. در این میان مکتب و نظریه ارائه شده از مهدویت شیعی، بیش‌ترین تجانس و همخوانی با نیازها و روند آغاز شده در جهانی‌سازی را برای جهانیان ارائه کرده است.

۱. آزاد ارمکی، تقی، «جستاری نظری بر امکان طرح جامعه‌شناسی دینی»، فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی، پیش شماره اول.

## ویژگی‌های حکومت جهانی مهدوی

### ۱. حاکمیت خداوند سبحان

حاکمیت بر جهان هستی تنها از آن خداست. در واقع، اراده الهی بر سراسر گیتی، حاکم و ادامه هستی به مدد و فیض او وابسته است. به بیان دیگر، جهان و تمامی ارکان و عناصرش در دست قدرت لایزال الهی قرار دارند و هموست که انسان را بر سرنوشت خویش حاکم کرده و اداره جامعه بشری را به وی سپرده است؛ یعنی خداوند سبحان حاکمیت خویش را در تدبیر جامعه به انسان واگذاشته که آن نیز تجلی اراده خداست. در حقیقت، حاکمیت خدا بر روی زمین، به دست رهبر برگزیده الهی صورت می‌گیرد که خود او نیز از سوی امت به جایگاه و منصب رهبری دست یافته است. در چنین نظامی، عقلانیت، معنویت و عدالت، جامعه را به جهانی در مسیر کمال تبدیل می‌کند.

### ۲. امامت و رهبری

مهم‌ترین ویژگی «امامت» و «رهبری» در ساختار نظام جهانی اسلام، «برگزیده الهی» بودن است. علی بن ابی طالب علیه السلام در این باره می‌فرماید:

وَ خَلَّفَ فِيكُمْ مَا خَلَّفَتِ الْأَنْبِيَاءُ فِي أُمَّهَاتِهِمْ، إِذْ لَمْ يَتْرُكُوهُمْ هَمَلًا، بَغَيْرِ طَرِيقٍ وَاضِحٍ، وَ لَا عِلْمٍ قَائِمٍ؛<sup>۱</sup>

او نیز چون پیامبران است؛ در بین امت‌های‌شان برای شما میراثی گذاشت، زیرا ایشان امت خود را وا نگذارند؛ مگر به رهنمون راهی روشن و نشانه ای معین.

به‌علاوه، امامت و رهبری از ویژگی‌های دیگری برخوردار است؛ از جمله مرکزیت وحدت و یکپارچگی، زعامت معنوی و سیاسی، اساس و پایه فعالیت‌های بشری، هسته مرکزی نظم اجتماعی، مشروعیت بیعت مردمی و اسوه فردی و جمعی.<sup>۲</sup>

همچنین رهبری و امامت در نظام جهانی اسلام، محور و قطب ایدئولوژیک به شمار

۱. نهج البلاغه (صبحی صالح)، خطبه ۱، ص ۴۴.

۲. شیرودی، مرتضی، «جهانی سازی اسلام و آینده بشریت»، معرفت، شماره ۷۹، ص ۱۱۳-۱۱۴.

می‌رود؛ همان گونه که حضرت علی علیه السلام فرمود:

أَمَّا وَاللَّهِ لَقَدْ تَقَمَّصَهَا ابْنُ أَبِي قُحَافَةَ وَ إِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى، يَنْحَدِرُ  
عَنِّي السَّيْلُ، وَ لَا يَرْقَى إِلَيَّ الطَّيْرُ.<sup>۱</sup>

### ۳. قانون واحد و دین واحد

حدیث «ثقلین» گویای آن است که راز دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی، پیروی از «قانون خوب» (کتاب الله) و «مجری خوب» (اهل البیت) است. اگرچه جامعه بشری از نقصان قانون رنج می‌برد؛ رنج فقدان مجریان صالح همواره عمیق‌تر بوده است. در تهیه قانونی که در جامعه جهانی اسلام حاکمیت می‌یابد، «عقل»، که به ترسیم حدود و تعیین همه جانبه مسائل انسان قادر نیست؛ دخالتی ندارد. این قانون، قانون شرع است که از سوی خداوند آگاه به همه نیازهای انسان نازل شده و از این رو، همه جانبه بوده و با فطرت انسان‌ها کاملاً سازگار است. در دوره تحقق حکومت جهانی اسلام، قانون تمام و کمال اسلام یا درحقیقت، نظام حقوقی اسلام به اجرا در می‌آید که همه در برابر آن یکسانند و برای هر شخصی به اندازه توان و استعداد، حقوق و وظایفی تعیین شده است.

«دین واحد جهانی»، وعده قرآن کریم است؛ چنان که قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا؛ اوست که پیامبر خویش را به هدایت و دین حق را فرستاد تا آن را بر همه دین‌ها پیروز گرداند...﴾. همچنین جهان‌شمولی دین اسلام در آیات قرآن کریم بارها تصریح شده است؛ چنان که در مورد انبیاء می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ ما تو را نفرستادیم، مگر این که برای همه جهانیان رحمت باشی﴾.<sup>۲</sup> یا در سوره اعراف می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ؛ بگو: ای مردم! بی‌گمان من فرستاده خدا به سوی همگی شما هستم؛ همان خدایی که فرمانروای

۱. «آگاه باشید به خدا سوگند که فلان [=بابکر] خلافت را همچون جامه ای بر تن کرد و قطعا می‌دانست که جایگاه من نسبت به حکومت اسلامی آنان چون محور است در رابطه با آسیاب»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱).

۲. انبیاء: ۱۰۷.

آسمان و زمین است»<sup>۱</sup>. در سوره انبیا خداوند وراثت زمین را به صالحان می‌دهد و می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ در زبور بعد از ذکر [تورات] آوردیم: بندگان شایسته‌ام وارث زمین خواهند شد»<sup>۲</sup>.

این نکته نیز جای تأمل و شگفتی دارد که وعده جهانی شدن دین اسلام و حکومت صالحان بر همه جهان در زمانی بیان شده است که اسلام هنوز در حجاز هم تثبیت نشده بود. در روایات اسلامی وعده و موعد استقرار دین واحد جهانی عهد ظهور حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه اعلام شده است؛ چنان که از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

وقتی قائم ما قیام کند، مکانی در روی زمین باقی نمی‌ماند، مگر آن که کلمه طیبه لا اله الا الله و محمد رسول الله در آن جا با صدای بلند گفته می‌شود.

نیز امام علی علیه السلام در باب احیای قرآن و سنت در عصر ظهور می‌فرماید:

چون مهدی ظهور کند، هواپرستی را به خدا پرستی بازگرداند؛ پس از آن که خداپرستی را به هواپرستی باز گردانده باشند و تمام آرا و دیدگاه‌ها را به قرآن بازگرداند؛ پس از آن که قرآن را به آرا و نظریات خویش بازگردانده باشند.

#### ۴. حکومت واحد و فراگیر جهانی

در انقلاب مهدوی و عصر ظهور (بر پایه اخبار منابع اسلامی به واسطه رشد آگاهی‌ها و دوری از تعصبات و گرایش‌های حاشیه‌ای) نظام سیاسی مشروع جهانی موسوم به دولت مهدوی بر پایه اصولی چون قبول حاکمیت خداوند، امامت و رهبری، امت واحد و قانون واحد الهی شکل خواهد گرفت. دولت مهدوی در منابع اسلامی با نام‌هایی چون: «دولت جهانی»، «دولت کریمه»، «دولت صالحان»، «دولت حق»، «دولت امنیت»، «دولت رفاه»، «دولت عدالت»، «آخرین دولت»، و «دولت مستضعفان» و... معرفی شده است.<sup>۳</sup>

این دولت جهانی، رکن شکل‌گیری جهانی شدن واقعی در عرصه جهانی در عصر ظهور و

۱. اعراف: ۱۵۸.

۲. انبیاء: ۱۰۵.

۳. عاشوری، ذبیح الله و شهرام‌فر، جعفر، «دولت مهدویت، راهبردها و کارکردها»، (مقاله ارائه شده دبیرخانه همایش بین‌المللی ایران فرهنگی) ۱۳۸۷، ص ۲ و ۳.

یکی از عناصر اصلی هویت‌یابی جهانی در عصر انتظار است.

### ۵. امت واحد جهانی

انسان‌ها در نظام جهانی اسلام، در دوران بلوغ و شکوفایی عقلی و معنوی قرار دارند؛ به مرحله والای تعالی رسیده و بالفعل از ارزش‌های واقعی انسانی برخوردارند. جامعه جهانی اسلامی، جامعه‌ای همگون و متکامل است و در آن، استعدادها و ارزش‌های انسانی شکوفا می‌گردند، نیازهای اساسی فطری برآورده می‌شوند و از همه ابزارها برای تحقق صلح و عدالت بهره می‌گیرند. به این دلایل است که خداوند در قرآن می‌فرماید: **لَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ** و این امت شما امت واحدی است، و من پروردگار شما هستم. پس، از مخالفت فرمان من بپرهیزید.

ملت‌های جهان در عصر ظهور و جهانی شدن مهدوی، به رغم آگاهی بر تفاوت‌های زبانی، نژادی و قومی؛ به واسطه برخورداری از معرفت و آگاهی و احساس سرنوشت مشترک جمعی، از خودرأی‌ها و تعصبات ناسیونالیستی دوری می‌گزینند و لذا ملت و امت واحد جهانی شکل خواهد گرفت. این مهم، در پرتو گسترش روابط اجتماعی، رشد احساس مسئولیت مشترک، آگاهی و فهم مشترک، رشد فوق‌العاده علم و فرهنگ و تمدن تحقق خواهد پذیرفت. در دوره کنونی هم اندیشمندان، جهانی شدن را به گونه‌ای تعریف می‌کنند که تشکیل ملت واحد جهانی نتیجه گریزناپذیر آن در آینده خواهد بود. مروری بر عباراتی که در بیان صاحب‌نظران در تبیین جهانی شدن آمد، گویای این حقیقت است؛ مانند «شکل‌گیری یک جامعه جهانی در عصر جهانی»، «وابستگی متقابل در قلمرو جهانی»، «آگاهی از یکپارچگی جهانی در ابعاد فنی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی»، «کم‌رنگ شدن نقش دولت‌ها و مرزبندی‌های سیاسی»، «اثرگذاری نهادهای فرادولتی بر رأی مردم»، «احساس مسئولیت مشترک جهانیان به همدیگر»، «نزدیک شدن سرنوشت انسان به همدیگر»، «در هم فشردن جهان»، «رشد و تراکم آگاهی جهانیان به همدیگر»، «تجدید شکل‌بندی جغرافیایی جهان»، «فشرده‌گی زمان و مکان و رنگ باختن مرزبندی

های جغرافیایی بر اساس سرزمین‌ها و فاصله ارضی»، «گسترش روابط اجتماعی در مقیاس جهانی»، «تراکم بسیار پیام‌های مبادله شده در سطح جهانی»، «رشد ادغام و همگون‌سازی نهادهای اجتماعی در سطح جهانی».

درنگ و تأملی کوتاه بر عبارات و اصطلاحات مذکور که در تعاریف جهانی شدن از سوی اندیشمندان معاصر به کار رفته است، انسان را متقاعد می‌کند که این روند سرانجام نوعی هویت ملی مشترک برای همه مردم جهان رقم خواهد زد. این روند در منابع اسلامی به شرح و تفصیل کافی با عنوان شکل‌گیری امت واحد و ملت مشترک جهانی در عصر ظهور حضرت مهدی عج هم دیده می‌شود. بنابراین، در ترابط بین هویت‌یابی جهانی مهدویت شیعی در عصر انتظار و جهانی شدن، هم‌افزایی و اشتراک روند آشکاری مشاهده می‌شود. این روند که نتیجه قهری روند کنونی جهانی شدن و وعده تحقق آن در منابع اسلامی در عصر ظهور مهدی موعود است، بخشی از هویت جهانی امت واحد و جهانی شدن مهدوی است.

### ۶. تحقق رفاه، علم و پیشرفت جهانی

آرمان و مدینه فاضله و ایده‌آل همه جهانیان در طول تاریخ، تحقق جامعه‌ای بوده است که در آن عدالت، رفاه، پیشرفت همه‌جانبه و ترقی علمی، به نقطه کمال و اوج متصور خود برسد. مکاتب مختلف، اندیشمندان و فلاسفه بزرگ در زمینه چنین «آرمان‌شهر» قلم زده و راه‌های رسیدن به آن را به زعم و گمان خود ترسیم کرده‌اند. دین اسلام نیز در قالب انقلاب جهانی مهدی موعود، تحقق این خواست و آرمان عمومی را وعده داده است. در این باب، روایات اسلامی به اندازه‌ای متعدد، زیاد و متنوع است که عموماً در خاطره انسان‌ها، انقلاب جهانی حضرت مهدی با عبارت تحقق «عدالت جهانی» گره خورده است. در پرتو این فضای متعالی آرمانی، جامعه‌ای عاری از ظلم، سرشار از رفاه و مبتنی بر معرفت و آگاهی و کمال عقل و علم تحقق خواهد یافت. حرکت به سوی تحقق این آرمان، بخشی از روند هویت‌یابی جهانی عصر انتظار و از عناصر هویت جهانی عصر ظهور به شمار می‌رود.

### ۷. سرنوشت مشترک بشر و غایت تاریخ

«سرنوشت مشترک» از ارکان هویت مشترک جوامع به حساب می‌آید. طبق روایات اسلامی، در عصر ظهور، ملت واحد جهانی در پرتو انقلاب مهدی موعود و جهانی شدن مهدوی سرنوشت مشترکی خواهد داشت. این سرنوشت مشترک ملت‌ها که پایان‌بخش مرزبندی‌های قومی، نژادی، ملی و مذهبی است؛ تداوم می‌یابد و غایت تاریخ نیز در پی آن رقم خواهد خورد. به عبارت دیگر، سرانجام، تاریخ بشر بر اساس تحقق وعده الاهی با ظهور حکومت صالحان، «دین واحد جهانی» و «ملت واحد جهانی» رقم خواهد خورد. در این مرحله عناصر عقل و آگاهی جمعی و دانش و معرفت و معنویت جهانیان کمال می‌یابند. لذا پس از آن، غایت تاریخ و ظهور قیامت و میعاد و معاد انسان‌هاست که از اصول مشترک همه ادیان الاهی است. این پدیده نیز بخشی از مسیر هویت‌یابی جهانی در عصر انتظار و روند جهانی شدن کنونی و هویت جهانی شدن مهدوی در عصر ظهور است. بنابراین، عناصر یاده شده که در منابع علمی هم لازمه شکل‌گیری یک هویت ملی و جامعه‌ای به حساب می‌آیند، در عصر انتظار - چنان که در منابع اسلامی بدان تصریح شده است - سرمایه و دستمایه هویت‌یابی جهانی در آموزه مهدویت به شمار می‌روند. بدیهی است پس از تحقق ظهور، این عناصر همان مؤلفه‌های تثبیت شده هویت جامعه واحد عصر ظهور خواهند بود.<sup>۱</sup>

۱. گودرزی، «مهدویت و روند هویت‌یابی جهانی»، مجموعه مقالات مهدویت و آینده پژوهی، ۱۳۹۳، ص

**پرسش‌های این درس**

۱. بر اساس روایات عناصر اصلی جهانی شدن چیست؟
۲. چه عواملی می‌تواند بر درک و فهم حکومت جهانی مهدوی نقش داشته باشد؟
۳. ویژگی‌های اصلی حکومت جهانی مهدوی را نام ببرید.
۴. قانون واحد در حکومت جهانی مهدوی به چه معناست؟
۵. امت واحد جهانی چگونه در حکومت مهدوی شکل می‌گیرد؟

سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

## سیمای حکومت جهانی حضرت مهدی عج

**آموزه‌های این درس:**

۱. آشنایی با حکومت جهانی امام مهدی عج
۲. تعبیر روایات درباره حکومت جهانی مهدوی عج
۳. ویژگی‌های کلی حکومت جهانی مهدوی عج

## مقدمه

در باب حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام باید گفت، مبنای چنین حکومتی «حق الاهی» است. از این رو، حکومت مهدوی، حکومتی الاهی است. در روایات اسلامی بر این امر تصریح شده است. امامت از منظر شیعی، منصبی الاهی است که توسط خداوند تعیین شده و پیامبر گرامی اسلام، به ابلاغ آن مامور می‌باشد: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾<sup>۱</sup>

عدم ابلاغ آن نیز به معنای عدم اجرای وظیفه رسالت خواهد بود. در قرآن کریم نیز بر این امر تصریح شده است که امامت در آخرالزمان از آن امامان حق باشد: ﴿وَوَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾<sup>۲</sup>. در روایات اسلامی نیز بر الاهی بودن منصب حکومت مهدوی علیه السلام تصریح شده است. در مهم‌ترین روایتی که از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده، آن حضرت بر مبعوث شدن حضرت مهدی علیه السلام از جانب خداوند تصریح کرده است. طبق این حدیث، اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را چنان طولانی خواهد کرد تا فردی از فرزندان آن حضرت از جانب خداوند مبعوث شود و زمین را از عدل و داد پر کند؛ چنان‌که از ظلم و جور پر شده است. این روایت، تأکید بر مأموریت الاهی حضرت مهدی علیه السلام از سوی خداوند را می‌رساند. در بررسی جامع و کامل در روایات و سخنان ائمه معصوم علیهم السلام، به جرات

۱. مائده، ۶۷.

۲. قصص: ۵.

می‌توان گفت که یکی از ویژگی‌های انکارناپذیر حکومت امام مهدی علیه السلام «جهان شمولی» آن است. حکومت آن حضرت، شرق و غرب عالم را فرا می‌گیرد و آبادی‌ای در زمین نیست، مگر این که گلبانگ توحید از آن شنیده می‌شود و نسیم جان نواز عدل و داد، سراسر گیتی را سرشار می‌کند.

امام حسین علیه السلام در این باره فرمود:

منا اثنا عشر مهديا اولهم امير المؤمنين علي بن ابيطالب عليه السلام و آخرهم التاسع من ولدي و هو القائم بالحق يحيى الله تعالى به الارض بعد موتها و يظهر به دين الحق على الدين كله و لو كره المشركون؛<sup>۱</sup> دوازده هدایت‌شده از ماست: اولین آنها علی بن ابیطالب علیه السلام و آخر ایشان نهمین فرزند از فرزندان من است و او قائم به حق است که خداوند به وسیله او زمین را بعد از مردنش حیات می‌بخشد و دین حق را بر تمامی ادیان غلبه می‌دهد؛ اگر چه مشرکان را خوش نیاید.<sup>۲</sup>

در آن دوران به دست آن امام بزرگ، آرمان والای تشکیل جامعه بزرگ بشری و خانواده انسانی تحقق می‌پذیرد و آرزوی دیرینه همه پیامبران و امامان علیهم السلام و مصلحان و انسان دوستان برآورده می‌شود. امام رضا علیه السلام از پدراناش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که خداوند در شب معراج در بخشی از سخنان طولانی‌اش فرمود:

... و لاظهرن الارض باخرهم من اعدائي و لاملکنه مشارق الارض و مغاريها؛<sup>۳</sup> و به‌درستی زمین را به وسیله آخرین آنها، [=ائمه معصوم] از دشمنانم پاک خواهم ساخت و گستره زمین را در فرمانروایی او قرار خواهم داد....

در دوران رهبری امام مهدی علیه السلام با ایجاد مرکز واحد و مدیریت و حاکمیت یگانه الهی برای همه اجتماعات، نژادها و منطقه‌ها، سبب اصلی جنگ و ظلم از بین می‌رود. در روایتی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده است:

الائمة من بعدی اثنا عشر اولهم انت يا علي و آخرهم القائم الذي يفتح الله تعالى ذكره على

۱. صدوق، عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۶۸، ح ۳۶.

۲. همان.

۳. همو، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۶، ح ۴.

یدیه مشارق الارض و مغاربها؛<sup>۱</sup> پیشوایان پس از من دوازده نفرند. اولین آنها تو هستی ای علی! و آخرین آنها قائم است؛ همو که خداوند به دست او مشرق‌ها و مغرب‌ها [=از تمامی کره زمین] را فتح خواهد کرد.

اگر چه امید به آمدن مصلح جهانی در افکار و عقاید تمامی اقوام و ملل ریشه دارد و به گونه‌های متفاوت در همه جا مطرح بوده است؛ در تفکر شیعی، انتظار فرج و حاکمیت آن موعود، روشن و شفاف مطرح است؛ به گونه‌ای که آن امام منتظر و آن منجی نهایی را زنده می‌دانند و اعتقاد دارند روزی به فرمان خداوند خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. از این‌رو، مفهوم «غیبت» و «انتظار فرج» نزد شیعه دوازده امامی مفهومی است متفاوت با دیگر ادیان و مذاهب و مکتب‌ها.

یکی از مفاهیمی که از همان ابتدا در ارتباط با مهدویت و ظهور منجی آخرین پدید آمد و در شمار عقاید دینی بسیاری از شیعیان در آمد، مفهوم «حکومت واحد جهانی» است؛ به این معنا که با ظهور امام غایب، اسلام که تنها دین الاهی و کامل و دارای شریعت جامع است، مقبول همگان خواهد شد و در آن زمان، ستمگران و جباران از مسند قدرت به زیر کشیده خواهند شد و پس از آن، حکومت جهانی اسلام با زعامت و رهبری مستقیم آخرین امام معصوم و عادل بر پا خواهد شد و عدالت بر بنیاد دیانت و اخلاق در مقیاسی جهانی اجرا خواهد گشت.<sup>۲</sup>

در برخی از آیات قرآن به این حاکمیت اشاره شده است. همه آیات مربوط به جهانی بودن دین اسلام، مؤید این معناست. بی‌تردید، زمانی فرا خواهد رسید که «اسلام» تنها دین حاکم بر جهان خواهد بود. جهانی بودن دین اسلام و عدم اختصاص آن به قوم یا منطقه‌ای از مهم‌ترین شاخص‌های این آیین الاهی است و حتی کسانی که به آن ایمان ندارند، می‌دانند که دعوت اسلام، همگانی است. و به منطقه جغرافیایی خاصی محدود نیست.

۱. همان، ۲۲۸۲، ح ۳۵.

۲. سلیمیان، خدامراد، «حکومت حضرت مهدی علیه السلام تنها حکومت واحد جهانی»، نشریه مبلغان، ۱۳۸۲، شماره ۴۵.

افزون بر این، پیامبر اکرم ﷺ به سران کشورها، مانند قیصر روم و پادشاه ایران و فرمانروایان مصر و حبشه و شامات و نیز به رؤسای قبایل مختلف عرب، نامه نوشتند و به سوی آنان پیک ویژه گسیل داشتند و همگان را به پذیرفتن این دین مقدس دعوت کردند و از پیامدهای وخیم کفر و روی گردانی از اسلام، بر حذر داشتند. اگر دین اسلام جهانی نبود، دعوتی چنین عمومی و گسترده انجام نمی‌گرفت و سایر اقوام و امتهای هم برای عدم پذیرش، عذری می‌داشتند.<sup>۱</sup>

مضافاً این که آموزه‌های اسلامی مخاطب خود را «جهانیان» قرار داده است: «أَوْ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»<sup>۲</sup> سیره عملی پیامبر اسلام ﷺ نیز دعوت جهانیان بوده است. ارسال سفیران مخصوص به سوی حاکمان زمان خویش، خود نشانه بارز این امر است. خداوند نیز امت اسلامی را «امت واحد» یاد کرده و تنها دین حق را دین اسلام خوانده است. هرچند در گذشته حکومت فراگیر جهانی اسلام تحقق نیافت.

### حکومت جهانی مهدوی در آینه روایات

در آموزه‌های اسلامی مطرح شده است که در آینده حتماً حکومتی جهانی محقق خواهد شد. تعبیر مختلفی در متون اسلامی وجود دارد که بر این امر تصریح کرده است. نمونه‌ای از این تعبیر را بررسی می‌کنیم:

الف) تعبیر «ارض»: یکی از این تعبیر، «ارض» در قرآن و حدیث می‌باشد. در قرآن کریم، بیش از ۴۰۰ بار از این تعبیر استفاده شده است که همگی بیانگر «کلیت واحد کره خاکی» است. در آیاتی که بر ظهور حضرت مهدی ﷺ و حکومت وی دلالت دارند، نیز از تعبیر ارض استفاده شده است. نمونه بارز آن عبارت است از: «أَوْ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِّنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»<sup>۳</sup> طبق این آیه، صالحان، وارثان «کل زمین» خواهند بود.

۱. مصباح یزدی، آموزش عقاید، ج ۲، ص ۱۱۶.

۲. انبیاء: ۱۰۷.

۳. همان: ۱۰۵.

ب) پیروزی اسلام بر تمام ادیان: یکی از ادله جهانی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام غلبه اسلام بر تمامی ادیان خواهد بود. طبق آیه ۳۳ سوره توبه، خداوند در صدد غلبه بخشیدن دین اسلام بر تمام ادیان دیگر بوده است: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾. این آیه، عیناً در سوره صف تکرار شده است و با تفاوت جزئی در پایان آیه، در آیات پایانی سوره فتح آمده است. براساس این آیه، خداوند، پیامبر خویش را با هدایت و دین حق ارسال کرده است تا آن را بر تمام ادیان غالب کند. بدون تردید، چنین امری تاکنون محقق نشده است و طبق روایات اسلامی، این امر در دولت مهدوی علیه السلام محقق خواهد شد.

ج) خلافت صالحان بر زمین: در سوره نور، خداوند چنین وعده‌ای را مطرح کرده است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾. <sup>۱</sup> طبق این آیه، خداوند وعده داده است مؤمنان دارای عمل صالح را حاکم زمین قرار دهد.

د) پر شدن زمین از عدل و داد: از ادله دینی جهانی بودن حکومت مهدوی، تعبیر «یملأ» در روایات اسلامی است. طبق این روایات، حضرت مهدی علیه السلام زمین را - پس از آن که از ظلم و جور پر شده است - از عدل و داد پر خواهد کرد.

موارد مذکور نمونه‌ای از ادله دینی برای جهانی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام است.

### سیمای حکومت جهانی مهدوی

امام مهدی علیه السلام، آخرین ذخیره الهی است که حکومتش، تجسم آرمان‌های دیرینه بشر و یگانه‌رهایی‌بخش جهان از فساد و تباهی است. چنین حاکمی باید حاکمیتی آرمانی و کامل و برازنده همه افراد شایسته باشد. در ادامه با استناد به آیات و روایات، به ترسیم سیمای حکومت جهانی آن حضرت می‌پردازیم؛ سیمایی که دارای وجوه برتری دولت حقه حضرت مهدی علیه السلام بر دیگر دولت‌هاست:

زیباترین و شاخص‌ترین ویژگی حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام «حقانیت» آن است که حق را زنده و باطل را نابود می‌کند. همین نکته شعار امام مهدی علیه السلام در بدو تولد بود.

حکومت او، «جهانی» است و او حاکم تمام و کمال زمین است. او خیرخواه مردم است و هیچ نعمت و رحمتی را از مردم دریغ نمی‌دارد. توان فکری و عملی و روحیه سیاسی، اخلاقی، اجتماعی او مافوق پیشرفت همه علوم دنیا تا زمان ظهور است که کم‌ترین نقصی در آن راه ندارد. در حکومت او همه کارها با تخصص و دقت انجام می‌شود؛ چون امام عالم است.

حکومت او بر اساس دین اسلام خواهد بود و شعار اسلام؛ یعنی شهادت به «توحید»، «نبوت»، «عدل» و «امامت» در همه جا سر داده خواهد شد. بدین ترتیب، قدرت‌های شرق و غرب، نابود می‌شوند و اسلام بر همه ادیان چیرگی می‌یابد. قرآن کریم، قانون اساسی حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است. حکومت آن حضرت همه مقررات مملکتی را بر اساس «عدالت» تهیه و اجرا می‌کند و وزیرانش، خالص‌ترین و بهترین وزیرانند و فرمانداران خود را با پیام عدالت به شهرها گسیل می‌دارد. کشاورزی، رونق و شکوفایی بی‌سابقه‌ای خواهد یافت و همه جای زمین سبز و خرم خواهد شد. اندیشه، سیره و روش او در حکومت‌داری چنان مورد پسند همه قرار می‌گیرد که حتی پرندگان هوا از حکومت حضرتش خشنودند. همه مردم در سایه اتحاد و همبستگی کامل به سر می‌برند و میان آنها هیچ اختلافی بروز نمی‌یابد. دانش بشر بسیار ترقی می‌کند و عموم مردم با فهم و کمال می‌شوند و چنین پیشرفتی با تدبیر حضرت مهدی علیه السلام پدید می‌آید. همه سرزمین‌ها آباد می‌شوند و جای ویرانی نخواهد ماند و مردم در کمال راحتی و آسایش زندگی می‌کنند. همه پیروان ادیان آسمانی، به حضرت مهدی علیه السلام ایمان می‌آورند. آفات و بلاها و بیماری‌ها از گیاهان، حیوانات و مردم دور خواهد شد و بیماران شفا پیدا می‌کنند. زمین به برکت وجود مبارک حضرت مهدی علیه السلام، ثروت درونی خود را خارج و آسمان، برکات خود را بر مردم نازل می‌کند و نعمت فراوان می‌شود. مبانی اقتصاد سالم در جامعه اجرا خواهد شد؛ به گونه‌ای که فقری در زمین پیدا نمی‌شود و کسب و کار فراوان است؛ چون حاکمیت عادلانه است. علم طب و بهداشت و درمان چنان پیشرفت می‌کند که بر اثر آن، عمرها همراه با سلامتی، طولانی می‌شود. فضایل اخلاقی جایگزین رذایل (حسد، دروغ، کبر، ریا، غیبت و کینه) و دل‌ها پاک می‌شود. زبان تکلم در سرتاسر دنیا همان زبان قرآن، یعنی

عربی است که همه به آن آشنا می‌شوند. کارگزاران ردیف اول حکومت جهانی حضرت مهدی عج از گروه‌ها و نژادهای مختلف و از سرتاسر جهان به تعداد اهل بدر؛ یعنی ۳۱۳ نفر (که پنجاه نفر آنان زن است)، زیر نظر مستقیم حضرت ولی عصر عج دنیا را اداره خواهند کرد. هیچ حکمی از احکام الهی باقی نمی‌ماند که در حکومت جهانی حضرت مهدی عج اجرا نشود. مردم نسبت به همدیگر مهربان و شفیق و متحد می‌شوند. همه دانشمندان جهان نزد حضرت مهدی عج می‌آیند تا از او دانش بیاموزند و همین افزایش آگاهی سبب اسلام آوردن آنها می‌شود. همه مشکلات و دشواری‌ها رفع می‌شود و انسان‌ها از فرو رفتن در کام بلاها بیمه می‌شوند. خداوند به دست مبارک آن حضرت، زمین را از لوث ملحدان و مستکبران پاک می‌کند و هر کار سخت و دشواری برای او آسان می‌شود. آرمانی‌ترین نوع حکومت انسانی با رهبری ایده‌آل و کارگزاری شایسته بر دنیا حاکم خواهد شد. هوا و آب و زمین و زمان و همه مخلوقات خداوند حکیم، تحت فرمان حضرت بقیت‌الله‌الاعظم عج قرار می‌گیرند. در مورد منتظران واقعی حضرتش که از دنیا رفته‌اند، «رجعت»<sup>۱</sup> صورت می‌پذیرد و پس از استقرار حکومت جهانی از برکات بی‌پایان دولت کریمه خاندان وحی بهره می‌برند. آرامش و سخاوت، جایگزین ترس و بخل می‌شود و مردم به فرهنگ عشق و عدالت و صداقت و یکرنگی و ایثار آراسته می‌شوند.

۱. «رجعت» به معنای بازگشت مؤمنان خالص و مشرکان شقی است پس از ظهور. در این زمینه در صفحات آینده توضیح داده شده است.

### پرسش‌های این درس

۱. تعبیر روایی و قرآنی درباره حکومت حضرت مهدی عج را نوشته، توضیح دهید.
۲. شاخص‌ترین ویژگی حکومت جهانی حضرت مهدی عج چیست؟
۳. توصیفی از حکومت جهانی مهدوی ارائه کنید.

درس سوم

## مقایسه حکومت جهانی مهدوی و جهانی سازی

### آموزه‌های این درس

۱. مقایسه مبانی حکومت حضرت مهدی عج با جهانی شدن؛
۲. فضایل و برتری های حکومت جهانی مهدوی؛
۳. نقایص و آسیب های جهانی شدن.

### مقدمه

هیچ یک از نظام‌های موجود دنیا با حکومت جهانی حضرت مهدی عج قابل مقایسه نیست. اسلام تنها دینی است که بر پایه دین کامل و نظام جامع و برپایه عقلانیت و عدالت و توجه به حقوق بشر بنیان گذاری شده است و طبق وعده الهی، سرانجام بر همه فرهنگ‌ها و ادیان پیروز خواهد شد. به طور خلاصه، مبنای جهانی سازی غرب عبارتند از: ۱. عقلانیت پوزیتویستی؛ ۲. سکولاریسم؛ ۳. اومانیزم؛ ۴- لیبرالیسم. در حالی که مبنای جهانی‌گری حکومت جهانی مهدی مهدویت عبارتند از: ۱. فطرت‌گرایی؛ ۲. ارج نهادن به عقل و علم؛ ۳. توجه به اصل کرامت الهی و اصل حاکمیت الهی؛ ۴. توجه به اصل حق انتخاب و آزادی.

### برتری های حکومت جهانی مهدوی

در مقایسه بین «جهانی شدن» و «حکومت جهانی حضرت مهدی عج»، می‌توان به نکات مهمی اشاره کرد:

۱. حکومت واحد جهانی اسلامی، تحت رهبری افراد صالح و وارسته و شخصیت‌های برجسته دینی که معصوم از خطا و یا تالی تلو معصومانند و قانون خدا در آن جامعه حاکم می‌شود؛ ولی حکومت واحد جهانی پیشنهادی، تحت نظر و اشراف قدرتمندان و زورمداران و ستمگران سامان می‌یابد.

۲. امتیاز دیگر جامعه جهانی اسلامی، بر جهانی شدن، این است که محور تمام امور در این جامعه، خدا و احکام خدا است و آموزه‌های اسلامی برای اداره جامعه جهانی کافی

است؛ ولی در جهانی سازی، محور، حاکمیت قوانین موضوعه بشری و الحاد و آموزه‌های سکولاریسم است.

۳. در حکومت جهانی حضرت مهدی عج، دین اسلام، تنها دین حاکم بر جهان خواهد بود؛ چنان که دین و سیاست از هم تفکیک ناپذیرند و بلکه سیاست و حکومت، در خدمت دین و اهداف متعالی آن است؛ در صورتی که در وضعیت جهانی شدن، دین، مخصوصاً اسلام، جایگاه روشنی ندارد.

۴. در حکومت جهانی حضرت مهدی عج، قرآن، محور زندگی بشر قرار می‌گیرد. حضرت علی ع فرمود: «در آن هنگام که مردم قرآن را به رای خود تفسیر کنند، امام زمان عج، آرا و دیدگاه مردم را تابع قرآن قرار خواهد داد»<sup>۱</sup>.

بر اساس این کلام، در عصر حکومت مهدی عج محور همه چیز و همه آرا و عقاید، قرآن خواهد بود؛ در حالی که در وضعیت جهانی شدن، نه تنها قرآن در جامعه بشری محور نیست، بلکه کوشش می‌شود که قرآن از صحنه خارج شود و اگر هم قرآن در برخی از جوامع، حضور کم رنگی دارد، حاکمان و دست اندرکاران مدیریت جوامع سعی می‌کنند که آیات قرآن را طبق دیدگاه و امیال خود تفسیر کنند.

۵. حکومت جهانی امام مهدی عج، بر محور توسعه اخلاقی، اجتماعی و امنیتی استوار است؛ در حالی که «بحران معنویت»، جهان کنونی را در بر گرفته است و امنیت نیز چه در سطوح فردی و چه سطوح عمومی و ملی و جهانی به خطر افتاده است و از طرفی آن چه به عنوان اهرم قدرت است، برای کشورهای قدرتمند به رسمیت شناخته شده است.

۶. توسعه علمی، از ویژگی‌های بارز حکومت جهانی امام مهدی عج است؛ اما در عصر جهانی شدن، دانش پیشرفته، در انحصار کشورهای خاصی است و این کشورها از انتقال آن به کشورهای دیگر جلوگیری می‌کنند.

۷. حکومت جهانی حضرت مهدی عج حکومتی است مبتنی بر آموزه‌های حیاتی و دینی؛ در حالی که جهانی شدن، پیامد آگاهانه و ناآگاهانه پیشرفت‌های سیاسی، اقتصادی، فن‌آوری است و با نظام سرمایه داری و سلطه طلبی در ارتباط است.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۸.

۸. مشروعیت حکومت واحد جهانی حضرت مهدی عج از خداست. به تعبیر دیگر، حکومت «ولایی» است که حاکم آن از طرف خدا منصوب و از ناحیه مردم نیز مورد پذیرش است؛ یعنی حکومتی است که از یک سو بر تأیید الاهی مبتنی است و از سوی دیگر، مورد رضایت مردم است؛ در حالی که در جهانی شدن، مشروعیت حکومت جهانی، از ناحیه مردم است؛ آن هم با فریب کاری هایی که در گرفتن آرای مردم به کار می رود.

۹. حکومت واحد جهانی حضرت مهدی عج بر مبنای حاکمیت عقل است؛ زیرا عقل انسان ها در عصر ظهور به کمال می رسد؛ در حالی که حکومت بر اساس جهانی شدن، بر مبنای هواهای نفسانی و تمایلات حیوانی شکل می گیرد.

۱۰. در حکومت واحد جهانی حضرت مهدی عج به خاطر توسعه ای که در دانش و عقل بشر پیدا می شود، تمامی ظرفیت های اقتصادی طبیعت، کشف می شود و سرمایه در حد وفور، در اختیار است و سیستم توزیع نیز درست عمل می کند. لذا از فقر و شکاف طبقاتی و جنوب و شمال و کشورهای پیشرفته و عقب مانده، اثری مشاهده نمی شود. در این حکومت، جایی را نمی توان دید که آباد نشده باشد و همه جا یکسان از مواهب طبیعت برخوردار خواهند شد. با چنین برنامه ای، یقیناً، شکاف های طبقاتی حاکم نخواهد شد؛ در حالی که در نظام های اقتصادی حاکم بر جهان، شکاف های اقتصادی وحشتناکی وجود دارد. شکاف شمال و جنوب، شکافی است که به اجماع صاحب نظران توسعه، میان کشورهای توسعه یافته و عقب مانده وجود دارد. وجود کشورهای فقیر و بدهکار در این عالم، بهترین شاهد بر مدعا است.

۱۱. طبق کلام امیرالمؤمنین ع، در حکومت واحد جهانی حضرت مهدی عج، مؤمنان، به دور او اجتماع می کنند و از افراد فاسق و فاجر و کافر، در آن حکومت اثری نیست. در جهانی شدن، مؤمنان واقعی، جایگاهی ندارند و اطراف حاکمان و قدرتمندان را افراد هواپرست و لابیالی گرفته اند. آنان، اساساً، حکومت و سیاست را از دین جدا می دانند و به تعبیر دیگر، در این نوع حکومت، برای مؤمنان جایی نیست.

۱۲. الاهی شدن خواسته های بشر در عرصه حکومت جهانی حضرت مهدی عج است. در عصر جهانی شدن، کوشش، بر طرد فکر الاهی و سعی در تبعیت از هواهای نفسانی

است.

۱۳. در عصر حکومت واحد جهانی حضرت مهدی عج اجتماع گمراهان پراکنده می‌شود و حق جویان گرد هم جمع می‌شوند. او جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده می‌کند و حق جویان پراکنده را به دور هم گرد آورد؛ اما در جهانی شدن، ستمگران عالم به هم می‌پیوندند و حق جویان را پراکنده می‌سازند.

۱۴. در حکومت جهانی حضرت مهدی عج ستمگران و طاغوتیان و کارگزاران ناشایست کیفر می‌بینند و نیکان پاداش می‌گیرند و تشویق می‌شوند. در عصر جهانی شدن، اصولاً قضیه به عکس است: به جنایتکارانی مانند شارون (نخست وزیر اسرائیل) لقب «مصلح» می‌دهند؛ به فرمانده ناو آمریکایی که شلیک موشک را به هواپیمای مسافری ایران دستور داد و حدود سیصد تن مسافر بیگناه را کشت، جایزه می‌دهند؛ اما فلسطینی‌های محروم و حزب الله ستم کشیده را «تروریست» ملقب می‌سازند!

۱۵. حکومت واحد جهانی حضرت مهدی عج بر اساس «عدل» و «قسط» اداره می‌شود، و جایی از کره زمین نیست که در آن «عدالت» گسترده نشود. در روایات متعدد، به «یَمَلًا» (زمین از عدل پر می‌شود) تعبیر شده است. حاکمان در حکومت‌های عصر جهانی شدن، خود، از ستمگران اند و چنان در زمین عمل می‌کنند که گویا دشمن عدالتند و اساساً این که قبل از آمدن حضرت مهدی عج جهان پر از ظلم و ستم می‌شود، در همان عصر جهانی شدن است<sup>۱</sup> و این به دلیل حاکمانی است که به عدل و قسط عمل نمی‌کنند.

### آموزه مهدویت، پایان بخش مشکلات

در پایان این درس، گفتنی است مشکلات و ناگواری‌های زیادی که اینک گریبان‌گیر جوامع جهانی است و در آینده نیز بشر از آن رهایی نخواهد یافت؛ در حکومت جهانی حضرت مهدی عج وجود نخواهد داشت و همه مردم در امنیت، رفاه، آسایش و راحتی جمعی خواهند بود و همگان از ثروت، عدل، برابری و علم و دانش جهانی بهره‌مند خواهند

۱. رک: «جهانی شدن و مقایسه آن با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی عج»، انتظار موعود، ش ۷،

شد. این وعده حتمی خداوند به همه مستضعفان و یکتاپرستان جهان و نقطه اوج و متعالی تاریخ بشر خواهد بود. اصولاً حکومت جهانی امام مهدی عجته، برای رفع و ریشه‌کنی مشکلات، ناهنجاری‌ها، کاستی‌ها، نابرابری‌ها، فسادها و انحراف‌ها تشکیل خواهد یافت و جنگ و ستیزه‌جویی، ناامنی، ظلم و برتری‌طلبی ریشه‌کن خواهد شد. در این صورت، امنیت یک تن، امنیت همه و رفاه یک تن، رفاه همه خواهد بود. رفاه و تنعم بدان‌سان خواهد بود که دیگر نیازمند و صاحب حاجتی در سطح جامعه پیدا نمی‌شود؛ زیرا ثروت و منابع، در میان مردم عادلانه تقسیم خواهد شد. حکومت حضرت مهدی عجته برای مردم و به جهت هدایت و نجات آنان است. از این رو، نوید بخش دوستی، یکرنگی، یکدلی و نوع دوستی در میان همگان خواهد بود.

جهانی شدن این حکومت، به معنای جهانی شدن فضیلت‌ها، عدالت‌ها، نیکی‌ها، برابری‌ها و معنویت‌هاست و مردم فرصتی خواهند یافت که خوب بیندیشند، خوب زندگی کنند، حکمت و دانش واقعی بیاموزند، یکدیگر را دوست بدارند، به حقوق همدیگر تجاوز نکنند، توحید محور و اخلاق‌گرا باشند و از این رهگذر جامعه‌ای عاری از فساد و تباهی تشکیل دهند. در مدینه فاضله مهدوی، همه جا سخن از عدالت و قسط است و مردم شاهد گسترده شدن عدل و داد در وسعت زمین خواهند بود. دامنه عدالت او، تا اقصا نقاط منازل و زوایای ناپیدای جامعه گسترده خواهد شد؛ حتی عدالت و دادگری، همچون گرما و سرما به درون خانه‌های مردمان نفوذ کرده و وجود آنان را سامان خواهد بخشید.

قیام و انقلاب امام زمان عجته، انقلابی فراگیر در سطح جهان است و به منطقه یا کشوری خاص و یا قومیت و ملیتی ویژه محدود نیست و انقلابی گسترده برای ریشه‌کن کردن تمام ابعاد ظلم و جور در جهان است. از طرفی، انقلاب آن حضرت، مثل قیام و نهضت همه پیامبران و صالحان، عمدتاً از طریق اسباب و مجاری طبیعی است. کاربرد «معجزه» در روند برنامه‌های اصلاحی ایشان، محدود بوده و به ندرت صورت می‌گیرد.

**پرسش‌های این درس:**

۱. از نظر دین و قانون، بین حکومت جهانی مهدوی با جهانی شدن چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟
۲. عقل و دانش در جهانی شدن و حکومت جهانی دارای چه جایگاهی هستند؟
۳. چگونه مهدویت پایان بخش مشکلات جهانی است؟
۴. تفاوت کارگزاران و حامیان حکومت جهانی مهدوی، با جهانی شدن چیست؟

## درس چهارم:

# جهانی شدن و زمینه‌های حکومت جهانی

### آموزه‌های این درس

۱. تاثیر اراده های انسانی بر آینده و ظهور؛
۲. عوامل و زمینه های ظهور امام زمان علیه السلام؛
۳. ارتباط جهانی شدن با زمینه سازی ظهور امام زمان علیه السلام.

## مقدمه

بسیاری از امور و اقدامات، به مقدمات و زمینه‌هایی نیاز دارند که بدون این مقدمات آن امور محقق نخواهند شد. این انگاره در پدیده‌های سیاسی و اجتماعی (مثل انقلاب و نهضت) جایگاه ویژه‌ای دارد. «شرایط ظهور»، اموری است که تحقق قیام به وجود آنها وابسته است و تا آنها محقق نشوند، قیام و ظهوری نخواهد بود.<sup>۱</sup> اصطلاحات و عبارات مختلف مطرح در این زمینه، هرچند به اعتباری دارای معانی جداگانه و خاص هستند؛ در مجموع به «مقدمات» و «زمینه‌های» بایسته و مؤثری اشاره می‌کنند که به نوعی در انقلاب جهانی مهدوی نقش بارزی دارند. پس نهضت مهدوی دارای زمینه‌ها و بسترهایی است که در فرهنگ مهدویت به آنها «شرایط ظهور» و در اصطلاح سیاسی، «علل و عوامل» انقلاب گفته می‌شود. درباره ضرورت و بایستگی این شرایط، برخی از صاحب نظران گفته‌اند: باید شرایط پیش از ظهور جامه عمل بپوشد و در همان دوره غیبت کبرا (پیش از ظهور) محقق شود و به تدریج و هماهنگی به وجود آید تا تکمیل شده و ظهور محقق شود. هر وقت شرایط کامل شد، دیگر امکان تأخیر ظهور نیست؛ زیرا اگر شرایط محقق شود و ظهور واقع نگردد، لازمه‌اش تخلف معلول از «علت تامه» است.<sup>۲</sup>

در هر حال «شرایط» به اموری گفته می‌شود که تحقق ظهور به وجود آنها وابسته است و تا آنها محقق نشوند، ظهوری در کار نخواهد بود. اما «علایم» و «نشانه‌ها»، آن دسته

۱. کارگر، مهدویت پس از ظهور، ص ۳۲.

۲. صدر، تاریخ غیبت کبری، ص ۴۹۳ و ۴۹۴.

رویدادها و حوادثی است که براساس گفته پیشوایان معصوم، قبل از آستانه ظهور، واقع خواهد شد و تحقق هر کدام نزدیک بودن قیام حضرت را نوید می‌دهد. براین اساس، انقلاب جهانی امام، علاوه بر این که دارای علایم و نشانه‌هایی است که پیش از وقوع آن روی می‌دهد؛ دارای شرایط و بایسته‌هایی است که با تحقق آن‌ها، قیام اتفاق خواهد افتاد.

### زمینه سازی ظهور در قرآن کریم

یکی از مطالب مهمی که در قرآن بارها مورد تصریح قرار گرفته، «قانون‌های حاکم بر جهان هستی و تاریخ و جامعه» است. طبق آیات فراوانی، تاریخ بشر و سرنوشت انسان‌ها در دایره نظام خاصی رقم می‌خورد؛ به طوری که هر گونه دگرگونی و انقلابی، تابع سلسله قوانین مشخص و معینی است که از سوی خداوند، برای تدبیر جهان به اجرا درآمده و در قرآن از آنها با عنوان «سنت‌های الهی» تعبیر شده است. یکی از این سنت‌ها را می‌توان «سنت دریافت پاداش به اندازه تلاش و کوشش» نامید. طبق این سنت، بهره‌مندی از نعمت‌های الهی، به میزان سعی و تلاش آدمی بستگی دارد و این انسان است که در پرتو اختیار، با عمل، خویش و جامعه را به پیش می‌برد و تاریخ را تکامل می‌بخشد و یا به خاطر سستی و عدم تلاش، قابلیت دریافت نعمت‌های الهی را از دست می‌دهد و در مسیر سقوط قرار می‌گیرد. قرآن درباره این سنت می‌فرماید: ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَ أَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَىٰ﴾<sup>۱</sup>

بنابراین، اعطای نعمت‌های الهی، اعم از مادی یا معنوی، به چگونگی تلاش و کوشش انسان وابسته است.

البته باید در نظر داشت که در کنار این سنت، قانون امدادسانی و تأییدات غیبی خداوند که در مواقع لزوم برای یاری انسان‌های پاک و مصلح به اجرا در می‌آید؛ تحت الشعاع واقع نمی‌شود؛ بلکه هر گاه انسان تا حدودی به وظایف خویش در قبال تکالیف الهی عمل کند، آن سنت نیز به اجرا درخواهد آمد. خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا

اللَّهِ يَنْصُرُكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ<sup>۱</sup>». براساس این آیه، مرحله فعلیت رسیدن به سنت حضرت و یاری مؤمنان، به اجرای وظیفه از سوی آنان مشروط است. با توجه به این مقدمه، روشن می‌شود که حضرت مهدی هم «آمدنی» است و هم «آوردنی»؛ یعنی باید مردم، یا حداقل یکتاپرستان و مؤمنان، به وظایف خود عمل کنند و آماده ظهور آن حضرت باشند و زمینه را برای قیام فراهم سازند. همچنین بستری فراهم آورند که مردم جهان، برای ظهور منجی آسمانی نوعی آمادگی ذهنی و درخواست قلبی داشته باشند.

از طرفی، خداوند متعال با توجه به اوضاع و شرایط جامعه و مناسب بودن زمینه‌ها و بسترها و براساس نیاز جامعه جهانی، هر وقت اراده کند، اذن قیام را صادر خواهد کرد. از این لحاظ، امام مهدی «آمدنی» است و ممکن است براساس اراده الاهی، و با توجه به نیاز شدید بشر، منتظر بعضی از زمینه‌ها و شرایط نباشد. اما آن‌چه در این جا اهمیت دارد، اراده و اختیار انسان‌ها است؛ زیرا بخشی از مقدمات در اختیار انسان‌ها نهاده و از آنان خواسته شده است در این جهت گام بردارند و هرگز سستی و کاهلی از خود نشان ندهند. در واقع، براساس فلسفه متعالی تاریخ (نگرش دینی به آینده جهان) آینده بشر، جبری و الزامی نیست، بلکه به اراده و خواست انسان‌ها منوط است و تا این خواست همگانی صورت نگیرد، احتمال ظهور کم‌رنگ‌تر می‌شود. اما در نظر فیلسوفان تاریخ و نحله‌های مختلف فکری (مانند هگل، مارکس و کانت) آینده تاریخ، جبری است و اختیار انسان‌ها بر شکل‌گیری مقصد و مسیر تاریخ تأثیر چندانی ندارد.<sup>۲</sup> براساس سنت‌های الاهی نیز، سرنوشت هر جامعه‌ای به رویکرد و اراده آن جامعه بستگی دارد؛ بدین معنا که اراده جمعی مردم سبب پدید آمدن زمینه‌ها و بسترهایی می‌شود. مسلم است انقلاب جهانی مهدوی، هم دارای رهبری آگاه و توانا است و هم برای اداره جهان دارای برنامه‌ای جامع و فراگیر است و هر دو نیز در حال حاضر موجود است؛ اما در مورد دو زمینه دیگر، به آگاهی و پژوهش نیاز است تا باورداران به آموزه مهدویت، بتوانند وظایف و مسئولیت‌های خود را در این زمینه دریابند. شهید صدر می‌نویسد:

۱. محمد: ۷.

۲. ر.ک: کارگر، آینده جهان، ص ۳۴-۴۵.

انقلاب مهدی، از نظر اجرا، همانند همه انقلاب‌ها به زمینه‌های عینی و خارجی بستگی دارد... برای وجود چنین تحول بزرگی تنها وجود رهبر صالح کافی نیست؛ وگرنه در همان زمان پیامبر ﷺ این شرط وجود داشت... با این که خدای بزرگ توانایی دارد همه مشکلات و سختی‌ها را برای پیام‌رسانی‌های آسمانی، هموار و به وسیله اعجاز، فضای مناسب ایجاد کند؛ این روش را انتخاب نکرده است؛ زیرا امتحان و ابتلا و رنجی که مایه تکامل انسان می‌شود، در صورتی تحقق می‌یابد که تحولات طبیعی و با شرایط خارجی مطابق باشد.<sup>۱</sup>

این دگرگونی‌ها و عوامل طبیعی و بیرونی، همان شرایط و بسترهایی است که انقلاب بزرگ و الهی امام مهدی ﷺ در آنها شکل می‌گیرد و به پیروزی می‌رسد. بنابراین، وقتی از شرایط، زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری پدیده‌ای در آینده صحبت می‌کنیم، پیش از همه باید از نقش و جایگاه انسان و اثرگذاری و حرکت بخشی او بحث کنیم. در واقع، مهم‌ترین بستر و شرط تحقق امور و رویدادها، «انسان» و «اراده» و «خواست» او است و سایر عوامل مادی و صوری نیز به نوعی از انسان سرچشمه می‌گیرد. تغییرات و تحولات آینده نیز در مدار مشیت الهی، بر اساس اراده‌ها و فعالیت‌های انسان‌ها صورت می‌گیرد و اگر خواهان تحقق پدیده‌ای هستیم، باید آنان را از جنبه‌های مختلف، بسیج و آماده‌سازیم و بر اندیشه و اراده آنها تأثیر بگذاریم.

### تغییر و آینده‌سازی با اراده‌های انسانی

از نگاه قرآنی، میان حرکت محتوای درونی انسان و محتوای بیرونی یا روبنای او، پیوندی بنیادین وجود دارد و لذا باید فرآیند تغییر در محتوای درونی، دوش به دوش فرآیند تغییر در محتوا و ساختار بیرونی حرکت کند. شهید صدر به این موضوع چنین اشاره کرده است:

بر اساس باور اسلام و قرآن، دو فرآیند باید دوش به دوش یکدیگر حرکت کنند: فرآیند پرداختن انسان به ساختن محتوای درونی، دل، اندیشه، اراده و آرزوهای خود

۱. کارگر، «زمینه‌شناسی سیاسی انقلاب جهانی، مهدوی»، انتظار موعود، شماره ۲۹، ص ۵۹؛ صدر، رهبری بر فراز قرون، ص ۱۰۸.

(از یک سو) و فرآیند پرداختن او به ساختن محتوای بیرونی یا روبنا (از سوی دیگر). پس باید این دو بنای درونی و بیرونی در کنار یکدیگر حرکت کنند و نمی‌توان بنای بیرونی را جدا از بنای درونی فرض کرد؛ وگرنه این بنای بیرونی، بنایی خواهد بود لرزان و در حال فرو ریختن.<sup>۱</sup>

البته دو عنصر دیگر بر این درونمایه انسان تأثیر گذار است:

۱. غریزه و خواسته‌هایی که خداوند، آنها را در انسان به ودیعت نهاده و نیز شهوت‌هایی که خداوند آنها را در نظر انسان، در این دنیا آراسته است و این شهوت‌ها بر نگرش او به اشیا و نیز بر فعالیت و توانمندی و ناتوانی اراده او اثر ویژه‌ای دارد. قرآن از این عنصر به عنوان «هوس» یاد می‌کند.

۲. فشارهای بیرونی که انسان در معرض آن قرار می‌گیرد؛ به‌ویژه از سوی ستمگران و مستکبران، یا بدعت‌گذاران گمراه‌کننده و یا شیاطین جنی و انسی که انسان را در نگرش خود به اشیا فریب می‌دهند و گمراهش می‌سازند. هرچند انسان در بیش‌تر این موارد، اراده خویش را از دست نمی‌دهد؛ این اراده تا اندازه بسیار از این عوامل اثر می‌پذیرد که باید آنها را بر شمرد و مورد شناسایی قرار داد.<sup>۲</sup>

در قلمرو تاریخ و اجتماع، تلفیق اندیشه و اراده است که آینده ساز آدمی است و اساس جنبش تاریخی او را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، «زیربنا»، محتوای درونی آدمی است و بنا و مجموعه پیوندهای اجتماعی و نظامات زندگانی و تشکیلات بشری است. قرآن می‌فرماید: «در حقیقت، خداوند حال قومی را تغییر نمی‌دهد؛ مگر زمانی که آنان حال [درونی] خود را تغییر دهند».<sup>۳</sup> بر این اساس، ظواهر، شئون و احوال یک قوم وقتی تغییر خواهد کرد که وضع نفسانی آنها تغییر کند. قطعاً تغییر حال روانی یک یا چند تن از افراد جامعه، تمام قوم را به جنبش و حرکت وا نمی‌دارد، بلکه حالت نفسانی همه افراد جامعه باید زیر و رو شود تا سرنوشت عمومی آنها عوض گردد.

۱. صدر، *المدرسة القرآنية*، ص ۱۱۷.

۲. حکیم، *جامعه انسانی از دیدگاه قرآن*، ص ۲۴۱.

۳. رعد: ۱۱.

آیه یاد شده به روشنی نشان می‌دهد که درون‌مایه انسان، «پایه» است و «روبنا» وضعیت محیط بیرونی انسان و حرکت تاریخی است؛ چرا که آیه درباره دو تغییر سخن گفته است:

۱. تغییر قوم (خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد): مقصود تغییر اوضاع قوم، امور و روبنا و اوضاع بیرونی آنان است و این تغییر، تنها در صورتی انجام می‌شود که تغییر دیگری انجام شود که بخش دیگر تغییر است:

۲. تغییر دیگر، تغییر حال درونی قوم است (تا آنان حال خود را تغییر دهند)؛ چرا که قرآن کریم، از تغییر «درونمایه» قوم، به تغییر «حالت درونی» آنان تعبیر کرده است. روشن است که مقصود از «مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ تغییر چیزی است که در درون و در دل‌های قوم است؛ به گونه‌ای که درونمایه قوم به عنوان یک قوم یا یک ملت متغیر باشد؛ وگرنه تغییر یک یا چند تن محدود نمی‌تواند پایه تغییر همگانی قوم را تشکیل دهد. بنابراین، تغییر درونی قاطبه افراد امت است که مبدأ و منشأ تغییرات بیرونی و در واقع، حرکت تاریخی به شمار می‌رود.

### قانون‌مندی دگرگونی‌ها و تحولات بشر

برخی از آیات قرآنی اشاره می‌کنند که میان دگرگونی‌هایی گسترده‌تر و این درونمایه انسان رابطه وجود دارد؛ یعنی دگرگونی‌های جهانی که انسان را احاطه کرده است. آیات یاد شده، این رابطه را به عنوان یکی از سنت‌ها و قواعد تاریخی می‌داند؛ به گونه‌ای که این دگرگونی در درون‌مایه انسان بر دگرگونی در محیط او نیز اثر می‌گذارد. خداوند متعال می‌فرماید: «اگر مردم شهرها ایمان آورده و به پرهیزکاری گراییده بودند، به طور قطع برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم؛ ولی تکذیب کردند. پس به [کیفر] دستاوردها [گریبان] آنان را گرفتیم». این آیه قرآن کریم، میان «ایمان» و «تقوا» که از امور قلبی است و در درون انسان وجود دارد و تغییری که در کل اوضاع این مردم پیش می‌آید؛ ارتباط برقرار کرده است؛ خواه این تغییر به سمت خوبی و نیکی باشد و خواه به

سمت بدی و تباهی.<sup>۱</sup> در واقع آن گونه که ایمان و تقوا بر دگرگونی جامعه اثر مثبت دارد، بر دگرگونی جهان هستی و طبیعتی که انسان را احاطه کرده نیز اثر می‌گذارد. همچنین دروغ‌گویی، تبه‌کاری، نداشتن تقوا و ارتکاب گناهان، بر جهان هستی و طبیعت اثر منفی می‌گذارد.<sup>۲</sup> قرآن می‌فرماید:

به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورد، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است تا [سزای] بعضی از آنچه را کرده‌اند، به آنان بچشانند؛ باشد که بازگردند.<sup>۳</sup>

یعنی، گناهانی که مردم مرتکب می‌شوند و کارهای زشتی که انجام می‌دهند، بر ایجاد فساد در خشکی و دریا اثر می‌گذارند و در نتیجه عواقب شومی گریبانگیر آنها می‌شود. شبیه مفاد آیات یاد شده، در آیه‌ای دیگر از قرآن کریم با ذکر نمونه‌ای تاریخی، بیان شده است:

[حکم خدا] این است که خداوند نعمتی که به قومی عطا کرد، تغییر نمی‌دهد تا وقتی که آن قوم حال خود را تغییر دهند که خدا شنوا و داناست؛ همان‌طور که خوی فرعونیان و پیش از آنان بر این شده که آیات خدای خود را تکذیب کردند و ما هم آنان را به کیفر گناهانشان، هلاک کردیم و فرعونیان را در دریا غرق کردیم و همه آنان که هلاک کردیم، ستمکار بودند.<sup>۴</sup>

### عوامل و زمینه‌های ظهور امام زمان

ظهور امام مهدی و شکل‌گیری انقلاب جهانی، دارای پیش‌زمینه‌ها، عوامل و بسترهای مختلفی است که از منظر سیاسی و فرهنگی می‌توان آنها را تبیین و بررسی کرد:

#### ۱. عامل انسانی انقلاب جهانی

یکی از شرایط و زمینه‌های ظهور و انقلاب جهانی امام مهدی عج وجود «شماری کافی از انسان‌های حق‌طلب» است که آن امام را در اجرای مأموریتش یاری دهند. در

۱. حکیم، جامعه انسانی از دیدگاه قرآن کریم، ص ۲۲۴ و ۲۴۳.

۲. طباطبایی، المیزان، ج ۲۲، ص ۱۹۷ و ۱۹۸.

۳. روم: ۴۱.

۴. انفال: ۵۲-۵۴.

واقع، مهم‌ترین عامل بشری در ایجاد انقلاب، «نیروه‌های انقلابی» است که باید برای شکل‌گیری و آماده‌سازی آنها کوشید. این شرط دارای دو بُعد است: ۱. تربیت امت اسلام در ساحت فکر و اندیشه، برای آن که این امت شایستگی فراگیری، فهم و اجرای قوانین جدیدی را که پس از ظهور اعلان می‌شود، پیدا کنند؛ ۲. تربیت شماری کافی از افراد مخلص و کامل که برای تحقق برنامه عدالت محور و کامل الهی، آماده فداکاری باشند. این دو امر، به تدریج و در دراز مدت تحت شرایطی، پیش از ظهور به وقوع می‌پیوندد. به عبارت دیگر، با تحقق این دو امر، روز موعود هم با تمام شرایطش پدیدار خواهد شد.<sup>۱</sup>

عنصر «اراده» و «اختیار» در ظهور امام زمان عجل الله فرجه نقش دارد و نهضت الهی صالحان، با نصرت و یاری انسان‌های مجاهد و ایثارگر تحقق می‌پذیرد. پس نقش نیروهای مردمی در تحقق حکومت امام مهدی عجل الله فرجه باید همیشه مورد توجه باشد تا این نیرو برای تحقق حاکمیت مهدوی آمادگی‌های لازم را فراهم آورد. از آن جا که در انقلاب، خواست تغییرات بنیادی مطرح است؛ به ناچار پیش از آن، تحولاتی آغاز شده و پیروی از انقلاب، نقطه عطفی محسوب می‌گردد که همزمان افراد جامعه و کلیت نظام اجتماعی را در بر می‌گیرد و متحول می‌سازد. از این رو، حضور مردمی بر اساس عمق تحول، در سطوح مختلف «خرد»، «میانی» و «کلان» جامعه، متفاوت و متغیر است. انقلاب جهانی مهدوی نیز، همسو با این تحولات و مقدمات شکل گرفته و با یاری و نصرت مؤمنان و نیکوکاران تقویت و تأیید می‌شود؛ چنان که شیخ طوسی می‌گوید:

اجمالاً می‌توان گفت بر خدای متعال واجب است امام عجل الله فرجه را تقویت کند تا آن حد که قدرت قیام و بسط ید کافی برای اجرای آن پیدا کند. این تقویت الهی هم از طریق فرشتگان امکان پذیر است و هم توسط بشر و از آن جا که خداوند به وسیله فرشتگان این کار را نکرده، می‌فهمیم که به علت مفسده داشتن آن بوده است. بنابراین، باید تقویت امام توسط بشر انجام شود.<sup>۲</sup>

۱. کارگر، رحیم، «زمینه شناسی انقلاب جهانی، انقلاب مهدی»، انتظار موعود، شماره ۲۹، ص ۶۰.

۲. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۹۲.

شیخ مفید نیز می‌گوید:

اگر شیعیان در یک زمان به تعداد اهل بدر جمع شوند، در این صورت، تقیه بر امام زمان عجله جایز نیست و ظهور بر ایشان واجب است؛ اما در این زمان چنین جماعتی نیستند؛ زیرا صفات و شروط مذکور را ندارند. آن جماعت باید شجاع و صبور باشند و با خلوص نیت در جهاد شرکت کنند؛ کسانی باشند که آخرت را بر دنیا برگزینند و باطنشان از عیوب پاک باشد و... اگر خداوند متعال از چنین افرادی با صفات مذکور سراغ داشت، حتماً امام زمان عجله را ظاهر می‌کرد و امام از بین شیعیانشان، لحظه‌ای غایب نمی‌شد؛ لکن شیعیان دارای چنین صفاتی نیستند. پس غیبت بر امام زمان عجله جایز است.<sup>۱</sup>

## ۲. عامل فرهنگی و دینی ظهور

خداوند در آیات مختلفی از قرآن کریم، وعده داده است که مؤمنان را «وارثان» زمین گرداند و این وعده از جلوه‌های آشکار پیروزی حق بر باطل است. بشارت و وعده‌ای که خداوند در مورد تشکیل حکومت جهانی عدل در آینده داده، به وجود و حضور اثرگذار مومنان و صالحان مشروط است؛ یعنی فرهنگ ایمان و عمل شایسته در جامعه حاکم باشد و وعده‌ای در این مسیر قرار گیرند تا وعده الهی محقق شود. بر این اساس، اهل ایمان و کسانی که دارای عمل صالح و پاکیزه هستند؛ جانشین گذشتگان خواهند شد. در نهایت، زمین از لوث شرک و گناه پاک می‌شود و افرادی اصلاح که خدای را بندگی کنند و به وی شرک نوززند؛ در آن زندگی خواهند کرد و زمین در اختیارشان قرار خواهد گرفت و دینشان در زمین متمکن خواهد شد و امنیت جایگزین ترس آنان می‌شود؛ امنیتی که به واسطه آن، دیگر از منافقان و نیرنگ آنان و از کفار و ناخوشایندیشان بیمی نداشته باشند؛ خدای را آزاد عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند.<sup>۲</sup>

یکی از سنت‌های الهی، «حاکمیت صالحان» است؛ به این معنا که اگر جامعه‌ای در مسیر ایمان، عمل صالح و پاکی قدم گذاشت، خداوند صالحان و پاکان امت را بر آنها

۱. شیخ مفید، العیبه، ص ۱۲.

۲. کارگر، «زمینه شناسی انقلاب جهانی مهدوی»، انتظار موعود، شماره ۲۹.

حاکم می‌سازد تا ضمن رسیدگی به مسائل دنیوی و اجتماعی، برای رشد معنوی و انسانی آنها زمینه‌ای فراهم شود. پس، زمانی عامل انسانی و مردمی می‌تواند مؤثر و فراگیر باشد که فرهنگ ایمان و عمل صالح و خداگرایی، آن را در مسیر درست خود قرار دهد. این سنت یکی از الطاف الهی بر انسان‌هایی است که ایمان همراه با پرهیزکاری در وجودشان عجین شده باشد و در مسیر رضای حق، گام بردارند؛ چنان که قرآن می‌فرماید:

خدا به کسانی از شما بندگان که ایمان آورد و نیکوکار گردید، وعده فرموده که در زمین خلافت دهد و به جای کسانی که پیش از آنان بودند، اقتدار بخشد و علاوه بر خلافت، دین پسندیده آنان را بر همه ادیان تمکن و تسلط دهد و به همه مؤمنان پس از خوف از دشمنان، ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی بی‌هیچ شائبه شرک، پرستش کنند و بعد از آن، هر کس که کافر شود، به حقیقت همان فاسقان هستند.<sup>۱</sup>

همچنین می‌فرماید: «ما بعد از تورات در زبور داوود نوشتیم که بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد».<sup>۲</sup>

طبق این آیات، حاکمیت و وراثت زمین از آن مؤمنان صالح و شایسته است و اگر در طول تاریخ، بعضی از زمان‌ها در جامعه اسلامی، حاکمیت از آن صالحان نبوده است؛ نقص از خود آنان بوده و گرنه وعده حق، حتمی است و تا تمام شرایط جمع نشود، سنت الهی جاری نمی‌گردد. البته این آیات، به روشنی فرجام و سرنوشت تاریخ را پیروزی ایمان و عمل صالح می‌داند و مؤمنان را به آینده نیک امیدوار می‌سازد.

قرآن در جای دیگر می‌فرماید: «زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگان که بخواهد، واگذار می‌کند و سرانجام [نیک] برای پرهیزکاران است».<sup>۳</sup> بر اساس این آیات، خداوند به دو گروه وعده حاکمیت و استخلاف بر روی زمین را می‌دهد: ۱. مؤمنان؛ ۲. صالحان.

در واقع، شرط و زمینه رسیدن به حکومت جهانی و تحقق آرمان شهر مهدوی، «آگاهی

۱. نور: ۵۵.

۲. انبیاء: ۱۰.

۳. اعراف: ۱۲۸.

رشد و خیزش جهانی اهل ایمان و عمل صالح» است. اینان هستند که با قیام خود و آگاهی و توانایی، می‌توانند مشمول عنایات و وعده‌های الهی گردند و شایستگی تشکیل حکومت جهانی را به رهبری آخرین حجت حق به دست آورند و این رویکرد، به فرهنگ‌سازی و دین‌گرایی نیاز دارد. در نتیجه اینان، از یک سو وظیفه زمینه‌سازی و آماده‌سازی جهان را بر عهده دارند و از سوی دیگر، آگاهی بخشی عمومی و سامان بخشیدن به اعتراضات جهانی علیه ظلم و بی‌عدالتی و فساد؛ یعنی مقدمات انقلاب جهانی مهدوی را باید فراهم سازند.

### ۳. عامل نظامی و امنیتی انقلاب جهانی مهدوی

آماده‌سازی دنیا برای انقلاب امام عصر ع، وظیفه‌ای است گسترده، سترگ و پیچیده و برای رویارویی با ستمگران و طاغوت‌های مستکبر و سردمداران کفر، بایسته است. ستمگران، جبهه سیاسی وسیع واحدی را به رغم اختلاف‌هایی که در میانشان حاکم است؛ تشکیل می‌دهند. این جبهه اهرم‌های قدرت زیادی در اختیار دارد؛ همچون ثروت، اقتدار سیاسی، نظامی و تبلیغاتی، ارتباطات گسترده و تشکیلات پیچیده، و... و از این وسایل برای درهم کوبیدن حق طلبان و نابودی آن بهره می‌برند. از این رو، باید عامل انسانی و فرهنگی، با عامل نظامی تقویت و پشتیبانی شود و گروهی که عهده‌دار آماده‌سازی جهان برای ظهور امام عصر ع بوده؛ در رویارویی با این نیروها، باید از همان «تشکیلات» و «جبهه مستکبران» جهانی برخوردار باشند و حتی با تربیت ایمانی و جهادی و آگاهی سیاسی، در همه عرصه‌ها از دشمن پیشی گیرند.

آماده‌سازی برای قیام امام عصر ع - که زمینه سازان تدارک می‌بینند - دارای دو جنبه خواهد بود: ۱. رشد ایمانی، جهادی و آگاهی سیاسی (این همان چیزی است که جبهه مقابل فاقد آن است)؛ ۲. ایجاد تشکیلات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اداری و اطلاعاتی که در چنین نبردی ضروری می‌نماید.<sup>۱</sup>

بی‌گمان گروه مبارز و حق‌طلبی که جهان را برای ظهور امام عصر ع مهیا می‌سازند؛

۱. آصفی، انتظار پویا، ص ۴۱.

باید تشکیلات منسجم و امکانات نظامی را فراهم کنند و خود را برای روز موعود آماده سازند. اینان زمینه سازان انقلاب جهانی مهدوی و پرچم داران نهضت حق و عدالت هستند و بسترهای نظامی و امنیتی شکل‌گیری حکومت جهانی را با یک تشکیلات منسجم و قوی فراهم می‌سازند و به بسیج توده‌های عمومی می‌پردازند.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «مردانی از شرق قیام می‌کنند و زمینه را برای حکومت مهدی فراهم می‌سازند».<sup>۱</sup> از امیرمؤمنان، علی علیه السلام نیز نقل شده است: پرچمی از خراسان [ایران]، بیرون می‌آید. [حاملان این پرچم] اصحاب سفیانی را شکست می‌دهند تا این که به بیت المقدس می‌رسند و زمینه حکومت مهدی را فراهم می‌سازند.<sup>۲</sup>

کلمه «ناس» و «یوطئون» و «رایه» نشان دهنده این است که خیزش‌های صورت گرفته بی‌حساب و کتاب نیست؛ بلکه نظام‌مند و یکپارچه بوده و از یک تشکیلات قوی و آمادگی نظامی و عملیاتی برخوردار است.

بشیر نبال می‌گوید: «به امام باقر علیه السلام عرض کردم: می‌گویند: همانا مهدی وقتی ظهور کند، کارها برایش خود به خود انجام می‌شود و به اندازه خون حجامت نیز خون نمی‌ریزد. امام علیه السلام در پاسخ فرمود: نه، چنین نیست. قسم به آن که جانم درید قدرت او است، اگر قرار بود [کارها] برای کسی خود به خود انجام شود، قطعاً برای رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام می‌شد؛ آن زمان که دندان حضرتش خون آلود گشت و صورت ایشان شکافته شد. نه، چنین نیست. قسم به آن که جانم در دست او است [کارها برای امام زمان انجام نمی‌شود] تا این که ما و شما عرق را همراه با لخته‌های خون [از پیشانی خود] پاک کنیم»<sup>۳</sup> سپس حضرت دست به پیشانی خود کشیدند.<sup>۳</sup>

همچنین ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السلام چنین روایت کرده است: «گویی می‌نگرم مردمی را که از مشرق [خراسان] در طلب حق قیام می‌کنند و به آنها پاسخی داده نمی‌شود. پس

۱. اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۴۷۷.

۲. ابن حماد، الملاحم و الفتن، ص ۷۲.

۳. نعمانی، الغیبه، ص ۲۵.

از مدتی باز قیام می‌کنند و به آنان پاسخی داده نمی‌شود. چون وضع را چنین می‌بینند، به پیکار و مبارزه خونین بر می‌خیزند. در این باره آن‌چه را می‌خواهند به آنان می‌دهند؛ اما نمی‌پذیرند و دست به شورش می‌زنند. اینان حکومتی را که به دست می‌آورند، تسلیم مهدی عج می‌کنند. کشتگان این قیام همه شهید محسوب می‌شوند. اگر من آن زمان را درک کنم، خود را برای خدمت مهدی نگاه می‌دارم [و آماده می‌کنم]! این قیام‌کنندگان، از مشرق و به خصوص ایران خواهند بود که خود را برای یاری انقلاب مهدوی آماده می‌سازند.<sup>۱</sup>

---

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴.

#### ۴. عامل سیاسی انقلاب جهانی مهدوی

یکی از انگاره‌هایی که به جد و پیوسته درباره انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام مطرح است، «زمینه‌سازی و مقدمه‌چینی سیاسی» برای آن است. در این زمینه امام خمینی رحمته الله علیه ایده و نظریه کاملی ارائه کرده‌اند که در یک عبارت می‌توان آن را چنین بیان کرد: «با تمام امکانات، پیش به سوی انقلاب مهدوی!» بر اساس این رویکرد، منتظران و شیعیان واقعی امام زمان علیه السلام، در ظهور و شکل‌گیری حکومت جهان گستر مهدوی نقش و مسئولیت مهم سیاسی - اجتماعی دارند و به همین جهت، باید با تمام توان و امکانات در بسترسازی و مقدمه‌چینی آن بکوشند. «زمینه‌سازی»، آماده کردن خود و جامعه و فراهم ساختن لوازم، عوامل و شرایط خیزش عمومی و جهانی و حرکت به سمت تشکیل جامعه فاضله اسلامی به رهبری مصلح کل و منجی موعود، حضرت مهدی علیه السلام است که مستلزم کار سیاسی قوی و فراگیر است و انقلاب اسلامی ایران، می‌تواند طلیعه مبارکی برای این امر باشد. امام خمینی نیز می‌فرماید:

ما همه انتظار فرج داریم... انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود.<sup>۱</sup>

#### جهانی‌شدن و زمینه‌سازی ظهور

به طور کلی در «جهانی شدن»، هم نکات مثبت هست و هم منفی. البته بیشترین بار منفی در جهانی‌سازی است. به دیگر سخن، جهانی‌سازی، به هیچ نحو نمی‌تواند زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی علیه السلام باشد، مگر از آن جهت که چون جهانی‌سازی مستلزم ظلم و فساد، ازدیاد رشوه خواری و تقلب، تسلط بیگانگان و کافران و اهل باطل و چیرگی آنان بر مسلمین و دنیا، خودباختگی مسلمین در برابر آداب و روش زندگی و فرهنگ آنها می‌باشد و از جمله نشانه‌های ظهور حضرت ازدیاد اموری از این قبیل است؛ می‌توان جهانی‌سازی را به عنوان یکی از زمینه‌های ظهور ذکر کرد. اما اگر به جهانی شدن به عنوان واقعیتهایی

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۷۴.

که امروزه بر اثر گسترش فن آوری و اطلاعات و تکنولوژی به وجود آمده است بنگریم و نگاه مثبتی به آن داشته باشیم (همان گونه که در تعریف دوم به آن اشاره شد) شاید بتوان این نحوه از آمادگی را که بر اثر رشد سریع تکنولوژی فراهم شده است، به نوعی با زمینه‌های ظهور مرتبط دانست؛ زیرا از جمله زمینه‌های ظهور، آمادگی روحی و فکری، آمادگی اجتماعی، خودسازی و دیگرسازی و آمادگی‌های تکنولوژیکی و ارتباطی است و این امر در عصر جهانی شدن در حال تحقق است؛ زیرا استفاده از تکنولوژی و فنون جدیدی که با مبانی دینی در تناقض آشکار نیست و با لوازم و نمودهای نظام ارزشی اسلام تعارضی ندارد، بلامانع است؛ مخصوصاً از منظر نگرش مبتنی بر اصل اولیه در اشیا و روش‌ها؛ به این معنا که تا زمانی که یک ابزار یا روش با اصول و مبانی اسلام تعارض آشکار نداشته باشد، بهره‌گیری از آن با محذوری رو برو نخواهد بود.<sup>۱</sup> تحقق ابزاری فضای ارتباطی، موجب پیوند میان انسان‌ها در اقصا نقاط جهان می‌شود. چنین وضعیتی امکان تفاهم و همراهی را فراهم می‌سازد و این با مهدویت و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام کاملاً سازگار است؛ در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین وارد شده است:

«در زمان قائم ما علیه السلام مومنی که در شرق است برادر خود را در غرب می‌بیند و همچنین مومنی که در مغرب است، برادر خود را در مشرق خواهد دید».<sup>۲</sup>

البته ما مدعی نیستیم که این ارتباط الزاماً از طریق پیشرفت تکنولوژی است و ممکن است احتمالات دیگری هم در روایت فرض شود و این قبیل روایات تفسیر جدیدی پیدا کنند؛ ولی بعید هم نمی‌نماید که پیشرفت تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی چنین امکانی را فراهم کند. همانگونه که اثبات این ادعا کار مشکلی است، نفی آن نیز به سادگی امکان پذیر نیست. بر اساس روایت دیگری از آن حضرت:

زمانی که قائم علیه السلام ظهور کند، خداوند گوش‌ها و چشم‌های شیعیان را به گونه‌ای تقویت می‌کند که بین آنها و حضرت به پیک نیازی نیست. حضرت در جایگاه خود

۱. ر.ک: «اسلام و جهانی شدن»، کتاب نقد، ش ۲۵ و ۲۴.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

سخن می‌گوید؛ درحالی که همگان سخن او را می‌شنوند و او را می‌بینند.<sup>۱</sup>  
خلاصه آن که اگر جهانی شدن را مدیون پیشرفت علم و صنعت و فن‌آوری و تکنولوژی بدانیم، و آن را واقعیت و پدیده‌ای طبیعی قلمداد کنیم، هیچ بعدی ندارد که بتوان آن را زمینه ساز حکومت حضرت مهدی علیه السلام به شمار آورد.

به عبارت روشن، زمینه‌های مثبت و منفی انقلاب جهانی امام زمان در جهانی شدن ملموس شده است و با بررسی آثار مثبت و منفی جهانی شدن در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی؛ می‌توان به چگونگی فراهم شدن زمینه‌های انقلاب جهانی امام زمان علیه السلام به واسطه آن آثار مثبت و منفی پرداخت. جهانی شدن توانسته است ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ظهور امام زمان علیه السلام را به خوبی فراهم کند؛ به نحوی که اگر امر ظهور امام زمان علیه السلام بخواهد محقق شود، بسیاری از مشکلات انقلاب امام زمان علیه السلام برطرف شده است.

#### الف) زمینه سازی مثبت جهانی شدن

«شکوفایی اقتصادی» که بعد از انقلاب جهانی امام عصر علیه السلام محقق می‌شود، نیازمند فراهم شدن زمینه‌هایی در عرصه حمل‌ونقل و وسایل و زیرساخت‌های حمل‌ونقلی، یکی شدن بازارها، برداشته شدن موانع تجاری و رونق تولیدات می‌باشد که جهانی شدن، بسیاری از این زمینه‌ها را فراهم کرده است.

در بعد «سیاسی» نیز جهانی شدن توانسته است با افزایش آگاهی‌های سیاسی، کم‌رنگ کردن مرزها، و روی کار آوردن سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، همانند «سازمان ملل متحد»، «شورای امنیت»، «پلیس بین‌الملل» و «بانک جهانی»، زمینه‌های عملی پذیرش نظریه حکومت جهانی عدالت‌محور را در اذهان جهانیان فراهم کند. با رونق گرفتن مباحث جهانی شدن در بُعد سیاسی، افکار عمومی چنین می‌پسندد که تمامی مردم دنیا در زیر سایه مدیریت و حاکمیت سیاسی واحدی به سر ببرند. امروزه جهانی شدن ظرفی را فراهم ساخته که تشکیل حکومت جهانی امام زمان علیه السلام، در آن، به صورت ویژه محسوس و

ملموس می نماید. به عبارتی دیگر، روند جهانی شدن توانسته است تشکیل «حکومتی جهانی» را که در گذشته دور از اذهان عمومی بود، ملموس تر کند.

همچنین در بعد اجتماعی - فرهنگی، شاهد هستیم که به واسطه رشد دانش تکنولوژی و ارتباطات که به منزله بعد سخت افزاری جهانی شدن و زمینه ساز انقلاب امام زمان عج حساب می آیند؛ شبکه های رادیویی، تلویزیونی، ماهواره ای و اینترنتی فراوانی به وجود آمده است. این قبیل آثار باعث شده است که دانش و آگاهی عمومی مردم افزایش یابد و فاصله های زمانی و مکانی از بین بروند و ارتباطات رنگ و بویی دیگر بگیرند.

تغییر در ارتباطات با افراد، اشخاص و مکان ها، به واسطه جهانی شدن، آن چنان متحول شده که با دهه های گذشته هیچ سنخیتی ندارد و روزبه روز بر رشد این ابزارها و وسایل افزوده می شود و به تبع آن، ارتباطات نیز آسان تر می گردد. تحول چشمگیری که به واسطه روند جهانی شدن حاصل شده است، می تواند در ترویج و تبلیغ و پویایی فرهنگ مهدویت در تمام دنیا بسیار کارایی داشته باشد و پیام ناب انقلاب مهدوی را به گوش جهانیان برساند تا انسان خسته شده از ظلم و ستم، با منجی واقعی آشنا شود و برای رسیدن به وضعیت مطلوب تلاش و کوشش بیشتری صورت دهد.

به عبارتی دیگر، در عصر جهانی شدن، جامعه ای جدید و اطلاعات محور شکل گرفته است که تبادل اطلاعات و آگاهی ها، به راحتی صورت می گیرد و این روند، بستری مناسب به منظور آگاهی بخشی جهانی نسبت به شخص و شخصیت امام زمان عج و شناخت وجود مبارکشان و همچنین آشنایی با اقدامات و برنامه های حکومتی امام عصر عج را فراهم کرده است. مثلاً اگر کسی بخواهد در مورد فرهنگ مهدویت، شاخصه ها، کارکردها، آموزه ها و اهداف آن آگاهی پیدا کند، به راحتی می تواند با استفاده از ابزارهای جبری، از جمله اینترنت، هزاران صفحه پر محتوا را بررسی کند.

### ب) زمینه سازی منفی جهانی شدن

جدا از آثار مثبتی که جهانی شدن ایجاد کرده؛ آثار منفی بسیار زیادی به واسطه روند جهانی شدن، گریبان گیر جامعه جهانی شده است که این رویکرد، می تواند نقش مهمی در تسریع شکل گیری انقلاب جهانی مهدوی باشد. چنین آثاری، جامعه جهانی را دچار

چالش‌هایی کرده است که روزبه‌روز بر عمق و دامنه این چالش‌ها افزوده می‌شود و زمینه‌های ظلم و ستم و فساد و دوری بشر را از کمال و سعادت فراهم می‌کند؛ به گونه‌ای که هر کدام از این آثار منفی، مصداقی بارز برای جمله « كَمَا مُلِّتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا... » می‌باشد؛ یعنی به واسطه جهانی شدن، ظلم‌ها و ستم‌ها نیز جهانی و بین‌المللی شده‌اند.

در بعد اقتصادی نیز جهانی شدن، به واسطه افزایش روزافزون مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی، افزایش تجارت‌های شیطانی، ایجاد شبکه‌های مافیایی، سرقت‌های بین‌المللی، قانونی شدن تجارت‌های ربوی، مهاجرت‌های غیر قانونی، تجارت زنان و کودکان، افزایش شکاف طبقاتی بین فقرا و ثروتمندان و افزایش فقر و بیکاری؛ بسیاری از مشکلات اقتصادی دیگر را ایجاد و فراگیر کرده است.

جهانی شدن، چهره روابط اقتصادی ناسالم پیشاظهار را که در روایات منعکس شده؛ بسیار ملموس کرده است. مسلماً نتیجه این قبیل نامالایمات اقتصادی، خیزش و خروش بسیاری از مردم، علیه جهانی شدن است. مردم دنیا به خوبی درک کرده‌اند وعده‌هایی که در عرصه اقتصادی به آنها داده شده، نه تنها محقق نشده است، بلکه روزبه‌روز با این وعده‌ها و شعارها فاصله می‌گیرند.

این روند رو به رشد، باعث خستگی بشر از سلطه فرهنگی و اقتصادی جهانی می‌شود و تلخی این چنین ظلم‌های عامدانه را به خوبی احساس می‌کنند و آنان تشنه عدالت واقعی می‌شوند.

در بعد سیاسی نیز، جهانی شدن توانسته است زمینه‌هایی را فراهم کند تا قرائت‌های مختلف را از سیاست به حاشیه براند و نگرش سکولاریستی به سیاست را برجسته سازد. نتیجه رویکرد این سلطه، آثار بسیار مخربی برای جامعه جهانی است؛ آثاری از قبیل به وجود آمدن بلوک‌های قدرتمند سیاسی و مراکز نامرئی تصمیم‌گیری جهانی، تهدید کشورهای ضعیف و سست کردن و یا از بین بردن استقلال آن‌ها، کاهش تسلط دولت‌های ملی بر امور داخلی و محدودتر شدن حیطه اختیارات و قدرت آن‌ها، تسلط بر نهادهای بین‌المللی، قانونی شدن برخی حقوق ظالمانه مانند حق وتو، گسترش تروریسم و افزایش جنگ و خونریزی، از بین رفتن امنیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، تبعیض‌های

نژادی و ایجاد استعمار مدرن؛ که هر کدام از این ها به نحوی، اعمال ظلم و ستم به صورت فراگیر، بر جامعه جهانی را باعث می‌شود. هر کدام از این‌ها مصداق بارزی از «امتلاء الارض» از ظلم و ستم است که نتیجه این ظلم‌های سیاسی، بستر سازی ظهور امام زمان عج می‌باشد.

به واسطه گسترش استعمار مدرن، افزایش ناامنی، افزایش و مدرن‌تر شدن جنگ‌ها و خونریزی‌ها؛ مردم دنیا می‌فهمند که برای رسیدن به آرامش واقعی، نظام‌های سیاسی بشری نمی‌توانند برای آنها کاری کنند؛ چرا که تمامی کسانی که ادعایی داشته‌اند، عملاً به بن‌بست رسیده و این، نقطه شروع بیداری ملت‌های زنجیر شده توسط جهانی شدن می‌باشد. این بیداری و آگاهی مقدس، بستر ساز انقلاب جهانی امام عصر عج می‌باشد.

همچنین در بُعد اجتماعی - فرهنگی شاهد هستیم که جهانی شدن آثار مخربی بر جای گذاشته و باعث شده است ارزش‌های ملی و مذهبی جوامع مختلف دچار تغییر و تحول شوند، فساد و بی‌بندوباری رونق بگیرد، انسان‌های زیادی دچار چالش و بحران هویتی شوند، شبکه‌ها و جنبش‌های ناهنجار اجتماعی شکل بگیرند، شکاف‌های اجتماعی افزایش پیدا کنند و آمار جرم و جنایت به شدت بالا برود.

این چنین آثار منفی اجتماعی - فرهنگی که جهانی شدن برای جامعه جهانی به همراه آورده است، باعث شده که دامنه ظلم و ستم روز به روز در جوامع بشری بیشتر شود و بشر تشنه عدالت را تشنه‌تر کند و سرانجام آنان را به ستوه آورد و آنان به منظور تغییر وضعیت موجود و رسیدن به وضعیتی مطلوب گام بردارند.

بی شک این قبیل آثار مثبت و منفی که جهانی شدن در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی فراهم کرده است، می‌توانند در قیام و انقلاب جهانی امام زمان عج نقش داشته باشند و بسترهای مناسبی برای ظهور امام زمان عج فراهم کنند. البته نمی‌توان ادعا کرد که چون این بستر مهیا شده است، پس ظهور باید به زودی محقق شود؛ چرا که مشخص نیست جهانی شدن تا چه اندازه باید پیش برود و با آثار مثبت و منفی خود، تا چه میزان عرصه‌های زندگی بشری را متحول کند. پرداختن به این مقوله به تلاش عالمانه ویژه‌ای نیاز دارد.

### جهانی شدن و فرصت سازی برای ظهور

امروزه زمینه سازی ظهور، وظیفه‌ای است بر دوش تک تک افراد. حال سوال این است که فرصت جهانی شدن، چگونه می‌تواند چشم انداز زمینه سازی برای حکومت جهانی حضرت مهدی عج باشد؟

برای پاسخ به این پرسش، باید به ویژگی‌های عصر جهانی شدن برگشت. هر چند دیدگاه‌های گوناگونی در باره جهانی شدن مطرح شده است؛ اما می‌توان مشترکاتی بین آنها پیدا کرد که از جهاتی ما را به رسیدن به چشم اندازی برای مدینه فاضله اسلامی رهنمون سازد.

#### مهم‌ترین ویژگی‌ها و مشترکات جهانی عصر جهانی شدن

مهم‌ترین ویژگی‌ها و مشترکات جهانی عصر جهانی شدن را می‌توان در موارد ذیل جست:

۱. همبستگی و وحدت و همگرایی بین انسان‌ها و تشکیل جامعه جهانی: یکی از ویژگی‌های اصلی جهانی شدن را در هر قرائتی از آن، می‌توان خصلت «جهان‌شمولی» ابعاد زندگی بشر دانست. جهانی شدن سبب شده تفاوت‌هایی که بر اثر فاصله زمانی و مکانی بین انسان‌ها برجسته شوند، اهمیت خود را از دست بدهند و انسان‌ها در فرایند همگرایی و وضعیت تشابه بیشتری قرار بگیرند.

هماهنگی در سلیقه‌ها، هنجار و فرهنگ‌ها، یکی از آثار مهم اجتماعی - فرهنگی جهانی شدن است. فارغ از محتوای چنین فرهنگ‌هایی، عملاً جهانی شدن، انسان‌ها را به سوی هم‌رنگی و هم‌شکلی می‌کشاند. اگر روزگاری جهان به اقلیم‌ها و فرهنگ‌های مختلف و متنوعی تقسیم می‌شد، اکنون مرزها درنور دیده شده و انسان‌ها در ارتباط مستقیم‌تری قرار گرفته‌اند.

۲. رشد و تکامل عقلانیت فزاینده انسان‌ها در عصر جهانی شدن: یکی از ویژگی‌های بارز عصر جهانی شدن، گسترش دستیابی انسان‌ها به داده‌ها و اطلاعات است. از این رو، جهانی شدن با اعصار گذشته تمایز اساسی می‌یابد. برخلاف دوران گذشته که رشد دانش‌ها به دلیل مشکلات سخت افزاری با سهولت امکان پذیر نبود؛ اکنون جهانی شدن و رشد تکنولوژی‌های ارتباطی، برای رشد علوم وضع مناسبی فراهم ساخته است. البته این

امر به جهانی با مجازی سازی ذهنیت‌ها سبب افسون زدگی جدید نیز شده است؛ با این حال، دستیابی سریع و آسان به اطلاعات و داده‌ها را می‌توان یکی از ویژگی‌های بارز عصر جهانی شدن دانست.

۳. زمینه سازی نهادها و نظام فراگیر هماهنگ کننده جهانی: اوضاع جدید جهانی، احساس نیاز به نهاد فراگیر جهانی را امری روشن و برجسته کرده و گسترش سازمان‌های جهانی در چند دهه گذشته، ذهن انسان‌ها را از عرصه ملی و محلی به عرصه فراگیر جهانی سوق داده است.

اگر روزگاری انسان‌ها «محلی» می‌اندیشیدند و خواسته‌های آنها محدود بود، اکنون در عرصه جهانی شدن، انسان‌ها به نیازهای مشترکی رسیده‌اند و راه‌حل‌های مشترکی برای آنها می‌جویند. از این رو، جهانی شدن، زمینه لازم و اصلی را برای تحقق حکومت و نظام فراگیر جهانی فراهم کرده است.

۴. نیاز انسان به محتوا و معنای جدید در عصر جهانی شدن: ویژگی برجسته دیگر عصر جهانی شدن را می‌توان چالش‌های جدی عصر جهانی شدن برای فرهنگ‌ها و تمدن‌های موجود دانست و لذا جهانی شدن، وارد شدن شوک و تکانه‌های جدی به فرهنگ‌های مختلف بشری را سبب می‌شود. به دلیل ویژگی ادغام و یکپارچه‌سازی جهانی شدن، این امر برجستگی بیشتری دارد. از این رو، انسان‌ها در عصر جهانی شدن، دنبال معنای جدیدی از زندگی می‌گردند؛ یا دست‌کم معنای پیشین زندگی، از حالت نهادینه شده و رسوب شده، آگاهانه مورد نظر انسان‌ها قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، انسان‌ها در رویارویی با دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در وضعیت تأمل در هویت خویش قرار می‌گیرند. به این دلیل است که بحران معنا یکی از ویژگی‌های عصر جهانی شدن تلقی شده است.<sup>۱</sup>

با توجه به ذکر این مشترکات می‌توان گفت که این مشترکات می‌تواند زمینه ساز دولت کریمه باشد تا بتوان از این رهگذر زمینه را برای «تشکیل» حکومت اسلامی و سپس «ظهور» امام مهدی فراهم کرد.

۱. قوام، جهانی شدن و جهان سوم، ص ۲۵-۴۸.

**پرسش‌های این درس**

۱. دیدگاه قرآن را در مورد زمینه سازی ظهور توضیح دهید.
۲. تاثیر اراده انسان بر آینده جوامع بشری چگونه است؟
۳. منظور از عمل انسانی در انقلاب جهانی حضرت مهدی چیست؟
۴. سنت حاکمیت صالحان به چه عامل زمینه ساز ظهور اشاره دارد؟ توضیح دهید.
۵. جهانی شدن چه زمینه های مثبتی برای ظهور امام زمان فراهم می کند؟
۶. آیا ابعاد منفی جهانی شدن بر ظهور امام زمان عجل الله فرجه تاثیر دارد؟ توضیح دهید.

## فصل ششم:

مهدویت و سرانجام جهان

درس اول:

## فرجام باوری در دین

آموزه‌های این درس

۱. ضرورت تشکیل حکومت جهانی؛
۲. ضرورت تاریخی شکل‌گیری جامعه مهدوی؛
۳. اصول و پایه‌های فرجام‌شناسی در قرآن.

## مقدمه

از دیدگاه شیعه، آینده جهان، بسیار روشن و خوش‌آیند است. تاریخ، برای رسیدن به آن جامعه مطلوب و آرمانی در حرکت است. مدینه فاضله به دست مهدی باوران و به رهبری مصلح موعود و با یاری امدادهای الهی به وجود خواهد آمد و حرکتی جدید و رو به تعالی و تکامل، بدون کاستی و نقص آغاز خواهد شد. «سیاست» در این جامعه کمال‌گرا، بر اساس نظام «امامت» شکل می‌گیرد. مستضعفان، به ویژه صالحان، در اداره و کنترل امور نقش اساسی دارند و ثروت‌اندوزان از بین می‌روند. دورنمای «جامعه موعود» را چنین می‌توان تصویر کرد: دولت مهدوی، سراسر گیتی از شرق و غرب عالم را فرا خواهد گرفت و حکومت او، بر اساس جهان‌بینی الهی و ایدئولوژی اسلام خواهد بود. آیین یکتاپرستی و توحید، همگانی شده، معنویت و اخلاق در همه جا گسترش خواهد یافت. ولایت و امامت مهدی علیه السلام مورد پذیرش انسان‌ها قرار می‌گیرد و عدالت، امنیت و سعادت نمود خواهد یافت. مردم به کمال نهایی و هدف غایی آفرینش خود می‌رسند و روح عبادت و عبودیت بر جوامع حاکم خواهد شد. ترس و ناامنی از بین رفته، امنیت و آرامش همه جا را فرا خواهد گرفت. فساد، ستم و تباهی از جهان ریشه‌کن خواهد شد. برکت‌های بی‌شمار آسمان نازل و نعمت‌های بی‌کران زمین آشکار می‌گردد و گنجینه‌ها و معادن آن استخراج خواهد شد. علوم، صنعت و فن‌آوری، پیشرفت خارق‌العاده‌ای می‌یابد و خرد و عقل مردم کامل خواهد شد و وعده خداوند متعال مبنی بر تشکیل حکومت الهی در سطح جهانی تحقق خواهد یافت.

ظهور مهدی موعود علیه السلام جزء اراده و خواست حتمی الهی است که به یقین، روزی

تحقق خواهد یافت؛ زیرا بشر از زمانی که در زمین سکنا گزیده، پیوسته در آرزوی زندگی اجتماعی مقرون به سعادت بوده است و به امید رسیدن چنین روزی قدم برمی دارد و اگر این خواسته امکان تحقق نمی داشت، هرگز چنین آرزو و امیدی در نهاد انسان‌ها نقش نمی بست؛ چنان که اگر غذایی نبود گرسنگی نبود؛ و اگر آبی نبود، تشنگی تحقق نمی یافت. از این رو، به حکم ضرورت، آینده جهان روزی را خواهد دید که در آن روز، جامعه بشری پر از عدل و داد شود و مردم با صلح و صفا همزیستی کنند و انسان‌ها غرق فضیلت و کمال شوند و این آرزو و خواست عمومی، به دست مهدی موعود علیه السلام تحقق خواهد یافت.<sup>۱</sup> از این رو، امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید:

لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا، عَطْفَ الْفَرُّوسِ عَلَى وَلَدِهَا وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ؛ دُنْيَا پَسِ از سرکشی به ما روی می کند؛ چونان شتر ماده بدخو که به بچه خود مهربان گردد.

پس حضرت این آیه را تلاوت نمود: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ اراده کردیم که بر مستضعفان زمین منت گذارده، آنان را امامان و وارثان حکومت‌ها گردانیم».<sup>۲</sup> ابن ابی الحدید ذیل این کلام حضرت می نویسد: «به اتفاق شیعه و سنی، این کلام حضرت علی علیه السلام اشاره به امامی است که در آخرالزمان ظهور می کند و سراسر زمین را تحت حکومت خویش درمی آورد».<sup>۳</sup>

نوع انسان به حکم ضرورت به نیروی وحی و نبوت مجهز است که او را به سوی کمال انسانیت و سعادت نوعی راهنمایی می کند و بدیهی است اگر این کمال و سعادت برای انسان که زندگی‌اش اجتماعی است، امکان وقوع نداشته باشد، اصل تجهیز انسان به این نیروها لغو و باطل خواهد بود و لغو در آفرینش وجود ندارد. به بیانی دیگر، بشر از روزی که در بسط زمین سکنا ورزیده، پیوسته در آرزوی زندگی اجتماعی مقرون به سعادت به تمام معنا می باشد و به امید رسیدن چنین روزی قدم بر می دارد و اگر این خواسته امکان تحقق نداشت، هرگز چنین آرزو و امیدی در نهاد وی نقش نمی بست. از این رو، به حکم

۱. طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۲۲۱.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۳۳۶.

ضرورت، آینده جهان روزی را خواهد دید که در آن روز جامعه بشری پر از عدل و داد شده و انسان‌ها با صلح و صفا هم زیستی کنند و افراد انسانی غرق فضیلت و کمال شوند و البته استقرار چنین وضعی به دست خود انسان خواهد بود و رهبر چنین جامعه‌ای، منجی جهان و به تعبیر روایات، «مهدی» خواهد بود. در ادیان و مذاهب گوناگون که در جهان حکومت می‌کنند، مانند «وثنیت»، «کلیمیت»، «مسیحیت»، «مجوسیت» و «اسلام»، از کسی که نجات دهنده بشر است، سخن به میان آمده و عموماً ظهور او را نوید داده‌اند؛ اگر چه این ادیان در تطبیق اختلاف دیدگاه دارند و حدیث متفق علیه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله: «المهدی من ولدی؛ مهدی معهود از فرزندان من [=از نسل من] می‌باشد»؛ اشاره به همین معناست.<sup>۱</sup>

بر این اساس، درباره ضرورت حکومت حضرت مهدی می‌توان به چند نکته اساسی اشاره کرد:

۱. از آن جا که هدف از خلقت انسان، عبودیت و رسیدن انسان به یقین و لقای خداوند عنوان شده است؛ باید این حکومت در روی زمین و قبل از انقضای دنیا تحقق یابد تا هدف غایی خلقت در برهه‌ای از زمان محقق گردد.
۲. بشر مخلوق در این دنیا به این نوع حکومت گرایش فطری دارد؛ لذا چنین گرایش و حکومتی باید برای او در این عالم با مقدماتش فراهم گردد.
۳. از آن جا که «قسر دائم و اکثری» محال است؛ انسان در این عالم طبیعت باید روزی را به خود ببیند که ظلم و تعدی از بین رفته و عدالت و انسانیت، جای آن را در سطح گسترده گرفته است.
۴. تکامل انسان در این دنیا برای او ارزشمند است، نه در عالمی دیگر؛ و از آن جا که انسان طبیعتاً و فطرتاً کمال خواه و کمال جو است؛ باید زمینه لازم برای سیر کمالی او در سطح گسترده در این عالم فراهم گردد که این خواسته البته در عصر ظهور مهدی عجله الله فرجه عملی خواهد شد.<sup>۲</sup>

۱. طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۱۹۵.

۲. «قسر به معنای ستم و تعدی و ظلم است». رضوانی، علی اصغر، موعود شناسی و پاسخ به شبهات.

## ضرورت تاریخی تحقق جامعه مهدوی در فرجام جهان

### ۱. جایگاه انسان در نظام آفرینش

از منظر قرآن کریم، انسان به زمین نیامده که در زمین بماند، بلکه خلق شده است تا مسیر حرکت به سوی خدا را طی کند و به مقام شایسته خویش برسد؛ یعنی مظهر صفات خدا گردد. انسان، آن گونه که ملائکه پنداشتند، موجودی نیست که فقط در زمین فساد و خونریزی کند؛ بلکه سگه وجودی اش، روی دیگری دارد که همان فلسفه آفرینش او است و در واقع آن چه در انسان اصالت دارد، همان ارزش‌های متعالی وجود او است.<sup>۱</sup>

### ۲. اصل فطرت

با توجه به مطلب پیشین، انسان موجودی خنثا نیست که صرفاً تحت تاثیر عوامل خارجی واقع شود؛ بلکه در ذات خود، شخصیت واقعی و جهت‌گیری حقیقی به سمت کمال دارد که این جهت‌گیری، همان فلسفه اصلی وجود او و امری است که می‌توان بر آن سرمایه‌گذاری کرد. این سرمایه اولیه به قدری دارای اهمیت است که وجود هرگونه باطلی، کاملاً تبعی و طفیلی این سرمایه است و در عالم، باطل محض وجود ندارد، بلکه همه باطل‌ها بر اثر افراط و تفریط در برابر «حق» پدید می‌آیند و هویت مستقلی ندارند.<sup>۲</sup> به بیان دیگر، انسان ظرف خالی محض نیست که از بیرون و تحت تاثیر عوامل خارجی پر شود، بلکه بذر سلسله بینش‌ها و گرایش‌ها در نهاد او نهفته است و بدین سبب انسان باید پرورش داده شود، نه این که مانند یک ماده صنعتی، ساخته شود.<sup>۳</sup>

### ۳. رابطه فرد و جامعه

از منظر اسلام، هم فرد اصالت دارد و هم جامعه. دیدگاه اسلام نه اصالت فردی محض است که جامعه را فقط اعتباری و قراردادی بداند، نه اصالت جمعی صرف است که هیچ

ص ۴۳۹.

۱. مطهری، تکامل اجتماعی انسان، به ضمیمه هدف زندگی و ...، ص ۵۲ - ۵۴.

۲. همو، حق و باطل، ص ۳۵ - ۳۷.

۳. همو، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۳۵.

گونه اصالت و هویتی برای فرد قائل نباشد؛ بلکه باید گفت، انسان‌ها با سرمایه‌ای فطری و سرمایه‌ای اکتسابی از طبیعت، وارد زندگی اجتماعی می‌شوند؛ روحاً در یکدیگر ادغام گردند و هویت روحی جدیدی می‌یابند که از آن به «روح جمعی» تعبیر می‌شود. این ترکیب نوعی ترکیب طبیعی مخصوص است که برای آن شبیه و نظیری نمی‌توان یافت. این ترکیب از آن جهت که اجزا بر یکدیگر تاثیر و تأثر عینی دارند و موجب تغییر عینی یکدیگر می‌گردند و (اجزا هویت جدیدی می‌یابند)، ترکیب طبیعی و عینی است؛ اما از آن جهت که کل و مرکب به عنوان واحدی واقعی وجود ندارد، با سایر مرکبات طبیعی تفاوت دارد؛ یعنی در سایر مرکبات طبیعی، ترکیب، ترکیب حقیقی است؛ زیرا اجزا بر یکدیگر تاثیر و تأثر واقعی دارند و هویت افراد هویتی دیگر می‌گردد و مرکب هم یک واحد واقعی است؛ یعنی صرفاً هویتی یگانه وجود دارد و کثرت اجزا به وحدت کل تبدیل شده است؛ اما در ترکیب جامعه و فرد، ترکیب، ترکیب واقعی است؛ زیرا تاثیر و تأثر و فعل و انفعال واقعی رخ می‌دهد و اجزای مرکب که همان افراد اجتماعند، هویت و صورت جدید می‌یابند؛ اما به هیچ وجه، کثرت به وحدت تبدیل نمی‌شود و انسان اکمل، به عنوان یک واحد واقعی که کثرت‌ها در او حل شده باشد، وجود ندارد. انسان اکمل، همان مجموع افراد است و وجود اعتباری و انتزاعی دارد.<sup>۱</sup>

بنابراین، تحقق سعادت «فرد بماهوفرد»، لزوماً به معنای تحقق سعادت «جامعه بماهوجامعه» نیست؛ چرا که هر دو، اصالت دارند و زمانی می‌توان واقعاً سعادت انسانی را محقق شده دانست که افزون بر سعادت فرد، سعادت جامعه محقق گردد.

#### ۴. رابطه دنیا و آخرت

آخرت «باطن دنیا» است؛ بدین معنا که عالم آخرت عالمی کاملاً مستقل نیست که وقتی دنیا پایان یافت، آخرت آغاز شود، بلکه با دقت در آیات و روایات می‌توان دریافت که آخرت در باطن دنیا قرار دارد. پس جزای آخرتی، نه جزای قراردادی است و نه حتی با اعمال دنیایی رابطه علی و معلولی دارد؛ بلکه جزای آخرتی به ظهور رسیدن باطن همین

۱. مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۵، جامعه و تاریخ، ص ۲۶-۲۷.

اعمالی است که در دنیا انجام می‌داده‌ایم.<sup>۱</sup> پس می‌توان گفت، سعادت آخرتی، تجلی باطنی و واقعی سعادت دنیایی است؛ و لذاست که در تعبیر قرآن کریم، انسانی که از یاد خدا غافل باشد، گرچه انواع امکانات رفاهی در اختیارش باشد، زندگی اش سخت و ناخوشایند است و در مقابل، اولیای خدا هر اندازه نیز به لحاظ ظاهری در رنج و سختی باشند، در خوشی و آرامش کاملند. بدین ترتیب، برای تحقق عدالت واقعی در قیامت باید هم به لحاظ فردی و هم به لحاظ اجتماعی، انسان کمال یافته در دنیا وجود داشته باشد.

### ۵. انواع کمال انسانی

اعمال انسان را در زندگی‌اش می‌توان از حیث چهار رابطه بررسی کرد: «رابطه او با خود»، «با خدا»، «با دیگر انسان‌ها» و «با طبیعت». اما با نظری دقیق‌تر باید گفت بازگشت این چهار رابطه به دو رابطه است: «رابطه با خدا» و «رابطه با دیگران». آن گونه که کمال انسانی از حیث رابطه‌اش با خدا مطرح است؛ از حیث رابطه انسان‌ها با همدیگر نیز بحث رسیدن به کمال انسان، قابل بررسی است. بدین ترتیب می‌توان گفت، به‌رغم این که پیامبر خاتم کسی است که به لحاظ فردی تمام مراتب کمال انسانی را پیموده است: «الْخَاتَمَ مَنْ خَتَمَ الْمَرَاتِبَ بِأَسْرَهَا»؛ هنوز لزوماً انسان تمام مراتب کمال خویش را سپری نکرده؛ زیرا این مراتب کمال را به لحاظ اجتماعی نیز باید بییماید و البته این نقصی بر مقام پیامبر خاتم نیست، بلکه نقصی بر مجموعه انسان‌ها است که هنوز آماده تحقق آن کمال جمعی نشده‌اند. به بیان دیگر، با توجه به این که جدا از فرد، جامعه هم اصالت دارد، به کمال رسیدن جامعه نیز موضوعیت دارد و این به کمال رسیدن باید در عالم انسانی تحقق یابد که شاید فلسفه «رجعت» همین باشد.

بدین ترتیب، آن گونه که برای تحقق مقام «خلیفه الهی» در عرصه فردی که خدا برای انسان در نظر گرفته، باید انسانی وجود داشته باشد که آن مقام در او تحقق یابد؛ برای تحقق مقام خلیفه الهی در عرصه اجتماعی نیز باید جامعه کاملی در جهان پیدا شود.

۱. همو، *عدل الهی*، ص ۲۰۱ و همو، *مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی*، ج ۶ و همو، *زندگی جاوید یا حیات اخروی*، ص ۳۰ - ۳۲.

جالب توجه این که انسان به لحاظ فردی «جسمانیه الحدوث و روحانیه البقاء» است؛<sup>۱</sup> به لحاظ اجتماعی نیز سیر حرکتی او از نهادهای اقتصادی آغاز می‌شود و به نهادهای فرهنگی می‌انجامد.<sup>۲</sup>

انسان بر اثر همه جانبه بودن تکاملش، تدریجاً از وابستگی اش به محیط طبیعی و اجتماعی کاسته شده و به نوعی وارستگی که مساوی است با وابستگی به عقیده و ایمان، افزوده است و در آینده به آزادی کامل معنوی دست خواهد یافت.<sup>۳</sup> سیر تکاملی بشری به سوی آزادی از اسارت طبیعت مادی و شرایط اقتصادی و منافع فردی و گروهی و به سوی هدفی بودن و مسلکی بودن و حکومت و اصالت بیش‌تر ایمان و ایدئولوژی بوده و هست. اراده بشر ابتدایی بیش‌تر تحت تأثیر محیط طبیعی و محیط اجتماعی و طبیعت حیوانی خودش شکل گرفته و از آن متأثر شده است؛ ولی اراده بشر مترقی بر اثر تکامل فرهنگ و توسعه بینش و گرایش به ایدئولوژی‌های مترقی، تدریجاً از اسارت محیط طبیعی و اجتماعی و غرایز حیوانی آزادتر شده و آنها را تحت تأثیر قرار داده است.<sup>۴</sup>

## ۶. واقعی بودن آرمان‌های اسلام

نکته مهمی در آموزه‌های اسلام وجود دارد و آن این که تمام آرمان‌هایی که در اسلام مطرح شده، واقعی و عینی و دست‌یافتنی است. مکاتب جدیدی که چند قرن اخیر در جهان غرب پیدا شده و آرمان‌هایی را مطرح کرده‌اند، به طور عمده معترف بوده‌اند که آرمان آنها از نوع ایده آل است و توصیه آنها برای رسیدن به آن آرمان، صرفاً «توصیه روشی» است؛ یعنی بکوشید حتی الامکان به آن سمت و سو بروید؛ هر چند معلوم است که آن آرمان، دست‌نیافتنی است. در واقع مدینه‌های فاضله آنها، «اتوپیایی» نبوده که واژه «ایده‌آل» ترجمه دقیقی از آرمان آنها باشد؛ اما آرمان‌های اسلامی، ایده آل و

۱. صدرالمآلهین شیرازی، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه*، ج ۸، ص ۳۴۷.

۲. سوزنجی، حسین، «مهدویت و انتظار در اندیشه شهید مطهری»، فصلنامه قبسات، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۸۳، ص ۶۴-۶۶.

۳. مطهری، مرتضی، *قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ*، ص ۳۷.

۴. همان، ص ۴۸ و ۴۹.

غیرعینی نیست. اسلام، انسان را تا حدّ خلیفة‌اللہی می‌خواهد و نمونه آن دست‌پروردگان پیامبر اکرم و امیر مؤمنان علیهم‌السلام به جامعه بشری است تا همگان بدانند این آرمان، به وسیله انسان‌ها دست‌یافتنی است. به همین ترتیب، اگر اسلام از ما می‌خواهد جامعه‌ای با عدالت کامل در دنیا برقرار کنیم، تحقق آن را هم امری واقعی می‌داند، نه صرفاً آرمانی دست‌نیافتنی.

#### ۷. تقابل حق و باطل و غلبه نهایی حق

هر چند در مجموع، حرکت تاریخ، تکاملی است؛ سیر تکاملی آن جبری و لایتخلف نیست و چنین نیست که هر جامعه‌ای در هر مرحله تاریخی لزوماً نسبت به مرحله قبل از خود کامل‌تر بوده باشد. نظر به این که عامل اصلی این حرکت، انسان است (که موجودی است مختار و آزاد و انتخابگر) تاریخ در حرکت خود نوسانات دارد؛ ولی در مجموع، سیر تکاملی مشخصی را طی کرده و می‌کند.<sup>۱</sup>

به بیان دیگر، از ویژگی‌های انسان، تضاد درونی میان غرایز متمایل به پایین است که هدفی جز امر فردی و محدود و موقت ندارد؛ به علاوه انسان دارای گرایش‌های متمایل به بالاست که این گرایش‌ها انسان را از حدود فردیت خارج می‌کنند. دیدی همگانی به او داده و وی را به سمت تعالی و تکامل انسانی سوق می‌دهند. نبرد درونی انسان که قدما آن را «نبرد میان عقل و نفس» می‌خواندند، خواه ناخواه به نبرد میان گروه‌های انسان‌ها هم کشیده می‌شود؛ یعنی نبرد میان انسان‌های کمال یافته با انسان‌های منحط و حیوان صفت، که قرآن کریم آغاز این نبرد را در داستان دو فرزند آدم، هابیل و قابیل منعکس کرده است.<sup>۲</sup>

در طول تاریخ نبردهای انسان تدریجاً بیش‌تر جنبه عقیدتی و مسلکی داشته است و انسان به تدریج از لحاظ ارزش‌های انسانی به مراحل کمال خود، یعنی به مرحله انسان آرمانی و جامعه آرمانی نزدیک‌تر می‌شود تا آن جا که در نهایت امر، حکومت و عدالت،

۱. همان، ص ۴۷ و ۴۸.

۲. همان، ص ۳۸ و ۳۹.

یعنی حکومت ارزش‌های انسانی که در تعبیرات اسلامی از آن به «حکومت مهدی» تعبیر شده است؛ مستقر خواهد شد و از حکومت نیروهای باطل اثری نخواهد ماند.<sup>۱</sup>

نکته جالب توجه این که بر اساس پاره‌ای از احادیث، قیام مهدی علیه السلام زمانی رخ خواهد داد که «سعید» و «شقی» به نهایت کار خود رسیده باشند؛<sup>۲</sup> یعنی هر چه تاریخ به جلو می‌رود، شقی، شقی‌تر و سعید، سعیدتر می‌شود، و چنین جامعه‌ای است که می‌تواند زمینه ساز قیام نهایی حق شود.<sup>۳</sup>

### اصول فرجام‌شناسی قرآن

قرآن، چشم‌اندازی از حیات زمینی و اخروی ارائه می‌کند و پیامش به بشر این است که سرنوشت خود را بجوید و در تمام امور زندگی خود، رویکردی پویا اختیار کند. این رویکرد پویا اگر همراه با آینده‌پژوهی «دینی» باشد، مؤثرتر و کارسازتر خواهد بود. بر این اساس، «آینده» عامل حرکت برای هرگونه فعالیت تاریخی است؛ بدین صورت که وجود ذهنی آینده، در حال حاضر مورد نظر است؛ زیرا آینده در تصویر و وجود ذهنی، عینیت می‌یابد و همین وجود ذهنی، نقش محرک را بازی می‌کند و این، همان ماهیت اثرگذاری علت غایی اشیاست. بنا به نوشته محمدباقر حکیم متحرک بودن وجود ذهنی برای تاریخ، در دو بعد تجلی می‌یابد:

۱. اندیشه: مقصود از اندیشه، تصور کردن هدف و نگاه به آینده است، یعنی وجود اهداف و آینده در ذهن انسان؛ چه اینکه آینده در حال حاضر به صورت مادی خود وجود ندارد، بلکه به صورت ذهنی وجود می‌یابد. بنابراین، آینده در درون انسان وجود دارد، نه در برون او و این، بر اراده انسان و در نتیجه حرکت او به سمت آینده تأثیر بسزایی دارد.
۲. اراده: «اراده» نیرویی است که انسان را به سوی اشیا به حرکت درمی‌آورد؛ خواه این

۱. همان، ص ۴۴.

۲. همان، ص ۶۶.

۳. سوزنجی، حسین، «مهدویت و انتظار در اندیشه شهید مطهری»، فصلنامه قبسات، شماره ۳۳، ص ۶۷-۷۰.

اشیا کارها، اعمال و رفتار خود انسان باشد و خواه چیزهایی مادی و بیرون و جدا از انسان. اراده، گاه توان تحقق بخشیدن کارهای دشوار و تاب مشکلات را دارد و گاه ناتوان است و تحت تأثیر عوامل بیرونی و درونی قرار می‌گیرد و لذا انسان در برابر آنها از خود ضعف نشان می‌دهد. بنابراین، اراده هرچند نیرو و موجودی درونی است؛ از عوامل بیرونی اثر می‌پذیرد.<sup>۱</sup>

فرجام شناسی قرآنی بر مفاهیم و اصولی مبتنی است که همیشه باید مورد توجه قرار گیرد. این اصول و مبانی را می‌توان چنین شمارش کرد:

### ۱. توحیدی بودن تحولات آینده

یکی از اصول و وجوه فرجام شناسی در قرآن، اصل «خدایی بودن» تغییرات و تحولات در جهان و مرتبط بودن آنها با خداست. خداوند، قدرت و مشیت خود را از رهگذر سنت‌ها و قوانین تاریخی اعمال می‌کند که این‌ها همان «اراده الاهی» و «نماینده حکمت» و «تدبیر» اوست. البته خداوند اراده خود را در سنت‌ها و قوانین تاریخی، از طریق علل و عوامل طبیعی جاری می‌سازد، نه این که مستقیماً و بی‌واسطه این قوانین تاریخی را اجرا کند.<sup>۲</sup> در عین حال، یکی از مشیت‌های قاهر الاهی این است که انسان‌ها با خواست و اراده خود، تحولات آینده را رقم بزنند و در شکل‌گیری آینده خود (مستقیم یا غیر مستقیم) سهیم باشند.

نکته روشن در این جا این که تلاش برای شناخت آینده و مهار و کنترل آن و ساختن آینده مطلوب، به منزله شناخت دقیق و قطعی آینده نیست، بلکه آینده واقعی مجهول و تحت تدبیر و مشیت الاهی است. البته بخش مهمی از آینده، مشتمل بر شگفتی‌سازها و نوپدیدارهاست که همیشه باید مورد توجه آینده‌پژوه قرار گیرد. همین نکته است که باعث تحرک و پویایی بیش‌تر انسان برای رسیدن به وضعیت مطلوب می‌شود: «يَمْخُوا لِلَّهِ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أَمُّ الْكِتَابِ؛ خدا آن‌چه را بخواهد، می‌برد و آن‌چه را بخواهد، مستقر

۱. حکیم، جامعه انسانی از دیدگاه قرآن کریم، ص ۲۴۰-۲۴۱.

۲. صدر، المدرسة القرآنية، ص ۷۲.

می‌کند، اصل و پایه همه کتاب‌ها پیش اوست<sup>۱</sup>.

امام باقر علیه السلام درباره این آیه می‌فرماید:

قسمتی از حوادث حتمی است که به طور قطع تحقق می‌پذیرد و قسمت دیگر به شرایطی مشروط است نزد خداوند که هر کدام را صلاح بدانند، مقدم می‌دارد و هر کدام را اراده کند، محو می‌کند و هر کدام را اراده کند، اثبات می‌کند.<sup>۲</sup>

از نظر قرآن، آینده‌سازی، باید با توکل به خدا و مددجویی از او و توجه به تغییرات و تحولاتی همراه باشد که او در جهان هستی ایجاد می‌کند و آینده‌پژوهی راستین آن است که همه دریافته‌ها و برداشت‌های خود را به علم و قدرت خدا ارجاع دهد و فراتر از آن عمل نکند. قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا ۖ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَ أذْكَرُ رَبِّكَ إِذَا نَسِيتَ وَ قُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا؛ و البته درباره هیچ چیز مگو که محققاً من آن را فردا انجام‌دهنده‌ام؛ مگر آن که بگویی: اگر خدا بخواهد و چون گفتن این را [=اگر خدا بخواهد] فراموش کردی، پروردگارت را یاد کن و بگو شاید پروردگارم مرا به چیزی که به صواب نزدیک‌تر از این باشد، هدایت کند»<sup>۳</sup>.

عبارت «لَا تَقُولَنَّ» خطاب به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم است. کلمه «غداً» به معنای فرداست؛ ولی در این جا به معنای زمان آینده است؛ یعنی ای محمد! مبادا بگویی حتماً من فلان عمل را در آینده انجام می‌دهم. این سخن را مگو و این عقیده را نداشته باش؛ مگر این که به دنبال آن بگویی «ان شاء الله». اگر بخواهد بر این اساس، هیچ عمل مشروعی جز با مشیت و خواست خدای توانا به پایان نخواهد رسید و انسان نقش عامل را دارد و در قبال عامل بودنش، پاداش نیک خواهد دید. اضافه بر مضمون آیه مورد بحث، بدیهی است که انسان بر ده‌ها عمل مصمم شده و می‌شود؛ اما چون بدون قید «ان شاء الله» بوده، به هدف خویشتن نرسیده است.<sup>۴</sup>

۱. رعد: ۳۹.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۴۶.

۳. کهف: ۲۳ - ۲۴.

۴. نجفی، تفسیر آسان، ج ۱۰، ص ۲۵۷.

## ۲. نقش انسان و اراده او در شکل‌گیری آینده

قرآن کریم، انسان را در مسئله هدایت و ضلالت و در انتخاب هدف و در ارائه عملکردهای خوب یا بد، «آزاد» می‌داند و او را به دیدن نتیجه کارهای خود در آینده وعده می‌دهد و از او در برابر اعمالی که انجام می‌دهد، بازخواست می‌کند: «مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدَىٰ لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ؛ هر کس هدایت یافت. برای خود هدایت یافته و هر کس گمراه شد، برای خود گمراه شده است و هیچ باربرداری، بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد»<sup>۱</sup>.

قرآن «کوشش» و «اراده» انسان را در پیگیری هدف‌های زندگی معتبر می‌شناسد و انسان را در رسیدن به هدفی که در آینده اراده کرده است، نوید می‌دهد: «مَنْ كَانَ يُرِيدْ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدْ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ؛ هر کس کشت آخرت را اراده کند، ما کشتزار او را افزون می‌کنیم و هر کس کشت دنیا را بخواهد، ما از آن به او می‌دهیم؛ اما در آخرت بهره‌ای نخواهد داشت»<sup>۲</sup>. نتیجه آن که انسان از نظر فردی در کارهایی که انجام می‌دهد و آینده‌ای که می‌سازد و هدف‌هایی که انتخاب می‌کند، آزاد است و بازده اعمال خود را خواهد دید.<sup>۳</sup>

از این‌رو، مؤلفه مهم در نگاه قرآن به آینده، «اراده» و «اختیار» انسان در تحولات و پدیده‌های تاریخی است. از این‌رو، محور اساسی در حوادث و پدیده‌های تاریخی اراده انسان است و بسیاری از حوادث، رویدادها و اتفاقات آینده، ناشی از رفتارها، برنامه‌ها، ایده‌ها و حتی نیت‌های اوست. در این زمینه قرآن، به روشنی می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ خداوند سرشت هیچ قوم [و ملتی] را تغییر نمی‌دهد، مگر این که آنان آن‌چه را در خودشان است، تغییر دهند»<sup>۴</sup>. نیز: «أَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا؛ اگر آنان در راه، استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان

۱. اسراء: ۱۵.

۲. شوری: ۲۰.

۳. جعفری، بینش تاریخی قرآن، ص ۷۰.

۴. رعد: ۱۱.

می‌کنیم<sup>۱</sup>. پس قرآن بر این نکته تاکید می‌ورزد که انسان‌ها خود، آینده خویش را می‌سازند و بر تأثیر رفتارها، افکار و ایده‌های آنها بر آینده تاکید می‌کند. بر اساس این آیات شریفه، بین دو دگرگونی و تغییر (درونی انسان و وضع ظاهری بشر) رابطه وجود دارد و حاصل این رابطه، این که هرگاه آن دگرگونی در روحيات و ارزش‌های معنوی و درونی جامعه پدید آمد، در ساختار و طبیعت آن جامعه نیز تغییر و دگرگونی حاصل خواهد شد. عبارت «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ» بیان سبب برای جمله «يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ»<sup>۲</sup> است؛ یعنی حسن تدبیر خداوند چنین است که درباره هر قوم و جامعه‌ای که نعمت آسایش را به آنان ارزانی داشته، تا هنگامی که قابلیت نعمت را دارند، از بذل و ادامه نعمت به آنان دریغ نخواهد فرمود، مگر آن که خود قابلیت نعمت را سلب کنند؛ مثلاً عقیده، ایمان و اخلاق فاضله و اعمال صالح آنان تغییر یابد و کفر و فساد در جامعه شیوع یابد. این قانون کلی درباره تدبیر پروردگار، در خصوص اقوام و اجتماعاتی است که بر حسب فضل پروردگار، صاحب نعمت شده‌اند. البته تا هنگامی که قابلیت ارزانی داشتن نعمت را داشته باشند و چنانچه بر اثر کفران نعمت و ظلم و ستم، این قابلیت را از خودشان سلب کنند، در این صورت، بر اساس حکمت، خداوند از ارزانی داشتن نعمت دریغ خواهد کرد و این بر بیان ملازمه میان ادامه نعمت مبتنی است برای اقوام و اجتماعات بشری که عقیده درست و عمل صالح در میان آنان شایع باشد؛ اما هنگامی که قوم و ملتی اثر کفران نعمت و ستم بر دیگران از خودشان صلاحیت را سلب کنند، پروردگار نیز بر حسب نظام تدبیر، نعمت را از آنان سلب خواهد فرمود.<sup>۳</sup>

بر اساس این آموزه قرآنی انسان‌ها در زندگی خود «مجبور» نیستند، بلکه دارای نوعی «اختیارند» و نسبت به کارهای خود مسئول. پس وجود سنت‌های الهی، به معنای وجود قوانین و مقررات جبری نیست که انسان‌ها نتوانند از آنها به هیچ‌وجه تخلف کنند و کاملاً مطیع و فرمانبردار آنها باشند. هر فرد یا قومی، چه از لحاظ فردی و چه از لحاظ اجتماعی

۱. جن: ۱۶.

۲. رعد: ۱۱.

۳. حسینی، انوار درخشان، ج ۹، ص ۱۸۱.

مسئول اعمال خویش است و بر این اساس نسبت به سایر افراد و یا جوامع مسئولیتی نخواهد داشت: «تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ آن گروه که درگذشتند، هر کار نیک و بد کردند، برای خود [آنان است] و شما هم هر چه کنید، برای خویش خواهید کرد و شما مسئول کار آنها نخواهید بود»<sup>۱</sup>.

### ۳. جهت داری و هدفمندی تحولات آینده

یکی از وجوه آینده‌پژوهی قرآنی، شناخت روندها، مسیرها و جهت‌های تحولات و تغییرات در آینده است. در قرآن، بعضی از سنت‌های الهی در شکل «قضیه شرطی» عنوان شده است. بدان معنا که خداوند رویدادها و پدیده‌ها را در شکل قضیه مشروط بیان می‌کند و به وجود رابطه مشخصی میان «جزا» و «شرط» قانون تاریخ می‌پردازد. تحقق «شرط» قضیه قانون تاریخ، «جزا» و «نتیجه» آن قانون را خواهد داشت. به اعتقاد شهید صدر، بسیاری از سنت‌ها و قوانین در قرآن، به صورت قضیه مشروط بیان شده و جهان هستی در سطح قوانین و سنت‌های تاریخی، بر اساس «شرط و جزا» پی‌ریزی شده است. منطبق قرآن در بسیاری از سنت‌ها، برقراری رابطه مشروط بین حوادث و رویدادهاست.<sup>۲</sup>

وقتی جهت و مسیر این قضایای شرطی مشخص و الگوها و قوانین خاص آن استخراج شود، می‌توان آنها را در زمینه‌های مختلف به کار برد و تعمیم داد. دقت و تأمل در این گونه آیات و بررسی بعضی از موارد و مصادیق آن، کمک می‌کند برنامه‌ها و خط مشی‌های آتی جامعه به روشنی ترسیم و برای اجرای آنها به منظور تحقق آینده مطلوب، استراتژی‌های مناسب تدوین گردد. قرآن می‌فرماید: «لَوْ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهُ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ؛ و هر کس که خدا و رسول و اهل ایمان را ولی [و فرمانروای] خود داند [پیروز است] که تنها لشکر خدا، فاتح و غالب خواهد بود»<sup>۳</sup>. بر اساس این آیه کسانی که سرپرستی و رهبری خدا و پیامبر و افراد باایمان را (که در آیه قبل مطرح شده بود) بپذیرند، آینده از آن آنها است و آنان در حزب خدا بوده و حزب خدا

۱. بقره: ۱۳۴.

۲. صدر، *المدرسة القرآنية*، ص ۹۰-۹۲.

۳. مائده: ۵۶.

نیز پیروز است.

خداوند همچنین می‌فرماید: ﴿قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾؛ موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری خواهید و صبر کنید که زمین ملک خداست. آن را به هر کس از بندگان خود خواهد، به میراث دهد و حسن عاقبت، مخصوص پرهیزکاران است.<sup>۱</sup> این آیه در حقیقت نقشه و برنامه‌ای آینده‌نگر برای کسانی است که ۱. از خدا یاری جویند؛ ۲. استقامت و پایداری پیشه کنند؛ ۳. از تهدیدها و حملات دشمن نهراسند و از میدان بیرون نروند. آیه برای تأکید بر مطلب و بیان دلیل، به آنان گوشزد می‌کند که سراسر زمین از آن خداست و خداوند، مالک و فرمانروای مطلق است و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، منتقل می‌کند.<sup>۲</sup>

بعضی از سنت‌ها و قوانین الهی نیز در شکل «قضیه قطعی» مطرح شده است. قضیه قطعی به معنای تحقق عملی است که انسان در مقابل اختیار ندارد و حتی امکان تعدیل سازی در آن قضایا وجود ندارد. برای مثال، یکی از سنت‌های خداوند در شکل‌گیری آینده، «تأثیر رفتارهای معنوی و اخلاقی و طهارت روحی» انسان‌هاست؛ یعنی آینده‌ای که بر مبنای پرهیزکاری و شایستگی اخلاقی نباشد، تیره و تار و عاری از ثمرات و برکات خواهد بود. طبق منابع دینی، اعطای برکات زمین و آسمان در آینده (برداشت نتایج بیش از فعالیت‌ها و تلاش‌های معمول) به ایمان و تقوای افراد آن جامعه منوط است. توجه به این موضوع، برنامه‌ریزان را در سطوح کلان و می‌دارد تا برای تأمین غذای جامعه و تعیین شاخصه‌های رفاه، چیزی جدا از شاخصه‌های تقوای الهی و رعایت حدود دینی دنبال نکنند. از آن جا که طبق سنت الهی، انسان با هدف «تکامل عقلانی و اخلاقی» آفریده شده است، تدبیر معاش و غذای جامعه، باید در جهت هدف اصلی خلقت قرار گیرد تا سعادت انسان در دو سرا فراهم شود. بر این اساس، از دیدگاه اسلام، مؤلفه‌های دیگری را باید به تعریف‌های رایج از امنیت غذایی افزود و آن، پاک و حلال بودن غذای مصرفی است. اگر هدف از آینده‌پژوهی را رساندن جامعه انسانی به آینده‌ای امن و پایدار بدانیم،

۱. اعراف: ۱۲۸.

۲. مکارم شیرازی، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۳۱۱.

تحقق این امر به شاهرآه اسلام منحصر است که خالق کل هستی، آن را به وسیله حجت‌های ظاهری اهل بیت علیهم‌السلام ارسال و تبیین کرده است. بنابراین، ادیان الاهی به ویژه اسلام، می‌توانند برانگیزاننده و جهت‌دهنده به آینده‌پژوهی تلقی شوند.<sup>۱</sup>

---

۱. عظیمی، علی اکبر، «بازنگری دستگاه نظری آینده پژوهی در جهان بینی اسلامی»، *انتظار موعود*، سال نهم، شماره ۲۹، ۱۳۸۸، ص ۹۴.

### پرسش‌های این درس

۱. چرا باید حکومت جهانی حضرت مهدی در روی زمین شکل بگیرد؟
۲. بر اساس اصل فطرت، چگونه می‌توان ضرورت تشکیل حکومت مهدوی را ثابت کرد؟
۳. جایگاه مهدویت در برقراری رابطه بین دنیا و آخرت چیست؟
۴. انسان چگونه در حکومت مهدوی به کمال می‌رسد؟
۵. منظور از توحیدی بودن تحولات آینده چیست؟
۶. جهت و سرانجام تحولات جهانی به کدام سمت خواهد بود؟



## فلسفه تاریخ از دیدگاه شیعه

### آموزه‌های این درس

۱. چیستی و مفهوم فلسفه تاریخ؛
۲. فلسفه تاریخ و مراحل آن از دیدگاه شیعه؛
۳. نویدهای قرآنی درباره آینده تاریخ.

## مقدمه

«فلسفه تاریخ»؛ یعنی قبول و تصور حاکمیت قانون بر سیر امور تاریخ حیات بشر.<sup>۱</sup> شهید مطهری «فلسفه تاریخ» را این طور تعریف کرده است: «فلسفه تاریخ، یعنی علم به تحولات و تطورات جامعه‌ها، از مرحله‌ای به مرحله دیگر و قوانین حاکم بر این تطورات و تحولات. به عبارت دیگر، علم به شدن جامعه‌ها، نه بودن آن‌ها».<sup>۲</sup> فلسفه تاریخ، اگر بر یک مدار و به صورت پیوسته و رو به جلو حرکت کند، فرجامی نیز برای آن قابل تصویر است. همان گونه که گفته شده است، تاریخ انسان و جهان همانند کهنه کتابی می‌ماند که اوراقی از ابتدای آن حذف شده و پیوسته اوراقی بر آن اضافه می‌شود.

در نگرش الهی و از منظر اسلام، خداوند آفریننده، نگهدارنده و به فرجام رساننده جهان است. اوست که جهان را با شگفتی‌های بی‌شمارش آغاز کرده و به سرانجام خواهد رساند. به لحاظ فرجام انسانی، «از دیدگاه اسلام، حرکت و مسیر تاریخ به سوی عبودیت و حاکمیت ارزش‌ها و متعالی شدن انسان است و اگر غیر از این می‌بود، حرکت تاریخ امری لغو و پوچ می‌نمود؛ هرچند در این حرکت فراز و فرودها، موانع و چالش‌هایی وجود داشته باشد».<sup>۳</sup> در بینش اسلام، جامعه بشری مجموعه‌ای به هم پیوسته و واحد است که در فطرت و تفکر و هدف همگون هستند؛ سرنوشت مشترک و واحدی در انتظار همه آنان

۱. آراسته خو، فرهنگ اصطلاحات علمی-اجتماعی، ص ۷۲۷.

۲. مطهری، جامعه و تاریخ، ص ۳۵۳.

۳. کارگر، جستارهایی در مهدویت، ص ۴۵.

است و تمامی اختلاف‌ها، تفرقه‌ها و پراکندگی‌ها، عرضی و ناشی از خصلت‌های منفی و به دور از مقام و منزلت بشری است. از دیدگاه اسلام، تاریخ جهان رو به تکامل بوده است و هرچه جهان رو به جلو حرکت کند، بر جامعیت آن در عرصه‌های مادی و معنوی افزوده شده است و جهان به سمتی در حرکت است که در همه ابعاد، کلیت یک‌پارچه‌اش را به دست آورد.

### فلسفه تاریخ از دیدگاه شیعه

در اندیشه شیعی، همانند بسیاری از نحله‌های کلامی و مذهبی دیگر؛ اما به مراتب قوی‌تر از آن‌ها، «مهدویت» جایگاه رفیعی دارد. در این نگرش، مهدویت در ادامه و منتهی‌الیه همان خط سیری است که نگاه الهی و ماورایی به آینده انسان دارد. مهدویت، آخرین ورق کتاب فلسفه تاریخ و نتیجه آن است. اندیشه مهدویت، نه دیدگاهی صرفاً تعبدی، بلکه اندیشه‌ای است منطقی و عقلانی، خصوصاً از دیدگاه شیعیان، اصل غیبت و انتظار فرج و ظهور حضرت مهدی علیه السلام همانند دیگر اصول و ضروریات دین پذیرفته شده و حقانیت این اندیشه نیز به اثبات رسیده است. «مهدویت فرجام متعالی و شکوهمند آینده جهان و سرمنزل متعالی و متکامل تاریخ بشری است. مهدویت، پیش‌بینی و حیانی هدف و مقصود تاریخ و پایان حرکت متلاطم و پرفراز و نشیب آن است. مهدویت، تحقق معناداری، غایت‌مندی تاریخ، باور به سرنوشتی روشن و محتوم است»<sup>۱</sup>.

در فرهنگ شیعی، مهدویت، فلسفه واقعی تاریخ و سرانجام حرکت آن است. لذا باید این اندیشه و نگرش به دقت و به روشنی تبیین شود؛ چرا که هیچ یک از فلسفه‌های نظری تاریخ نتوانسته است جامع و دقیق به تفسیر و تبیین تاریخ بپردازد و از کشف هدف و مقصد واقعی آن ناتوان مانده است؛ اما اندیشه متعالی مهدویت می‌تواند بیانگر تفسیر و تحلیل واقعی و یقینی روند تاریخ و شناخت سرمنزل و مسیر درست آن باشد. در واقع، شرح فلسفه تاریخ از دیدگاه اسلام، جز با بررسی و تبیین درست «آموزه مهدویت» امکان ندارد. علامه طباطبایی آینده جهان را نه در دست حکومت‌ها و قدرت‌ها و تحولات

۱. همان، ص ۴۳.

اجتماعی و سیاسی در سطح جهان می‌داند، و نه فرجام جهان را جبری، بلکه جهان را صرفاً با ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان دارای فلسفه و آینده می‌داند: «به حکم ضرورت، آینده جهان روزی را در بر خواهد داشت که در آن روز، جامعه بشر پر از عدل و داد شده و با صلح و صفا، همزیستی نماید و افراد انسانی غرق فضیلت و کمال شوند. البته استقرار چنین وضعی به دست خود انسان خواهد بود. رهبر چنین جامعه‌ای، منجی جهان بشری و به لسان روایات، مهدی علیه السلام خواهد بود».<sup>۱</sup> یکی از روایات مورد اشاره علامه، روایتی است از امام باقر علیه السلام که در آن، آغاز و انجام جهان این طور تشریح شده است: «ایهالناس! این تذهبون و این یراد بکم! بنا هدی الله اولکم و بنا یختم آخرکم، فان لم یکن لکم ملک معجل، فان لنا ملکاً موجلاً و لیس بعد ملکنا ملک لانا اهل العاقبه».<sup>۲</sup>

بر این اساس، فرجام تاریخ از دیدگاه شیعه و مبتنی بر فلسفه تاریخ، دارای سه مولفه اساسی است:

### یک. هدف و سرمنزل تاریخ (کمال و تکامل)

هدف و غایت تاریخ، بندگی خدا و رسیدن به کمالات اخلاقی و انسانی است. مهم‌ترین انگاره درباره «تاریخ آینده»، حرکت و سیر انسان و جامعه بشری - با طی فراز و نشیب‌هایی - به سوی کمال و اوج گرفتن است. «سرنوشت باوری»، به معنای باور به فرجامی متکامل و متعالی است. از دیدگاه اسلام، حرکت و سیر تاریخ به سوی عبودیت و حاکمیت ارزش‌ها و متعالی شدن انسان است و اگر غیر این می‌بود، حرکت تاریخ امری لغو و پوچ می‌نمود؛ هرچند در این حرکت، فراز و فرودها، کاستی‌ها، موانع و چالش‌هایی وجود داشته است. هدفی که قرآن برای کاروان بشری ترسیم می‌کند "عبادت و عبودیت" است و این، دارای معنای وسیع و گسترده‌ای است که کلیه شئون زندگی انسان در روی زمین را شامل می‌گردد. این هدف در صورتی محقق می‌شود که در سرتاسر جهان خواسته‌ها و دستورهای خدا اجرا گردد و شناخت و عبادت او محقق و عبودیت و معنویت جایگزین

۱. طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۳۰۸.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۷۱، ح ۶.

رذایل و کثرتی‌ها شود: ﴿و ما خلقت الجنّ و الانس الا ليعبدون﴾<sup>۱</sup> و جنّ و انس را نیافریدم، مگر برای این که مرا عبادت کنند. در قرآن به این رویکرد برخورد نمی‌کنیم که انسان آفریده شده است تا هر چه بیشتر «بداند» و هر چه بیشتر «بتواند» تا این که انسان وقتی «دانست» و «توانست»، خلقت به هدف خود رسیده باشد؛ بلکه انسان آفریده شده است که خدا را پرستش کند و پرستش خدا، خود هدف است. طبعاً به این معنا در منطق اسلام، مقصود اصلی از زندگی، جز «معبود» چیز دیگری نمی‌تواند باشد؛ یعنی قرآن می‌خواهد انسان را بسازد و می‌خواهد به او هدف و آرمان بدهد و هدف و آرمانی که اسلام می‌خواهد بدهد، فقط خداست و بس و هر چیز دیگر جنبه «مقدمی» دارد، نه جنبه «اصالت» و «استقلال» و «هدف اصلی». <sup>۲</sup> سیر و حرکت به سوی خدا و رسیدن به او، مستلزم پرورش فضایل اخلاقی، سبقت به سوی نیکی‌ها، انجام دادن اعمال صالح، پرستش و عبادت و عدالت است. این‌ها معنا و مصداق واقعی کمال و تعالی انسان است و هر یک به نوعی سعادت و خوشبختی انسان را تأمین می‌کند و زندگی‌ای آرام، متعالی، متکامل و متعادل را برای او رقم می‌زند. البته این ایده در دورانی از تاریخ، به کمال و تمام تحقق خواهد یافت و آن، عصر «ظهور مهدی موعود» است.

### دو. مسیر و مکانیسم حرکت

مکانیسم و محرک حرکت بشر به آینده، اراده انسان‌ها و تضاد و درگیری بین دو جبهه حق و باطل است که در نهایت، این درگیری با نابودی جبهه باطل به پایان خواهد رسید. مسیر و منازل این حرکت، دوران دعوت و مبارزه‌های پیامبران و جانشینان آنان، به خصوص مهدی موعود علیه السلام است. عصر هر پیامبری، مرحله‌ای برای گذر تاریخ به مراحل بالاتر و کامل‌تر از گذشته است. از دیدگاه قرآن، صحنه تاریخ و زندگی بشر، عرصه پویش‌ها و کوشش‌های حق‌پرستان و باطل‌گرایان، برای رسیدن به آرمان‌ها و اهداف خود است. حق‌پرستان، در صدد پیروی از حق، پرستش خدا، کسب فضایل انسانی، تحقق

۱. ذاریات: ۵۶.

۲. مطهری، تکامل اجتماعی انسان، ص ۷۶.

عدالت و سعادت واقعی انسان‌ها، ایمان، تثبیت و گسترش خداپرستی، دوری از زر و زور هستند؛ اما باطل گرایان به دنبال شهوت‌رانی، ثروت‌اندوزی، ظلم و ستم، کفر، فسادگری و تباهی، عدالت‌گریزی، کسب مقام، تکبر و خودخواهی اند. در رأس حق‌پرستان و حق‌جویان، پیامبران، اولیای الهی و صالحان و در رأس باطل‌گرایان، شیطان، فرعون‌ها، شاهان، ستمگران و زرمداران قرار دارند.

بین دو جبهه حق و باطل، همواره نزاع و درگیری وجود دارد و در واقع تضاد و کشمکش بین آنها، محرک و مکانیسم حرکت تاریخ است. پیامبران و پیروانشان همواره مخالفت خود را با کفر و ستمگری فرعون‌ها و سردمداران زر و زور اعلام کرده و منافع نامشروع و باطل آنها را به چالش کشیده‌اند. دعوت اصلی آنها به تحقق خداپرستی و عدالت اجتماعی بوده که این، البته با منافع سرشار و دنیوی باطل‌گرایان تعارض داشته است. از نظر قرآن مجید، جهان همواره درگیر نبردی پی‌گیر میان گروه اهل حق و گروه اهل باطل، میان گروهی از تراز ابراهیم، موسی، عیسی، محمد و پیروان مؤمن آنها و گروهی از تراز نمرود، فرعون، جباران یهود، ابوسفیان و مانند آنها بوده است. هر فرعون، موسایی در برابر خود داشته است: «لکل فرعون موسی...». در این نبردها و ستیزها، گاهی حق و گاهی باطل پیروز بوده است؛ ولی البته این پیروزی‌ها و شکست‌ها، به سلسله عوامل اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی بستگی داشته است. در قرآن به نقش به اصطلاح مرتجعانه "ملاً" و "مترفان" و "مستکبران" و نقش حق‌طلبانه "مستضعفان" تصریح شده است. در عین حال، از نظر قرآن، جهاد مستمر پیش برنده‌ای که از فجر تاریخ وجود داشته و دارد، ماهیت «معنوی» و «انسانی» دارد؛ نه «مادی» و «طبقاتی».<sup>۱</sup>

در طول تاریخ، پیامبران، رهبری گروه مؤمنان، صالحان، موحدان و مجاهدان (جبهه حق) را در دست داشتند و با تمام قدرت و توان در برابر کافران، مشرکان، منافقان و مفسدان (جبهه باطل) صف‌آرایی می‌کردند و در صدد از بین بردن تصویر کریه کفر و باطل از جهان بودند. بر این اساس، حرکت تاریخ، با سکان‌داری پیامبران و جانشینان شایسته آنان، به سمت حق‌گرایی و پیروزی بر باطل در حرکت بوده است.

۱. همان، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، ص ۴۹ و ۵۰.

## سه. سرانجام تاریخ

تاریخ در عصر ظهور، به مرحله نهایی و کامل خود خواهد رسید. این مرحله، آغاز زندگی نوین، پیشرفته و متکامل است و بشر در آن از رفاه، سعادت، عدالت، امنیت و معنویت برخوردار خواهد شد. تضاد و کشمکش بین حق و باطل و مؤمنان و کافران، از نخستین لحظه‌های تاریخ تاکنون ادامه داشته و نزاع و ستیزه‌های خارج از این چارچوب، محدود و گذرا بوده و استمرار و تداومی در تاریخ نداشته است. به راستی «نقطه پایانی» این درگیری و تضاد کجا و چه وقت است؟ با توجه به وعده قرآن، نقطه پایانی این تضاد، غلبه و پیروزی ایمان و حق و نابودی کفر و باطل است؛ بدین صورت که در عصری، "حق" به اوج قدرت و کمال خود می‌رسد و زمینه برای فتح و پیروزی آن به وجود می‌آید. باطل نیز به نهایت قدرت و انحطاط و فساد کشیده می‌شود و وقتی هر دو به نهایت خود رسیدند، حق، با امداد خداوند و آگاهی و توانایی مؤمنان و صالحان بر باطل غلبه می‌کند و کافران و مفسدان را از میان برمی‌دارد. در روایات به صراحت از نابودی و هلاکت شیطان به دست امام زمان اشاره شده است.

پیروزی نهایی نیروهای حق و صلح و عدالت، اندیشه‌ای قرآنی است که با قاطعیت اعلام می‌دارد: پیروزی نهایی با دین حق و ایمان و غلبه قطعی صالحان و پرهیزکاران، کوتاه شدن دست ظالمان و مستکبران و آینده روشن و سعادت‌مندانه بشر است. نقطه اوج و متعالی این حرکت، با قیام و ظهور منجی موعود (از دیدگاه اسلام، «مهدی») تحقق می‌یابد. او رهبری گروه حق را به دست می‌گیرد و با تمام توان، به جنگ نهایی با جبهه کفر و باطل می‌پردازد و در تحقق وعده‌های حتمی الهی، پیروز می‌شود و تاریخ به شکوه‌مندترین فرجام خود می‌رسد.

این وعده قطعی و حتمی خداوند، تخلف نمی‌پذیرد و حق با تمام توان و شکوه، به پیروزی می‌رسد. از مجموع آیات قرآن و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود، آخرین حلقه از مجموعه حلقه‌های مبارزه حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است. مهدی موعود، تحقق بخش ایده‌های همه انبیا و اولیا و مردان مبارز راه حق است و به عبارتی، او حاصل تمامی مجاهدت‌ها و تلاش‌های پیامبران و ثمره قیام‌ها و مبارزه‌های حق‌طلبان است.

### آینده تاریخ از دیدگاه قرآن

فرجام‌شناسی شیعه، مبتنی بر «وحی» و «غیب» است. مهم‌ترین ویژگی این نگرش، پیش‌بینی حتمی و قطعی آینده است. البته این پیشگویی، جبری و ضرورت‌گرایانه نیست و همه امور تحت مشیت و اراده الاهی، مبتنی بر اختیار و اراده انسان‌هاست. این اراده و عزم جمعی، اساس حرکت تاریخ بوده و خواست الاهی نیز بر این قرار گرفته است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾. البته اراده و اختیار انسان‌ها، مانع تحقق این پیشگویی قرآن نیست (چون وقوع آن بنا بر اخبار غیبی حتمی است). حرکت تاریخ، باید سمت تحقق هدف و غایت آفرینش باشد و آن، چیزی جز تحقق عبودیت و بندگی انسان و تقرب به خداوند نیست. انسان برای رسیدن به این غایت، باید به تکامل و تعالی برسد؛ ولی همیشه موانع بازدارنده‌ای فرا روی او قرار داشته است که مهم‌ترین آن‌ها، گروه باطل و فسادگر، به سردمداری شیطان بوده است. بدین جهت نزاع و تضاد مستمری بین جبهه حق (تلاشگران عرصه عبودیت) و جبهه باطل (ستیزشگران یکتاپرستی) وجود دارد. نهایت این نزاع و درگیری، تحقق عبودیت و عبادت الاهی بر روی زمین و نابودی شیطان و گروه باطل است که در عصر ظهور محقق می‌شود و هدف و غایت اصلی آفرینش (عبادت الاهی و عبودیت انسان) محقق می‌شود. پس حرکت تاریخ، به سمت تحقق عبودیت و بندگی انسان، تقرب به خداوند، حاکمیت فضایل اخلاقی و ریشه‌کنی تمام رذایل است که در روز موعود، تحقق می‌یابد.

قرآن در آیاتی چند، وعده حتمی و یقینی داده که پیروزی نهایی با حق و ایمان خواهد بود و صالحان و مستضعفان حکومت زمین را در دست خواهند گرفت.<sup>۱</sup> در این آیات، نه تنها زندگی و سیر حرکت انسان و تاریخ مشخص شده، بلکه فرجام شکوهمند و متعالی آن نیز تحت عناوین امامت مستضعفان، وراثت صالحان، جانشینی و خلافت بر زمین، ظهور و پیروزی دین حق و غلبه حق بر باطل مطرح گشته است. عموم روایات و تفاسیر، این آیات را بر ظهور حضرت مهدی و تحقق جامعه مطلوب و آرمانی تطبیق داده‌اند. بعضی از این آیات عبارت‌اند از: ﴿يُرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ در حقیقت در زبور پس از ذکر

۱. ر.ک: رحیم کارگر، آینده جهان، ص ۶۶-۷۱.

[تورات] نوشتیم که زمین را بندگان صالح ما به ارث خواهند برد<sup>۱</sup>. «نَجْعَلُهُمْ اُمَّةً وَ نَجْعَلُهُم الْوَارِثِينَ؛ و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند، مَنّت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم»<sup>۲</sup>. همچنین قرآن می‌فرماید: «قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ؛ بگو: حق آمد و باطل نابود شد». آری، باطل همواره نابود شدنی است»<sup>۳</sup> و «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ او پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد. آن را بر هر چه دین است، پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند»<sup>۴</sup>.

در نویدهای قرآن کریم، چند رکن اساسی برای جامعه موعود بیان شده است:

۱. حکومت بزرگ و کامل جهانی براساس خداپرستی، به رهبری موعود قرآنی، شکل گرفته و اداره آن به دست مردم صالح و با ایمان خواهد بود؛
۲. برنامه جامع و فراگیر دینی و حاکمیت مطلق الهی در سرتاسر جهان، بدون کم و کاست، محقق و همه احکام اسلام اجرا خواهد شد؛
۳. نا امنی، تشویش، سختی‌ها و هراس مردم از بین رفته و آرامش و امنیت کامل در سراسر گیتی برقرار خواهد گردید؛
۴. همگان خدای یکتا را پرستش خواهند کرد و هرگونه شرک و بت پرستی ریشه کن خواهد شد.<sup>۵</sup>

در این زمینه به بیان چند آیه بسنده می‌شود: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»<sup>۶</sup> پس اسلام ادامه ادیان پیشین آسمانی است که جملگی به بشر، آینده‌ای سعادت مندانه را نوید می‌دهند تا فرمانروایی زمین و جهان از آن طلایه‌داران با ایمان و نیکوکار گردد و زمانی که این فرمانروایی در دست افراد با ایمان و نیکوکار قرار

۱. انبیاء: ۱۰۵.

۲. قصص: ۵.

۳. اسراء: ۸۱.

۴. توبه: ۳۳.

۵. هاشمی شهیدی، ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، ص ۱۹۷.

۶. انبیاء: ۱۰۵.

گیرد، فرصتی برای سعادت و شادکامی بشر، دست خواهد داد.

آیه دیگر: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾<sup>۱</sup>. این آیه سه بار در قرآن کریم آمده تا وعده پروردگار را در مورد گسترش دین اسلام در پهنه گیتی و پیدایش حقیقی و به کار بردن آن را در پی ناکامی همه مکاتب و ادیان دیگر به ثبوت برساند. قرآن در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَوَدَّعَسَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمُ الْيَوْمَ مِنْ غَيْرِ مَعْنَىٰ أُولَٰئِكَ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَسُلُوفًا فَسَاءَ رَءِيسًا يَوْمَ يُصْعَقُونَ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَهُمْ نُمُودًا أَلْمُودًا وَمَا لَهُمْ لَهَا مِنْ عَشِيرَةٍ مُّؤْمِنَةٍ﴾<sup>۲</sup>. پروردگار، بر گروه‌های ستمدیده و مستضعف و رنجدیده زمین که بهترین نمونه‌های آنان ائمه برحق و اهل بیت محمد ﷺ هستند، منت خواهد گذاشت تا عملاً رهبری جهان را به عهده گیرند و در پناه حکومت عدل و ایمان، وارثان زمین شوند. این‌ها همه نشانه‌های روشنی است که تأکید می‌ورزند که حق سرانجام پیروز شده و پیروان حق، زمام جهان را به دست گرفته و آن را به ساحل امن و امان رهنمون خواهند شد.

قرآن همچنین می‌فرماید: ﴿وَوَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ... يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾<sup>۳</sup>. خداوند بر اساس این آیه، به مؤمنان صالح وعده داده که آنها را خلیفه روی زمین خواهد کرد و حکومت تمام جهان را در اختیار آنها خواهد نهاد؛ دین اسلام را به طور ریشه‌دار و اساسی بر روی زمین پیاده خواهد کرد. همه اسباب خوف و ناامنی برای مؤمنان و صالحان از بین خواهد رفت، امنیت و آسایش کامل برای آنها محقق خواهد شد و از همه مهم‌تر، در سراسر زمین تنها خداوند مورد پرستش واقع می‌شود و هرگونه شرکی به کلی از صفحه روزگار محو خواهد شد.

شهید مطهری درباره جمله آخر این آیه: «مرا عبادت کنند و چیزی را شریک من قرار ندهند»؛ می‌فرماید:

جمله آخر این آیه ناظر به این است که آن‌گاه که حکومت حق و خلافت الهی برقرار می‌شود؛ اهل ایمان از قید اطاعت هر جباری آزاد می‌شوند... از این آیه

۱. توبه: ۳۳.

۲. قصص: ۵.

۳. نور: ۵۵.

معلوم می‌شود که از نظر قرآن هر اطاعت امری، عبادت است. اگر برای خدا باشد، طاعت خداست و اگر برای غیر خدا باشد شرک به خداست. این جمله عجیب است که فرمانبرداری‌های اجباری که از نظر اخلاقی به هیچ وجه عبادت شمرده نمی‌شود، از نظر اجتماعی عبادت شمرده می‌شود.<sup>۱</sup>

خلاصه آن که در زمینه آینده جهان و ظهور و قیام منجی موعود و جامعه آرمانی مهدوی، می‌توان توصیفات و اشارات زیر را از قرآن به دست آورد:

۱. غلبه نهایی حق بر باطل و شکست جبهه کفر و فساد و نفاق؛<sup>۲</sup>
۲. جانشینی و خلافت مستضعفان بر روی زمین و حاکمیت صالحان و نیکان؛<sup>۳</sup>
۳. گسترش و فراگیری دین حق در برهه‌ای خاص از زمان؛<sup>۴</sup>
۴. «ایام الله»<sup>۵</sup> بودن آن روز موعود؛
۵. خداوند، با مهدی موعود، نور خود را کامل می‌کند؛<sup>۶</sup>
۶. در آن عصر، زمین بعد از مرگش، زنده می‌شود؛<sup>۷</sup>
۷. او یاری شده از جانب خدا و انتقام گیرنده از دشمنان است؛<sup>۸</sup>
۸. زمین، به نور پروردگار روشن خواهد شد؛<sup>۹</sup>
۹. در روز پیروزی، ایمان آوردن کافران، به حالشان سودی نخواهد داشت؛<sup>۱۰</sup>

۱. مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۲۶.

۲. رک: اسراء: ۸۱.

۳. قصص: ۵ و انبیاء: ۱۰۵.

۴. توبه: ۲۳.

۵. جاثیه: ۱۴ و ابراهیم: ۵، وقت معلوم (رک: حجر: ۳۶-۳۸)، روز نصرت و پیروزی (عنکبوت: ۱۰) و طلوع فجر و سلامتی (قدر: ۵۰).

۶. صف: ۸.

۷. حدید: ۱۷.

۸. شوری: ۴۱.

۹. زمر: ۶۹.

۱۰. سجده: ۲۹.

۱۰. هر چه در روی زمین است، تسلیم و مطاع او خواهند شد؛<sup>۱</sup>

۱۱. حضرت مهدی «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ»<sup>۲</sup> است.

این نوع تبیین روشن و کامل از آینده، می‌تواند تاثیر بسزایی بر شکل‌گیری یک آینده‌پژوهی کامل و متعالی داشته باشد و انقلاب و تحول بزرگی در جوامع جهانی به وجود آورد. البته باید دانست که سه کانون محوری اسلام درباره آینده، عبارت است از: «ظهور موعود»، «رجعت» و «قیامت»؛ چنان که امام صادق «إيام الله ثلاثة: يوم يقوم القائم و يوم الكره و يوم القيامة؛ روزهای الهی سه تا است: روزی که قائم آل محمد «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» قیام خواهد کرد، و روز رجعت و روز قیامت»<sup>۳</sup>.

این که ایام خاصی به خدا نسبت داده می‌شود، با این که همه روزها به خدا متعلق است؛ بر این نکته مبتنی است که در آن روزهای خاص، امر خدا چنان ظهوری می‌یابد که برای هیچ کس دیگری این ظهور پیدا نمی‌شود. مثل مرگ در آن موقع که تمام اسباب دنیوی از تاثیرگذاری می‌افتد و قدرت و عظمت الهی ظهور و بروز می‌کند. احتمال دیگری در تفسیر «ایام‌الله» ارائه شده که ممکن است مقصود این باشد که نعمتهای الهی در آن روز ظهور خاصی می‌یابند که آن ظهور برای غیر او نخواهد بود؛ مثل روز نجات حضرت ابراهیم «إيام الله» از آتش. پس منظور از «ایام‌الله» روزهایی است که امر الهی، اعم از نعمت یا نعمت، عزت و ذلت ظهور تام می‌یابد.<sup>۴</sup>

بر این اساس، می‌توان گفت مهدویت، مقدمه و طلوعه «رجعت» است و رجعت، طلوعه و ورودی رستاخیز و قیامت (که خود دارای عوالم و مراحل مختلفی است). به یقین می‌توان گفت حرکت جهان به سمت این سه واقعه و رویداد بزرگ آینده است و غیر از این چیز دیگری نمی‌تواند محقق شود. وظیفه ماست که با مراجعه جدی به میراث گرانبهای دینی خود، به شناخت آینده دست بزنیم و خود را برای این سه «یوم‌الله» آماده کنیم. بر اساس

۱. آل عمران: ۸.

۲. نور: ۳۵.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۳؛ صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۶۶.

۴. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۱۸-۱۹.

اینکه بتوانیم رویدادها و حوادث آینده را به تفکیک مورد مطالعه قرار دهیم، آن را در سه بخش عرضه کرده‌ایم:

۱. آخرالزمان، جهان قبل از ظهور و عصر ظهور؛

۲. جهان در دوران ظهور؛

۳. جهان پس از حکومت جهانی.

### پرسش‌های این درس:

۱. فلسفه تاریخ چیست؟ توضیح دهید.
۲. از دیدگاه شیعه هدف و فرجام تاریخ چه می باشد؟
۳. چه عوامل و مکانیسم‌هایی تاریخ را به حرکت در می‌آورد و مراحل آن را طی می کند؟
۴. فرجام تاریخ در آیات قرآن چگونه تبیین شده است؟

کتابخانه دیجیتال

## آخرالزمان (جهان قبل از ظهور)

### آموزه‌های این درس

۱. چیستی آخرالزمان و علت بحث از آن؛
۲. آشنایی با آیات مربوط با آخرالزمان؛
۳. علایم و نشانه‌های آخرالزمان.

## مقدمه

یکی از آموزه‌های مهم دینی درباره آینده تاریخ، بحث از «آخر الزمان» است. این واژه معانی و مفاهیم متفاوتی دارد؛ اما آن چه به مهدویت مربوط است، عبارت است از «آخرین بخش از زمان که در آن، مهدی موعود ظهور می‌کند و تحولات عظیمی در عالم واقع می‌شود». بر این اساس، در فرهنگ مسلمانان، به خصوص شیعه، اصطلاح «آخر الزمان» حکایت از عصری می‌کند که مهدی موعود در آن ظهور می‌کند و تحولات ویژه‌ای در جهان رخ می‌دهد.<sup>۱</sup> آخر الزمان خود به دو مرحله کاملاً متفاوت تقسیم می‌شود: دوران نخست که انسان به مراحل پایانی انحطاط اخلاقی می‌رسد، فساد اخلاقی و ستم همه جوامع بشری را فرا می‌گیرد و واپسین امیدهای بشر به ناامیدی می‌گراید (عصر پیش از ظهور) و دوران دوم عصر تحقق وعده‌های الهی به پیامبران و اولیای خداست (عصر پس از ظهور) و با قیام مصلح جهانی آغاز می‌شود. در آخر الزمان وقایع گوناگونی پیش‌بینی شده که با تحقق آن‌ها، تاریخ به یک مرحله نوینی وارد می‌شود؛ مانند بحران معنویت، وقوع اختلاف‌ها و درگیری‌های بسیار، ظهور دجال، وقوع مصایب و نزول بلاها، ندای آسمانی، ظهور منجی بزرگ بشری و نزول حضرت عیسی.

در روایاتی متعدد، بحث «آخر الزمان» به عنوان مرحله نوین و متکامل زندگی بشر مطرح شده است؛ از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی رضی الله عنه فرمود: «آیا تو را بشارت ندهم؟ آیا تو را خبر ندهم؟» عرض کرد: بلی، ای رسول خدا! آن حضرت فرمود: «هم اینک

۱. موسوی بجنوردی و ...، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۱۳۴ و ۱۳۵.

جبرئیل نزد من بود و مرا خبر داد قائمی که در آخر الزمان ظهور می کند و زمین را پر از عدل و داد می سازد - همان گونه که از ظلم و جور آکنده شده - از نسل تو و از فرزندان حسین علیه السلام است؛ کان جبرئیل عندی آنفا و أخبرنی أن القائم الذي يخرج في آخر الزمان فيملا الأرض عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً من ذريتك من ولد الحسين عليه السلام»<sup>۱</sup>.

پیامبر صلی الله علیه و آله در روایت دیگری می فرماید: «هنگام پایان زمان و آشکار شدن فتنه ها، مردی هست که به او مهدی گفته می شود و بخشش بسیار دارد؛ یکون عند انقطاع من الزمان و ظهور الفتن، رجل يقال له المهدي عطاؤه هنيئاً»<sup>۲</sup>.

با توجه به روایات فراوان، می توان گفت که «آخر الزمان» پایان یک مرحله و ورود به مرحله متعالی تاریخ است؛ شروعی روشن و سعادت آمیز که غرض از آفرینش انسان ها به طور کامل تحقق خواهد یافت و جهان بهترین دوران از زندگی بشر را شاهد خواهد بود. اصطلاح "آخر الزمان" در فرهنگ اغلب ادیان بزرگ نیز به چشم می خورد که البته در ادیان ابراهیمی از برجستگی و اهمیت ویژه ای برخوردار است. این اصطلاح معمولاً به روزگار پایانی دنیا و رویدادهایی گفته می شود که ممکن است در این بخش از زندگی دنیوی به وقوع بپیوندد. ادیان بزرگ نیز در باره آن پیشگویی هایی کرده اند؛ برای مثال در انجیل آمده است:

و این را بدان که اوقات صعب در زمان به آخر خواهد رسید؛ زیرا که خواهند بود مردم خود پرست و زرپرست و مغرور و متکبر و کفرگو و نافرمانی والدین و حق ناشناس و بی دین و بی الفت و بی وفا و خبت کننده و بی پرهیز و بی حلم و با خوبان بی اعتنا و خائن و کم حوصله و عبوس کننده و عیش را بر خدا ترجیح می دهند.<sup>۳</sup>

قرآن کریم در آیاتی چند به آخر الزمان اشاره کرده است. در سوره واقعه در چند آیه کلمه «آخرین» در توصیف جماعت انسان ها در دنیا آمده است؛ از جمله: ﴿ثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾<sup>۴</sup>.

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۴۷، ح ۱؛ حرّ عاملی، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۲.

۲. اربلی، کشف الغمه فی معرفة الائمه، ج ۲، ص ۴۷۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۲.

۳. کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، نامه دوم پولس حواری به تیموتیوس، باب سوم.

۴. واقعه: ۴۰-۵۶.

علامه طباطبایی در تفسیر «آخرین» می‌فرماید: «از آیات استفاده می‌شود که جماعت بسیاری از آیندگان، همانند عده‌ای از گذشتگان از اصحاب یمین خواهند بود». این آیات را در چند دسته می‌توان عنوان کرد:

یکم. از وقوع برخی از رخدادها خبر داده که از گذشته تا حال تحقق نیافته و از آن جا که در خود این آیات وقوع آنها به ظهور نشانه‌های قیامت همراه است؛ می‌توان نتیجه گرفت که ظرف تحقق آنها آخرالزمان است؛ چنان که از خرابی «سد ذوالقرنین» و خروج «یاجوج و ماجوج» خبر داده و این رخداد را نزدیک قیامت دانسته است. ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا؛ و چون وعده پروردگام فرا رسد، آن [سد] را درهم کوبد، و وعده پروردگام حق است؛<sup>۱</sup> ﴿حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ؛ تا وقتی که یاجوج و ماجوج [اراهشان] گشوده شود و آنها از هر پشته‌ای بتازند؛<sup>۲</sup> همچنین نزول عیسی از آسمان را از نشانه‌های قیامت برشمرده است: ﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا؛ و از اهل کتاب، کسی نیست، مگر آن که پیش از مرگ خود، حتماً به او ایمان می‌آورد، و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود؛<sup>۳</sup> رجعت گروهی از انسان‌ها نیز به عنوان رخدادی پیش از وقوع قیامت معرفی شده است: ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ؛ و چون قول [عذاب] بر ایشان واجب گردد، جنبنده‌ای را از زمین برای آنان بیرون می‌آوریم که با ایشان سخن گوید که مردم [چنان که باید] به نشانه‌های ما یقین نداشتند؛<sup>۴</sup>

دوم. از میراث‌بری زمین توسط صالحان و مستضعفان و حکومت آنان به عنوان سنت و اراده تخلف ناپذیر الاهی خبر داده شده است و از آن جا که میراث‌بر، اموال و امتیازات

۱. طباطبایی، المیزان، ج ۱۹.

۲. کهف: ۹۸.

۳. انبیا: ۹۶.

۴. نساء: ۱۵۹.

۵. نمل: ۸۲.

صاحبان پیشین را مالک می‌شود، می‌توان دریافت چنین میراث‌بر گسترده‌ای که تمام زمین را دربرمی‌گیرد، پس از آخرین سلسله از حکمرانی و سلطه بر زمین توسط زمامداران ناشایسته در فرجام جهان، تحقق می‌یابد؛ زیرا با فرض هر حکومتی پس از صالحان و مستضعفان، میراث‌بری آنها مفهومی نخواهد داشت.

سوم. چیره شدن اسلام بر همه ادیان و حاکمیت مطلق اسلام بر تمام جهان که در آیاتی از قرآن پیش بینی شده است. این امر در آیه ۳۳ سوره توبه، آیه ۹ سوره صف و آیه ۲۸ سوره فتح انعکاس یافته است. در سوره‌های توبه و صف چنین آمده است: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛ اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد، تا آن را بر هر چه دین است، فائق گرداند؛ هر چند مشرکان را ناخوش آید. نکته مذکور، امری است که تاکنون تحقق نیافته و رخدادی نیست که به صورت طبیعی و بدون استفاده از دعوت علنی و همگانی مهدی عج و بدون استفاده از قدرت اعجاز و قهر تحقق پذیر باشد. از این رو، باید پذیرفت این وعده الهی در دوران پایانی دنیا، همزمان با ظهور مهدی عج انجام خواهد گرفت. در روایاتی از اهل بیت بر این امر تصریح شده است.<sup>۱</sup>

«آخرالزمان» اصطلاحی است که در فرهنگ سخنان معصومان علیهم‌السلام جایگاه رفیعی دارد. روایات و عبارات متنوعی در زمینه آخرالزمان از زبان معصومان علیهم‌السلام نقل شده است که جملگی به دوران ظهور حضرت مهدی عج اشاره دارد؛ دورانی که با عدالت فراگیر در برابر ظلم فراگیر آغاز می‌شود؛ چنان که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «لا تذهب الدنيا حتى يلى امتى رجل من اهل بيتى يقال له المهدى عج». <sup>۲</sup> و امام علی علیه‌السلام فرمود: «بنا يفتح الامر و بنا يفتح الامم، بنا استنقذ الله الناس فى الاول الزمان و بنا يكون العدل فى آخر الزمان». <sup>۳</sup>

به هر حال، بر اساس هر نگرشی، آخرالزمان پایان خوشی برای جهان خواهد بود. دورانی که معنویت و اخلاق الهی و انسانی بر جهان سیادت خواهد کرد و فرجام

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱.

۲. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲، حدیث ۱۴۱.

۳. سلیمان، کامل، يوم الخلاص (روزگار رهایی)، ج ۲، ص ۵۹۵، ح ۷۶۶.

اندیشه‌های غیرالاهی و مادی جز انقیاد و تسلیم در برابر قدرت معنویت نخواهد بود. لهذا «آنچه بلوک مادی و سرمایه‌داری را به زانو در می‌آورد، قدرت معنوی است که هم بر ایدئولوژی استکباری آن چیره شود و هم قدرت مادی آن را به بازی بگیرد. رهبر این قدرت معنوی بی‌شک باید فردی الاهی باشد تا فراتر از مرزهای جغرافیایی و سیاسی امروز جهان، رهبری مبارزه با استکبار جهانی را بر عهده گیرد و به اقامه قسط و عدل مبادرت نماید. این رهبر الاهی کسی نیست جز منجی موعودی که همه ادیان الاهی و نیز برخی ادیان غیرالاهی ظهور او را در آخرالزمان، به عنوان تنها برپاکننده عدل، به پیروان خود وعده داده‌اند»<sup>۱</sup>.

### یک. نشانه‌های آخرالزمان

این محدوده زمانی، نشانه‌هایی دارد که اصطلاحاً «علائم آخرالزمان» خوانده می‌شود. علاوه بر اصطلاح رایج علائم آخرالزمان در فرهنگ مسلمانان، اصطلاح مشابه دیگری به نام «اشراطالساعه» وجود دارد. این اصطلاح که بیشتر نزد اهل سنت رایج است، به نشانه‌های وقوع قیامت اختصاص دارد؛ ولی روایاتی که ذیل این عنوان ذکر شده است، نشان می‌دهد بسیاری از نشانه‌های آن، چون نشانه‌های آخرالزمان است و می‌توان بسیاری از نشانه‌های آخرالزمان را نشانه‌های قیامت دانست. براساس روایات بخش اول آخرالزمان دوره بسیار دشواری خواهد بود. اینک به بعضی از این علائم و نشانه‌ها اشاره می‌کنیم:

#### ۱. گسترش ترس و ناامنی

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «لا یقوم القائم إلا علی خوف شدید...»<sup>۲</sup> حضرت قائم علیه السلام قیام نمی‌کند، مگر در دورانی پر از بیم و هراس. نیز فرمود: «مهدی علیه السلام هنگامی قیام می‌کند که زمام کارهای جامعه در دست ستمکاران باشد»<sup>۳</sup>.

۱. حصار، به سوی حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام، ص ۹۴.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۲۲۵.

۳. ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۷.

## ۲. تهی شدن مساجد از هدایت

پیامبر ﷺ درباره وضعیت مساجد در آخر الزمان می‌فرماید: « مساجدهم عامره و هی خراب من الهوی؛<sup>۱</sup> مسجدهای آن زمان آباد و زیباست؛ ولی از هدایت و ارشاد در آن خبری نیست».

## ۳. جنگ و کشتار

امام رضا علیه السلام فرمود: « پیش از ظهور امام زمان، کشتارهای پیاپی و بی‌وقفه رخ خواهد داد».<sup>۲</sup>

## ۴. بحران معنویت

در قرآن کریم، اگرچه به مدت و زمان آخرالزمان تصریح نشده است؛ از نشانه‌ها و حوادثی که قرآن بیان فرموده، می‌توان به دوره پایانی آخرالزمان که با ظهور حضرت مهدی علیه السلام مقارن است، پی برد. قرآن می‌فرماید: «إِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ»<sup>۳</sup> حساب مردم به آنان نزدیک شده؛ در حالی که در غفلتند و روی گردانند. در این آیه، مردم آخرالزمان، به غفلت و اعراض از خداوند، متصف شده‌اند.

## ۵. وقوع اختلاف‌ها و درگیری‌های بسیار

«فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ»<sup>۴</sup> ولی بعد از او، گروه‌هایی از میان پیروانش اختلاف کردند؛ وای به حال کافران از مشاهده روز بزرگ! . این آیه درباره ظهور فرقه‌های مختلف در جهان اسلام است که در آخرالزمان پدید آمده و سبب اختلاف‌های بسیار خواهند شد.

## ۶. سردی عواطف انسانی

رسول گرامی صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۹۰.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۱.

۳. انبیاء: ۱.

۴. مریم: ۳۷.

فلا الكبير یرحم الصغير و لا القوی یرحم الضعیف، و حیثذ یأذن الله له بالخروج؛<sup>۱</sup> در آن روزگار، بزرگ‌تر بر زیر دست و کوچک‌تر ترحم نمی‌کند و قوی بر ضعیف ترحم نمی‌نماید. در آن هنگام، خداوند به او [= مهدی] اذن قیام و ظهور می‌دهد.

### ۷. گسترش فساد اخلاقی

رسول خدا ﷺ می‌فرماید :

قیامت بر پا نمی‌شود تا آن که زنی را در روز روشن و آشکارا گرفته، در وسط راه به او تعدی می‌کنند و هیچ کس این کار را نکوهش نمی‌کند.<sup>۲</sup>  
محمد بن مسلم می‌گوید : به امام باقر علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! قائم شما چه وقت ظهور خواهد کرد؟ امام فرمود:  
إذا تشبه الرجال بالنساء، و النساء بالرجال، و اکتفی الرجال بالرجال، و النساء بالنساء؛<sup>۳</sup>  
هنگامی که مردها خود را شبیه زنان و زنان خود را شبیه مردان کنند. آن گاه که مردان به مردان بسنده کرده و زنان به زنان بسنده کنند.

### ۸. آرزوی کمی فرزند

پیامبر خدا ﷺ فرمود :

رستاخیز برپا نمی‌شود تا آن که کسی که پنج فرزند دارد، آرزوی چهار فرزند کند و آن که چهار فرزند دارد، می‌گوید : کاش سه فرزند داشتم و صاحب سه فرزند، آرزوی دو فرزند دارد و آن که دو فرزند دارد، یک فرزند آرزو می‌کند و کسی که یکی فرزند دارد، آرزو کند که کاش فرزندی نداشت.<sup>۴</sup>

### ۹. مرگ‌های ناگهانی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : « قیامت برپا نمی‌گردد، تا این که مرگ سفید ظاهر شود».

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۰.

۲. مقدسی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر، ص ۳۳۳.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱.

۴. فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۲۲۷.

گفتند: ای رسول خدا! مرگ سفید چیست؟ فرمود: «مرگ ناگهانی».<sup>۱</sup>

#### ۱۰. پدید آمدن گرفتاری‌ها و مشکلات

﴿إِنْ أَتَعْمَهُ عَذَابُهُ وَبَيَّتًا أَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ﴾<sup>۲</sup> اگر مجازات او، شب هنگام یا در روز به سراغ شما آید، پس مجرمان برای چه عجله می‌کنند؟ و ﴿فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنذَرِينَ﴾<sup>۳</sup> اما هنگامی که عذاب ما در آستانه خانه‌هایشان فرود آید، اندازندگان صبحگاه بدی خواهند داشت.<sup>۴</sup>

#### دو. نشانه‌های ظهور امام زمان

در روایات و احادیث بسیاری، منجی آخرالزمان (حضرت مهدی عج) و کیفیت ظهور او، با علایم و نشانه‌هایی بیان شده است. آن دسته از رخدادهای که براساس پیش‌بینی معصومان ع پیش و یا در آستانه ظهور حضرت مهدی عج پدید خواهند آمد؛ «نشانه‌های ظهورند». تحقق هر یک از این نشانه‌ها، نویدی از نزدیک‌تر شدن ظهور قائم عج است؛ به گونه‌ای که با تحقق مجموعه رخدادهای پیشگویی شده و به دنبال آخرین نشانه ظهور، حضرت مهدی عج قیام خواهد کرد. پس پدیدار شدن یک و یا چند نشانه از مجموعه نشانه‌های ظهور، گویای چیزی جز نزدیک‌تر شدن زمان ظهور نیست. البته بسیاری از حوادث و تحولاتی را که امامان ع در دوران غیبت کبرا پیش‌بینی، یا شماری از آنها را به عنوان نشانه ظهور معرفی کرده‌اند؛ به وقوع پیوسته‌اند.<sup>۴</sup>

شیخ مفید در کتاب الارشاد، انبوهی از این نشانه‌ها و علایم را به طور فشرده نقل کرده است. به نظر او مهم‌ترین نشانه‌ها عبارت است از:

۱. جنبش ارتجاعی سفیانی؛

۲. قتل سید حسنی؛

۱. الفائق، ج ۱، ص ۱۴۱.

۲. یونس: ۵۰.

۳. صافات: ۱۷۷.

۴. اسماعیلی، اسماعیل، «بررسی نشانه‌های ظهور»، حوزه، شماره ۷۰ و ۷۱.

۳. جنگ قدرت بنی عباس؛
۴. گرفتن خورشید در نیم روز ماه رمضان؛
۵. شکافته شدن زمین و فرورفتن تجاوزکاران؛
۶. فرورفتن زمین در مشرق و مغرب؛
۷. توقف خورشید در نیم روز، در وسط آسمان؛
۸. طلوع خورشید از مغرب؛
۹. قتل نفس زکیه پشت دروازه کوفه، در زمره هفتاد تن از شایستگان؛
۱۰. بریده شدن سر مردی از بنی هاشم در میان رکن و مقام؛
۱۱. ویران شدن دیوار مسجد کوفه؛
۱۲. حرکت پرچم‌های سیاه از طرف خراسان؛
۱۳. قیام جنبش یمنی؛
۱۴. آشکار شدن مرد مغربی و تصرف سرزمین شام به وسیله لشکر او؛
۱۵. فروآمدن ترک‌ها در جزیره؛
۱۶. فروآمدن رومیان در رمله؛
۱۷. طلوع ستاره ای درخشان و نورانی، بسان ماه و آن‌گاه انعطاف خاص آن؛
۱۸. پدیدار شدن سرخی در آسمان و گسترش آن در آفاق آسمان؛
۱۹. پیدایش ستون آتشی در مشرق، به مدت سه تا هفت روز؛
۲۰. قیام امت عرب و برکنار شدن زمامداران عرب به وسیله ملت‌های خویش و به دست گرفتن زمام امور کشورها به وسیله مردم؛
۲۱. خروج جهان عرب از سیطره عجم (احتمالاً غربی‌ها)؛
۲۲. کشته شدن رهبر مصر به دست مردم؛
۲۳. انهدام شام و اختلاف سه جریان سیاسی در آن؛
۲۴. ورود پرچم‌های قیس و عرب به مصر و پرچم‌های «کنده» به خراسان؛
۲۵. ورود سپاهی از سوی مغرب و رسیدن به آنها به دروازه شهر حیره؛
۲۶. شکستن دیوار فرات و جریان یافتن آب در کوچه‌های کوفه؛

۲۷. خروج شصت پیامبر دروغین؛
۲۸. خروج دوازده امام دروغین؛
۲۹. به آتش کشیده شدن مرد گران قدری از بنی عباس بین جلولا و خانقین؛
۳۰. ایجاد پل ارتباط میان کوفه و بغداد؛
۳۱. وزش بادی سیاه در آغاز روز؛
۳۲. ترس و ناامنی که همه عراق و بغداد را فرا می‌گیرد؛
۳۳. مرگ سریع و دردناک و نقص و زیان در اموال و جان و ثمرات؛
۳۴. آفت ملخ برای کشاورزی؛
۳۵. برداشت کم محصولات زراعی؛
۳۶. جنگ قدرت میان عجم (غیرعرب) و خونریزی بسیار در میان آنان؛
۳۷. شورش بردگان، ضد برده داران و کشتن آنان؛
۳۸. مسلمان شدن گروهی از بدعت گذاران و به صورت میمون و خوک درآمدن آنان؛
۳۹. تسلط کشورهای عقب مانده بر کشورهای زورمندتر و ثروتمند؛
۴۰. طنین افکن شدن ندایی از آسمان و رسیدن آن به گوش جهانیان، به زبان‌های گوناگون؛
۴۱. پدیدار شدن چهره و سینه ای در کره خورشید؛
۴۲. زنده شدن گروهی از مردگان و بازگشت آنان به دنیا، به گونه‌ای که مردم آنان را شناخته و با آنان دیدار می‌کنند.<sup>۱</sup>
- آن گاه است که «مردم» از ظهور آن امام موعود در مکه مکرمه و بیت الله آگاه می‌گردند و با شور و شوق و اخلاص به یاری او می‌شتابند.<sup>۲</sup>
- علایم و نشانه‌های ظهور، چیزهایی هستند که تا واضح نشوند، حضرت صاحب الزمان ظاهر نمی‌شود و حدوث هر یک از آنها، دلیل این است که ایام فرج تا اندازه ای نزدیک شده است؛ اما دلالتی ندارد که بعد از حدوث آن علامت، بلافاصله حضرت صاحب الامر

۱. مفید، الارشاد، ص ۳۵۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۰.

۲. رک: قزوینی، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۲۹۳ - ۲۹۴.

ظهور کند؛ ولی در مورد بعضی از آن‌ها، مانند قیام سید حسنی و خروج سفیانی، تصریح شده که مقارن ظهور آن حضرت واقع می‌شود. بعضی از علایم و نشانه‌ها، به طور اعجاز و خارق العاده واقع می‌شوند تا ادعای مهدی موعود عجله را تأیید و اهمیت مسئله و فوق العاده بودن اوضاع را به جهانیان اعلام کنند. حکم این علایم با سایر معجزات یکسان است و به صرف این که با جریان عادی سازگار نیست، نباید آنها را مردود شناخت. یکی از دلایل ذکر این نشانه‌ها در روایات، آشنا شدن مردم با شرایط ویژه ای است که قبل از قیام جهانی امام مهدی عجله پدید می‌آید. آشنایی مردم با این ویژگی‌ها، می‌تواند عامل مهمی در شناسایی مدعیان دروغین مهدویت و رسوایی فرصت طلبانی باشد که از جهالت مردم تحت پوشش نام مهدی عجله سوء استفاده می‌کنند.

در رویکرد کلی و کلان، می‌توان نشانه‌ها و علایم ظهور امام زمان عجله را به انواع مختلف تقسیم کرد:

## الف) نشانه‌های عام و خاص

### ۱. نشانه‌های عام

آن دسته از نشانه‌ها و علایمی که شاخصه‌های کلی و عمومی دارند؛ یعنی در قالب و در برهه‌ای خاص و در افرادی ویژه متصف نشده‌اند، «علایم عمومی» نامیده می‌شوند؛ نظیر احادیث و روایاتی که از احوال و اوضاع مردمان آخر الزمان خبر می‌دهند و از انحرافات و کج روی‌هایی که در آن دوره رخ می‌دهد، سخن به میان آورده اند که در واقع، نوعی بیان علایم و نشانه‌های ظهور امام زمان عجله است؛ اما در قالب و معیار کلی و عمومی:

عن ابن عباس عن رسول الله ص فی حدیث ان الله اوحى اليه ليلة اسرى به ان يوصى الى على واخبره بالائمة من ولده الى ان قال و آخر رجل منهم يصلى عيسى ابن مريم خلفه يملا الارض عدلا كما ملئت جورا وظلما... فقلت الاهی وسیدی متی یکون ذاک؟ فاوحى الله عزوجل الی: یکون ذالک اذا رفع العلم وظهر الجهل وکثر القراءة وقل العمل وکثر القتل وقل الفقهاء والهادون وکثر فقهاء الضلالة والخونسة... وکثر الجور

والفساد وظهر المنکر وامر امتک به ونهی عن المعروف...؛<sup>۱</sup> ابن عباس می گوید: در شب معراج، مطالبی به رسول اکرم ﷺ وحی شد که باید به حضرت علی رضی الله عنه سفارش کند و لذا پیامبر به علی در مورد ائمه بعد از آن حضرت که از فرزندان او هستند، خبر داد، تا آنجا که فرمود: آخرین آنها [نشانه هایی دارد؛ از جمله این که] عیسی بن مریم پشت سرش نماز می خواند؛ زمین را پر از عدل و داد می کند؛ چنان که پر از ظلم و جور شده باشد... عرض کردم: خداوند! آن کی خواهد شد؟ خداوند به من وحی کرد: هر گاه علم از میان برداشته شود و جهل و نادانی ظاهر شود؛ قرائت های [قرآن] زیاد؛ اما عمل کم شود؛ قتل و کشتار زیاد شود؛ فقها و هدایت کنندگان واقعی کم شوند؛ علمای فاسق و خیانتکار زیاد شوند؛ ... جور و فساد زیاد شود؛ منکر ظاهر شود؛ امت تو امر به منکر و نهی از معروف کنند...

حضرت علی رضی الله عنه در جواب سؤال صعصعة بن صوحان - که از یاران آن حضرت بود - در باب دجال و خروجش و در مورد نشانه هایی از ظهور امام زمان عجل الله فرجه چنین فرمودند:

فان علامة ذلك اذا امانت الناس الصلاة واضاعوا الامانة واستحلوا الكذب، واكلوا الربا واخذوا الرشا وشيدوا البنيان وباعوا الدين بالدنيا واستعملوا السفهاء وشاوروا النساء وقطعوا الارحام واتبعوا الاهواء، واستخفوا بالدماء...؛<sup>۲</sup> علامت خروج و قیام دجال زمانی است که مردم نماز را ترک کنند [و در میان مردم بمیرد]، امانت ها را ضایع کنند؛ دروغ گفتن را حلال شمارند؛ ربا بخورند؛ رشوه بگیرند؛ ساختمان ها را محکم سازند و دین را به دنیا بفروشند؛ مردمان کم عقل را بر کارها گمارند؛ زنان را در کارهای اجتماعی و شخصی طرف مشورت قرار دهند؛ قطع صلوات را کنند، از هوا و هوس پیروی کنند و [کشتار و] خونریزی را کوچک شمارند...

## ۲. نشانه های خاص

بعضی از نشانه ها و علایم ظهور، به صورت خاص و با شاخص های ویژه در افراد متعین، تبلور می یابند؛ مثلاً در روایات بسیاری ذکر شده است که ظهور امام زمان عجل الله فرجه در سال فرد و در روز فرد تحقق پیدا خواهد کرد. ظهور و خروج افرادی به نام «دجال» و «سفیانی» که مظهر ضلالت و گمراهی و نیز قیام افرادی مثل «یمانی» و «سید

۱. حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۹۰.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۳.

خراسانی» که سمبل هدایت هستند جزء علایم خاص شمرده می‌شود و در احادیث، با اسم و رسم و نشانه‌های مخصوص وارد شده است. امام باقر علیه السلام فرمودند:

تنزل الرايات السود التي تخرج من خراسان الى الكوفة، فاذا ظهر المهدي بعث اليه بالبيعة؛<sup>۱</sup> پرچم‌های سیاهی از ناحیه خراسان بیرون می‌آید و به جانب کوفه به حرکت در می‌آید. پس چون مهدی ظاهر شود، اینان وی را به بیعت دعوت می‌کنند.

نیز امام باقر علیه السلام فرمود:

برای مهدی ما، دو نشانه است که از هنگامی که خداوند آسمان‌ها و زمین را خلق فرمود، سابقه ندارد: خسوف در شب اول ماه رمضان و کسوف در نیمه همان ماه و این دو، از زمانی که خداوند آسمان‌ها و زمین را خلق کرده است، وجود نداشته است.<sup>۲</sup> در روایات مذکور نشانه‌ها و علایم خاصی برای ظهور امام زمان علیه السلام تعیین شده است.

#### ب) نشانه‌های حتمی و غیر حتمی

علایم ظهور حضرت مهدی علیه السلام دو دسته اند: الف) «علایم حتمی و قطعی» و ب) «علایم غیر حتمی» که البته در این علایم هم ممکن است اختلاف دیدگاه وجود داشته باشد. علایم غیر حتمی فراوان هستند و نوعاً بعضی از آنان به وقوع پیوسته‌اند؛ اما علایم حتمی و قطعی هنوز رخ نداده اند. بعضی از این علایم قطعی عبارتند از:

۱. خروج سفیانی: پیش از ظهور، مردی از نسل ابوسفیان در منطقه شام خروج می‌کند و با تظاهر به دینداری گروه زیادی از مسلمانان را می‌فریبد و به گرد خود می‌آورد و بخش گسترده‌ای از سرزمین‌های اسلام را به تصرف خویش در می‌آورد و بر مناطق پنجگانه شام، حمص، فلسطین، اردن و قنسرین (نام شهری در نزدیکی حلب) و منطقه عراق سیطره می‌یابد و در کوفه و نجف به قتل عام شیعیان می‌پردازد و برای کشتن و یافتن آنان جایزه تعیین می‌کند. آن‌گاه که از ظهور امام زمان باخبر می‌شود، با سپاهی گران به جنگ امام می‌رود که در منطقه «بیدا» (بین مکه و مدینه) با سپاه امام علیه السلام برخورد می‌کند و به امر خدا همه لشکریان وی به جز چند نفر در زمین فرو می‌روند و هلاک

۱. همان، ص ۲۱۷.

۲. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۴۴.

می‌شنوند.<sup>۱</sup>

۲. خسف در بیدا: «خسف»، یعنی فرو رفتن و پنهان شدن، و «بیداء» نام منطقه‌ای در مکه و مدینه است. لشکر سفیانی در این منطقه که به قصد جنگ با امام عصر علیه السلام آمده اند، در زمین فرو می‌روند.<sup>۲</sup>

۳. خروج یمانی: سرداری از یمن قیام و مردم را به حق و عدل دعوت می‌کند. این نشانه در منابع عامه نیست؛ ولی در مصادر شیعه روایات فراوانی در این باره وجود دارد. امام صادق علیه السلام فرمود:

قیام‌های سه گانه خراسانی، سفیانی، یمانی در یک سال و یک ماه و یک روز خواهد بود و هیچ پرچمی به اندازه پرچم یمانی به حق و هدایت مردم را دعوت نمی‌کند.

و هم فرمود: «یمانی از علایم حتمی است».<sup>۳</sup>

۴. قتل نفس زکیه: «زکیه»، یعنی فرد پاک و بی‌گناه و کسی که قتل انجام نداده است و جرمی ندارد. در آستانه ظهور مهدی علیه السلام در گیرودار مبارزات زمینه ساز انقلاب حضرت مهدی علیه السلام، فردی پاکبخته و مخلص از اولاد حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام در راه امام می‌کوشد و در این راه مظلومانه به قتل می‌رسد. در روایات گاهی «نفس زکیه» و گاهی «سید حسنی» آمده است. امام باقر علیه السلام فرمود: «بین ظهور مهدی علیه السلام و کشته شدن نفس زکیه بیش از پانزده شبانه روز فاصله نیست».<sup>۴</sup>

۵. صیحه آسمانی: منظور از «صیحه آسمانی»، صدایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی در آسمان شنیده می‌شود و همه مردم آن را می‌شنوند. در روایات واژگان «نداء»، «فزع» و «صوت» نیز به کار رفته است که ظاهر آن نشان می‌دهد هر یک از این‌ها نشانه جداگانه‌ای است که پیش از ظهور واقع می‌شود؛ لکن به نظر می‌رسد که این‌ها تعبیر از یک واقعیت است و ممکن است که سه حادثه جدا از هم باشند که اول صداهای

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۵۱؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۱۵.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۲؛ صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۴۵۹.

۳. صدر، تاریخ غیبت کبری، ص ۵۲۵؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۲.

۴. صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ۴۵۹؛ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۴.

هولناکی برآید و همه را به خود متوجه کند (صیحه) و به دنبال آن صدای مهیب و هولناکی شنیده شود که دل‌های مردم را به وحشت اندازد (فزع) و آن گاه از آسمان صدایی شنیده می‌شود که مردم را به سوی مهدی عجل الله فرجه فرا می‌خواند (نداء). روایاتی که از این معنا خبر داده اند، از طریق شیعه و سنی فراوان هستند. امام باقر ع می‌فرماید:

ندا کننده ای از آسمان نام قائم را ندا می‌کند، به طوری که هر که در شرق و غرب است، آن را می‌شنود و از وحشت این صدا خوابیده‌ها بیدار می‌شوند و ایستادگان نشسته و نشستگان بر دو پای خویش می‌ایستند. رحمت خدا بر کسی که از این صدا عبرت گیرد و ندای وی را اجابت کند! زیرا صدای نخست، صدای جبرئیل روح الامین است.

آن گاه می‌فرماید:

این صدا در شب جمعه، بیست و سوم ماه رمضان خواهد بود؛ در این هیچ شک نکنید و بشنوید و فرمان برید. در آخر روز شیطان فریاد می‌زند که فلانی مظلوم کشته شد تا مردم را بفریبد و به شک اندازد.<sup>۱</sup>

نیز امام صادق ع می‌فرماید:

در ابتدای روز گوینده‌ای در آسمان ندا می‌دهد: آگاه باشید که حق با علی و شیعیان اوست. پس از آن، در پایان روز شیطان - که لعنت خدا بر او بادا- از روی زمین فریاد می‌زند که حق با عثمان و پیروان اوست. پس در این هنگام، باطل گرایان به شک می‌افتند. هرگاه گوینده ای از آسمان ندا بزند که حق با اولاد محمد ص است در آن هنگام ظهور مهدی ع به سر زبان‌ها می‌افتد؛ به گونه ای که غیر از او یاد نمی‌کنند.<sup>۲</sup>

۶. خروج دجال: این نشانه در آثار اهل سنت، از علایم برپایی قیامت شناخته شده است؛<sup>۳</sup> ولی در منابع روایی شیعه از نشانه‌های ظهور است و اشکال ندارد که هم علامت ظهور و هم علامت معاد باشد؛ چون خود ظهور امام عصر ع نیز از علایم آخرالزمان

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۴.

۲. اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۰؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۲۵ و ۴۵۲ و ۴۵۴.

۳. ترمذی، سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۷ - ۵۱۹؛ مسلم، صحیح مسلم، ج ۱۸، ص ۴۶ و ۸۱.

می‌باشد.

«دجال»، فردی است که در آخر الزمان و پیش از قیام مهدی عج خروج می‌کند و با انجام دادن کارهای شگفت انگیز جمع زیادی از مردم را می‌فریبد و سرانجام به دست عیسی مسیح عج در کنار دروازه «لد» در منطقه شام به هلاکت می‌رسد. در مورد دجال نظریه‌های متعددی طرح شده است؛ مثلاً گروهی آن را یک «فرد» دانسته اند و دسته‌ای آن را «جریان» می‌دانند.

### ج) علایم با فاصله و بی‌فاصله

#### ۱. نشانه‌های نزدیک وقت ظهور

در برخی روایات، تصریح شده که بعضی از علایم در سال ظهور امام زمان عج رخ می‌دهند؛ یعنی قبل از ظهور و در آستانه قیام حضرت مهدی عج. این نشانه‌ها یکی پس از دیگری پدیدار شده، به ظهور امام زمان منتهی می‌شود. امام صادق عج فرمود:

خروج الثلاثة، الخراسانی والسفیانی والیمانی فی سنة واحدة فی شهر واحد، فی یوم واحد ولیس فیها رایة باهدی من رایة الیمانی یهدی الی الحق؛<sup>۱</sup> خروج سه کس: خراسانی و سفیانی و یمانی، در یک سال و در یک ماه و یک روز خواهد بود و در این میان، هیچ پرچمی به اندازه پرچم یمانی، به حق و هدایت دعوت نمی‌کند.

نیز امام باقر عج فرمود:

لیس بین قیام القائم وقتل النفس الزکیة اکثر من خمس عشر لیلة؛<sup>۲</sup> بین ظهور مهدی عج و کشته شدن نفس زکیه، بیش از پانزده شب فاصله نیست.

#### ۲. علایمی که با ظهور فاصله زمانی دارد

برخی از نشانه‌ها و علایم با فاصله بسیاری از زمان ظهور تحقق می‌یابد؛ حتی بعضی از آنها قبل از تولد امام زمان رخ می‌نمایند و بعضی بعد از تولد و قبل از ظهور با فاصله زیاد؛ چنان که شماری از آنها، همچون «از هم گسستن بنی امیه و بنی عباس»، «خروج

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۲.

۲. مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۳۷۴؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۲۷.

ابومسلم خراسانی» و «اختلاف بین مسلمانان»، قبلاً اتفاق افتاده است.

## د) علایم زمینی و آسمانی

### ۱. علایم طبیعی و زمینی

در میان نشانه‌ها و علایم ظهور، بیشتر آنها نشانه‌های طبیعی و زمینی‌اند و هر کدام در تثبیت حقانیت ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام نقش اساسی دارد.

امام علی علیه السلام فرمود:

ویخرج رجل من اهل بیتی فی الحرم فیبلغ السفیانی، فیبعث الیه جندا من جنده فیهمهم فیسیر الیه السفیانی بمن معه، حتی اذا جاوزوا ببیداء من الارض، خسف بهم، فلا ینجوا منهم الا المخبر عنهم؛ مردی از خاندان من، در سرزمین حرم قیام می‌کند. پس خبر خروج وی به سفیانی می‌رسد. وی [= سفیانی] سپاهی از لشکریان خود را برای جنگ، به سوی او می‌فرستد و آنان را شکست می‌دهد. آن‌گاه خود سفیانی با همراهانش به جنگ وی می‌روند و چون از سرزمین پیدا می‌گذرند، زمین آنان را فرو می‌برد و جز یک نفر، که خبر آنان را می‌آورد، کسی از آنان نجات نمی‌یابد.<sup>۱</sup>

نشانه‌هایی نظیر «فرو رفتن سفیانی در پیدا»، «قیام یمانی»، «خراسانی»، «سفیانی»، «دجال»، «قتل نفس زکیه» و «جنگ‌های خونین»، و ... از جمله علایم زمینی و طبیعی هستند.

### ۲. علایم آسمانی

به علت اهمیت ظهور امام زمان علیه السلام، افزون بر نشانه‌های زمینی و طبیعی، برخی علایم آسمانی در زمان ظهور حضرت رخ خواهند داد تا مردم بهتر رهبر و مصلح آسمانی را شناخته و در جهت تحقق رسالت و اهداف او مشارکت کنند؛ مانند:

#### ۱. صیحه آسمانی: امام صادق علیه السلام فرمود:

اذا نادى مناد من السماء ان الحق فى آل محمد صلوات الله عليهم فعند ذلك يظهر المهدي على افواه الناس ويشربون حبه، ولا يكون لهم ذكر غيره؛ هر گاه گوینده‌ای از آسمان ندا دهد که حق با اولاد محمد صلوات الله عليهم است، در آن هنگام، ظهور مهدی علیه السلام به سر زبان‌ها می‌افتد، و همه

۱. عقدالدرر، ص ۷۳؛ نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، ص ۴۱۸، ح ۸۶۲۳.

[شراب] دوستی او می‌نوشتند و غیر او را یاد نمی‌کنند.<sup>۱</sup>

۲. کسوف: امام صادق علیه السلام فرمود:

علامة خروج المهدي كسوف الشمس في شهر رمضان في ثلاث عشرة واربعة عشرة  
منه؛<sup>۲</sup> نشانه ظهور مهدی کسوف خورشید در ماه مبارک رمضان است [و وقت کسوف]  
سیزدهم یا چهاردهم ماه رمضان خواهد بود.

۱. صدر، تاریخ پس از ظهور، ص ۱۷۶: متقی هندی، کنز العمال، ح ۳۹۶۶۵.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۷۰.

### پرسش‌های این درس

۱. آخرالزمان با مهدویت چه ارتباطی دارد؟ توضیح دهید.
۲. آیات قرآن در مورد آخرالزمان چند دسته‌اند؟ توضیح دهید.
۳. پنج مورد از نشانه‌های آخرالزمان را با روایات آن بنویسید.
۴. نشانه‌های خاص و عام ظهور امام زمان را توضیح دهید.
۵. نشانه‌های حتمی ظهور چیست؟ آنها را با توضیح کامل بنویسید.

درس چهارم:

## عصر ظهور (جهان در دوران ظهور)

آموزه‌های این درس

۱. جایگاه عصر ظهور در ادبیات مهدویت؛
۲. ویژگی‌ها و زیبایی‌های عصر ظهور؛
۳. برنامه‌ها و اهداف امام زمان (عج).

## مقدمه

«عصر ظهور» در ادبیات مهدویت، ترسیم و تصویری از پایان تاریخ و جهان است؛ دورانی که تاریخ و جهان هرگز به عقب و گذشته تلخ و تاریک باز نمی‌گردد؛ عصری که پیروزی حق بر باطل و چیرگی مستضعفان بر مستکبران است؛ زمانی که جهان یکدست و حکومتی جهانی تشکیل خواهد شد تا همه آمال انسان‌ها را محقق کند. حکومتی که رهبری آن را حضرت حجت علیه السلام به دست خواهد داشت و با شیوه الهی به اداره جهان خواهد پرداخت. در نگاهی کلان و بر اساس دیدگاه‌های مسلمانان به آینده، می‌توان نتایج مشترک اعتقادی مسلمانان را در باره آینده شناسایی کرد. اعتقاد به تحقق حکومت جهانی اسلامی به رهبری حضرت مهدی علیه السلام از سلاله پاک پیامبر اسلام، یکی از این مسلمات است. چنین حکومتی بر محوریت رهبری دینی استوار است؛ رهبری دینی در آن نقش اساسی دارد و مبنای این حکومت هم قوانین شرعی خواهد بود.

از دیدگاه شیعه، آینده سیاست جهانی، بسیار روشن و نیکو است. تاریخ، برای رسیدن به جامعه مطلوب و آرمانی در حرکت است. این مدینه فاضله در زمین به دست حق پرستان و به رهبری مصلح موعود و با امدادهای الهی به وجود آمده و او اداره آن را در دست خواهد گرفت. این جامعه، پایان حرکت تاریخ و آغاز حیاتی متکامل و بدون کاستی و نقص است. سیاست در این جامعه، «فاضله» و «الاهی» است و دولت اخلاقی (کمال گرا و اخلاق محور) بر اساس نظام امامت شکل می‌گیرد. مردم، به خصوص مستضعفان و صالحان، در اداره و کنترل امور نقش اساسی دارند و صاحبان زر و زور و تزویر از بین می‌روند.

مهم‌ترین و اساسی‌ترین اقدام امام مهدی عج پس از پیروزی و سیطره بر سراسر جهان، تشکیل دولت و به دست گرفتن حکومت و فرمانروایی دنیا است. مردم جهان دولت‌ها، احزاب و سازمان‌های بسیاری را دیده‌اند که مدعی خدمت به جهانیان و ایجاد آرامش، صلح و امنیت و بهبود وضع اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی در دنیا بوده‌اند؛ اما در عمل، از آنان چیزی جز تباهی و ستم و جنگ مشاهده نکرده‌اند. سرانجام روزگاری فرا می‌رسد که معنویت و عدالت، به دست توانای مرد الاهی و در دولت کریمه اهل بیت علیهم‌السلام محقق می‌شود و رفاه، امنیت، عدل و یکتاپرستی در همه جای عالم گسترش می‌یابد. روشن است که این تنها با تشکیل دولت و انسجام در امور، به دست می‌آید. امام باقر در تفسیر آیه «الَّذِينَ إِن مَكَّانَهُمْ فِي الْأَرْضِ» می‌فرماید: «این آیه در حق آل محمد، حضرت مهدی عج و یاران او است که خداوند آنها را مالک شرق و غرب جهان نموده، آیین اسلام را پیروز می‌کند و بدعت‌ها و باطل‌ها را به دست او و یارانش نابود می‌سازد؛ چنان که [قبلاً] سفیهان حق را لگدمال کرده باشند؛ تا این که از ستم نشانه‌ای نمی‌ماند»<sup>۱</sup>.

امام مهدی عج با تشکیل حکومت جهانی براساس نظام امامت، اداره و مدیریت جهان را در دست خواهد گرفت و بشر را به سمت کمال مطلوب و تکمیل مکارم اخلاقی (حداکثر کمال و رشد اخلاقی) هدایت و راهبری خواهد کرد و جامعه مرده را زنده و دین‌مداری و معنویت‌گرایی را احیا خواهد کرد. مشکلات و نارسایی‌های گسترده جوامع، به خصوص در زمینه اخلاق و معنویت، تنها در سایه وجود دولت امام مهدی عج از بین می‌رود و به جای آن‌ها، معنویت، عدالت و عقلانیت حاکم می‌شود و جوامع به تکامل، تعالی، تعادل و پیشرفت می‌رسند. بر اساس روایات، پس از استقرار و تثبیت دولت امام مهدی عج آن حضرت خود، مستقیماً حاکمان و والیان را با دستورات مهمی به سراسر جهان اعزام خواهد کرد.

۱. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷؛ سید شرف‌الدین حسینی، تأویل الآیات الظاهره، ص

### مهم‌ترین برنامه‌ها و خواسته‌های دولت مهدوی:

۱. رساندن جوامع به کمال مطلوب و رشد و بالندگی اخلاقی (هدف اصلی)؛
  ۲. برقراری عدالت اجتماعی و گسترش قسط و عدل در سراسر جهان؛
  ۳. اداره و سامان دهی نظام جهان بر اساس ایمان به خدا، احکام دین اسلام و آموزه‌های قرآن؛
  ۴. تثبیت و گسترش صلح و امنیت جهانی و از بین بردن ستیزه‌جویی، تجاوزگری، جنگ، کینه‌جویی و خودپرستی؛
  ۵. نجات مردم از چنگال ستمکاران، جباران و مفسدان و اهتزاز پرچم توحید و عدالت؛
  ۶. احیای آیین توحید و یکتاپرستی (اسلام) و نابودی آیین‌های انحرافی و باطل؛
  ۷. تأسیس حکومت جهانی اسلام و در دست گرفتن حاکمیت جهان؛
  ۸. به کمال رساندن علم و دانش و رشد و شکوفایی عقل و اندیشه آدمیان؛
  ۹. تصحیح امور زندگی و استفاده صحیح و بهینه از امکانات و منابع مادی و معنوی جهان؛
  ۱۰. از بین بردن امتیازات و تبعیضات نژادی و طبقاتی و تعمیق برابری و مساوات؛
  ۱۱. بسط و گسترش فضایل اخلاقی و ریشه‌کن نمودن رذایل و آلودگی‌های اخلاقی.<sup>۱</sup>
- رسیدن به این اهداف والا و مقدس و اهدافی از این دست، در گرو این است که حضرت مهدی علیه السلام ابتدا اخلاق و رفتار مردم را تغییر دهد و به اصلاح و احیای آنان بپردازد. سپس به این کار اصلی (تزکیه و تهذیب نفوس) و رشد و تعالی روحی و فکری مردم بپردازد که بدیهی است در پی آن، خود مردم به دنبال سامان دادن به سایر امور خواهند بود.
- امام زمان علیه السلام با تشکیل حکومت جهانی و شکل دهی به حاکمیت صالحان و شایستگان و با یاری آنان، به اقداماتی گسترده و فراگیر، به منظور اصلاح و بهبود امور دست می‌زند و در جهت رشد و تعالی معنوی و مادی مردم از همه امکانات و ابزار استفاده می‌کند. بر این اساس، مهم‌ترین برنامه‌ها و اقدامات آن حضرت که سایر تغییرات و اصلاحات را تحت پوشش دارند؛ در چند محور کلی طراحی و اجرا می‌شود:

۱. کارگر، رحیم، «جهانی شدن و حکومت جهانی مهدی علیه السلام»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۶، ص ۱۷۵ و ۱۷۶.

### ویژگی‌های عصر ظهور

هر حکومتی که داعیه دار هدایت و رهبری جهان است، باید برنامه‌ها و راه‌کارهای متناسب با این ادعا را ارائه کند و میزان پایبندی و التزام خود را به آنها نشان دهد. یکی از مشکلات اساسی «جهانی‌شدن» این است که به برنامه‌ها و راه‌کارهای ارائه شده در آن اعتماد و اطمینانی وجود ندارد و سازمان ملل و کارگزاران نظام جهانی و سایر نهادهای بین‌المللی نیز، نشان داده‌اند که لیاقت و توان اجرای این برنامه‌ها را ندارند و دولت‌ها و شرکت‌های چند ملیتی نیز تنها درصدد بهره‌برداری و کسب سود و منفعت بیش‌تر از این پدیده هستند. اما برنامه‌ها و راه‌کارهای ارائه شده در «حکومت عدل اسلامی»، ضمانت اجرایی قوی دارد و تمام برنامه‌های رهبر آن، که «مدیر صالح، عادل، آگاه، شجاع و دانشمند» است؛ در جهت تأمین سعادت و بهروزی مردم و جلب رضایت و خشنودی آنان می‌باشد. پاره‌ای از ویژگی‌های این حکومت جهانی، عبارت است از:

#### ۱. تسلط بر همه عالم

حکومت و دولت حضرت مهدی، فراگیر و جهانی خواهد بود و قدرت و سلطه او از شرق تا غرب دنیا را فرا خواهد گرفت؛ چنان‌که محدث نوری می‌نویسد:

از صفات و ویژگی‌های مهدی، گسترش سلطنت آن حضرت بر تمام روی زمین است. نماند جایی، مگر این که در آن جا حکمش جاری و امرش نافذ شود و اخبار در این معنا متواتر است.<sup>۱</sup>

آری، مهم‌ترین ویژگی حکومت جهانی حضرت مهدی، قرار گرفتن جهان تحت مدیریت واحد و کارآمد است؛ به طوری که خود رأیی‌ها، مقام پرستی‌ها و خود محوری‌ها از بین خواهد رفت و همه بر اطاعت از یک حاکم مقتدر جهانی، اتفاق خواهند داشت. بر اساس بعضی از روایات، جهان در آن زمان، ۳۱۳ بخش می‌گردد و آن حضرت، ۳۱۳ تن از یاران نزدیک خود را بر آنها حاکم خواهد ساخت.

رسول اکرم ﷺ فرمود: «یبلغ سلطانه المشرق و المغرب؛ دولت و سلطنت مهدی همه

۱. کارگر، رحیم، جهانی‌شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی. ص ۸۹.

شرق و غرب جهان را در بر می‌گیرد»؛<sup>۱</sup> «ولایکون ملک الا لاسلام»<sup>۲</sup> در آن روز، حکومتی جز حکومت اسلامی نخواهد بود». امیر مؤمنان علیه السلام نیز فرمود:  
حضرت مهدی شرق و غرب جهان را تحت سیطره خود درآورد... شر از جهان رخت  
بر بندد و تنها خیر باقی بماند.<sup>۳</sup>  
امام باقر علیه السلام هم فرمود:

حضرت قائم ۳۰۹ سال حکومت می‌کند؛ چنان که اصحاب کهف ۳۰۹ سال در غار  
ماندند؛ زمین را پر از عدالت می‌کند؛ آن چنان که پر از جور و ستم شده باشد. خداوند  
شرق و غرب جهان را برای او فتح می‌کند.<sup>۴</sup>  
همچنین: «هنگامی که قائم قیام کند، برای هر کشوری از کشورهای جهان فرمانروایی  
بر می‌گزیند...». <sup>۵</sup> امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

وقتی که قائم قیام می‌کند، خداوند آفت را از شیعیان دور می‌کند و قلب آنان را  
همچون قطعات آهن، محکم و نیروی هر مرد را به اندازه چهل مرد می‌سازد. آنان  
حکومت و ریاست تمامی مردم جهان را به دست خواهند گرفت.<sup>۶</sup>  
نیز آمده است:

حضرت مهدی علیه السلام یارانش را در همه سرزمین‌ها پراکنده می‌کند و به آنها دستور  
می‌دهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند و آنان را فرمانروایان کشورهای جهان  
می‌گرداند و به ایشان فرمان می‌دهد که شهرها را آباد سازند.<sup>۷</sup>

## ۲. دین و آیین واحد جهانی

در حکومت جهانی واحد، «اسلام» دین برتر و آیین پذیرفته شده مردم خواهد بود و این

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱.

۲. ابن حماد، الملاحم و الفتن، ص ۶۶.

۳. صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۴۷۴.

۴. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۸۳؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.

۵. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵؛ نعمانی، الغیبه، ص ۷۲.

۶. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

۷. الامام المهدی، ص ۲۷۱.

نشان می‌دهد که برنامه حضرت مهدی جهان شمول و فراگیر بوده و مردم با رغبت و علاقه دین اسلام را اختیار خواهند کرد. در نتیجه فضایل اخلاقی و مکارم انسانی، بر جوامع حاکم شده و فساد، الحاد و بی‌دینی از بین خواهد رفت.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «تا هر جا که تاریکی شب وارد شود، این آیین مقدس [=اسلام] نفوذ خواهد کرد».<sup>۱</sup> امام مجتبی علیه السلام، درباره از بین رفتن کفر و بی‌دینی از جهان و پذیرش آیین واحد از سوی مردمان می‌فرماید:

خداوند در آخر الزمان و دوران شدت روزگار و عصر جهل مردم، مردی را برانگیزد و او را با فرشتگان خود، یاری دهد... و او را بر تمام زمین چیره فرماید تا این که [مردم] از روی میل و یا از روی اکراه، دین را بپذیرند. او زمین را از عدل و داد و نور و برهان پر کند. شرق و غرب زمین از آیین او پیروی کنند تا آن که کافری نماند، مگر این که ایمان آورد و گناه کار و فاسدی نماند، مگر این که نیکوکار شود. در حکومت او، درندگان با هم در صلح زندگی می‌کنند...<sup>۲</sup>

بر این اساس، از ویژگی‌های برجسته آن جامعه جهانی، این است که همگان در آن یکتاپرست هستند و خدا را به یگانگی می‌پرستند و شریکی برای او قرار نمی‌دهند و از گناهان و مفسد دوری می‌جویند. امیر مؤمنان فرموده است: «هیچ آبادی‌ای نخواهد ماند، مگر آن که در آن جا هر صبح و شام، به یکتایی خدا، شهادت داده خواهد شد».<sup>۳</sup> نیز امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هیچ یهودی و مسیحی و هیچ پرستش کننده غیر خدایی باقی نمی‌ماند، مگر این که به او [=مهدی] ایمان می‌آورد و او را تصدیق می‌کند».<sup>۴</sup> این روایات، به خوبی نشان می‌دهند که ایده مذهب واحد جهانی، در زمان ظهور، به واقعیت خواهد پیوست و این بشارت و مژده الهی محقق خواهد شد.

۱. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۱۶۰.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ذیل آیه ۹ سوره صف؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۶۰.

۴. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۲۶.

### ۳. عدالت فراگیر جهانی

«عدالت»، در گستره کلمه و در ابعاد اقتصادی، قضایی، اخلاقی و سیاسی؛ یکی از آرمان‌ها، خواست‌ها و آرزوهای انسان‌ها در طول تاریخ بوده و افراد در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی خود، به آن نیازمند بوده اند. این نیاز دائمی انسان تنها در «حکومت جهانی مهدوی» برآورده خواهد شد و «عدالت» واقعی تنها با آمدن «منجی موعود»، تحقق خواهد یافت. در واقع، عدل و قسط و مساوات، نماد اصلی حکومت او خواهد بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در باره اوضاع زمین پس از ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام در روایت مشهوری می‌فرماید: «فیما لا الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا؛ پس زمین را از عدل و داد لبریز می‌کند؛ همان گونه که از ستم و بیداد لبریز شده است» و نیز فرمود: «عدالتش فراگیر شود؛ یسعهم عدله»<sup>۱</sup>.

امام صادق علیه السلام فرموده است: «به خدا سوگند! عدالت او [مهدی]، در خانه هایشان وارد می‌شود؛ همچنان که گرما و سرما وارد می‌گردد»<sup>۲</sup>. همچنین:

چون مهدی قیام کند، مال را به طور مساوی تقسیم می‌کند و عدالت را در میان رعیت اجرا می‌کند. هر کس از او اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده است.<sup>۳</sup>

امام رضا علیه السلام نیز می‌فرماید:

هرگاه [قائم اهل بیت] خروج کند، زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و ترازوی عدالت میان مردم برقرار می‌گردد. پس کسی به کسی ستم نخواهد کرد.<sup>۴</sup>

### ۴. امنیت و صلح جهانی

«امنیت»، «صلح واقعی» و «آرامش» - که گوهر نایاب زندگی انسان‌ها است - از ویژگی‌های جهانی و فراگیر حکومت مهدوی است. در آن عصر، خوف‌ها زایل می‌شود و

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

۳. نعمانی، الغیبة، ص ۱۲۴؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۹؛ صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۳۱۰.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱؛ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۳، ص ۳۷۲.

جان و مال و آبروی اشخاص در امان قرار می‌گیرد و در سراسر جهان امنیت عمومی حاکم می‌شود و «اختناق»، «استبداد»، «استکبار» و «استضعاف» - که همه از آثار و مشخصه‌های حکومت‌های غیر الاهی است - از جهان ریشه کن می‌گردد و حکومت‌های طاغوتیان، به هر شکل و هر عنوان برچیده می‌شود. در روایات آمده است:

به واسطه حضرت مهدی، راه‌ها آن قدر امن می‌شود که شخصی، حتی ضعیف‌ترین مردم از مشرق به مغرب سفر می‌کند، از احدی به او آزار و اذیت نمی‌رسد.<sup>۱</sup>

امیر مؤمنان درباره رفع کینه‌ها و دشمنی‌ها از جهان می‌فرماید: «اگر قائم ما قیام کند، آسمان، باران خود را فرو می‌ریزد و زمین نباتات خود را بیرون می‌افکند و کینه‌ها و ناراحتی‌ها، از دل بندگان خدا، زایل می‌گردد».<sup>۲</sup> نیز فرمود:

هرگاه قائم ما قیام کند، کینه تیزی از دل‌های همه مردم، رخت برمی‌بندد و چهار پایان رام می‌گردند تا آن جا که زنی از عراق تا شام، مسیر را می‌پیماید؛ در حالی که هیچ درنده‌ای او را نمی‌آزارد...<sup>۳</sup>

امام باقر علیه السلام هم می‌فرماید:

مهدی آن چنان ستم را از ستم‌دیدگان رفع می‌کند که اگر حق شخصی، زیر دندان کسی باشد، آن را باز می‌ستاند و به صاحب حق بر می‌گرداند.<sup>۴</sup>

## ۵. ملت واحد جهانی

«همبستگی» و «یک‌پارچگی» انسان‌ها و نزدیک کردن دیدگاه‌ها، افکار و آمال آنها به یکدیگر، خواسته و آرزوی دست نیافتنی در وضعیت کنونی جهان است. با ظهور مصلح کل و بالا رفتن بینش و آگاهی مردم و از بین رفتن خودخواهی‌ها، همبستگی و اتحاد شگرفی در میان انسان‌ها به وجود خواهد آمد. وقتی که امت واحد جهانی، شکل بگیرد، تمامی اختلاف‌ها، کینه‌ها، ستیزه جویی‌ها و تجاوزها از بین خواهد رفت و همگان یکدل و

۱. صافی گلپایگانی، منتخب‌الآثر، ص ۳۰۸.

۲. مجلسی، بحار‌الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

۳. همان، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

۴. صافی گلپایگانی، منتخب‌الآثر، ص ۳۰۸.

یکرنگ، اطاعت از آن حضرت را پیشه خود خواهند ساخت. امام باقر علیه السلام می فرماید :  
تمام جهان، ملت واحد می شوند و آن ملت اسلام است و هرچه معبود غیر خدا در زمین  
باشد، به آتش فرود آینده از آسمان، خواهد سوخت.<sup>۱</sup>

و نیز:

هنگام خروج حضرت مهدی، خطاب و ندای عامی به همه مردم جهان می شود و آنها  
به اطاعت از او فرا خوانده می شوند.

### ۶. پیشرفت و رفاه جهانی

در دولت کریمه مهدی موعود، وضع اقتصاد و معیشت عمومی، سامان خواهد یافت. در  
آن عصر، نعمت‌های الاهی افزون، آب‌ها مهوار، زمین‌ها حاصل خیز و معادن ظاهر خواهد  
شد. هیچ فقیری باقی نخواهد ماند تا مستحق کمک مالی از بیت‌المال باشد و کمک مالی  
دریافت کند. رونق و شکوفایی اقتصادی، باعث خواهد شد که همگان از برکات و آثار  
دولت او برخوردار شوند و چهره کریمه فقر، نابرابری و فساد مالی از جهان رخت برخواهد  
بست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید : «خداوند به وسیله مهدی، از امت رفع گرفتاری می کند».<sup>۲</sup>

و نیز :

امت من در دوران مهدی، چنان منتعم شود که بسان آن، بهره وری را ندیده باشد.  
آسمان پیوسته باران خود را بر ایشان فرو می فرستد و زمین رویدنی‌های خود را  
بیرون می ریزد. ثروت در آن روز بر روی هم انباشته می شود.<sup>۳</sup>

امام باقر علیه السلام فرموده است: «مهدی، اموال را میان مردم، چنان به مساوات تقسیم  
می کند که دیگر محتاجی دیده نمی شود تا به او زکات دهند».<sup>۴</sup> نیز: «آن چنان [مهدی]  
میان مردم، مساوات برقرار می سازد که حتی نیازمند به زکات را هرگز نخواهی دید».<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۴۳۶.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۵؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۱۴.

۳. مقدس قمی، عقد الدرر، ص ۱۷۰.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۴.

۵. طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۳۲.

همچنین آمده است: «امت اسلامی در عهد او [مهدی] آن چنان از فراخی معیشت برخوردار می‌شود که هرگز نظیر چنین نعمت و آسایشی دیده نشده است»<sup>۱</sup>.

### ۷. کمال علم و عقل

یکی دیگر از آرمان‌های بشری، رسیدن به قله‌های «کمال علم و عقل» است که این مهم، جز در حکومت مهدوی تحقق نخواهد یافت. دانش و علم بشری، به حدّ نهایی و کامل خود رسیده و دریچه‌های حکمت و دانش‌ها به روی بشر گشوده خواهد شد. در آن عصر، هیچ نکته مجهول و غیر قابل حلّی باقی نخواهد ماند و سطح آگاهی و علم و اندیشه مردم بالا رفته، قدرت عقل و خرد ورزی آنان فزونی خواهد یافت. اختراعات، اکتشافات، ارتباطات و فناوری به نهایت کمال خود خواهد رسید و مردم آن عصر، در بهترین و دلپسندترین برهه از زمان، زندگی خواهند کرد.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که قائم قیام می‌کند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و بدین وسیله، عقل‌های آنان را جمع و افکار آنها را کامل می‌کند.<sup>۲</sup>

حضرت علی علیه السلام به نقل از پیامبر خدا می‌فرماید:

خدای عزوجل به وسیله او [= قائم] زمین را از نور آکنده می‌کند، پس از تاریکی آن و از داد پر می‌کند، پس از ستم آن و از دانش مالامال می‌کند، پس از جهل آن.<sup>۳</sup>

نیز امام باقر فرموده است:

در زمان آن حضرت [= مهدی] حکمت و دانش، بدیشان ارزانی می‌شود تا جایی که زنان در خانه خود، به کتاب خدا و سنت پیامبر حکم کنند.<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

علم و دانش ۲۷ حرف است. تمام آن چه پیامبران الهی آوردند، دو حرف بیش نبود و

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۰۴؛ صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۴۷۳.

۲. صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۴۸۳؛ کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۵۳.

۴. نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۹.

مردم تا کنون [= تا زمان ظهور] جز دو حرف را نشناخته‌اند؛ اما هنگامی که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را آشکار و آنها را میان مردم منتشر می‌کند و دو حرف دیگر را به آن ضمیمه می‌کند تا ۲۷ حرف کامل و منتشر شود.<sup>۱</sup>

### ۸. نوسازی و احیاگری

یکی از مسائل قابل توجه در جامعه امروزی، «پیشرفت»، «توسعه» و «نوسازی» است. این دیدگاه در صدد ارائه راه‌کارهای توسعه و پیشرفت در کشورهای عقب مانده و جهان سومی است که تا به حال این گونه پیشرفت‌ها نتایج و آثار قابل توجهی نداشته است. یکی از برنامه‌ها و راه‌کارهای مهم حکومت جهانی مهدی، احیاگری، نوسازی و دگرگونی در بسیاری از امور اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جهان است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِذَا خَرَجَ يَقُومُ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَ قِضَاءٍ جَدِيدٍ؛ هُنَّ كَمَا قَائِمٌ خَرُوجٌ كُنْدٌ، أَمْرٌ تَازَهُ، كِتَابٌ تَازَهُ، رُوشِي تَازَهُ وَ دَاوَرِي تَازَهُ بِأَخُوذٍ مِي أُورِدُ...<sup>۲</sup>

کتاب تازه به معنای آوردن قرآنی دیگر نیست؛ بلکه آن حضرت اهداف و برنامه‌های اصیل قرآن را محقق و تفسیر واقعی آیات آن را بیان خواهد کرد. همچنین آن حضرت در پاسخ یکی از یارانش در باره سیره مهدی می‌فرماید:

هَمَانِ كَارِي كِه رَسُولِ خُدَا اَنجَام دَاد، اَنجَام مِي دَهْد. بَرنامَه‌هَای [نادرست] پِشِين رَا اَز بِيْن مِي بَرْد؛ هَمَانِ كُونَه كِه رَسُولِ خُدَا، اَمْر جَاهَلِيْت رَا اَز بِيْن بَرْد وَ اِسْلَام رَا نُوَسَازِي مِي كُنْد.

همچنین :

بِه خُدَا سُو كُنْد! كُوْبِي اُو رَا دَر مِيَان رَكْن وَ مَقَام بَا چِشْمِ خُوْد مِي بِيْنِم كِه اَز مَرْدَم بَرَايِ اَمْرِي تَازَهُ، كِتَابِي تَازَهُ وَ حَكُوْمَتِ اَسْمَانِي تَازَهُ، بِيْعَت مِي كِيْرِد.<sup>۳</sup>

### ۹. رضایت و خشنودی جهانی

یکی از ویژگی‌های مهم حکومت مهدوی، تأمین «خشنودی» و «رضایت» همه ساکنان

۱. کورانی و همکاران، موسوعة احاديث المهدی، ج ۴، ص ۵۳.

۲. حرعاملی، انبیا الهداة، ج ۷، ص ۸۳؛ نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۳.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۹۵.

زمین و آسمان است. از آن جا که دولت او، دولت عدالت گستر، فقرستیز، دانش گستر، رفاه آور، ظلمستیز و مردم‌داری است؛ همگان از آن راضی خواهند بود و در این دولت، در آرامش و شادی زندگی خواهند کرد. در روایات آمده است:

زمین را پر از عدالت می‌کند؛ آن چنان که پر از ستم شده است. در زمان خلافت او، اهل آسمان و زمین، حتی پرندگان آسمان خشنود می‌شوند.<sup>۱</sup>

و نیز:

اهل آسمان و ساکنان آن برای ظهور او خوشحال می‌شوند. او زمین را پر از عدالت می‌کند، آن سان که پر از جور و ستم شده باشد.<sup>۲</sup>

رسول خدا فرموده است :

شما را به مهدی؛ مردی از قریش بشارت می‌دهم که ساکنان آسمان و زمین از خلافت و فرمانروایی او خشنودند.<sup>۳</sup>

همچنین : «ساکنان زمین و آسمان به او عشق می‌ورزند».<sup>۴</sup>

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۷۰.

۲. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۱۶.

۳. حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴.

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۴.

**پرسش‌های این درس:**

۱. مهم‌ترین برنامه و اقدام امام عصر علیه السلام پس از ظهور و پیروزی چیست؟
۲. اهداف اصلی دولت مهدوی چیست؟
۳. چگونگی پیروزی و تسلط امام زمان بر همه عالم را توضیح دهید.
۴. عدالت و امنیت به عنوان دو بعد مهم عصر ظهور چگونه محقق خواهد شد؟
۵. توسعه و نوسازی در عصر ظهور چگونه خواهد بود؟

کتابخانه دیجیتال

## جهان پس از حکومت جهانی

### آموزه‌های این درس

۱. آشنایی با مفهوم رجعت؛
۲. شناخت رجعت کنندگان؛
۳. رجعت در عصر ظهور؛
۴. نشانه‌های قیامت و پایان جهان.

## مقدمه

ظهور و قیام امام زمان علیه السلام سبب‌ساز تغییرات و دگرگونی‌های وسیع می‌شود و جهان را در جایگاهی مطلوب و ایده‌آل قرار می‌دهد. در روایات، تصویری روشن و شفاف از عصر ظهور ارائه شده است؛ اما درباره وضعیت جهان، پس از پایان زندگی امام علیه السلام و ماندگاری دولت عدل جهانی تا برپایی قیامت، به‌طور کلی دو نگاه مطرح شده است:

## ۱. رجعت

«رجعت»، بازگشت گروهی از «مؤمنان محض» به دنیا و «کافران محض» پس از مردن و قبل از قیامت، در حکومت حضرت مهدی علیه السلام است و انبیا و ائمه، به عنوان اشرف مؤمنان محض در بین رجعت‌کنندگان خواهند بود. دانشمند معاصر شیعی، علامه مظفر در این باره می‌گوید:

عقیده شیعه در رجعت، بر اساس پیروی از اهل بیت چنین است: خداوند عده‌ای از کسانی را که در گذشته از دنیا رفته‌اند، به همان اندام و صورتی که داشته‌اند، زنده کرده و به دنیا برمی‌گرداند. به برخی از آنان عزت می‌دهد و پاره‌ای را ذلیل و خوار خواهد کرد و حقوق حق پرستان را از باطل پرستان می‌گیرد و داد ستم‌دیدگان را از ستمگران می‌ستاند و این جریان یکی از رویدادهایی است که پس از قیام مهدی آل محمد به وجود می‌آید. کسانی که پس از مردن به این جهان باز می‌گردند یا از ایمان بالا برخوردارند یا افرادی بوده‌اند در نهایت درجه فساد و آن گاه دوباره می‌میرند.<sup>۱</sup>

۱. مظفر، عقاید الامامیه، ص ۲۹۴.

اعتقاد به رجعت، از «ضروریات» مذهب شیعه امامیه به شمار می‌رود و بسیاری از بزرگان شیعه، مانند شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و امین الاسلام بر حقانیت و صحت رجعت، ادعای اجماع و اتفاق کرده‌اند. رجعت، عالمی است با ویژگی‌های خاص که نه همچون عالم دنیا است و نه چون عالم آخرت و در عین حال، عالم برزخ نیست. علامه طباطبایی می‌نویسد:

رجعت از مراتب روز قیامت است؛ اگر چه در کشف و ظهور از قیامت پایین‌تر. دلیل پایین‌تر بودن آن از قیامت، عبارت است از امکان راه یافتن فساد و شر در آن (فی الجملة)؛ به خلاف قیامت که هیچ گونه فساد و شری در آن راه نخواهد یافت و به همین دلیل، روز ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز گاه به قیامت ملحق شده است؛ به خاطر ظهور و غلبه تامه حق؛ اگر چه روز ظهور حضرت نیز از روز رجعت پایین‌تر است.<sup>۱</sup>

بر اساس روایات، این مسئله اجمالاً قطعی و مسلم است که ائمه و عده‌ای از مؤمنان و کافران در زمان ظهور مهدی علیه السلام زنده می‌شوند. رجعت، از طرفی برای کسانی از امت اسلام است که ایمان خالص و بالاترین مرحله ایمان را دارا هستند و از طرف دیگر، برای افرادی از منافقان است که در بدترین مراحل نفاق قرار داشته‌اند.

سید مرتضی می‌گوید:

عقیده شیعه امامیه در باره رجعت آن است که خداوند متعال، هنگام ظهور امام زمان علیه السلام، مردمی از شیعیان آن حضرت را که پیش از او از دنیا رفته‌اند، به دنیا برمی‌گرداند تا به ثواب یاری او و مساعدت وی و مشاهده دولت آن حضرت فائز گردند. همچنین مردمی از دشمنان آن حضرت را زنده می‌گرداند، تا از آنها انتقام گیرد و آنها نیز از مشاهده ظهور حق و بالا گرفتن دین پیروان حق، زجر بکشند.<sup>۲</sup>

در روایات نیز از موضوع «رجعت» به عنوان «ایام الله» تعبیر شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

ایام الله که مایه سرور و عزت مؤمنان است، سه مرحله دارد که رجعت یکی از آنان

۱. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۰۹.

۲. السید المرتضی، رسائل، ج ۱، ص ۱۲۵؛

است: ایام الله ثلاثه: يوم يقوم القائم و يوم الكره و يوم القيامة.<sup>۱</sup>

آن حضرت در حدیث دیگری ایمان به رجعت را ضروری شمرده، می‌فرماید: «از ما نیست کسی که به بازگشت ما اعتقاد نداشته باشد».<sup>۲</sup>

اما اعتقاد به جزئیات و خصوصیات رجعت، مثل زمان و تعداد افراد، از ضروریات دینی نیست و این جزئیات در روایات نیز به روشنی بیان نشده است. از مجموع روایات می‌توان رجعت‌کنندگان را به صورت ذیل مورد اشاره قرار داد:

۱. رجعت پیامبر گرامی خدا؛<sup>۳</sup>
۲. رجعت و تکرار رجعت امام علی علیه السلام؛<sup>۴</sup>
۳. رجعت امام حسین علیه السلام و این که آن حضرت نخستین رجعت‌کننده خواهد بود؛<sup>۵</sup>
۴. رجعت سایر معصومان؛<sup>۶</sup>
۵. رجعت پیامبران گذشته؛<sup>۷</sup>
۶. رجعت مؤمنان محض و کافران محض؛<sup>۸</sup>
۷. رجعت تمامی معتقدان به امر ولایت؛<sup>۹</sup>
۸. رجعت برخی از اصحاب پیامبران؛<sup>۱۰</sup>
۹. رجعت برخی زنان مؤمن.<sup>۱۱</sup>

البته در این مورد نیز با دو دسته روایات مواجه هستیم:

۱. کورانی و همکاران، معجم الاحادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۴، ص ۸۲. حدیث شماره ۱۱۵۲.
۲. همان، ص ۸۴، ح ۱۱۵۴.
۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۲.
۴. قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۴۷.
۵. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۹۷؛ بصائر الدرجات، ص ۱۹۹.
۶. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۲؛ کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۰۶.
۷. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۵.
۸. قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴۷.
۹. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۴۷.
۱۰. همان، ج ۴، ص ۱۳۱ و ج ۳، ص ۵۲۶.
۱۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۵.

دسته‌ای از این روایات، رجعت را برای تمام ائمه علیهم‌السلام عنوان می‌کند. برخی دیگر از روایات، برای ذکر مصداق، تنها نام دو امام، یعنی امیر المؤمنین و امام حسین علیهما‌السلام را ذکر کرده‌اند. در پاره‌ای از روایات نام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز آمده؛ اما از سایر ائمه به طور خاص ذکری به میان نیامده است، بلکه این روایات به طور عام به رجعت همه ائمه قائل شده‌اند؛ نظیر آن چه از امام صادق علیه‌السلام در این زمینه نقل شده است:

هیچ امام و پیشوایی نیست؛ مگر این که مجدداً در زمان خودش در آینده به دنیا باز می‌گردد، در حالی که نیکان و بدان زمان او نیز همراه او بر می‌گردند تا افراد با ایمان از انسان‌های کافر جدا شوند.

امام زین العابدین علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «دوباره به سوی شما بر می‌گردند، پیامبر شما و امیر المؤمنین، علی و امامان معصوم».<sup>۱</sup>

بر اساس روایات دسته نخست، کسی که به دنیا باز می‌گردد، امام حسین علیه‌السلام با اصحاب و یاران است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «اولین کسی که قبر او شکافته می‌شود و به سوی دنیا باز می‌گردد، حضرت حسین بن علی است».<sup>۲</sup> در جای دیگر می‌فرماید: «نخستین فردی که به دنیا باز می‌گردد، حسین بن علی است، پس حکومت می‌کند تا وقتی که بر اثر پیری هر دو پلک او بر چشمانش می‌افتد». این نکته اشاره به طولانی بودن حکومت امام حسین علیه‌السلام در عصر رجعت است.<sup>۳</sup>

جابر نیز از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند که امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا، به تفصیل در مورد رجعت خود و یاران خود سخن گفت:

بشارت باد شما را! به خدا قسم اگر این قوم ما را بکشند، ما نخستین کسانی هستیم که نزد پیامبرمان باز می‌گردیم و تا مدتی که خدا بخواهد، توقف خواهیم کرد. آن گاه من اولین کسی هستم که قبرش شکافته می‌شود و ناگهان از قبر خارج می‌شوم؛ در حالی که امیر المؤمنین علیه‌السلام نیز از قبرش خارج شده و مهدی ما نیز قیام کرده است.<sup>۴</sup>

۱. کورانی و همکاران، معجم احادیث المهدی، ج ۵، ص ۳۲۷، ش ۱۷۶۳.

۲. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۵۸، ش ۶۹۳۲.

۳. کورانی و همکاران، معجم احادیث المهدی، ج ۵، ص ۳۲۸، ش ۱۷۶۶.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۱، ح ۵۲.

در این روایت، رجعت امام حسین علیه السلام و امیر المؤمنین علیه السلام همزمان با قیام حضرت مهدی علیه السلام بیان شده است. در روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

امام حسین همراه با شهدای کربلا و هفتاد پیامبر، بازگشت می‌کند. دنیا روی می‌آورد به سوی امام حسین و کسانی که با وی به قتل رسیده بودند و همراهی می‌کنند او را هفتاد پیامبری که با موسی بن عمران مبعوث شدند. آن وقت حضرت قائم انگشترش را به او می‌سپارد.<sup>۱</sup>

دسته‌ای از روایات، بدون این که افراد خاصی را ذکر کنند، رجعت‌کنندگان را تحت عنوان کلی، مؤمنان خالص و کافران خالص ساخته‌اند. مفضل از امام صادق علیه السلام درباره آیه «و آن روز که از هر امتی گروهی را محشور می‌گردانیم»؛ نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

هیچ مؤمن کشته شده‌ای نیست، مگر این که باز می‌گردد تا به مرگ طبیعی از دنیا برود و البته بر نمی‌گردند، مگر مؤمنان محض و کافران محض.<sup>۲</sup>

حسن بن شاذان واسطی گفت: نامه‌ای به ابوالحسن الرضا علیه السلام نوشتم و در آن از جفا و کینه‌توزی دشمنان به آن حضرت شکایت کردم. آن حضرت به خط شریفشان مرقوم فرمود:

همانا خداوند تبارک و تعالی از دوستان ما بر صبر و بردباری در دولت باطل پیمان گرفت، پس صبر کن بر خواست الاهی. آن هنگام که قائم ما، بزرگ خلق قیام فرماید، آنها [وقتی زنده شده یا عذاب شوند] می‌گویند: ای وای بر ما! چه کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت؟! این است همان وعده خدای رحمان، و پیامبران راست می‌گفتند.<sup>۳</sup>

شیخ مفید با استفاده از روایات چنین می‌گوید:

«رجعت» نزد ما مختص کسانی است که دارای ایمان محض و یا کفر محض هستند و غیر از این دو گروه، رجعت نخواهند کرد... پس خداوند به وسیله مؤمنان از آنها

۱. کورانی و همکاران، معجم احادیث المهدی، ج ۳، ص ۸۹، ش ۱۱۵۸.

۲. قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳۱.

۳. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۴۷.

انتقام می‌گیرند پس کسی [از پیروان شیطان] باقی نخواهد ماند، مگر این که مغموم خواهد شد به وسیله عذاب و نعمت و عقاب. و زمین از ستمگران پاک خواهد شد و دین تنها برای خدای متعال خواهد بود و رجعت همانا برای مؤمنان محض و منافقان محض از مسلمانان خواهد بود و نه از امت‌های گذشته.<sup>۱</sup>

## ۲. برپایی قیامت

در یک تقسیم بندی کلی، می‌توان آینده نگری دینی را در دو سطح «کلان» و «خرد»، در مطالعات اسلامی مورد مطالعه قرارداد. در سطح کلان، دو آموزه مهم وجود دارد که یکی از آنها فرجام هستی یا «معاد» و دیگری فرجام بشر یا «جامعه موعود» است. این سطح کلان، از زندگی عادی انسان‌ها هیچ گسستی ندارد؛ یعنی این گونه نیست که معاد از زندگی عادی انسان‌ها مستقل باشد، بلکه معاد در پیوندی گسست ناپذیر با زندگی انسان‌ها به وجود می‌آید. «قیامت»، بنابر آموزه‌های اسلامی. نام روزی است که تمام انسان‌ها، برای محاسبه اعمالی که در دنیا انجام داده‌اند در پیشگاه الاهی جمع می‌شوند. قرآن و روایات تاکید دارند که زمان قیامت بر کسی جز خدا معلوم نیست. حقیقت روز قیامت بر افراد بشر پنهان و نامعلوم است؛ لیکن خداوند متعال برای آن نشانه‌هایی قرار داده که بر نزدیک بودن وقوع قیامت حکایت دارد؛ چنان که قرآن می‌فرماید: ﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرُهُمْ؟﴾ پس آیا [کافرانی که ایمان نمی‌آورند] جز آن انتظار دارند که ساعت قیامت ناگهان فرا رسد که به طور حتم علایم قیامت آمده است [یا خواهد آمد] و پس از آن که قیامت بیاید، در آن حال پند و اندرز گرفتن آنان چه سود خواهد بخشید؟<sup>۲</sup>

نشانه‌های قیامت دو قسم است: «نشانه‌های کوچک» و «نشانه‌های بزرگ».

الف) «نشانه‌های کوچک»: از نشانه‌های کوچک آن می‌توان به بعثت رسول الله ﷺ و ختم نبوت اشاره کرد. پیامبر ﷺ فرمود:

۱. مفید، المسائل السرویه (سلسه مؤلفات المفید)، ص ۳۵.

۲. محمد: ۱۸.

بعثت انا و الساعة كهاتين و اشار بالسبابة و الوسطى؛<sup>۱</sup> مبعوث شدم، در صورتی که من و

قیامت مانند دو انگشت اشاره و وسطی | = میانه | به هم نزدیک و پشت سر هم هستیم.

مقصود این است که پس از آن حضرت تا قیامت پیامبر دیگری نخواهد آمد.

ب) «نشانه‌های بزرگ»: هنگام رسیدن قیامت، دگرگونی عظیمی در نظام عالم پدید می‌آید و نشانه‌های نامانوسی برای بشر ظهور می‌کند. به این‌ها «اشراف الساعة» گفته می‌شود؛ یعنی نشانه‌های برپایی قیامت. در منابع روایی، از بعضی نشانه‌های ظهور، به عنوان نشانه‌های برپایی قیامت یاد شده است؛ مانند خروج دجال، طلوع خورشید از مغرب و نزول عیسی علیه السلام از آسمان. این نشانه بیشتر در منابع اهل سنت آمده است و در منابع شیعیان نیز عموماً از منابع اهل سنت نقل شده است.

«اشراف» (جمع شَرَط) به معنای «علامت» است. بنابراین، «اشراف الساعة»، به معنای نشانه‌های نزدیک شدن قیامت است. این اصطلاح، بر مجموع حوادثی اطلاق می‌شود که پیش از واقعه عظیم قیامت، اتفاق خواهد افتاد.<sup>۲</sup> پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

ده چیز، پیش از برپایی قیامت، ناگزیر رخ خواهد داد: خروج سفیانی و دجال، پیدا شدن دود [= کرم] و چهارپا، خروج قائم، طلوع خورشید از مغرب و فرود آمدن عیسی علیه السلام از آسمان، فرو رفتن در زمین در ناحیه مشرق و فرو رفتن در منطقه جزیره العرب، آتشی که از انتهای عدن برمی‌خیزد و مردمان را به سوی صحرای محشر می‌کشاند.<sup>۳</sup>

طبق این حدیث، خروج سفیانی و دجال و طلوع خورشید از مغرب، از نشانه‌های قیامت است و حال آن که در روایات دیگر، آنها به روشنی از نشانه‌های ظهور معرفی شده‌اند. البته همه این رخدادها که از آنها خبر داده شده، چه به عنوان نشانه‌های ظهور و چه به عنوان نشانه‌های قیامت؛ پیش از برپایی قیامت (هر چند با فاصله زیاد) واقع خواهند شد. با این حساب، آن‌چه در طول دوره غیبت کبرا واقع شود، به طور طبیعی پیش از برپایی قیامت

۱. عقائد الاسلامیه، ص ۲۵۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۰۹، باب ۳۴، ح ۷۲.

۲. فراهیدی، کتاب العین، ج ۶، ص ۲۳۵؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۵۷.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹.

واقع شده و در نتیجه از نشانه‌های قیامت است.<sup>۱</sup> بر این اساس، همه نشانه‌های ظهور، به گونه‌ای نشانه‌های قیامت هم هستند؛ ولی همه نشانه‌های قیامت، نشانه‌های ظهور نمی‌توانند باشند؛ زیرا ممکن است برخی از آنها پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام واقع شوند.

تعبیر «أَشْرَاطُ السَّاعَةِ»، به گونه‌ای است که تنها یک بار در قرآن کریم به کار رفته است: «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ؟<sup>۲</sup> آیا آنها جز این انتظاری دارند که قیامت ناگهان بر پا شود؛ [آن گاه ایمان آورند] در حالی که هم اکنون نشانه‌های آن آمده است؛ اما هنگامی که بیاید تذکر و ایمان آنها سودی نخواهد داشت».

درباره تقسیم‌بندی اشراط الساعه، میان صاحب نظران اختلاف دیدگاه است. آلوسی آنها را به «نشانه‌های موسع» که دنیا پس از ظهور آنها مدتی طولانی ادامه دارد، مانند افزایش تبه‌کاران؛ و «نشانه‌های مضیق» که دنیا پس از ظهور آنها عمری کوتاه دارد، مانند ظهور مهدی علیه السلام و فرود آمدن عیسی علیه السلام تقسیم کرده است.

برخی این نشانه‌ها را سه دسته کرده‌اند: ۱. نشانه‌هایی که ظاهر شده و از بین رفته است، مانند بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله؛ ۲. نشانه‌هایی که ظاهر شده و همچنان ادامه دارد، مانند رباخواری؛ ۳. نشانه‌هایی که تاکنون ظاهر نشده است، مانند خروج دجال.<sup>۳</sup>

برخی هم معتقدند: اشراط الساعه به سه دسته از رخدادها اطلاق می‌گردد:

۱. حوادث مهم پیش از پایان جهان، مانند بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله؛
۲. حوادث هولناک در آستانه پایان جهان، مانند فروپاشیدن کوه‌ها؛
۳. حوادث تکان دهنده در آغاز رستاخیز و نشانه‌های شروع قیامت؛ مانند تبدیل زمین و آسمان.<sup>۱</sup>

۱. تاریخ الغیبه الکبری، ج ۲، ص ۲۴۸.

۲. محمد: ۱۸.

۳. السنن الواردة فی الفتن، ص ۲۲۰.

۱. مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۶، ص ۲۱.

مطالعه روایات علایم ظهور و در کنار آن احادیث «اشراط الساعة»، به خوبی نشان دهنده شباهت آن دو دسته اخبار به یکدیگر است. علت این امر را در چند مطلب می‌توان جست و جو کرد:

یکی این که در برخی روایات کلمه «الساعة» به ظهور مهدی عجل الله فرجه تأویل شده<sup>۱</sup> و لذا راه استفاده روایات اشراط الساعة برای نشانه‌های ظهور باز شده است. یکی از نویسندگان معاصر، احادیث اشراط الساعة را در باب علایم ظهور آورده، می‌نویسد:

از آن جا که در برخی از روایات، الساعة به ظهور حضرت تأویل شده است، روایات اشراط الساعة را به نشانه‌های ظهور تفسیر کردیم.<sup>۲</sup>

دوم: تعبیرهای برخی روایات، این تصور را ایجاد کرده که زمان ظهور مهدی، نزدیک زمان برپایی قیامت است. به نظر می‌رسد احادیثی با این موضوع: «اگر یک روز از دنیا هم باقی مانده باشد، مهدی خواهد آمد»؛ یا «قیامت برپا نمی‌شود، مگر این که مردی از اهل بیت من قیام می‌کند»؛<sup>۳</sup> زمینه‌ای برای آمیختن نشانه‌های ظهور با اشراط الساعة شده باشد. در صورتی که مراد از این احادیث تأکید بر قیام مهدی و قطعی بودن آن است، نه این که قیام حضرت، نزدیک قیامت یا آخرین روزهای جهان رخ می‌دهد.

سوم: ارتباط امام مهدی با پایان تاریخ است. همه انسان‌ها با هر دین و آیینی معتقدند پایان تاریخ با ظهور منجی عدالت‌گستر همراه است و پایان قیام هم با قیامت است. به نظر می‌رسد این ذهنیت‌ها باعث شده برخی راویان یا محدثان نیز در نقل معنا «تسامح» کرده و با مرادف دانستن اشراط الساعة با علایم ظهور، آن دو را به جای یکدیگر به کار برند.<sup>۴</sup>

چهارم: نزدیکی الفاظ و معانی «قیام» و «قیامت» و «قائم» نیز می‌تواند دلیلی دیگر بر

۱. کورانی و همکاران، معجم احادیث المهدی، ج ۵، ص ۳۹۵، ۴۰۵ و ۴۱۱.

۲. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی، ص ۱۵ و ۲۹.

۳. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۰ - ۱۸۲؛ ابن طاووس، التشریف بالمنن، ص ۴۰۰؛ کورانی و همکاران،

معجم احادیث المهدی، ج ۱، ص ۵۷۵؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۱۹۱ و ۱۹۲.

۴. رک: صادقی، تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور.

خلط علایم ظهور با نشانه‌های قیامت باشد؛ چنان که در ابتدای حدیثی از کتاب الغیبه می‌خوانیم: «لا تقوم القيامة حتى...؛ قیامت به پا نمی‌شود، مگر نشانه‌هایی محقق شود». در نسخه‌ای از این کتاب به جای «القیامة» واژه «القائم» وجود دارد.<sup>۱</sup>

مجموعه اشراط الساعة را می‌توان به دو بخش اساسی تقسیم کرد: ۱. تحولات اجتماعی که در حلقه پایانی حیات دنیا رخ می‌دهد؛ ۲. دگرگونی‌های کیهانی که به فروپاشی نظام دنیا و ظهور قیامت می‌انجامد.

این‌ها نشانه‌هایی بزرگ است و هنگامی که ظاهر شوند، قیامت به دنبال آن می‌آید. این ده علامت و نشانه (که خواهد آمد) هیچ کدام ظاهر نشده است. مسلم در صحیحش از حدیث بن اسید چنین روایت می‌کند:

اطَّلَعَ النَّبِيُّ ﷺ عَلَيْنَا وَنَحْنُ نَتَذَكَّرُ؛ فَقَالَ: مَا تَذَاكُرُونَ؟ قَالُوا: نَذْكُرُ السَّاعَةَ. قَالَ: انْهَابَا لَنْ تَقُومَ حَتَّى تَرَوْنَ قَبْلَهَا عَشْرَ آيَاتٍ فَذَكَرَ الدُّخَانَ وَالدَّجَالَ وَالدَّابَّةَ وَطُلُوعَ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَنُزُولَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ وَثَلَاثَةَ خُسُوفٍ خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ وَخَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ وَخَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَآخِرُ ذَلِكَ نَارٌ تَخْرُجُ مِنَ الْيَمَنِ تَطْرُدُ النَّاسَ إِلَى مَحْشَرِهِمْ؛<sup>۲</sup> پیامبر ﷺ بر ما وارد شد؛ در حالی که ما مشغول گفت‌وگو بودیم. فرمود: در مورد چه چیز دارید صحبت می‌کنید؟ گفتند: در مورد قیامت. فرمود: قیامت برپا نمی‌گردد تا ده نشانه آن بیاید که عبارتند از: ۱. دخان؛ ۲. دجال؛ ۳. دابه؛ ۴. طلوع کردن خورشید از غرب؛ ۵. نزول عیسی بن مریم؛ ۶. عیاجوج و مأجوج؛ ۷ و ۸. روی دادن سه خسف [فرو رفتگی در زمین]، یکی در مشرق، یکی در مغرب و دیگری در جزیره العرب؛ ۱۰. آتشی که از یمن خارج می‌شود و مردم را به سوی مکان قیامت فراری می‌دهد.

در بعضی احادیث دیگر، ظهور مهدی، خراب شدن کعبه و بلند گردیدن قرآن از زمین نیز ذکر گردیده که آن خواهد آمد.

در این‌جا به بعضی از نشانه‌های قیامت به اختصار اشاره می‌شود:

۱. ر. ک: صادقی، تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۹.

۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۶۶۶ - ۶۶۷.

۱. «قیام قائم عجله»: در نظر بعضی، قیام قائم عجله از نشانه‌های قیامت است.<sup>۱</sup>  
 ۲. آشکار شدن دخان: خدای سبحان می‌فرماید: «فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ، يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ»<sup>۲</sup> پس منتظر روزی باش که آسمان دود آشکاری پدید آورد، که همه مردم را فرا گیرد. این، عذاب دردناکی است.<sup>۳</sup> در بعضی از روایات آمده است: «این دخان، دودی است که قبل از برپا شدن قیامت در گوش منافقان و کافران داخل می‌شود».<sup>۴</sup>

۳. خروج دابة الأرض: «دابة الأرض» موجودی است که در آخرالزمان خروج می‌کند؛ آن‌گاه که مردم فساد به راه انداخته و اوامر الهی را ترک کرده و دین حق را دگرگون ساخته‌اند.<sup>۴</sup> در مورد مکان خروج دابة الأرض در روایات آمده است که بین صفا و مروه، در شب جمعه خروج می‌کند<sup>۵</sup> و کارش این است که به ایمان هر مؤمن و به کفر هر کافر خبر می‌دهد و در این هنگام است که تکلیف برداشته شده و باب توبه بسته می‌شود.<sup>۶</sup>

۴. طلوع خورشید از مغرب: در روایتی از امام صادق عجله آمده است:

زمانی که خورشید از مغرب طلوع می‌کند، همه انسان‌ها ایمان می‌آورند؛ لکن این ایمان به حال ایشان سودی ندارد؛ چرا که طبق روایت شریف از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پس از ظهور نشانه‌های قیامت، باب توبه بسته می‌شود.<sup>۷</sup>

۵. خروج یاجوج و ماجوج: خروج یاجوج و ماجوج یکی دیگر از نشانه‌های قیامت است.<sup>۸</sup> یاجوج و ماجوج قومی بودند که داستان آنها در قرآن آمده است و قرآن ایشان را به عنوان «مفسد فی الأرض» معرفی می‌کند؛ چرا که طبق روایات، مردم را قتل عام می‌کردند و

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۴۰۳.

۲. دخان: ۱۰ و ۱۱.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ص ۳۰۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۰۴.

۴. کلینی، غزنوی حنفی، اصول الدین، ج ۱، ص ۲۰۳.

۵. کلینی، الکافی فی الأصول والروضه، ج ۲، ص ۲۲۷.

۶. مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۰۰.

۷. همان، ص ۳۱۲؛ شیر، حق‌الیقین، ج ۱، ص ۱۲۸.

۸. شیر، همان، ج ۱، ص ۱۲۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۰۳.

چهارپایان را نابود می‌ساختند. در آینده نیز این واقعه تکرار خواهد شد و این، جزء نشانه‌های قیامت است. یاجوج و ماجوج چند روز بعد از قتل دجال خروج می‌کنند.<sup>۱</sup>

۶. خروج دجال: یکی از نشانه‌های قیامت «خروج دجال» است. در مورد دجال و شکل ظاهری وی در روایات اشاره شده که چشم راست او کور و بین دو چشم او کلمه «کافر» نوشته شده است.<sup>۲</sup> همراه او آب و آتشی است که آتش او آب سرد است و آب او آتش. در بعضی از روایات آمده که تمام پیامبران، از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قوم و امت خویش را به فتنه دجال هشدار دادند.<sup>۳</sup> بسیاری از افراد سست ایمان به دجال گرایش پیدا می‌کنند و این به خاطر کارهای خارق‌العاده او است.<sup>۴</sup>

۷. نزول عیسی: نزول حضرت عیسی از آسمان از نشانه‌های قیامت است.<sup>۵</sup> در بعضی از روایات تصریح شده که نزول حضرت از آسمان بعد از ظهور حضرت مهدی عج رخ می‌دهد و وی پشت سر حضرت مهدی عج نماز می‌گزارد.<sup>۶</sup> در واقع، این علامت، حجتی است بر مسیحیان که گمان می‌کنند حضرت عیسی به صلیب کشیده شده و به قتل رسیده است.<sup>۷</sup>

۸. رخ دادن سه خسف: در روایات آمده است که یکی از خسوف‌ها در مشرق و دیگری در مغرب و سومی در جزیره‌العرب رخ می‌دهد.<sup>۸</sup>

۹. خروج آتش از یمن: در بعضی از روایات، این علامت به عنوان نخستین نشانه قیامت معرفی شده است.<sup>۹</sup> در روایات چنین آمده است که این آتش، انسان‌ها را به سوی محشر

۱. قاضی ابوالعزّ الدمشقی، شرح العقیده الطحاویة، ج ۲، ص ۷۵۷.

۲. بیهقی، البعث والنشور، ج ۱، ص ۲۶.

۳. قاضی ابوالعزّ الدمشقی، شرح العقیده الطحاویة، ج ۲، ص ۷۵۷.

۴. غزنوی حنفی، اصول الدین، ج ۱، ص ۲۰۲.

۵. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۰۱.

۶. رجب البرسی، مشارق انوار الیقین فی اسرار امیرالمؤمنین عج، ج ۱، ص ۷۴.

۷. غزنوی حنفی، اصول الدین، ج ۱، ص ۲۰۷.

۸. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۰۳.

۹. ابن بابویه قمی، علل الشرایع، ج ۷۱، ص ۱۱۸.

سوق می‌دهد<sup>۱</sup> و در بعضی از روایات دیگر به عنوان آتشی مطرح شده که مردم را از مشرق به مغرب سوق می‌دهد.<sup>۲</sup>

۱۰. دمیده شدن در صور: در روایات آمده است زمانی که خداوند از خلقت آسمان‌ها و زمین فارغ شد، «صور» را خلق کرد و آن را به «اسرافیل»، یکی از ملائک داد و اسرافیل آن را نزدیک دهان خود قرار داده و همواره به عرش می‌نگرد تا دستور دمیدن در آن، از جانب خداوند صادر شود. هرگاه خداوند دستور داد، سه مرتبه در آن می‌دمد. با دمیدن اول، همه موجودات به اذن الاهی می‌میرند و با دمیدن دوم، همه موجودات به اذن خداوند زنده می‌شوند و در دمیدن سوم، همه به سمت خداوند و در پیش‌گاه الاهی محشور می‌شوند. برخی گفته‌اند این واقعه روز جمعه در نیمه ماه مبارک رمضان رخ می‌دهد. در بعضی از روایات آمده است: پس از دمیدن اول، در عالم زلزله‌ای رخ می‌دهد که خود نیز از علامات قیامت است.<sup>۳</sup>

### زمان قیامت

درباره «زمان قیامت»، گفتنی است: «علم به قیامت»، بنابر آیات قرآنی، فقط «عندالله» است و قابل ظهور برای دیگران نیست: «وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؟<sup>۴</sup> و می‌گویند: اگر راست می‌گویید، این وعده چه وقت است؟» «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنْمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْتَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنْمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ<sup>۵</sup>؛ [ای رسول ما!] از تو احوال ساعت قیامت را خواهند پرسید که چه وقت فرا رسد؛ پاسخ ده که علم آن نزد پروردگار من است. کسی جز او، آن ساعت را ظاهر و روشن نتوان کرد. [شان] آن ساعت در آسمان‌ها و زمین بس سنگین و عظیم است؛ نیاید مگر

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۰۴.

۲. همان، ص ۳۱۱؛ بیهقی، البعث والنشور، ج ۱، ص ۲۱.

۳. جمعی از نویسندگان، اشراف الساعة، ج ۱، ص ۴۷.

۴. یونس: ۴۸.

۵. اعراف: ۱۸۷.

شما را ناگهان. از تو می‌پرسند که گویی کاملاً بر آن آگاهی؛ بگو: علم آن ساعت محققاً نزد خداوند است؛ ولی اکثر مردم بر این حقیقت آگاه نیستند<sup>۱</sup>. از نظر علامه طباطبایی، تعبیر «إِنَّمَا عَلِمَهَا عِنْدَ رَبِّي»؛ بیان جدی و غیرکنایی به این حقیقت است که علم به وقت قیامت، جز نزد خداوند نیست. این بدان جهت است که قیامت، ظرف فنای خودی‌های همه اشیا است و تا خودی اشیا فانی نشود، حضرت حق برای شیئی ظهور و تجلی نخواهد کرد. براساس آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام، در آن زمان، خداوند متعال خود پرسشگر و جواب دهنده است. خود می‌پرسد: «لِمَنِ الْمُلْكُ؛ ملک برای چه کسی است؟» و خود پاسخ می‌دهد: «اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ؛ برای خداوند یکتای غلبه کننده»<sup>۱</sup>.

۱. طباطبایی، انسان از آغاز تا انجام، ص ۱۰۸ - ۱۰۹ و ۳۰۲ - ۳۰۳؛ همو، المیزان، ج ۹، ص ۳۷۰.

### پرسش‌های این درس

۱. رجعت چیست؟ توضیح دهید.
۲. رجعت کنندگان چه کسانی خواهد بود؟
۳. رجعت در عصر ظهور را به طور کامل توضیح دهید.
۴. جایگاه قیامت در آینده نگری دینی چیست؟ توضیح دهید.
۵. نشانه‌های قیامت چند دسته‌اند؟

فکر و تفکر

## پایان دنیا

**آموزه‌های این درس**

۱. پایان دنیا از دیدگاه قرآن؛
۲. آشنایی با نظریه علمی در مورد پایان جهان.

## مقدمه

از منظر قرآن، زوال و نیستی جهان کنونی با نیستی محض مترادف نیست. قرآن آن را در بخشی از یک فرآیند قراردادده که مفهومی پایانی برای آن متصور نیست؛ به این معنا که نیستی و زوال دنیا و جهان مادی کنونی برای تبدیل شدن به جهانی نو با شکل و شمایل و ماهیتی دیگر می‌باشد. تبدیل جهان مادی به جهانی دیگر، نیازمند فروپاشی این دنیای مادی است که قرآن از آن به «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ» تعبیر می‌کند. آنچه از آیات قرآن و حتی بعضی از سوره‌های اختصاصی که به مسئله پرداخته است، برمی‌آید؛ این که جهان هنگام تبدل از صورتی به صورت دیگر و ایجاد «طرحی نو» دچار حوادث و رخدادهایی می‌گردد که در قرآن از آن به «اشراط الساعة» تعبیر شده است.

مسئله‌ای که در ردیف آن ذهن انسان را به خود مشغول داشته، مقوله «پایان تاریخ» نیست، بلکه دغدغه «پایان جهان» است. در این وادی هر کس به روشی سخن گفته و داده‌های علمی و فلسفی خود را طرح کرده است. دانشمندان عرصه‌های مختلف علمی، به ویژه ستاره‌شناسان و اخترپژوهان به این مسئله توجه داده اند که پایان گیتی چگونه خواهد بود. هر روز بر پایه داده‌هایی که ابزارهای نوین اخترپژوهی فراهم می‌آورد، از سوی ایشان تحلیل شده و به اطلاعات مهمی تبدیل می‌شود و در اختیار رسانه‌ها و مردم قرار می‌گیرد. این داده‌ها و اطلاعات، سخن از پیدایش یا نابودی اختری یا کهکشانی می‌دهد که در دوردست‌ها اتفاق می‌دهد. گاهی سخن از پایان و خاموشی گیتی و جهان مادی کنونی در مطبوعات و دیگر رسانه‌ها به میان می‌آید و توجه افکار عمومی را به خود مشغول می‌دارد.

گروه‌های مذهبی با پدیداری دنباله‌داری دست به خودکشی جمعی می‌زنند و به تصور پایان جهان، خود را در آتش می‌سوزانند! این نه مسئله امروزی، بلکه مسئله‌ای است که از دیرباز اذهان را به خود مشغول داشته است.

قرآن نیز به دغدغه‌های بشر در این زمینه توجه داشته و به پاسخگویی و تبیین آن پرداخته است. در مسئله پایان تاریخ، پایان خوش بینانه و سعادت آمیز و روشنی را برای بشر ترسیم کرده است که در اندیشه شیعی به صورت عدالت جهان گستر مهدوی علیه السلام ظهور و بروز می‌کند.<sup>۱</sup> البته از دیدگاه قرآن قرآن کریم، پایان جهان و وقایعی که صورت می‌گیرد یا خواهد گرفت، فقط در دست خداوند است و کسی به آن علم ندارد و این که نحوه پایان جهان از منظر اسلام، غیر از گونه‌ای است که منجمان پیش بینی کرده اند؛ چنان که می‌فرماید: «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ»<sup>۲</sup> خداوند آن‌چه را بخواهد محو و آن‌چه را بخواهد اثبات و اصل کتاب نزد اوست<sup>۳</sup>. مسئله «پایان جهان» امری غیبی است که علم به آن بر همه ما پوشیده است و دانستن آن، یعنی علم داشتن به غیب؛ در حالی که از نظر قرآن، علم غیب مخصوص خدا و رسول و اهل بیت است: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا»<sup>۴</sup> خداوند غیب خود را بر احدی اظهار نمی‌کند<sup>۵</sup>. بنابراین، خدای متعال به تمامی غیب‌ها عالم است. البته در ادامه، آیه استثنایی می‌آورد: «إِلَّا مَن ارْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ؛ ... مگر کسی از رسولان و انبیا را که شایسته این کار بداند»<sup>۶</sup>.

### نظریه‌های علمی در مورد پایان جهان

در مباحث کیهان شناختی دو مطلب در مورد پایان جهان مطرح می‌شود: یکم. سرانجام حرکت انبساطی جهان: جهان در حال گسترش است و کهکشان‌ها از همدیگر با سرعت دور می‌شوند؛ ولی آیا جهان همیشه انبساط می‌یابد؟ یا انبساط روزی متوقف می‌شود و یا حتی جهان به نقطه آغازین خود باز می‌گردد؟ دانشمندان در این مورد

۱. ر.ک: منسوری، نشانه‌های پایان جهان در قرآن.

۲. رعد: ۳۹.

۳. جن: ۲.

سه احتمال مطرح کرده‌اند:

الف) گسترش جهان دائمی است؛

ب) جهان سرانجام بر اثر نیروی جاذبه منقبض شده و به یک نقطه باز می‌گردد (رمبش<sup>۱</sup>)؛

ج) جهان دائماً بین انفجارها و رمبش‌های بزرگ در نوسان است.

الکساندر فریدمن، فیزیکدان روسی در ۱۹۲۰ م، نشان داد که پاسخ این پرسش‌ها به جرم جهان بستگی دارد. اگر جهان به اندازه کافی ماده داشته باشد، سرانجام گرانش (نیروی جاذبه) انبساط جهان را متوقف خواهد کرد و اجرام به سوی هم حرکت می‌کنند و در آخر، همه آنها در نقطه‌ای یگانه جمع می‌شوند. این حادثه «رمبش بزرگ» خوانده می‌شود؛ اما اگر جرم کافی وجود نداشته باشد، جهان همچنان به انبساط خود ادامه خواهد داد.

دانشمندان همچنان سعی می‌کنند با اندازه‌گیری جرم جهان دریابند که وقوع کدام حالت ممکن است.<sup>۲</sup>

دوم. سرانجام خورشید و ستارگان و زمین: برخی متخصصان فیزیک و کیهان‌شناسان برآند که:

« خورشید در هر ثانیه ۵۶۴ میلیون تن هیدروژن به عنوان سوخت مصرف می‌کند که از این مقدار ۵۶۰ میلیون تن هلیوم به وجود می‌آید. ۴ میلیون تن مواد باقی مانده که فقط ۷٪ سوخت مصرفی می‌باشد، به انرژی تبدیل می‌شود که در نهایت به صورت نور و گرما انتشار می‌یابد. با وجود نیاز عظیمی که خورشید ما به سوخت دارد، می‌تواند به مدت ۱۰ میلیارد سال بدرخشد که از این عمر طولانی پنج میلیارد سال را گذرانده است. بنابراین، خورشید هم اکنون در نیمه راه زندگی خود قرار دارد».<sup>۳</sup>

۱. «رمبش» (implosion) به معنای هجوم ناگهانی ماده به درون است (شبه انفجار) با این تفاوت که در انفجار حرکت ماده به سمت بیرون است.

۲. ری یلارد، کیهان و راه کنکشان، ص ۵۰-۵۲.

۳. دکتر اریک، اوبلاکر، فیزیک نوین، ترجمه بهروز یضاوی، ص ۲۰-۲۱.

«پس سیاره آبی رنگ ما [=زمین] هنوز حدود پنج میلیارد سال دیگر به دور خورشید خواهد چرخید. آن گاه خورشید در آخرین روزهای عمر خود، مانند یک بادکنک کاملاً باد خواهد کرد و به صورت یک ستاره عظیم و غول پیکر سرخ فام درخواهد آمد و دو سیاره داخلی منظومه شمسی خود، یعنی عطارد و زهره را فرو می‌بلعد. زمین تا هزار درجه سانتیگراد حرارت خواهد یافت و تمام آثار زندگی و حیات، مدت‌ها قبل از بین رفته و تمام آب اقیانوس‌ها بخار شده است»<sup>۱</sup>.

برخی دیگر از صاحب‌نظران در مورد مرگ یک ستاره می‌نویسند: «از آن جا که همه ستارگان در واقع مولدهای جوش هسته‌ای هستند، سرانجام روزی سوختشان را به پایان می‌رسانند؛ انبساط می‌یابند و انبوهی از گازهای درخشان پوسته ستاره به صورت‌های خیال‌انگیزی در فضا رها می‌شوند که به نام سحابی‌های سیاره نما نامیده می‌شود. هنگامی که سوخت هسته‌ای ستاره پایان یافت، نیروی گرانش سریعاً ستاره را در خود فرو می‌برد و ستاره به تلی از خاکستر بسیار داغ تبدیل می‌شود که کوتوله سفید خوانده می‌شود. ستاره‌های بسیار پر حجم با یک انفجار به حیات خود پایان می‌دهند. هنگامی که هسته ستاره منفجر شد، پوسته‌های بیرونی آن به بیرون پرتاب می‌شوند. ستاره مختصر [= در حال مرگ] تنها در خلال چند ساعت، انرژی را از خود منتشر می‌کند که خورشید ما در مدت پنج بیلیون سال منتشر کرده است و در این حال، ستاره چند میلیون بار درخشان‌تر می‌شود. این پدیده را ابر نواختر نامند»<sup>۲</sup>.

\*\*\*

ری یلارد، کیهان واژه کهنکشان، ترجمه سید محمد امین احمدی، ص ۵۰-۵۲. «رمیش» (implosion) به معنای هجوم نام‌های ماده است به درون، شبیه انفجار است. با این تفاوت که در انفجار حرکت ماده به سمت بیرون است.

۱. همان، ص ۵۴-۵۵.

۲. کیهان و راه کهنکشان، ص ۲۵-۲۶ به نقل از: محمد علی رضایی اصفهانی، پایان جهان، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن.

## نشانه های پایان دنیا در قرآن

طبق گواهی قرآن در پایان جهان، پرفروغ‌ترین مبدأ نور در منظومه شمسی ما که مایه روشنایی تمام سیارات است، خاموش و جمع می‌شود و ستارگان دیگر نیز به این سرنوشت گرفتار می‌گردند. دانشمندان امروز معتقدند که انرژی خورشید از احتراق هسته‌ای به دست می‌آید و هر شبانه روز سیصد و پنجاه هزار میلیون تن از وزن این کره کاسته می‌شود. همین امر سبب می‌گردد که تدریجاً لاغر و کم نور شود و این همان جمع شدن و کم نور شدن، یعنی دو مفهومی است که در ماده «تکویر»، طبق گفته ارباب لغت، وجود دارد.<sup>۱</sup> «نظام موجود کواکب نیز در هم می‌ریزد. گویی تعادل جاذبه و دافعه که با جرم‌ها و سرعت حرکت آنها ارتباط دارد، به هم می‌خورد و شاید این، همان چیزی است که در قرآن به آن اشاره شده است: «آن زمان ستارگان پراکنده شوند و فرو ریزند».<sup>۲</sup> بر اساس بخشی از آیات قرآن، در پایان این جهان انقلابی عظیم در کائنات و آسمان و زمین رخ می‌دهد. به تعبیر دیگر، مرگ جهان مرگ تدریجی نیست، بلکه ناگهانی و دفعی و با حوادث تکان دهنده همراه است. این حوادث که قسمتی از نشانه‌های قیامت را تشکیل می‌دهد، عبارتند از:

### ۱. متلاشی شدن کوه‌ها

این مطلب در آیات متعددی از قرآن مجید ملاحظه می‌شود و مراحل مختلفی برای آن ذکر شده که می‌توان آن را در هفت مرحله تنظیم و خلاصه کرد: نخست، این که کوه‌ها به لرزه در می‌آیند: «يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيْبًا مَّهِيلًا»<sup>۳</sup> در مرحله دوم از جا کنده می‌شوند: «وَحَمَلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ»<sup>۴</sup> در مرحله سوم، به حرکت در می‌آیند: «وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا»<sup>۵</sup> در مرحله چهارم، درهم کوبیده می‌شوند: «فَدَكَّتَا دَكَّةً

۱. مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۶، ص ۳۳-۳۴.

۲. همان، ج ۶، ص ۳۵.

۳. مزمل: ۱۴.

۴. حاقه: ۱۴.

۵. طور: ۱۰.

وَاحِدَةً<sup>۱</sup>؛ در مرحله پنجم، به صورت توده ای از ش‌های متراکم درمی آیند: ﴿وَكَاَنَتْ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا﴾<sup>۲</sup>؛ در مرحله ششم، به صورت گرد و غبار پراکنده می‌شوند: ﴿وَبُسَّتْ الْجِبَالُ بَسًّا﴾ فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا<sup>۳</sup>؛ در مرحله هفتم، به شکل پشم‌های حلاجی در می‌آیند که با تندباد حرکت کنند و تنها رنگی از آنها در آسمان دیده می‌شود: ﴿وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ﴾<sup>۴</sup> و سرانجام در هشتمین مرحله، شب‌های از آنها، همچون شب‌های یک سراب در بیابانی خشک باقی می‌ماند: ﴿وَسَيَّرَتُ الْجِبَالَ فَكَانَتْ سَرَابًا﴾<sup>۵</sup>. به این ترتیب، کوه‌ها از میان می‌روند و اثری از آنها باقی نمی‌ماند و صفحه زمین صاف و هموار خواهد شد: ﴿فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا﴾<sup>۶</sup>.

آیا این حوادث عجیب و هولناک که دامنگیر کوه‌ها می‌شود، بر اثر انفجارهای درونی و متلاشی شدن نظام اتمی آنها و آزاد شدن انرژی‌های نهفته است، یا ضربه‌ای از خارج بر آنها وارد می‌شود؛ مانند برخورد سیاره‌های آسمانی با سرعت و جاذبه شدید به یکدیگر، یا علل دیگری که امروز برای ما ناشناخته است؟ هیچ‌کس به درستی نمی‌تواند پاسخی به این سوالات بدهد. علوم روز نیز از توضیح این طلب عاجز است. همین اندازه می‌گوید که در کرات آسمانی در گذشته و حال انفجارهای عظیمی روی داده و می‌دهد؛ حتی از تفسیر علل آن نیز عاجز است. تنها می‌دانیم که به شهادت قرآن، این حوادث در پایان دنیا واقع می‌شود و البته علل آن برای ما ناشناخته است.

## ۲. انفجار دریاها

دیگر از نشانه‌های پایان این جهان و نزدیک شدن رستاخیز، انفجار دریاها است؛ چنانکه

۱. حاقه: ۱۴.

۲. مزمل: ۱۴.

۳. واقعه: ۵ و ۶.

۴. قارعه: ۵.

۵. نبأ: ۲۰.

۶. طه: ۱۰۶.

قرآن در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَإِذَا الْبِحَارُ فَجْرَتْ؛ آن زمان که دریاها منفجر گردد﴾<sup>۱</sup> و در جای دیگر می‌فرماید: «در آن هنگام که دریاها برافروخته شود: ﴿وَإِذَا الْبِحَارُ سَجَرَتْ﴾»<sup>۲</sup> در آیه ۶ سوره طور، ضمن سوگندهای متعدد و پی در پی می‌گوید: «سوگند به دریای برافروخته: ﴿وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ﴾» بی‌شک آیه اول و دوم به «اشراط الساعة» اشاره می‌کند؛ چون آیات بعد از آن، به خوبی به این معنا گواهی می‌دهد. در مورد آیه سوم نیز این تفسیر ذکر شده که به نشانه‌های قیامت ناظر است.

در این آیات، در یک مورد، تعبیر «فجرت» از ماده «فجر» به معنی «شکافتن» به کار رفته که ممکن است به انفجار و برافروختگی دریاها اشاره باشد. این مسئله امروز برای ما مسئله کشف شده است؛ چرا که آب از دو عنصر تشکیل یافته است: «اکسیژن» و «تیدروژن» که هر دو شدیداً قابل احتراق است. اگر عواملی سبب تجزیه آب‌ها شوند، دریاها به کوره‌های عظیمی از آتش سوزان مبدل خواهند شد و یک جرقه کوچک کافی است که عالمی از آتش ایجاد کند. این احتمال نیز داده شده که زلزله‌های شدید آستانه رستاخیز، سبب شکافتن زمین‌ها و راه یافتن دریاها به یکدیگر می‌شوند و نتیجه آن، به هم پیوستگی تمام دریاچه‌ها با دریاهای روی زمین است، و یکی از تفسیرهای آیه همین است.

### ۳. زلزله‌های عظیم و ویرانگر

دیگر از نشانه‌های پایان جهان و نزدیکی قیامت، «زلزله‌های بی‌سابقه و عظیمی» است که تمام کره خاکی ما را به لرزه در آورده؛ همه چیز را درهم می‌ریزد و انسان‌ها را در لحظات کوتاهی مدفون می‌سازد. قرآن می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ؛ ای مردم! از پروردگارتان بترسید و پرهیزکاری پیشه کنید که زلزله رستاخیز مطلب مهمی است﴾. سپس می‌افزاید: «روزی که آن را می‌بینید [چنان گرفتار وحشت می‌شوید که] مادران شیرده، کودکان شیرخوار خود را فراموش می‌کنند؛ هر زن

۱. انفطار: ۳.

۲. تکویر: ۶.

بارداری جنین خود را بر زمین می‌نهد و مردم را مست می‌بینی، درحالی که مست نیستند؛ ولی عذاب خدا شدید است: ﴿يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ﴾. البته زلزله دیگری قبل از احیای مردگان صورت خواهد گرفت که در بعضی دیگر از آیات قرآن به آن اشاره شده است. این احتمال نیز وجود دارد که آیه مورد بحث به آن زلزله اشاره می‌کند، به قرینه ﴿لَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ﴾؛ ولی در این صورت باید مسئله زنان باردار و کودکان شیرخوار به معنای مجازی تفسیر شوند؛ یعنی شدت وحشت ناشی از این زلزله آن قدر زیاد است که اگر زن بارداری باشد، سقط جنین می‌کند و این تفسیر خلاف ظاهر آیه است. به هر حال همین معنی در آیه ۱۴ سوره مزمل آمده است: ﴿وَيَوْمَ تَرْجَفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ﴾ آن روز که زمین و کوهها سخت به لرزه می‌افتند. نظیر آن معنا در سوره واقعه آیه ۴ نیز آمده است: ﴿إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا﴾ هنگامی که زمین به شدت به لرزه در آید و کوهها درهم کوبیده شود!.

#### ۴. تاریک شدن خورشید و ماه و ستارگان!

یکی دیگر از نشانه‌های نزدیک بودن قیامت، «خاموشی چشمه خورشید و کدورت و تیرگی ستارگان» است؛ چنان که قرآن می‌گوید: «در آن هنگام که تومار خورشید درهم پیچیده شود و ستارگان تاریک گردد: ﴿إِذَا الشَّمْسُ كَوَّرَتْ وَ إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ﴾. «کورت»، از ماده «تکوير» در اصل به معنای «پیچیدن و جمع و جور کردن» چیزی است مانند پیچیدن عمامه بر سر. این واژه به معنی تاریک شدن یا افکندن نیز آمده است و ظاهراً این دو معنی در مورد خورشید. لازم و ملزوم یکدیگر است؛ به این ترتیب که خورشید تدریجاً لاغر و جمع و جور می‌شود و رو به تاریکی و بی‌فروغی می‌گذارد. «انکدرت»، از ماده «انکدار» به معنای تیرگی و تاریکی یا سقوط و پراکندگی است و ظاهراً هر دو معنا در مورد ستارگان لازم و ملزوم یکدیگر است. آری؛ طبق گواهی قرآن در پایان جهان، پرفروغ‌ترین مبدأ نور در منظومه شمسی ما، که مایه روشنایی تمام سیارات است، خاموش

و جمع می‌شود و ستارگان دیگر نیز به این سرنوشت گرفتار می‌گردند. نظام موجود کواکب نیز درهم می‌ریزد؛ گویی تعادل جاذبه و دافعه که با «جرم‌ها» و «سرعت حرکت» آنها ارتباط دارد، به هم می‌خورد، و شاید این همان چیزی است که در قرآن مجید در جایی دیگر به آن اشاره کرده، می‌فرماید: ﴿وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ؛ آن زمان ستارگان پراکنده شوند و فرو ریزند﴾.<sup>۱</sup> در سوره قیامت نیز می‌خوانیم: «در آن هنگام که چشم‌ها از شدت وحشت به گردش در می‌آید، و ماه بی‌نور می‌گردد، و خورشید و ماه یک‌جا جمع می‌شود، و انسان می‌گوید راه فرار کجاست؟!»: ﴿فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ وَخَسَفَ الْقَمَرُ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُجُ﴾.<sup>۲</sup>

بر اساس این آیات، تمام این حوادث به طور ناگهانی انجام می‌شود، نه تدریجی، و گرته انسانی در آن وجود نخواهد داشت که چنین سخنی بگوید (دقت کنید). جمع شدن خورشید و ماه ممکن است از این جهت باشد که با از بین رفتن تعادل «جاذبه» و «دافعه»، کره ماه جذب مرکز اصلی، یعنی خورشید خواهد شد. این سخن را با اشاره به آیه دیگری از قرآن در این زمینه پایان می‌دهیم؛ می‌فرماید: ﴿فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ؛<sup>۳</sup> هنگامی که ستارگان محو و تاریک شوند﴾. این تعبیر نیز با آیات مذکور و لوازم آنها هماهنگ است. مجدداً یادآور می‌شویم که این مسائل هم اکنون در جهان هستی در جریان است؛ ولی به صورت تدریجی؛ اما در پایان دنیا شدت می‌گیرد و طی یک سلسله حوادث زنجیره‌ای تند و ناگهانی، این نظام فرو می‌ریزد و به عمر این جهان، به فرمان خدا، پایان داده می‌شود.

### ۵. شکافتن کرات آسمانی

دیگر از نشانه‌های پایان جهان، «دگرگون شدن نظام کواکب» و «شکافتن کرات آسمانی» است که در آیات فراوانی از قرآن مجید به آن اشاره شده و تعبیرات مختلفی درباره آن دیده می‌شود. گاه به «انشقاق» تعبیر می‌کند: ﴿إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ؛ در آن هنگام

۱. انفطار: ۲.

۲. قیامت: ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰.

۳. مرسلات: ۸.

که آسمان [= کرات آسمانی] شکافته شود<sup>۱</sup>. نظیر همین معنی در آیه ۱۶ «حاقه» آمده است: ﴿وَأَنْشَقَّتْ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ﴾ آسمان‌ها از هم شکافته می‌شوند و سست می‌گردند؛ فرومی‌ریزند<sup>۲</sup>. در آیه ۲۵ سوره «فرقان»، همین معنا با مختصر تفاوتی منعکس است: ﴿وَوَيْلٌ لِلْيَوْمِ الَّذِينَ كَفَرُوا لَمَّا نَفُخَ بِالسَّمَاءِ الْغَمَامَ﴾؛ به خاطر بیاور روزی را که آسمان با ابرها از هم شکافته می‌شود<sup>۳</sup>. منظور از «سما» در این آیات، «کرات آسمانی» است که در پایان جهان بر اثر انفجارهای پی‌درپی از هم شکافته می‌شوند؛ ولی در این که منظور از شکافته شدن با «ابرها» چیست؟ این احتمال وجود دارد که منظور همراه بودن متلاشی شدن آسمان‌ها با پیدایش ابرهای سنگینی است که از گرد و غبار آنها حاصل می‌شود (به اصطلاح حرف «باء» در «الغمام»، در این جا به معنی «ملا بست» است؛ همان‌گونه که در تفسیر المیزان این دیدگاه به عنوان احتمال آمده است)؛ ولی مرحوم علامه طباطبایی بعید نمی‌داند که تعبیر مذکور، بر معنای کنایی حمل شود و بگوییم: منظور کنار رفتن حجاب‌های جهل و نادانی و نمایان گشتن عالم غیب است و طبعا در این صورت «باء»، به معنی «عن» خواهد بود؛ یعنی ابرها کنار می‌رود و غیب جهان ظاهر می‌شود؛ ولی تا دلیلی براین تفسیر کنایی نباشد، قبول آن مشکل است.

در حدیثی از امام علی علیه السلام می‌خوانیم: «انها تشق من المجره!؛ آسمان‌ها از قسمت کهکشانشان شکافته می‌شود». این تعبیر جالب توجه با آخرین اکتشافاتی هماهنگ است که دانشمندان در زمینه کهکشانشان دارند و می‌گویند منظومه شمسی و ستارگانی که مشاهده می‌کنیم، جزیی از کهکشانشان بزرگ «راه شیری» است که با چشم غیرمسلح مشاهده می‌شود، و انشقاق خورشید و ماه و ستارگان همراه با شکافته شدن این کهکشانشان بزرگ است (دقت کنید) و گاه به «انفطار» تعبیر شده است؛ می‌فرماید: ﴿إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ﴾<sup>۲</sup> در آن هنگام که آسمان شکافته شود<sup>۳</sup>. نظیر همین معنی در آیه ۱۸ سوره «مزل» آمده است: ﴿السَّمَاءُ مَنفُطْرَةٌ﴾ در آن روز آسمان از هم شکافته می‌شود<sup>۴</sup>. «انفطار» از ماده «فطر» به معنی شکافتن است، و نیز می‌فرماید: ﴿وَإِذَا السَّمَاءُ كَشَطَتْ﴾ در آن هنگام که پرده از

۱. انشقاق: ۱.

۲. انفطار: ۱.

روی آسمان برگرفته شود<sup>۱</sup>. این تعبیر ممکن است به کنار رفتن حجاب‌هایی اشاره باشد که در این دنیا مانع از دیدن ملکوت آسمان‌ها، فرشته‌ها و بهشت و دوزخ است. در آن روز پرده‌ها کنار می‌رود و انسان، حقایق عالم هستی را می‌بیند. در این صورت، با مسئله متلاشی شدن آسمان‌ها ارتباطی ندارد. برخی از مفسران، مانند «طبرسی» در «مجمع البیان» آن را به کنده شدن آسمان‌ها (کرات آسمانی) از جایگاهشان تفسیر کرده اند که لازمه آن به هم ریختن نظام و درنوردیدن طومار آنها است و گاه می‌فرماید: ﴿وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ﴾ در آن هنگام که آسمان شکاف پیدا کند<sup>۲</sup>. ماده «فطر» و «فرج» به یک معنا است، با تفاوت مختصری و لذا به گشوده شدن مشکلات نیز «فرج» گفته می‌شود که نقطه مقابل «شدت» و بسته شدن کارها است و گاه به «فتح» تعبیر فرموده؛ چنان که در آیه ۱۹ «نبأ» می‌خوانیم: ﴿وَوُفِّتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا﴾ و آسمان گشوده می‌شود و به صورت درهای متعدد در می‌آید<sup>۳</sup>. این تعبیر ممکن است به شکافته شدن آسمان‌ها اشاره باشد، چنان که جمعی از مفسران گفته‌اند. و در این صورت، با آیات مذکور هماهنگ است؛ یعنی در کرات آسمانی، شکاف‌های زیادی ظاهر می‌شود که گویی سرتاسر آسمان به درها و روزنه‌هایی تبدیل گردیده است؛ ولی بعضی دیگر آن را بر معنای کنایی حمل کرده و گفته‌اند: منظور گشوده شدن درهای عالم غیب و کنار رفتن حجاب‌ها و ارتباط عالم فرشتگان با عالم انسان‌ها است و نیز می‌فرماید: ﴿يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا﴾ در آن روز آسمان شدید حرکت کند<sup>۴</sup>. «مور» (بر وزن قول) گاه به معنای حرکت شدید، گاه به معنای حرکت دورانی، و گاه به معنای رفت و آمد و اضطراب آمده و لذا به گرد و غباری که باد به هرسو می‌برد، «مور» (بر وزن زور) گفته می‌شود. به هر حال، این تعبیر به معنای متزلزل شدن کرات آسمانی و به هم ریختن نظام آنها و طبعاً متلاشی شدن است. نیز می‌فرماید: ﴿يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ﴾ در آن روز که آسمان همچون فلز گداخته شود<sup>۵</sup>. مفسران

۱. تکویر: ۱۱.

۲. مرسلات: ۹.

۳. طور: ۹.

۴. معارج: ۸.

«مهمل» را به معنای درد خاصی که روغن یا صمغ‌های درختی ته‌نشین می‌کند، و گاه به معنای طلا و نقره مذاب تفسیر کرده‌اند. معنای اخیر برای تفسیر آیه مذکور مناسب‌تر است، و به هر حال، پیدایش چنین حالتی در کرات آسمانی نتیجه متلاشی شدن آنها است. سرانجام در یک تعبیر تکان دهنده می‌فرماید: **يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجِلِ لِلْكَتَبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نَعِيدُهُ؛** در آن روز که آسمان را همچون طومار درهم می‌پیچیم و همان‌گونه که آفرینش را آغاز کردیم، باز می‌گردانیم<sup>۱</sup>. این تعبیر ابعاد گوناگون آسمان‌ها و کواکب آسمانی را در پایان جهان بخوبی روشن می‌سازد و نشان می‌دهد منظومه‌ها و ستارگان ثابت و سیار، همگی مانند یک تومار به هم پیچیده می‌شوند، و همان‌گونه که در آغاز آفرینش به صورت توده واحدی بودند، در می‌آیند و خداوند، دیگر بار طرحی نوین در عالم هستی می‌ریزد و قیامت در این عالم نو، برپا می‌شود.<sup>۲</sup>

از مجموع آنچه در آیات گذشته آمد، چنین نتیجه می‌گیریم که قیامت ادامه دنیا نیست، بلکه این جهان به کلی درهم کوبیده می‌شود؛ انفجارهای عظیم و زلزله‌های هولناک همه چیز را درهم می‌ریزد و درهم می‌پیچد. سپس به اراده خداوند طرح تازه‌ای ریخته می‌شود؛ جهان نوینی بر ویرانه‌های این جهان برپا می‌شود و رستاخیز انسان‌ها در آن عالم جدید صورت می‌گیرد.

۱. انبیاء: ۱۰۴.

۲. مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۶، ص ۲۹ - ۴۰.

### پرسش‌های این درس

۱. دیدگاه قرآن را در مورد پایان جهان بنویسید.
۲. دانشمندان در مورد پایان جهان چند احتمال مطرح کرده‌اند؟
۳. متلاشی شدن کوه‌ها و انفجار دریاها چگونه خواهد بود؟
۴. شکافتن کرات آسمانی در پایان جهان چگونه خواهد بود؟

## منابع

### الف) کتاب‌ها

۱. اصفی، مهدی، *انتظار پویا*، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۵ ش.
۲. البرو، مارتین، *عصر جهانی، جامعه شناسی پدیده جهانی شدن*، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران، آزاداندیشان، ۱۳۸۰ ش.
۳. ابن حماد، نعیم، *الملاحم و الفتن*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۴ ق.
۴. ابن فارس، احمد، *مقاییس اللغة و مصباح اللغة*، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۵. اربلی، علی بن الحسین، *کشف الغمه*، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ش.
۶. امینی، ابراهیم، *دادگستر جهان*، قم، شفق، ۱۳۸۵ ش.
۷. بحرانی، هاشم، *البرهان*، قم، مؤسسه بعثت، ۱۴۱۷ ق.
۸. جان، تامیلسون، *جهانی شدن و فرهنگ*، ترجمه محسن حکیمی، تهران، چاپ نیل، ۱۳۸۱ ش.
۹. چالمرز جانسون، *تحول انقلابی (بررسی نظری پدیده انقلاب)*، ترجمه حمید الیاسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.
۱۰. حکیمی، محمدرضا، *الحیاه*، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۴ ش.
۱۱. حکیم، محمد باقر، *جامعه انسانی از دیدگاه قرآن کریم*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۱۲. دمشقی، قاضی أبو العز، *شرح العقیده الطحاویة*، علی بن محمد، ۷۹۲ هـ، دکتر عبدالله بن عبدالحسن التركي (محقق)، بیروت، مؤسسه الرساله.
۱۳. رابرتسون، رونالد، *جهانی شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی*، ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۵ ش.
۱۴. رجایی، فرهنگ، *پدیده جهانی شدن و طبیعت بشری و تمدن اطلاعات*، مترجم: عبدالحسین آذرنگ، تهران، نشر آگه، ۱۳۸۰ ش.

۱۵. رضوانی، علی اصغر، موعود شناسی و پاسخ به شبهات، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۶ش.
۱۶. ری کیلی و فیل مارفلیت، جهانی شدن و جهان سوم، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰.
۱۷. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ در ترازو، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۵ش.
۱۸. سعیدی، رحمان و کیا، علی اصغر، نقش جهانی شدن و رسانه‌ها در هویت فرهنگی، تهران، انتشارات خجسته، ۱۳۸۵ش.
۱۹. سلیمی، حسین، فرهنگ گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر، چاپ دوم، تهران، مرکز چاپ وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳ش.
۲۰. صدر، محمد باقر، رهبری بر فراز قرون، تهران، موعود، ۱۳۸۶ش.
۲۱. \_\_\_\_\_، المدرسة القرآنیة، همایش امام صدر، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۲۲. صدر، محمد، تاریخ پس از ظهور، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ش.
۲۳. \_\_\_\_\_، تاریخ غیبت کبری، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ش.
۲۴. صدوق، محمد، کمال الدین و تمام النعمه، چاپ دوم، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۲۵. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ش.
۲۶. طبرسی، احمد بن علی، مجمع البیان، تهران، رابطه الثقافة و العلاقات الاسلامیة، ۱۴۱۷ق.
۲۷. طوسی، محمد بن الحسن، کتاب الغیبه، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۲۸. عالی‌زاده، عبد الرضا، آینده پژوهی چه نسبتی با برنامه استراتژیک دارد؟، تهران، هنر رسانه.
۲۹. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ش.
۳۰. عیوضی، محمد رحیم، انقلاب اسلامی و زمینه‌ها و ریشه‌های آن، تهران، نشر معارف، ۱۳۸۷ش.
۳۱. فراتی، عبدالوهاب، رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی، قم، نشر معارف، ۱۳۷۷ش.
۳۲. قرآن کریم.
۳۳. قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
۳۴. کارگر، رحیم، جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۹۰ش.
۳۵. \_\_\_\_\_، فروغ حق (مصاف حق و باطل از نهضت حسینی تا انقلاب مهدوی)، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۷ش.
۳۶. \_\_\_\_\_، مهدویت (پس از ظهور)، قم، نشر معارف، ۱۳۸۷ش.

۳۷. کاظمی، علی اصغر، *جهانی شدن فرهنگ و سیاست* (نقد و تحلیل نظری، معرفت شناختی)، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۰ ش.
۳۸. کچویان، حسین، *نظریه‌های جهانی شدن و دین*، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵ ش.
۳۹. کلینی، محمدبن یعقوب، *کافی*، ترجمه و شارح: محمد باقر کمره ای، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۵ ش.
۴۰. کورانی، علی، *عصر ظهور*، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۷۹ ش.
۴۱. گروه آینده نگاری سازمان توسعه ملل متحد، *راهنمای آینده نگاری فناوری یونیدو*، ترجمه سونیا شفیعی، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دخانچی، ۱۳۷۸ ش.
۴۲. گل محمدی، احمد، *جهانی شدن، فرهنگ، هویت*، چاپ سوم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۶ ش.
۴۳. گیدنز، آنتونی، *جهان رها شده*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، نشر علم و ادب، ۱۳۷۹ ش.
۴۴. مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۴۵. مطهری، مرتضی، *قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ*، چاپ دوازدهم، تهران، صدرا، ۱۳۷۱ ش.
۴۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الرساله الثالثه فی الغیبه*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۴۷. مقدسی، یوسف بن یحیی، *عقد الدرر*، قاهره، عالم الفکر، بی‌تا.
۴۸. نعمانی، محمد، *الغیبه*، مصحح: استاد غفاری، ترجمه محمد جواد غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۶ ش.

### ب) روزنامه ها و مجلات

۱. آقا پور و ...، «آینده نگری؛ مبانی، ضرورت ها و روش شناسی ها»، *راهبرد یاس*، شماره ۹.
۲. «اسلام و جهانی شدن»، *کتاب نقد*، ش ۲۵ و ۲۴.
۳. احمدی، فضل الله و دیگران، «تکنیک دلفی (بزازی در تحقیق)»، *مجله آموزش در علوم پزشکی*، بهار و تابستان ۱۳۸۷ ش.
۴. اسماعیلی، اسماعیل، «بررسی نشانه های ظهور»، *حوزه*، ۱۳۷۴، شماره ۷۰ و ۷۱.
۵. اسماعیلی، رضا، «جهانی شدن تهدیدها و فرصت‌های ناشی از آن»، *رشد آموزشی علوم اجتماعی*، شماره ۴، ۱۳۸۲ ش.
۶. اکرمی، موسی، «آینده‌شناسی و آینده‌نگری»، *فصلنامه رهیافت*، شماره ۱۶.

۷. امامی، سید مجید، «جهانی شدن پایان، موعودباوری متناقض غرب و جهانی شدن آغاز نگاهی دیگر به بحران مدرن و رویکرد مهدوی»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۳۸.
۸. بل، وندل، «بازاندیشی در ارزش‌ها، عینیت و آینده»، ترجمه علی بهار، فصلنامه رهیافت، شماره یازدهم، زمستان، ۱۳۷۴ ش.
۹. بهروز لک، غلامرضا، «بررسی نسبت مهدویت پژوهی و آینده پژوهی»، مجموعه مقالات مهدویت و آینده پژوهی.
۱۰. بهروز لک، غلامرضا، «مهدویت و بازآفرینی هویت اسلامی»، روزنامه جام جم، ۱۳۸۳/۹/۱.
۱۱. پور سید آقایی، سید مسعود، «مهدویت و رویکردها»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴، زمستان ۱۳۸۶ ش.
۱۲. جمعی از نویسندگان، فصلنامه انتظار موعود، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ش ۷.
۱۳. جیمز، دی تور، «آینده پژوهی به عنوان دانش کاربردی»، رهیافت، شماره ۲۰، بهار ۱۳۷۸ ش.
۱۴. جیمز، روزنا، «پیچیدگی‌ها و تناقضهای جهانی شدن»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷ ش.
۱۵. رهدار، احمد، «جهانی شدن خارج شدن از تاریخ»، پگاه حوزه، شماره ۲۶، بهمن ۱۳۸۱، شماره ۸۸.
۱۶. ساروخانی، باقر، «شبه سازی با شیوه ای در تحقیقات اجتماعی»، ماهنامه علوم اجتماعی، شماره دوم، بهار ۱۳۶۸ ش.
۱۷. سوزنچی، حسین، «مهدویت و انتظار در اندیشه شهید مطهری»، فصلنامه قبسات، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۸۳ ش.
۱۸. سینار ساینس، پیر. دی، «جهانی سازی باورهای سنتی را کمرنگ می کند»، مترجم: علی اکبر شریفی، روزنامه جام جم، ۱۳۸۰/۵/۲۵.
۱۹. شیرودی، مرتضی، «جهانی سازی اسلام و آینده بشریت»، معرفت، سال ۱۳۸۳، شماره ۷۹، ص ۱۱۳-۱۱۴.
۲۰. عیوضی، محمد رحیم، «آینده انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۶، شماره ۱۸.
۲۱. فراهانی منفرد، مهدی وهمکاران، «نقش عصبیت در تاریخ از دیدگاه ابن خلدون»، قبسات ۱، سال یازدهم، زمستان ۱۳۸۵ ش.

۲۲. فرجی، روح‌الله، «مهدویت و جهانی شدن»، مقاله ارائه شده به دبیرخانه همایش بین‌المللی ایران فرهنگ، زمستان ۱۳۸۷ ش.
۲۳. قانع، حمید فاضل، «آینده پژوهی و جامعه مطلوب اسلامی»، معرفت فرهنگی و اجتماعی، سال اول، شماره اول، ۱۳۸۸، ص ۶۱.
۲۴. قربانی، سعید، «تحلیلی کارکردگرایانه بر آموزه‌های متعالی مهدویت از نگاه آینده‌پژوهی»، فصلنامه انتظار موعود، سال سیزدهم، شماره ۴۰، بهار ۱۳۹۲، ص ۳۳ و ۳۵.
۲۵. \_\_\_\_\_، «جهانی شدن و حکومت جهانی امام مهدی»، انتظار موعود، زمستان ۱۳۸۱، شماره ۶.
۲۶. \_\_\_\_\_، «آینده پژوهی قرآن و جایگاه مهدویت در قرآن»، فصلنامه انتظار موعود، سال دهم، شماره ۳۲، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۳۹.
۲۷. \_\_\_\_\_، «زمینه شناسی سیاسی انقلاب جهانی، مهدوی»، انتظار موعود، شماره ۲۹.
۲۸. کچویان، حسین، «نظریه های فرهنگ و جهانی شدن: از رویکرد تا واقعیت»، فصل نامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲ و ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۴ ش.
۲۹. گرل، الزابت، جهانی سازی معاصر و چالش های اخلاقی آن، مترجم: گودرز میرزائی، روزنامه جوان، ۱۳۸۰/۱۱/۳۰ ش.
۳۰. گل محمدی، فرهود، «بررسی ابعاد مهدویت و ارتباط آن با پدیده جهانی شدن»، مقاله ارائه شده، به دبیرخانه همایش بین‌المللی ایران فرهنگی، زمستان ۱۳۸۷ ش.
۳۱. محمد شیری، مسلم و جعفری، علی، «مهدویت شیعی و جهانی شدن»، مقاله ارائه شده به دبیرخانه همایش بین‌المللی ایران فرهنگی، زمستان ۱۳۸۷ ش.
۳۲. منطقی، محسن، «آینده پژوهی؛ ضرورت آینده مطالعات فرهنگی و علمی»، اسلام و پژوهش های مدیریتی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۰ ش.
۳۳. موحدیان عطار، علی وعاشوری ذبیح‌الله و شهرام‌فر، جعفر، «دولت مهدویت، راهبردها و کارکردها»، مقاله ارائه شده بر دبیرخانه بین‌المللی ایران فرهنگ، زمستان ۱۳۸۷.
۳۴. موحدیان عطار، علی، «گونه‌شناسی اندیشه موعود در ادیان مختلف»، فصلنامه تخصصی هفت آسمان، سال سوم و چهارم شماره دوازدهم و سیزدهم زمستان ۸۰ و بهار ۱۳۸۱.
۳۵. واعظی، «علم دینی از منظر آیت الله جوادی آملی»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، بهار ۱۳۸۸ ش.